

به نام خدا



فصلنامه

پژوهش‌های تجربی حسابداری "نشریه علمی"

سال یازدهم، شماره ۴۲، زمستان ۱۴۰۰

این فصلنامه "نشریه علمی" طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره سوم با درجه علمی _ پژوهشی منتشر می‌شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول: سید علی حسینی

سر دبیر: علی رحمانی

عضو هیئت تحریریه	دانشگاه	درجه علمی	رشته
امید پورحیدری	دانشگاه شهید باهنر کرمان	استاد	حسابداری
حمید پورجلالی	دانشگاه هاوایی ایالات متحده امریکا	استاد	حسابداری
رضوان حجازی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
علی رحمانی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
ذبیح اله رضایی	دانشگاه ممفیس ایالات متحده امریکا	استاد	حسابداری
حسین سجادی	دانشگاه شهید بهشتی	استاد	حسابداری
غلامرضا سلیمانی امیری	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
بیبا مشایخی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
ساسان مهرانی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
سعید همایون	دانشگاه گاول سوئد	دانشیار	حسابداری
حسن یزدی فر	دانشگاه سالفورد انگلستان	استاد	حسابداری

مدیر اجرایی: اعظم پاک خصال

ویراستار علمی و ادبی: نازنین بشیری منش

ویراستار انگلیسی: الهه ابراهیمی

صفحه آرا: مرضیه حسن زاده علی آبادی

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک رامتین

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: jera@alzahra.ac.ir

این فصلنامه با همکاری انجمن حسابداری مدیریت ایران به چاپ می رسد.

خط مشی انتشار مجله

فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری نشریه‌ای علمی است که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/آرشیوی، آزمایش، بین رشته‌ای/انتقادی، بازارپایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تأکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
۲. پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
۳. پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن Nazanin B با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن Zar B با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره

گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار مقاله

۱-۲. **صفحهٔ جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبهٔ علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شمارهٔ تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبهٔ علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحهٔ اول مقاله:** عنوان و چکیدهٔ مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوهٔ استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحهٔ دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارندهٔ موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینهٔ (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان

بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی‌نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.

- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.

در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۴-۲. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)

۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۰/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین

ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در نگاره‌هایی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی‌نوشت و محتوای پی‌نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

فهرست مطالب

- ۱.....الگوی اثر سطح رقابتی بورس اوراق بهادار بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه.....۱
بشیر شکاری، رضوان حجازی، قدرت‌اله طالب‌نیا، حمیدرضا و کیلی فرد
- ۳۳.....مقایسه مدل‌های قلب در تعدیل برنامه حسابرسی۳۳
مسعود طاهری، ناصر ایزدی نیا، رزیتا مؤید فر
- ۵۵.....مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حاکمیت شرکتی و عدم شفافیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران.....۵۵
پریسا سادات بهبهانی نیا، نرگس عسگری
- ۷۷.....واکاوی رفتار مدیران واحد گزارشگر نسبت به تهیه صورت‌های مالی متقلبانه.....۷۷
مونا سادات کابلی، هاشم نیکو مرام، دکتر فریدون رهنمای رودپشتی
- ۱۰۴.....مقایسه روش آموزش ترکیبی وستی از بهدروصابت‌مندی تحصیلی دانشجویان حسابداری.....۱۰۴
مریم السادات طباطبائیان، شهناز مشایخ
- رابطه دوره تصدی و چرخش حساب‌رسان مستقل با گزارش نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی حاکم
بر گزارشگری مالی.....۱۲۵
اعظم ولی زاده لاریجانی، آزاده مداحی، نسرين شیبانی
- ۱۵۱.....عوامل مؤثر بر عدم پذیرش صاحبکار توسط مؤسسات حسابرسی.....۱۵۱
فخرالدین محمدرضایی، امید فرجی، سیدمحمد علوی‌نسب، شیوا مصلی‌نژاد
- ۱۶۹.....رابطه تنوع بخشی در آمدی با ساختار سرمایه و سودآوری.....۱۶۹
مجید منتشری، مسلم نیلچی، داریوش فرید
- ۱۸۷.....بررسی ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی.....۱۸۷
یونس عباسی، بابک جمشیدی نوید، مهرداد قنبری
- ارائه مدلی برای سنجش خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته
شده در بورس اوراق بهادار تهران.....۲۱۱
بهمن عبدی گلزار، یونس بادآورنهندي، مهدی زینالی

الگوی اثر سطح رقابتی بورس اوراق بهادار بر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه^۱

بشیر شکاری^۲، رضوان حجازی^۳، قدرت‌اله طالب‌نیا^۴، حمیدرضا وکیلی‌فرد^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۰۶

مقاله پژوهشی

چکیده

اطلاعات در بازارهای مالی به گونه‌ای نامتقارن بین سرمایه‌گذاران توزیع می‌گردد. در چنین موقعیتی، سرمایه‌گذاران به منظور پوشش ریسک، بازده مورد انتظار خود را افزایش می‌دهند. بنابراین، ریسک اطلاعات گزارش شده و توزیع نامتقارن اطلاعات، عاملی مؤثر بر بازده مورد انتظار سهامداران یا هزینه سرمایه خواهد بود. در تئوری‌ها، دو طیف بازار رقابتی متفاوت در رابطه با تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه مطرح است. سطح رقابت کامل، مبنی بر تقارن اطلاعاتی و اثر آن بر هزینه سرمایه و سطح رقابت ناقص، مبنی بر تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه است. بر همین اساس، هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه در دو سطح متفاوت در بورس اوراق بهادار تهران است. از این رو نمونه‌ای متشکل از ۱۴۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ انتخاب گردید. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، از رگرسیون پنل دیتا به روش تلفیقی بهره گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس هر سه معیار سنجش عدم تقارن اطلاعاتی، عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تأثیر مثبت دارد. به عبارت دیگر، با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، هزینه سرمایه نیز افزایش می‌یابد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که سطح رقابت بازار بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه تأثیر معناداری دارد. به عبارت دیگر، در سطح رقابت ناقص بازار، تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تقویت می‌شود در حالی که، در سطح رقابت کامل، تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تضعیف می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سطح رقابتی بازار، هزینه سرمایه، عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت اقلام تعهدی، اختلاف قیمت

پیشنهادی خرید و فروش.

طبقه بندی موضوعی: D41, D42, D82, E31

DOI: 10.22051/JERA.2018.20118.2018

۲. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران (bashirshकारी57@gmail.com)

۳. استاد گروه حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (r.hejazi@khatam.ac.ir)

۴. دانشیار گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (gh_talebnia@gmail.com)

۵. دانشیار گروه حسابداری، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران، (vakilifard_phd@yahoo.com)
<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

یکی از مهم‌ترین اهدافی که مدیران مالی برای به حداکثر رساندن ثروت سهامداران باید در نظر بگیرند، تعیین بهترین ترکیب منابع تأمین مالی شرکت یا همان ساختار سرمایه است. از نظر مدیر مالی تعیین رابطه بین هزینه سرمایه، ساختار سرمایه و ارزش کل شرکت اهمیت بسیار زیادی دارد، زیرا می‌توان با استفاده از ساختار سرمایه بر ارزش شرکت تأثیر گذاشت. مفهوم هزینه سرمایه نیز بر این فرض مبتنی است که هدف یک شرکت عبارت است از به حداکثر رسانیدن ثروت سهامداران (جهانخانی و پارسائیان، ۱۳۸۵). مدیران به منظور متعادل نگه داشتن جز هزینه سرمایه در مقابل هزینه بدهی‌ها و در نهایت افزایش ثروت سهامداران اهمیت زیادی برای این متغیر کلیدی قائلند. به عنوان مثال با پیش بینی سود به موقع، مدیران می‌توانند تا حدودی به این هدف خود نائل گردند (خواست خدائی، ۱۳۹۰).

بحث عدم تقارن اطلاعاتی از لحاظ تئوریک همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. تئوری‌ها نشان می‌دهند که نابرابری اطلاعاتی ممکن است موجب شکست بازار شده و این امر از طریق تمایل به سرمایه‌گذاری کمتر یا بیشتر از واقع موجب ناکارآمدی در سطح کلان و خرد می‌شود. از آنجایی که سرمایه‌گذاران به عنوان اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان منابع شرکت‌ها، متقاضی اطلاعات کامل و درست شرکت‌ها هستند، عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران، مساله انتخاب نادرست را در تعیین قیمت‌های پیشنهادی نامناسب به وجود می‌آورد (برون و هیلی جیست، ۲۰۰۷).

یکی از نکات مهمی که همواره در مورد بازارهای سرمایه به ویژه بورس‌های اوراق بهادار مطرح می‌شود، بحث کارایی بازار است که بر طبق آن تمامی اطلاعات موجود در بازار، اثرات خود را بر روی قیمت سهام منعکس می‌کنند. شاید بتوان از دیدگاه فرضیه بازار کارا، دلیل وجودی حسابداری را عدم تقارن اطلاعاتی بیان کرد که در آن یکی از طرفین مبادله، اطلاعات بیشتری را نسبت به طرف مقابل در اختیار دارد این امر به علت وجود معاملات و اطلاعات درونی به وجود می‌آید (قائم و وطن پرست، ۱۳۸۴).

این پژوهش از دو منظر حائز اهمیت است. نخست اینکه با توجه به جستجوها و بررسی‌های صورت گرفته، ارتباط میان عدم تقارن اطلاعاتی با هزینه سرمایه را مورد بررسی قرار می‌دهد. تاکنون، در خصوص شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، که این پژوهش نیز در راستای پژوهش‌های انجام شده بوده و می‌تواند بستری را جهت پژوهش‌های آینده در این زمینه فراهم سازد. دوم اینکه، موجب کمک به سهامداران شرکتهای سرمایه‌گذاری، سازمان بورس اوراق بهادار و اقتصاد کشور، در زمینه

درک بهتر روابط بین عوامل موجود در بازار می‌شود. همین امر محقق را بر آن داشته تا در پژوهشی، رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی با هزینه سرمایه را مورد بررسی قرار داده و به تحلیل نتایج حاصله پردازد. در همین راستا محقق نسبت به ارائه الگوهایی مستخرج از یافته‌های پژوهش اقدام نموده که نسبت به پژوهش‌های پیشین از نوآوری بیشتری برخوردار شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

هزینه سرمایه از مباحث اساسی است که به دلیل کاربردهای وسیع آن در ادبیات مالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران این حوزه قرار گرفته است. هزینه سرمایه‌دارای کاربردهایی مانند معیار پذیرش طرح‌های سرمایه‌گذاری جدید، نرخ تنزیل برای محاسبه ارزش افزوده بازار و معیار ارزیابی نرخ‌های بازده سرمایه به کار گرفته شده است. در تمام مدل‌های ارزیابی اوراق بهادار، تعیین هزینه سرمایه و اجزای آن شامل هزینه سرمایه ضرورتی انکارناپذیر است و به همین دلیل، عوامل اثرگذار بر آن، همواره یکی از چالش‌های مهم در ادبیات مالی می‌باشد (بولو، ۱۳۸۶).

یکی از مهم‌ترین عوامل در تصمیم‌گیری صحیح، اطلاعات مناسب و مرتبط با موضوع تصمیم است که اگر به درستی فراهم و پردازش نشوند اثرات منفی برای فرد تصمیم‌گیرنده خواهد داشت از سوی دیگر نوع و چگونگی دستیابی به اطلاعات نیز حائز اهمیت است. در صورتی که اطلاعات مورد نیاز به صورتی نامتقارن در بین افراد توزیع شود (انتقال اطلاعات به صورت نابرابر بین مردم صورت گیرد) می‌تواند نتایج متفاوتی را نسبت به یک موضوع واحد سبب شود. بنابراین قبل از اینکه خود اطلاعات برای فرد تصمیم‌گیرنده مهم باشد، این کیفیت توزیع اطلاعات است که باید به صورت دقیق مورد ارزیابی قرار گیرد. زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی در رابطه با سهام یک شرکت افزایش یابد ارزش ذاتی آن با ارزشی که سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه برای سهام مورد نظر قائل می‌شوند متفاوت خواهد بود. در نتیجه ارزش واقعی سهام شرکت‌ها با ارزش مورد انتظار سهامداران تفاوت خواهد داشت.

آنچه در بازارهای سرمایه مورد توجه قرار گیرد این است که بسیاری از افرادی که اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند، مردم عادی هستند که تنها راه دسترسی آنها به اطلاعات مهم شرکت‌ها، اطلاعیه‌هایی می‌باشد که از جانب شرکت‌ها منتشر می‌شود. یک نمونه از این نوع اطلاعیه‌ها را می‌توان اعلان سود برآوردی هر سهم دانست که در آن سود پیشنهادی هر سهم از جانب شرکت پیش‌بینی شده و به اطلاع عموم رسانده می‌شود. در ایران، براساس ماده ۵ آئین‌نامه افشای اطلاعات

شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مدیران شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس موظف هستند که بودجه و پیش‌بینی عملکرد سالانه حداکثر ۳۰ روز قبل از شروع سال مالی جدید و تعدیل پیش‌بینی عملکرد سالانه در دوره‌های سه ماهه، حداکثر ۲۰ روز بعد از پایان دوره و پیش‌بینی درآمد هر سهم خود را به صورت ۳ ماهه واقعی و یک ساله پیش‌بینی و حداکثر ۲۰ روز بعد از پایان دوره سه ماهه، به مدیریت نظارت بر شرکت‌های سازمان بورس اوراق بهادار در تهران ارسال نمایند. با توجه به اینکه اعلان سود می‌تواند بر قیمت سهام تأثیرگذار باشد، در نتیجه می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های افراد نقش مهمی را ایفا کند. و از آنجا که در بند اول مفاهیم نظری و گزارشگری مالی استاندارد حسابداری ایران، هدف اصلی از ارائه اطلاعات حسابداری کمک به تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افراد می‌باشد خود می‌تواند گویای اهمیت فوق‌العاده این امر باشد. حال اگر در بین سرمایه‌گذارانی که در بازار سرمایه مشغول فعالیت بوده، افرادی باشند که از نظر اطلاعاتی نسبت به سایرین در موقعیت بهتری قرار داشته باشند و به عنوان مثال از اعلان‌هایی که قرار است درباره سود صورت پذیرد مطلع باشند قادر خواهند بود تا بر عرضه و تقاضای بازار تأثیر گذاشته و به اصطلاح منجر به بروز شکاف قیمت‌ها گردند. دلیل اصلی آن نیز وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه می‌باشند که بر طبق آن افراد مطلع از اعلان سود (و یا هر خبر با اهمیت دیگر) را نسبت به سایرین در موقعیت تصمیم‌گیری مناسب‌تری قرار می‌دهند.

ادبیات مالی بیانگر این است که اطلاعات نقش مهمی را در تعیین هزینه سرمایه شرکت‌ها بازی می‌کند (ستایش، محمد حسین، غفاری، ۱۳۹۲). علاوه بر این، شرکت‌ها با رویه‌های افشای اطلاعاتی بیشتر آینده‌نگر، هزینه سرمایه پایین‌تری دارند. برای مثال، مهرآذین و عباس‌نژاد در رابطه با شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران اعلام کردند، شرکت‌هایی که افشای اطلاعاتی بیشتری دارند در مقایسه با شرکت‌هایی که افشای اطلاعات کمتری دارند، هزینه سرمایه کمتری را تجربه می‌کنند. نتایج بررسی این دو محقق نشان داد رابطه بین افشا و هزینه سرمایه به صورت معناداری معکوس می‌باشد (مهرآذین و عباس‌نژاد، ۱۳۹۲).

سطوح رقابتی بازار از جمله عوامل مهم مؤثر بر عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه بر هزینه سرمایه است. زمانی که بازار سرمایه به صورت غیررقابتی باشد، شرکت‌ها با درجه بالای عدم-تقارن اطلاعاتی، هزینه سرمایه بالاتری نسبت به شرکت‌هایی با درجه پایین عدم تقارن اطلاعاتی دارند. زمانی که بازار به صورت رقابتی باشد، در هر مقطع زمانی، خریداران و فروشندگان از قیمت سهام اطلاع دارند. به بیان دیگر، هر چه بازار سرمایه رقابتی‌تر باشد، شرکت‌هایی با درجه

بالای عدم تقارن اطلاعاتی، اختلاف کمتری در هزینه سرمایه نسبت به شرکت‌هایی با درجه پایین عدم تقارن اطلاعاتی خواهند داشت و از این رو، عدم تقارن اطلاعاتی عامل تعیین‌کننده در تعیین هزینه سرمایه نخواهد بود (خانی و قجاوند، ۱۳۹۱). بنابراین انتظار می‌رود که با افزایش سطح رقابتی تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تضعیف گردد.

پیشینه خارجی

ونکی ناگار و همکاران (۲۰۱۸) اثر عدم اطمینان سیاست اقتصادی بر عدم تقارن اطلاعاتی سرمایه‌گذار و افشای مدیریت را مورد مطالعه قرار دادند عدم اطمینان سرمایه‌گذاران در مورد ارزش شرکت، جمع‌آوری اطلاعات سرمایه‌گذاران و فعالیت‌های معاملات و همچنین انواع انتخاب‌های افشای مدیران را موجب می‌شود. این مطالعه یک منع مهم عدم قطعیت (عدم اطمینان در مورد سیاست‌های اقتصادی دولت) را بررسی می‌کند که به احتمال زیاد نمی‌تواند توسط اکثر مدیران و سرمایه‌گذاران تحت تأثیر قرار گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که این عدم قطعیت با افزایش شکاف قیمتی و کاهش واکنش قیمت سهام به سودهای غیرعادی همراه است. مدیران با افزایش افشای داوطلبانه به این عدم اطمینان پاسخ می‌دهند، اما این افشاه‌ها تنها تا حدودی موجب کاهش شکاف قیمت خرید و فروش می‌شوند. نتایج نشان می‌دهد که عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی دولت، جزء مهمی از محیط اطلاعاتی شرکت و تصمیمات مربوط به افشای داوطلبانه مدیران است.

لی و ژانگ (۲۰۱۶) به بررسی تأثیر رقابت بازار محصول بر ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد فشار ناشی از رقابت بازار موجب می‌شود شرکت‌ها اطلاعات منفی را افشا نکنند هم‌چنین رقابت ممکن است به طور معکوس بازار مالی را از طریق افزایش احتمال سقوط قیمت سهام تحت تأثیر قرار دهد.

آبد و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی تحت عنوان اظهار نظر حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اسپانیا رابطه بین عدم اظهار نظر حسابرس و عدم تقارن اطلاعاتی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان داد که شرکت‌هایی با گزارش‌های حسابرسی تعدیل شده، عدم تقارن اطلاعات بالاتری در بازار سهام را نسبت به شرکت‌هایی با اظهار نظر مقبول نشان می‌دهند. همچنین شرکت‌های با بند حسابرسی غیر کمی، عدم تقارن اطلاعات بالاتری در بازار سهام را نسبت به شرکت‌های با بند حسابرسی کمی نشان می‌دهند.

و شرکت‌های با بندهای حساسی غیر کمی درباره تداوم فعالیت، دارای عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری نسبت به شرکت‌های که بندهای حساسی غیر کمی ابهام و محدودیت در رسیدگی دارند، هستند.

چن و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی رابطه بین رقابت در بازار محصول و هزینه سرمایه را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش در ۲۲ صنعت نشان داد در صنایعی که رقابت بازار محصول در آن‌ها بیشتر است هزینه سرمایه کاهش می‌یابد.

پنگ هی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی تحت عنوان «عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه» به بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه در شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار استرالیا پرداختند. پژوهش‌گران شکاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام را جهت دستیابی به جزء گزینش نادرست (به عنوان معیاری برای عدم تقارن اطلاعاتی) تجزیه نمودند. در این پژوهش، آن‌ها بعد از کنترل متغیرهای شناخته شده، که بر بازده مورد انتظار حقوق صاحبان سهام تأثیر داشتند (از قبیل بتا، اندازه شرکت، ارزش دفتری به ارزش بازار و ...)، یک ارتباط مثبت و معنی دار بین عدم تقارن اطلاعاتی و نرخ بازده مورد نیاز سهامداران نشان داده شد.

پیشینه داخلی

بادآور نهدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی نقش تعدیل‌گری ارزش‌گذاری نادرست سهام بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه را مورد بررسی قرار دادند. این محققان برای گسترش ادبیات رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه از متغیر تعدیل‌گر ارزش‌گذاری نادرست سهام استفاده کردند. نتیجه پژوهش حاکی از وجود ارتباط معنی دار و معکوس بین عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه است. نتایج بررسی نقش تعدیل‌گری ارزش‌گذاری نادرست سهام نیز نشان می‌دهد متغیر ارزش‌گذاری نادرست سهام باعث تعدیل رابطه عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه می‌شود.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۷) تأثیر رقابت در بازار محصول بر ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران را مورد بررسی قرار دادند. این محققان با گسترش ادبیات ریسک‌پذیری از شاخص‌های هرفیندال هریشمن، مخارج سرمایه‌ای و شاخص لرنر تعدیل شده استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد شاخص هرفیندال_هریشمن اثر منفی و معنی‌داری بر مخارج سرمایه‌ای دارد

بنابراین با افزایش رقابت در بازار، مخارج سرمایه‌ای افزایش می‌یابد و بین شاخص لرنر تعدیل - شده با بازده سرمایه‌گذاری‌ها رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار وجود دارد، یعنی با افزایش شدت رقابت در بازار، بازده سرمایه‌گذاری‌ها افزایش می‌یابد. به‌طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد مکانیزم بازار عاملی مؤثر بر ریسک‌پذیری هست.

کردستانی و صابر (۱۳۹۷) در پژوهشی رقابت در بازار محصول، عدم تقارن در رفتار هزینه‌ها و انتظار مدیر از فروش آتی را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهشگران برای گسترش ادبیات پژوهشی در زمینه عدم تقارن اطلاعاتی، انتظارات مدیران از فروش آتی شرکت را بررسی کردند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد با افزایش رقابت در بازار محصول، عدم تقارن در رفتار هزینه‌ها افزایش می‌یابد و خوش‌بینی مدیر نسبت به فروش آتی، تأثیر مثبت رقابت در بازار محصول بر عدم تقارن در رفتار هزینه‌ها را افزایش می‌دهد.

سپاسی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی رقابت در بازار محصول و تأثیر آن بر سه معیار مهم در تصمیم‌گیری؛ هزینه نمایندگی، ساختار سرمایه و هزینه سرمایه پرداختند. این پژوهشگران برای کشف تأثیرات رقابت بازار محصول بر شکاف اطلاعاتی، به مسائل هزینه‌های نمایندگی، ساختار سرمایه و هزینه سرمایه توجه کردند. هزینه سرمایه که ناشی از سرمایه‌گذاری شرکت است کمتر در ادبیات پژوهشی مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی مشاهده می‌شود. در حقیقت بررسی هزینه سرمایه می‌تواند اطلاعات بیشتری در زمینه تضادهای نمایندگی بین مدیران و سهامداران ایجاد کند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن است که رقابت در بازار محصول بر هزینه نمایندگی و هزینه سرمایه تأثیر منفی و معنی‌داری می‌گذارد اما بین رقابت در بازار محصول و ساختار سرمایه رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

آقایی و همکاران (۱۳۹۶) برای پر کردن شکاف مربوط به پژوهش‌های عدم تقارن اطلاعاتی، موضوعات محیط اطلاعاتی و انگیزه‌های فرصت طلبانه مدیران را بررسی کردند. آنها با بررسی تأثیر پیچیدگی و پویایی محیطی بر رابطه مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی بر اساس الگوی سیستم معادلات هم‌زمان با استفاده از روش تخمین معادلات رگرسیون نشان دادند که بین مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه مثبت وجود دارد و این رابطه برای شرکت‌هایی که عملیات تجاری آنها با نوسانات بالای قیمت فروش (پویایی) مواجه بوده، تضعیف شده است. حجازی و همکاران (۱۳۹۵) تأثیر کیفیت حسابداری به عنوان یک مکانیزم نظارتی را بر عدم تقارن اطلاعاتی مورد بررسی قرار دادند. آنها در پاسخ به این که تا چه حد مکانیزم‌های نظارتی قادر به

کشف و کنترل عدم تقارن اطلاعاتی هستند، موضوع کیفیت حسابرسی را مطرح کردند. بر اساس نتایج پژوهش، تنها چرخش مؤسسه حسابرسی رابطه معنی داری با عدم تقارن اطلاعاتی دارد. از میان متغیرهای کنترلی نیز رابطه میان اندازه شرکت و نسبت بدهی مثبت و معنی دار است. با توجه به نتایج پژوهش به سازمان بورس و اوراق بهادار توصیه می شود برای افزایش کیفیت حسابرسی و بهبود اطلاعات در دسترس استفاده کنندگان، به هزینه های نمایندگی توجه ویژه داشته باشد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۵) تأثیر کیفیت حسابرسی بر هزینه های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی را از طریق رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری بررسی کردند. نتایج حاکی از آن است که با افزایش کیفیت خدمات حسابرسی، تعارضات نشأت گرفته از تفکیک مالکیت از مدیریت، شامل هزینه های نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی، کاهش می یابند. همچنین، بر اساس نتیجه دیگر، افزایش هزینه های نمایندگی، افزایش سطح عدم تقارن اطلاعاتی را به همراه دارد. احمدپور و فرمانبردار (۱۳۹۴) در پژوهشی ارتباط بین افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت ها و رقابت بازار محصول را مورد بررسی قرار دادند. سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت ها با استفاده از تحلیل محتوای گزارش سالانه هیئت مدیره و رقابت بازار محصول با استفاده از شاخص هرفیندال- هیرشمن اندازه گیری شده است. نتایج این پژوهش نشان داد؛ بین سطح افشای مسئولیت اجتماعی شرکت و رقابت بازار محصول ارتباط معنی داری وجود ندارد. همچنین، بین سطح افشای عملکرد اجتماعی و زیست محیطی شرکت با رقابت بازار محصول ارتباط معنی داری وجود ندارد.

فرضیه های پژوهش

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، می توان پیش بینی کرد که در بورس اوراق بهادار تهران، سطوح رقابت بازار (سطح رقابت کامل و ناقص) بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه تأثیر بگذارد. در واقع، این پیش بینی ها اساس فرضیه پژوهش حاضر را شکل می دهد. با توجه به معیارهای عدم تقارن اطلاعاتی و دو طیف رقابتی کامل و ناقص، فرضیه های پژوهش بدین شرح است:

- فرضیه اول: سطح رقابت ناقص بر رابطه بین کیفیت ارقام تعهدی و هزینه سرمایه تأثیر دارد.
- فرضیه دوم: سطح رقابت کامل بر رابطه بین کیفیت ارقام تعهدی و هزینه سرمایه تأثیر دارد.
- فرضیه سوم: سطح رقابت ناقص بر رابطه بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه تأثیر دارد.

فرضیه چهارم: سطح رقابت کامل بر رابطه بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه تأثیر دارد.

فرضیه پنجم: سطح رقابت ناقص بر رابطه بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه تأثیر دارد.

فرضیه ششم: سطح رقابت کامل بر رابطه بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه تأثیر دارد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. طرح پژوهش آن از نوع پژوهش‌های شبه تجربی و پس‌رویدادی است و با استفاده از اطلاعات تاریخی انجام می‌شود. برای گردآوری اطلاعات مبانی نظری پژوهش از نشریات، کتب و همچنین پایگاه‌های اطلاعاتی در دسترس استفاده شده است. همچنین، داده‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل، از نرم‌افزارهای تدبیرپرداز، ره‌آوردنوبین و اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسی شده و یادداشت‌های توضیحی شرکت‌ها استخراج شده است.

جامعه آماری، نمونه آماری و بازه زمانی پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بازه زمانی نیز یک دوره زمانی ۶ ساله براساس صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ شرکت‌های نمونه می‌باشد. در پژوهش حاضر برای تعیین نمونه آماری، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. بدین منظور آن دسته از شرکت‌های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا باشند به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف می‌شوند.

۱. سال مالی شرکت منتهی به تاریخ پایان اسفند ماه هر سال باشد و شرکت طی دوره مورد

بررسی تغییر سال مالی نداده باشد.

۲. شرکت‌های تحت بررسی جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری مالی

و بیمه نباشند.

۳. اطلاعات و داده‌های آنها در دسترس باشد.

معاملات سهام شرکت به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و

توقف معاملاتی بیش از سه ماه در مورد سهام یاد شده اتفاق نیفتاده باشد.

با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع ۱۴۵ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شده است.

مدل‌های پژوهش

به پیروی از پژوهش‌های کردستانی و قاسمی خیرآبادی (۱۳۹۱)؛ خانی و قجاوند (۱۳۹۱)؛ ستایش و همکاران (۱۳۹۲)؛ پورزمانی و منصوری (۱۳۹۴) به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش‌های از مدل‌های رگرسیونی زیر بهره گرفته می‌شوند:

۱. مدل رگرسیونی مربوط به آزمون فرضیه اول که به بررسی سطح رقابت ناقص بر رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و هزینه سرمایه می پردازد:

رابطه (۱)

$$COSEQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 SQA_{it} + \beta_2 INCOM_{it} + \beta_3 SQA_{it} * INCOM_{it} + \beta_4 BETA_{it} + \beta_5 BTM_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

۲. مدل رگرسیونی مربوط به آزمون فرضیه دوم که به بررسی سطح رقابت کامل بر رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و هزینه سرمایه می پردازد.

رابطه (۲)

$$COSEQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 SQA_{it} + \beta_2 COM_{it} + \beta_3 SQA_{it} * COM_{it} + \beta_4 BETA_{it} + \beta_5 BTM_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

۳. مدل رگرسیونی مربوط به آزمون فرضیه سوم که به بررسی سطح رقابت ناقص بر رابطه بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می پردازد.

رابطه (۳)

$$COSEQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 Spread_{it} + \beta_2 INCOM_{it} + \beta_3 Spread_{it} * INCOM_{it} + \beta_4 BETA_{it} + \beta_5 BTM_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

۴. مدل رگرسیونی مربوط به آزمون فرضیه چهارم که به بررسی سطح رقابت کامل بر رابطه بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می پردازد.

رابطه (۴)

$$COSEQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 Spread_{it} + \beta_2 COM_{it} + \beta_3 Spread_{it} * COM_{it} + \beta_4 BETA_{it} + \beta_5 BTM_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

۵. مدل رگرسیونی مربوط به آزمون فرضیه پنجم که به بررسی سطح رقابت ناقص بر رابطه بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می پردازد.

رابطه (۵)

$$COSEQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 ASC - Spread_{it} + \beta_2 INCOM_{it} + \beta_3 ASC - Spread_{it} * INCOM_{it} + \beta_4 BETA_{it} + \beta_5 BTM_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

۶. مدل رگرسیونی مربوط به آزمون فرضیه ششم که به بررسی سطح رقابت کامل بر رابطه بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می پردازد.

رابطه (۶)

$$COSEQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 ASC - Spread_{it} + \beta_2 COM_{it} + \beta_3 ASC - Spread_{it} * COM_{it} + \beta_4 BETA_{it} + \beta_5 BTM_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

لازم به ذکر است که علاوه بر آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از داده‌های آرشیوی و مدل‌های فوق به منظور تحلیل حساست یافته‌های پژوهش، با استفاده از پرسشنامه به تحلیل نظرات ۴۱ نفر از خبرگان بازار سرمایه در زمینه تأثیر سطوح رقابت بازار (سطح رقابت کامل و ناقص) بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. پرسشنامه پژوهش شامل ۳۰ سوال می‌باشد که براساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای طراحی و تحلیل آن در ادامه ارائه شده است. به منظور بررسی روایی محتوای پرسشنامه، از نظرات متخصصان، اساتید دانشگاه و کارشناسان خبره و به منظور بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

در این پژوهش، متغیرهای طیف رقابتی بازار و عدم تقارن اطلاعاتی متغیرهای مستقل هستند که طیف رقابتی بازار به صورت متغیر تعدیل کننده وارد مدل پژوهش شده است. هزینه سرمایه نیز به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. از آنجایی که عدم تقارن اطلاعاتی مفهومی کیفی است، در پژوهشات متعدد، از معیارهای مختلفی برای اندازه گیری آن استفاده شده است. در این پژوهش در مورد اندازه گیری عدم تقارن اطلاعاتی، از دو دسته سنجه مبتنی بر حسابداری

و مبتنی بر بازار استفاده شده است، که برای این منظور کیفیت اقلام تعهدی (معیار حسابداری)، اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام (معیار های بازار) برای اندازه گیری متغیر عدم تقارن اطلاعاتی در نظر گرفته شده اند. متغیرهای ریسک سیستماتیک، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، اندازه شرکت و اهرم مالی براساس پژوهشات پیشین به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده است. که در زیر به تعریف عملیاتی هر یک از این متغیرها پرداخته شده است:

متغیر وابسته

هزینه سرمایه (COSEQ): به پیروی از کردستانی و همکاران (۱۳۹۱) به منظور سنجش هزینه سرمایه از الگوی قیمت گذاری دارایی های سرمایه ای بهره گرفته می شود که به شرح زیر می باشد:

$$R_i = R_f + \beta_i(R_m - R_f) \quad \text{رابطه (۷)}$$

که در آن:

R_f : نرخ بازده سرمایه گذاری بدون ریسک که برابر نرخ سود سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت عادی بانکی است.

β_i : بتای شرکت i که از کواریانس بازده سهم و بازده بازار بر مبنای داده های ۳۶ ماه گذشته بدست می آید.

R_m : نرخ بازده بازار سهام.

R_i : نرخ بازده مورد انتظار سهام شرکت i می باشد که نشان دهنده هزینه سرمایه می باشد.

متغیرهای مستقل

کیفیت اقلام تعهدی (SQA): تعدیلات موقتی هستند که جریان های نقدی را طی دوره های زمانی مختلف، انتقال می دهند. مزیت عمده این انتقال آن است که ارقام تعدیل شده، تصویر درست تری از عملکرد اقتصادی شرکت ارائه می دهد. مقایسه اقلام تعهدی با تحقق جریان های نقدی، این امکان را فراهم می کند که کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت سود درست ارزیابی شود. شرکت های با کیفیت اقلام تعهدی نامناسب، محیط عملکردی متغیر و ناپایدار خواهند داشت و پیش بینی سود در آنها سخت تر خواهد بود. بنابراین، کیفیت اقلام تعهدی پایین تر با کیفیت سود پایین تر و عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر مرتبط خواهد بود (خانی و قجاوند، ۱۳۹۱). کیفیت اقلام تعهدی ارتباط سود با جریان های نقدی است که از طریق محاسبه انحراف معیار باقیمانده

رگرسیون ارقام تعهدی، بر جریان نقدی عملیات گذشته، حال و آینده و تغییرات در درآمد و ناخالص تغییرات اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات به دست می‌آید (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵).

رابطه (۸)

$$TAC = \beta_0 + \beta_1 CF_{it-1} + \beta_2 CF_{it} + \beta_3 CF_{it+1} + \beta_4 \Delta REV_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این رابطه :

CF_{it} : جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت i در سال t

CF_{it+1} : جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت i در سال $t+1$

CF_{it-1} : جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت i در سال $t-1$

ΔREV : تغییر در درآمد فروش بین سال t و $t-1$

PPE : بهای تمام شده خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در پایان سال t

ε_{it} : باقیمانده مدل و معیار تعیین کیفیت ارقام تعهدی

انحراف معیار باقیمانده‌های مدل فوق تعیین‌کننده معیار معکوسی از کیفیت ارقام تعهدی است. این بدین معنی است که هرچه انحراف معیار باقی مانده‌ها بزرگتر باشد، کیفیت سود پایین‌تر و در نتیجه عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است.

اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام (Spread): در بازارهای سرمایه‌ای که توزیع اطلاعات به صورت نامتقارن صورت گرفته باشد؛ فروشنده خواستار قیمت بالاتری برای سهام است و خریدار نیز به علت نداشتن اطلاعات کافی در باب ارزیابی سهام مذکور، متوسط قیمت برای سهام را پیشنهاد می‌کند. در ادبیات مالی، فاصله غیرمعمول قیمت پیشنهادی خرید و فروش را نمایشگر سطح عدم تقارن اطلاعاتی بین خریداران و فروشندگان می‌دانند (شمسی و سلیمانی، ۱۳۹۲). در صورت عدم تقارن اطلاعاتی، قیمت پیشنهادی خرید و فروش توسط سرمایه‌گذاران متفاوت خواهد بود. این امر منجر می‌گردد که عدم تقارن اطلاعاتی رابطه‌ای مستقیم با قیمت‌های پیشنهادی خرید و فروش داشته باشد (آرمسترنگ و همکاران، ۲۰۱۱). طریقه محاسبه این معیار به شرح مراحل زیر است:

۱. قیمت پیشنهادی خرید مربوط به "لحظه t " (bid_t) از قیمت پیشنهادی فروش در همین

لحظه (ask_t) کسر شده است.

۲. به منظور قابلیت امکان مقایسه شرکت‌ها با این معیار، لازم است که معیار به دست آمده

برای شرکت i بر میانگین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام تقسیم شود.

۳. در «همان لحظه‌ای» که این قیمت‌های پیشنهادی وجود دارد، ممکن است شرکت i معامله‌ای با حجم سفارش مشخص (order size) انجام دهد. بنابراین، معیار به دست آمده در عامل حجم سفارش ضرب می‌گردد (آرمسترنگ و همکاران، ۲۰۱۱). این مراحل به شرح رابطه (۳-۳) است:

$$Spread = \frac{AP_{it} - BP_{it}}{(AP_{it} + BP_{it})/2} * Order\ size \quad \text{رابطه (۹)}$$

به طوری که:

AP_{it} : قیمت پیشنهادی فروش سهام شرکت i در لحظه t

BP_{it} : قیمت پیشنهادی خرید سهام شرکت i در لحظه t

Order size: اندازه سفارش سهم i در لحظه t

۱. به منظور تعیین این معیار در یک بازه زمانی خاص (در این پژوهش یک ماه شهریور آرمسترنگ و همکاران، ۲۰۱۱)، معیار به دست آمده با توجه به رابطه (۱۰) به دست آمده است:

$$Spread_T = \sum \frac{Spread}{N} \quad \text{رابطه (۱۰)}$$

N در این رابطه، تعداد معاملات کاری بورس اوراق بهادار در دوره زمانی مربوطه است.

۲. جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام (ASC-Spread): مقدار متغیر مذکور از طریق مدل شماره (۱۱) و با استفاده از داده‌های سری زمانی برآورد شده است. طبق این مدل، تغییرات قیمت سهام (ΔP_t) تابعی از جهت معامله (D) خواهد بود. این بدین معنی است که اگر معامله با خریدار آغاز گردد، اثر مثبت بر قیمت معامله خواهد داشت و برعکس، زمانی که معامله با فروشنده آغاز گردد، اثر منفی بر قیمت خواهد داشت:

$$\frac{\Delta P_t}{P_{t-1}} = \mu \Delta D_t + \lambda (D_t - \rho D_{t-1}) + \mu_t \quad \text{رابطه (۱۱)}$$

که در آن:

P_t : قیمت معامله سهم شرکت i در لحظه t

P_{t-1} : قیمت معامله سهم شرکت i در لحظه $t-1$

D_{t-1} : جهت معامله سهم شرکت i در لحظه $t-1$

D_t : جهت معامله سهم شرکت i در لحظه t

متغیر تعدیل گر

طیف رقابتی بازار: به پیروی از آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۱) به منظور سنجش سطح رقابت بازار از تعداد سهامداران بهره گرفته می‌شود. در پژوهش حاضر سطح رقابت ناقص (INCOM) و سطح رقابت کامل (COM) به عنوان متغیرهای ساختگی (صفر و یک) در نظر گرفته می‌شوند. در صورتی که تعداد سهامداران در طی دوره پژوهش کمتر از چارک اول باشد بازار در سطح رقابت ناقص (INCOM) و مقدار این متغیر عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر تعلق می‌گیرد و در صورتی که تعداد سهامداران در طی دوره پژوهش بیشتر از چارک سوم باشد بازار در سطح رقابت کامل (COM) و مقدار این متغیر عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

ریسک سیستماتیک (BETA): این متغیر نشان دهنده بتا یا ریسک سیستماتیک سهام شرکت است. به منظور محاسبه بتای مربوط به سهام هر شرکت می‌توان از رابطه زیر استفاده نمود. البته در پژوهش حاضر، بتای سالانه هر شرکت از داده‌های نرم‌افزار تدبیر پرداز استخراج خواهد شد.

$$\beta_j = \frac{\text{COV}(R_j, R_m)}{\sigma_{R_m}} = \frac{\rho_{R_j, R_m} \times \sigma_{R_j} \sigma_{R_m}}{\sigma_{R_m}} = \rho_{R_j, R_m} \cdot \frac{\sigma_{R_j}}{\sigma_{R_m}} \quad \text{رابطه (۱۲)}$$

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (BTM): این معیار از تقسیم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به در انتهای دوره بدست می‌آید.

اندازه شرکت (SIZE): از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در پایان دوره به عنوان اندازه شرکت استفاده شده است.

اهرم مالی (LEV): اهرم مالی از طریق تقسیم کل بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها در پایان دوره بدست می‌آید.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در نگاره (۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداقل مشاهدات، حداکثر مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است. به عنوان مثال، نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد بررسی میانگین اهرم مالی ۰/۵۸۱ می‌باشد که نشان‌دهنده این است که تقریباً ۵۸/۱٪ منابع مالی شرکت‌ها از طریق بدهی تأمین مالی شده است. میانگین هزینه سرمایه در

شرکت‌های مورد بررسی، ۱۸/۲٪ می‌باشد که با توجه به انحراف معیار (۸/۲٪) از نوسان‌پذیری نسبتاً پایینی برخوردار است.

نتایج بدست آمده از آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵٪، معیار معکوس کیفیت اقلام تعهدی، اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، سطح رقابت ناقص، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و اهرم مالی با هزینه سرمایه همبستگی مستقیم و معناداری دارند در حالی که، سطح رقابت کامل و اندازه شرکت با هزینه سرمایه همبستگی معکوس و معناداری دارند.

تکراه ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
هزینه سرمایه	COSEQ	۸۷۰	۰/۱۸۲	۰/۱۶۱	۰/۳۸۴	۰/۰۷۹	۰/۰۸۲
معیار معکوس کیفیت اقلام تعهدی	SQA	۸۷۰	۰/۰۷۱	۰/۰۵۷	۰/۲۹۲	۰/۰۱۳	۰/۰۵۰
اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام	Spread	۸۷۰	۲/۸۴۲	۳/۰۶۲	۴/۹۳۶	۰/۰۰۷	۱/۰۸۴
جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام	Asc_Spread	۸۷۰	۱/۳۱۴	۱/۲۵۷	۳/۱۱۷	۰/۶۲۴	۰/۶۰۵
سطح رقابت ناقص	INCOM	۸۷۰	۰/۲۵	۰	۱	۰	۰/۴۳۴
سطح رقابت کامل	COM	۸۷۰	۰/۲۵	۰	۱	۰	۰/۴۳۴
ریسک سیستماتیک	BETA	۸۷۰	۰/۵۸۷	۰/۴۸۳	۲/۲۷۹	-۰/۶۷۳	۰/۷۶۵
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	۸۷۰	۰/۴۵۶	۰/۳۸۷	۱/۸۲۸	۰/۱۹۴	۰/۲۹۷
اندازه شرکت	SIZE	۸۷۰	۱۴/۲۰۱	۱۳/۹۷۰	۱۹/۰۶۶	۱۰/۳۵۲	۱/۵۳۴
اهرم مالی	LEV	۸۷۰	۰/۵۸۱	۰/۵۹۳	۰/۹۳۶	۰/۱۷۳	۰/۲۱۹

آمار استنباطی

آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

داده‌های این پژوهش از نوع ترکیبی می‌باشد. اما قبل از تخمین مدل‌ها لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص گردد. برای این منظور از آزمون‌های هاسمن و F لیمر استفاده شده است. همانطور که در نگاره (۲) منعکس گردیده، احتمال F لیمر کلیه مدل‌های پژوهش بیشتر از ۵٪ می‌باشد بنابراین برای تخمین کلیه مدل‌ها از روش تلفیقی استفاده می‌شود. در ضمن با توجه به اینکه به منظور تخمین کلیه مدل‌ها از روش تلفیقی استفاده می‌شود در هیچ کدام از مدل‌ها نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد.

نگاره ۲: نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

مدل	آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
اول	F لیمر	۰/۳۲۹۱	۰/۵۶۶۵	روش تلفیقی
	هاسمن	با توجه به نتایج آزمون F لیمر نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد		
دوم	F لیمر	۰/۳۲۸۰	۰/۵۶۷۱	روش تلفیقی
	هاسمن	با توجه به نتایج آزمون F لیمر نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد		
سوم	F لیمر	۰/۱۷۵۹	۰/۶۷۵۲	روش تلفیقی
	هاسمن	با توجه به نتایج آزمون F لیمر نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد		
چهارم	F لیمر	۰/۱۲۶۴	۰/۷۲۲۴	روش تلفیقی
	هاسمن	با توجه به نتایج آزمون F لیمر نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد		
پنجم	F لیمر	۰/۱۸۸۵	۰/۶۶۴۴	روش تلفیقی
	هاسمن	با توجه به نتایج آزمون F لیمر نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد		
ششم	F لیمر	۰/۰۸۷۲	۰/۷۶۸۰	روش تلفیقی
	هاسمن	با توجه به نتایج آزمون F لیمر نیازی به انجام آزمون هاسمن وجود ندارد		

ناهمسانی واریانس

یکی دیگر از فروض رگرسیون خطی این است که تمامی جملات باقیمانده دارای واریانس برابر باشند. در عمل ممکن است این فرض چندان صادق نبوده و به دلایل مختلفی از قبیل: شکل نادرست تابع مدل، وجود نقاط پرت، شکست ساختاری در جامعه آماری و ... شاهد پدیده ناهمسانی واریانس باشیم. برای بررسی این مشکل آزمون‌های مختلفی توسط اقتصاددانان معرفی شده است. در این مطالعه فرض همسانی واریانس باقیمانده‌ها از

طریق آزمون وایت^۱ مورد بررسی قرار گرفت؛ که نتایج آن در نگاره ۳ نشان می‌دهد که در کلیه مدل‌ها فرض صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد می‌شود؛ بنابراین، به منظور رفع ناهمسانی واریانس از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌کنیم.

نگاره ۳: نتایج حاصل از آزمون ثابت بودن واریانس جمله خطا

مدل	آماره F	احتمال	نتیجه
اول	۳.۹۸۱۴	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس جزء خطا
دوم	۳.۴۲۱۸	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس جزء خطا
سوم	۲.۹۸۵۷	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس جزء خطا
چهارم	۳.۴۰۲۷	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس جزء خطا
پنجم	۳.۲۶۳۴	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس جزء خطا
ششم	۳.۵۱۶۵	۰.۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس جزء خطا

منبع: یافته‌های پژوهش

عدم وجود خود همبستگی

این فرض مدل کلاسیک رگرسیون خطی بیان می‌دارد که بین جملات باقیمانده رگرسیون، همبستگی وجود نداشته باشد. برای بررسی استقلال باقیمانده‌ها از آزمون خود همبستگی سریالی بروش-گادفری استفاده شده است. در این آزمون فرض صفر بیانگر عدم وجود خود همبستگی می‌باشد و فرض مقابل بیانگر وجود خود همبستگی سریالی بین خطاها می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون نشان می‌دهد که با توجه به اینکه در سطح اطمینان ۹۵٪ مقدار احتمال آماره F در هر دو مدل بیشتر از ۵٪ می‌باشد فرض صفر مبنی بر عدم وجود خود همبستگی جزء خطا در کلیه مدل‌های پژوهش پذیرفته می‌شود به عبارت دیگر، فرض عدم وجود خود همبستگی جزء خطا در کلیه مدل‌های پژوهش برقرار است.

نگاره ۴: نتایج حاصل از آزمون عدم وجود خود همبستگی جزء خطا

مدل	آماره F	احتمال	نتیجه
اول	1.3077	0.2723	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
دوم	1.5536	0.2157	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
سوم	1.0717	0.3457	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
چهارم	1.3240	0.2699	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
پنجم	0.8315	0.4379	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا
ششم	0.7154	0.4911	عدم وجود خود همبستگی جزء خطا

منبع: یافته‌های پژوهش

عدم وجود هم خطی

هم خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترل‌ی موجود در مدل می‌باشد. در صورت وجود هم خطی، ضرایب برآوردی الگو دارای خطای معیار بالایی خواهد بود و در نتیجه این مسأله باعث می‌شود که تعداد متغیرهای معنی دار در معادله کاهش یابد. در این معادله برای بررسی عدم وجود هم خطی از معیار عامل تورم واریانس^۱ (VIF) استفاده شد. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان دهنده عدم وجود هم خطی می‌باشد. نتایج حاصل از این آزمون در جداول فرضیه‌ها نشان می‌دهد که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترل‌ی در کلیه مدل‌های پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و بنابراین از این بابت مشکلی وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

در آزمون فرضیه اول مبنی بر تأثیر سطح رقابت ناقص بر رابطه بین کیفیت ارقام تعهدی و هزینه سرمایه نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر معیار معکوس کیفیت ارقام تعهدی، ۰/۱۶۸۴۳۷ بوده که نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین معیار معکوس کیفیت ارقام تعهدی و هزینه سرمایه می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر معیار معکوس کیفیت ارقام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می‌باشد، از این رو می‌توان گفت که بین معیار معکوس کیفیت ارقام تعهدی و هزینه سرمایه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بین کیفیت ارقام تعهدی و هزینه سرمایه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که ضریب متغیر تعاملی معیار معکوس کیفیت ارقام تعهدی*سطح رقابت ناقص، ۰/۸۰۰۲۲۷ بوده که نشان‌دهنده تأثیر مثبت سطح رقابت ناقص بر رابطه بین معیار معکوس کیفیت ارقام تعهدی و هزینه سرمایه می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی معیار معکوس کیفیت ارقام تعهدی*سطح رقابت ناقص در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه اول پژوهش را تأیید شده تلقی کرد این موضوع نشان‌دهنده این است که، سطح رقابت ناقص بر رابطه مثبت بین معیار معکوس کیفیت ارقام تعهدی و هزینه سرمایه تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، در سطح رقابت ناقص، رابطه مثبت بین معیار معکوس کیفیت ارقام تعهدی (عدم تقارن اطلاعاتی) و هزینه سرمایه تقویت می‌شود.

1. Variance Inflation Factor (VIF)

تکانه ۱۱: نتایج تخمین مدل اول پژوهش

متغیر وابسته: هزینه سرمایه						
روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته						
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال	هم خطی
مقدار ثابت	C	۰/۳۳۶۵۹۲	۰/۰۶۶۹۴۹	۵/۰۲۷۶۱۳	۰/۰۰۰۰	
معیار معکوس کیفیت اقلام تعهدی	SQA	۰/۱۶۸۴۳۷	۰/۰۶۷۰۰۵	۲/۵۱۳۷۸۰	۰/۰۱۲۳	۰۱۰۴۷۳۷۷۵
سطح رقابت ناقص	INCOM	۰/۰۲۲۸۴۷	۰/۰۰۷۶۰۲	۳/۰۰۵۴۵۷	۰/۰۰۲۸	۰۲۸۰۰۲۶۴
معیار معکوس کیفیت اقلام تعهدی*سطح رقابت ناقص	SQA*INCOM	۰/۸۰۰۲۲۷	۰/۲۸۵۶۳۶	۲/۸۰۱۵۶۲	۰/۰۰۵۳	۰۳۰۲۱۶۷۳۲
ریسک سیستماتیک	BETA	۰/۰۰۲۷۱۴	۰/۰۰۶۸۶۷	۰/۳۹۵۱۳۸	۰/۶۹۳۰	۰۱۰۰۲۴۲۴۱
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	۰/۱۶۶۹۱۷	۰/۰۰۲۲۲۰۰	۷/۵۱۸۸۳۰	۰/۰۰۰۰	۰۱۰۱۲۹۷۲۵
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۱۱۳۵۴	۰/۰۰۴۵۳۳	-۲/۵۰۴۹۷۴	۰/۰۱۲۶	۰۱۰۱۲۰۷۵۷
اهرم مالی	LEV	۰/۴۱۵۴۵۸	۰/۰۳۷۸۸۲	۱۰/۹۶۷۱۳	۰/۰۰۰۰	۰۱۰۰۹۹۸۳۷
ضریب تعیین تعدیل شده		۴۶/۲۳٪				
دوربین-واتسون		۱/۹۲۴				
آماره F		۵۰/۹۸۷				
احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰۰				

در آزمون فرضیه دوم مبنی بر تأثیر سطح رقابت کامل بر رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و هزینه سرمایه نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر معیار معکوس کیفیت اقلام تعهدی، $۰/۳۲۸۴۶۰$ بوده که نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین معیار معکوس کیفیت اقلام تعهدی و هزینه سرمایه می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر معیار معکوس کیفیت اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشد، از این رو می‌توان گفت که بین معیار معکوس کیفیت اقلام تعهدی و هزینه سرمایه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، بین کیفیت اقلام تعهدی و هزینه سرمایه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که ضریب متغیر تعاملی معیار معکوس کیفیت اقلام تعهدی*سطح رقابت کامل، $۰/۶۹۱۵۲۷$ - بوده که نشان‌دهنده تأثیر منفی سطح رقابت کامل بر رابطه بین معیار معکوس کیفیت اقلام تعهدی و هزینه سرمایه می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی معیار معکوس کیفیت

اقدام تعهدی*سطح رقابت کامل در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه دوم پژوهش را تأیید شده تلقی کرد این موضوع نشان‌دهنده این است که، سطح رقابت کامل بر رابطه مثبت بین معیار معکوس کیفیت اقدام تعهدی و هزینه سرمایه تأثیر منفی و معناداری دارد. به عبارت دیگر، در سطح رقابت کامل، رابطه مثبت بین معیار معکوس کیفیت اقدام تعهدی (عدم تقارن اطلاعاتی) و هزینه سرمایه تضعیف می‌شود.

تکانه ۱۲: نتایج تخمین مدل دوم پژوهش

متغیر وابسته: هزینه سرمایه						
روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته						
متغیر	نماد	ضریب پژ آورده	خطای استاندارد	آماره t	احتمال	هم خطی
مقدار ثابت	C	۰/۳۱۹۹۷۸	۰/۰۷۰۶۰۷	۴/۵۳۱۸۰۵	۰/۰۰۰۰	
معیار معکوس کیفیت اقدام تعهدی	SQA	۰/۳۲۸۴۶۰	۰/۱۶۶۶۰۱	۱/۹۷۱۵۳۸	۰/۰۴۹۴	۰/۱۹۳۱۹۶۷
سطح رقابت کامل	COM	-۰/۰۱۹۱۰۱	۰/۰۰۷۶۹۳	-۲/۴۸۲۸۳۴	۰/۰۱۳۴	۰/۲۲۱۱۸۸۳
معیار معکوس کیفیت اقدام تعهدی*سطح رقابت کامل	SQA*COM	-۰/۶۹۱۵۲۷	۰/۲۱۴۶۵۶	-۳/۲۲۱۵۶۳	۰/۰۰۱۴	۰/۳۵۵۰۶۲۷
ریسک سیستماتیک	BETA	۰/۰۰۲۰۹۳	۰/۰۰۵۹۴۹	۰/۳۵۱۷۷۳	۰/۷۲۵۲	۰/۱۰۲۱۹۷۰
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	۰/۱۵۹۱۹۳	۰/۰۲۳۸۲۱	۶/۶۸۰۰۳۹	۰/۰۰۰۰	۰/۱۰۱۲۶۷۶۰
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۱۱۶۱۶	۰/۰۰۵۲۰۰	-۲/۲۳۳۶۶۹	۰/۰۲۶۱	۰/۱۰۱۵۸۶۸۷
اهرم مالی	LEV	۰/۴۰۹۲۲۲	۰/۰۴۱۹۲۴	۹/۷۶۱۱۳۹	۰/۰۰۰۰	۰/۱۰۱۰۹۲۰۶
ضریب تعیین تعدیل شده		۴۰/۵۲٪				
دورین-واتسون		۱/۹۲۷				
آماره F		۴۰/۶۰۹				
احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰۰				

در آزمون فرضیه سوم مبنی بر تأثیر سطح رقابت ناقص بر رابطه بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، ۰/۰۳۶۴۵۶ بوده که نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می‌باشد، از این رو می‌توان گفت که بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که ضریب متغیر تعاملی اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت ناقص، ۰/۰۳۰۶۰۰ بوده که نشان‌دهنده تأثیر مثبت سطح رقابت ناقص بر رابطه بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت ناقص

در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، با توجه به موارد فوق می توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه سوم پژوهش را تأیید شده تلقی کرد این موضوع نشان دهنده این است که، سطح رقابت ناقص بر رابطه مثبت بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، در سطح رقابت ناقص، رابطه مثبت بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام (عدم تقارن اطلاعاتی) و هزینه سرمایه تقویت می شود.

تکانه ۱۳: نتایج تخمین مدل سوم پژوهش

متغیر وابسته: هزینه سرمایه						
روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته						
متغیر	نماد	ضریب پروآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال	هم خطی
مقدار ثابت	C	۰/۴۱۲۱۱۴	۰/۰۶۲۰۴۸	۶۶۴۱۸۶۶	۰/۰۰۰۰	
اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام	Spread	۰/۰۳۶۴۵۶	۰/۰۰۶۱۰۹	۵۹۶۷۷۷۶	۰/۰۰۰۰	۰۲۲۶۴۹۰۹
سطح رقابت ناقص	INCOM	۰/۰۲۷۳۹۵	۰/۰۱۰۸۲۵	۲۵۳۰۷۷۲	۰/۰۱۱۷	۰۱۷۱۵۶۹۸
اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت ناقص	Spread*INCOM	۰/۰۳۰۶۰۰	۰/۰۱۰۷۳۴	۲۸۸۵۰۶۰۱	۰/۰۰۴۶	۰۲۰۲۷۱۱۳
ریسک سیستماتیک	BETA	۰/۰۰۱۸۸۸	۰/۰۰۶۸۳۸	۰/۲۷۶۱۵۳	۰/۷۸۲۶	۰۱۰۰۲۲۶۲۱
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	۰/۱۵۷۱۶۹	۰/۰۲۲۰۶۶	۷۱۲۲۶۳۸	۰/۰۰۰۰	۰۱۱۲۳۱۰۶
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۱۳۱۸۲	۰/۰۰۴۵۵۶	-۲/۸۹۳۱۴۵	۰/۰۰۴۰	۰۱۱۱۶۹۵۰
اهرم مالی	LEV	۰/۴۰۶۹۲۳	۰/۰۳۹۹۶۲	۱۰/۱۸۲۷۶	۰/۰۰۰۰	۰۱۱۲۷۰۷۳
ضریب تعیین تعدیل شده		۴۷/۰۵٪				
دورین-واسون		۱/۹۴۳				
آماره F		۵۲۶۷۳				
احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰۰				

در آزمون فرضیه چهارم مبنی بر تأثیر سطح رقابت کامل بر رابطه بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه نتایج نشان می دهد که ضریب متغیر اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، ۰/۰۲۹۸۸۴ بوده که نشان دهنده ارتباط مثبت بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، از این رو می توان گفت که بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج همچنین نشان می دهد که ضریب متغیر تعاملی اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت کامل، ۰/۰۲۳۰۶۳ بوده که نشان دهنده تأثیر منفی سطح رقابت کامل بر رابطه بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر

تعاملی اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت کامل در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه چهارم پژوهش را تأیید شده تلقی کرد این موضوع نشان‌دهنده این است که، سطح رقابت کامل بر رابطه مثبت بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه تأثیر منفی و معناداری دارد. به عبارت دیگر، در سطح رقابت کامل، رابطه مثبت بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام(عدم تقارن اطلاعاتی) و هزینه سرمایه تضعیف می‌شود.

تکانه ۱۴: نتایج تخمین مدل چهارم پژوهش

متغیر وابسته: هزینه سرمایه						
روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته						
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال	هم خطی
مقدار ثابت	C	۰/۳۷۷۶۰۲	۰/۰۶۲۵۹۸	۶/۰۳۲۱۶۴	۰/۰۰۰۰	
اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام	Spread	۰/۰۲۹۸۸۴	۰/۰۰۶۳۵۳	۴/۷۰۴۰۵۵	۰/۰۰۰۰	۰۱/۳۶۸۵۵۸
سطح رقابت کامل	COM	-۰/۰۳۲۸۵۸	۰/۰۰۸۷۹۸	-۳/۷۳۴۷۸۲	۰/۰۰۰۲	۰۲/۰۲۷۰۴۰
اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت کامل	Spread*COM	-۰/۰۲۳۰۶۳	۰/۰۰۷۵۵۱	-۳/۰۵۴۳۵۳	۰/۰۰۲۴	۰۲/۷۲۶۷۸۵
ریسک سیستماتیک	BETA	۰/۰۰۳۰۲۵	۰/۰۰۶۲۷۲	۰/۴۸۲۲۳۳	۰/۶۲۹۹	۰۱/۰۲۲۱۸۸
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	۰/۱۵۷۵۴۰	۰/۰۲۲۴۸۱	۷/۰۰۷۶۲۵	۰/۰۰۰۰	۰۱/۱۲۸۶۸۵
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۱۴۷۷۰	۰/۰۰۴۷۴۲	-۳/۱۱۴۵۳۷	۰/۰۰۳۰	۰۱/۱۵۸۱۳۸
اهرم مالی	LEV	۰/۴۱۰۴۸۱	۰/۰۴۰۸۴۰	۱۰/۰۵۰۹۲	۰/۰۰۰۰	۰۱/۱۲۱۷۷۴
ضریب تعیین تعدیل شده		۴۷/۶۲٪				
دوربین-واتسون		۱/۸۲۱				
آماره F		۵۳/۸۶۲				
احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰۰				

در آزمون فرضیه پنجم مبنی بر تأثیر سطح رقابت ناقص بر رابطه بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، ۰/۰۲۶۰۹۸ بوده که نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشد، از این رو می‌توان گفت که بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که ضریب متغیر تعاملی جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت ناقص، ۰/۰۴۴۸۵۴ بوده که نشان‌دهنده تأثیر مثبت سطح رقابت ناقص بر رابطه

بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت ناقص در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه پنجم پژوهش را تأیید شده تلقی کرد این موضوع نشان‌دهنده این است که، سطح رقابت ناقص بر رابطه مثبت بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه تأثیر مثبت و معناداری دارد. به عبارت دیگر، در سطح رقابت ناقص، رابطه مثبت بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام (عدم تقارن اطلاعاتی) و هزینه سرمایه تقویت می‌شود.

تکانه ۱۵: نتایج تخمین مدل پنجم پژوهش

متغیر وابسته: هزینه سرمایه روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته						
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال	هم خطی
مقدار ثابت	C	۰/۳۱۷۸۵۹	۰/۰۶۷۰۹۸	۴/۷۳۷۲۲۶	۰/۰۰۰۰	
جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام	Asc_Spread	۰/۰۲۶۰۹۸	۰/۰۱۳۱۰۳	۱/۹۹۱۷۹۱	۰/۰۴۷۷	۱.۳۰۶۸۱۵
سطح رقابت ناقص	INCOM	۰/۰۴۴۹۲۶	۰/۰۱۵۹۴۷	۲/۸۱۷۲۷۲	۰/۰۰۵۳	۲.۲۱۶۲۳۲
جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت ناقص	Asc_Spread*INCOM	۰/۰۴۴۸۵۴	۰/۰۱۹۸۴۱	۲/۲۶۰۶۷۴	۰/۰۲۴۸	۲.۲۶۹۹۸۲
ریسک سیستماتیک	BETA	۰/۰۰۰۷۱۳	۰/۰۰۶۹۰۷	۰/۱۰۳۱۸۴	۰/۹۱۷۹	۱.۰۲۰۳۶۱
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	۰/۱۵۸۰۴۵	۰/۰۲۳۵۹۴	۶/۶۹۸۶۷۵	۰/۰۰۰۰	۱.۱۲۹۴۵۴
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۱۱۳۷۰	۰/۰۰۴۶۹۸	-۲/۴۲۰۲۹۳	۰/۰۱۶۰	۱.۱۱۶۳۵۸
اهرم مالی	LEV	۰/۴۱۲۶۶۱	۰/۰۴۲۴۳۱	۹/۷۲۵۵۲۸	۰/۰۰۰۰	۱.۱۰۱۵۲۷
ضریب تعیین تعدیل شده		۴۱/۳۱٪				
دوربین-واتسون		۱/۹۰۴				
آماره F		۴۱/۹۲۹				
احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰۰				

در آزمون فرضیه ششم مبنی بر تأثیر سطح رقابت کامل بر رابطه بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه نتایج نشان می‌دهد که ضریب متغیر جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، ۰/۱۹۶۳۹ بوده که نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر جزء انتخاب

نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشد، از این رو می‌توان گفت که بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که ضریب متغیر تعاملی جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت کامل، ۰/۰۴۶۲۴۵- بوده که نشان‌دهنده تأثیر منفی سطح رقابت کامل بر رابطه بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه می‌باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تعاملی جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت کامل در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ فرضیه ششم پژوهش را تأیید شده تلقی کرد این موضوع نشان‌دهنده این است که، سطح رقابت کامل بر رابطه مثبت بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و هزینه سرمایه تأثیر منفی و معناداری دارد. به عبارت دیگر، در سطح رقابت کامل، رابطه مثبت بین جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام (عدم تقارن اطلاعاتی) و هزینه سرمایه تضعیف می‌شود.

تکاوره ۱۶: نتایج تخمین مدل ششم پژوهش

متغیر وابسته: هزینه سرمایه						
روش: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته						
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال	هم خطی
مقدار ثابت	C	۰/۳۵۰۸۸۳	۰/۰۶۹۹۷۶	۵۰/۱۴۳۴۹	۰/۰۰۰۰	
جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام	Asc_Spread	۰/۰۱۹۶۳۹	۰/۰۰۷۴۶۵	۲/۶۳۰۸۸۶	۰/۰۰۸۸	۱/۱۵۳۴۹۵
سطح رقابت ناقص	INCOM	-۰/۰۲۹۱۰۴	۰/۰۰۷۷۳۳	-۳/۷۶۳۶۸۷	۰/۰۰۰۲	۲/۶۶۵۷۷۲
جزء انتخاب نادرست اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام*سطح رقابت ناقص	Asc_Spread*INCOM	-۰/۰۴۶۲۴۵	۰/۰۲۰۰۲۷	-۲/۳۰۹۱۳۸	۰/۰۲۱۹	۲/۸۲۴۱۶۱
ریسک سیستماتیک	BETA	۰/۰۰۲۵۳۴	۰/۰۰۶۱۸۹	۰/۴۰۹۴۸۲	۰/۶۸۲۴	۱/۰۲۱۳۹۳
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	BTM	۰/۱۵۷۷۹۶	۰/۰۲۳۷۱۶	۶/۶۵۳۴۹۴	۰/۰۰۰۰	۱/۱۲۷۷۳۵
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۰۱۱۷۲۸	۰/۰۰۴۹۴۲	-۲/۳۷۳۳۵۰	۰/۰۱۸۱	۱/۱۵۷۱۱۰
اهرم مالی	LEV	۰/۴۱۲۴۲۲	۰/۰۴۰۶۲۷	۱۰/۱۵۱۳۳	۰/۰۰۰۰	۱/۱۱۴۱۳۳
ضریب تعیین تعدیل شده		۳۷/۹۰٪				
دوربین-واتسون		۱/۹۵۷				
آماره F		۳۶/۴۹۱				
احتمال (آماره F)		۰/۰۰۰۰				

تحلیل حساسیت

به منظور تحلیل بیشتر یافته‌های پژوهش، تأثیر سطوح رقابت بازار (سطح رقابت کامل و ناقص) بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از منظر خبرگان بازار سهام مورد تحلیل قرار گرفت. در این راستا پرسشنامه ای شامل ۳۰ سوال طراحی شد و در میان ۴۱ نفر از خبرگان بازار سهام (عمدتاً شامل اساتید رشته های مدیریت مالی و حسابداری، فعالان و دست اندرکاران اقتصادی کشور) توزیع و نظرات ایشان در این زمینه گراوری شد. یافته های این بخش از پژوهش به شرح زیر می باشد:

تعیین روایی و پایایی پرسشنامه

متغیرهای مورد بررسی بر اساس پرسشنامه به شرح زیر می باشد:

عدم تقارن اطلاعاتی: سؤال ۱، سؤال ۴، سؤال ۱۰، سؤال ۱۱، سؤال ۱۴، سؤال ۱۶، سؤال ۱۷، سؤال ۲۲، سؤال ۲۵، سؤال ۲۶، سؤال ۲۷، سؤال ۲۸، سؤال ۲۹، سؤال ۳۰.

سطوح رقابتی بازار: سؤال ۲، سؤال ۳، سؤال ۹، سؤال ۲۳، سؤال ۲۴.

هزینه سرمایه: سؤال ۵، سؤال ۶، سؤال ۷، سؤال ۸، سؤال ۱۲، سؤال ۱۳، سؤال ۱۵، سؤال ۱۸، سؤال ۱۹، سؤال ۲۰، سؤال ۲۱.

روایی پرسشنامه از طریق ارائه آن به خبرگان بازار سرمایه مورد تأیید قرار گرفته است، با این وجود روایی پرسشنامه از دو جنبه روایی همگرایی و افتراقی نیز مورد آزمون قرار گرفته که نتایج آن در نگاره ۱۸ آمده است. روایی سازه‌ای به دو دسته روایی همگرایی و روایی افتراقی (واگرا) تقسیم می‌شود (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۴). روایی همگرایی به همگرا بودن (همسو بودن یا همبستگی) آیتم‌های تشکیل دهنده یک مقیاس اشاره دارد. به منظور تعیین روایی همگرایی از شاخص میانگین واریانس مشترک استفاده شده است. اگر میانگین واریانس مشترک بزرگتر از ۰/۵۰ باشد نشان‌دهنده تأیید روایی همگرایی سازه‌های پرسشنامه است. روایی واگرا به این موضوع اشاره دارد که آیتم‌های مربوط به سازه‌های مختلف به صورتی بسیار قوی با یکدیگر همبستگی نداشته باشند تا براساس آن بتوان نتیجه گرفت دو سازه یک هدف یا یک موضوع واحد را اندازه‌گیری می‌کنند (حاجی‌زاده و اصغری، ۱۳۹۴، ۳۹۶). فورنولار کر^{۳۰} (۱۹۸۱) بیان می‌کنند روایی واگرا هنگامی قابل قبول است که میزان میانگین واریانس مشترک برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آنسازه با سازه‌های دیگر مدل (یعنی مربع مقدار ضرایب همبستگی بین سازه‌ها) باشد.

نگاره ۱۸ نشان می‌دهد میانگین واریانس مشترک محاسبه شده برای متغیرهای پژوهش به ترتیب برابر ۰/۸۱۸ و ۰/۸۲۱ می‌باشد که هر دوی آنها بیشتر از حد آستانه ۰/۵ بوده بنابراین روایی مورد نظر حاصل شده است. علاوه بر این اگر میانگین واریانس مشترک هر سازه بزرگتر از دوم ضرایب همبستگی بین سازه‌ها می‌باشد، می‌توان بیان نمود روایی افتراقی بین سازه‌های پژوهش مورد تأیید می‌باشد که بررسی جدول فوق نشان از تأیید روایی افتراقی دارد. پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی اندازه‌گیری شده که نتایج آن در نگاره ۱۹ آمده است. با توجه به اینکه آلفای کرونباخ به دست آمده برای کلیه متغیرهای پژوهش بالاتر از میزان ۰/۷ می‌باشد، بنابراین می‌توان بیان نمود پرسشنامه دارای پایایی لازم بوده و استفاده از آن برای مقاصد پژوهش بلا مانع است. پایایی ترکیبی محاسبه شده برای متغیر عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه عادی بالاتر از حد نصاب ۰/۷ می‌باشد لذا از این بابت نیز پرسشنامه پژوهش دارای پایایی لازم می‌باشد.

نگاره ۱۸: روایی همگرا و واگرا پرسشنامه پژوهش به روش فورنل و لاکر

سازه‌ها و علائم اختصاری	عدم تقارن اطلاعاتی	هزینه سرمایه سهام عادی	میانگین واریانس مشترک (AVE)
عدم تقارن اطلاعاتی	۱	۰/۰۵۲	۰/۸۱۸
هزینه سرمایه سهام عادی	۰/۰۵۲	۱	۰/۸۲۱
میانگین واریانس مشترک (AVE)	۰/۸۱۸	۰/۸۲۱	۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نگاره ۱۹ - پایایی ابزار گردآوری داده‌های پژوهش

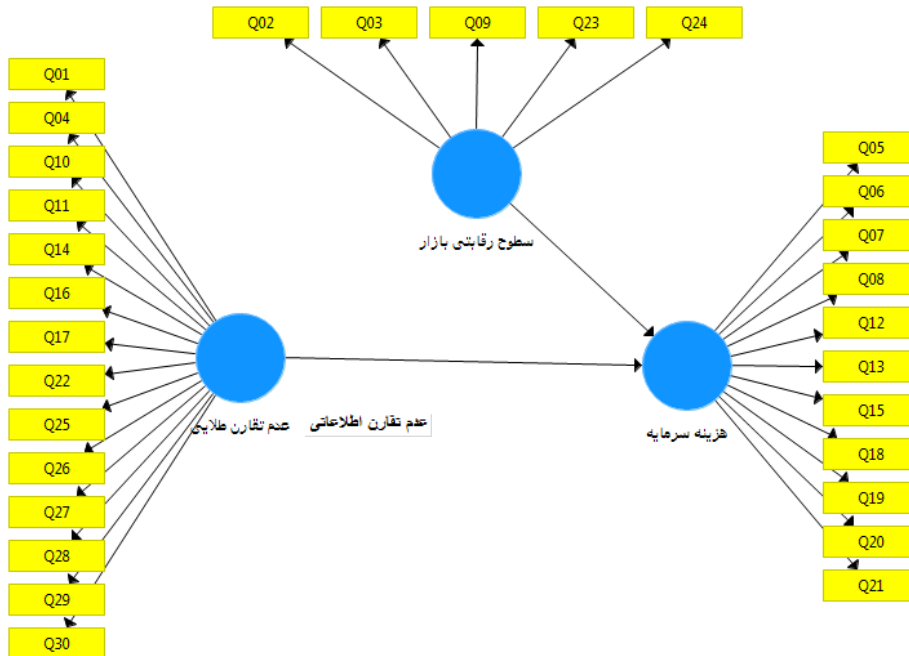
متغیرهای کلیدی	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	حد قابل قبول	تأیید/عدم تأیید
عدم تقارن اطلاعاتی	۱۴	۰/۸۲۵	۰/۸۳۲	۰/۷	تأیید
هزینه سرمایه سهام عادی	۱۱	۰/۸۳۹	۰/۸۶۵	۰/۷	تأیید
رقابت در بازار	۵	۰/۸۳۰	۰/۸۵۵	۰/۷	تأیید

منبع: یافته‌های پژوهشگر

ارائه مدل معادلات ساختاری

در این بخش به ارائه مدل برای سطوح رقابتی بازار بر اساس عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه پرداخته شد..

$$\text{COSEQ} = (0.29 * \text{SCML}) + (0.623 * \text{Info.Asy}) + C$$



شکل ۱: مدل ساختاری (هزینه سرمایه بر اساس عدم تقارن اطلاعاتی و سطوح رقابتی بازار)

نتیجه گیری و پیشنهادها

سطوح رقابتی بازار از جمله عوامل مهم موثر بر عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه بر هزینه سرمایه است. زمانی که بازار سرمایه به صورت غیر رقابتی باشد، شرکت‌ها با درجه بالای عدم تقارن اطلاعاتی، هزینه سرمایه بالاتری نسبت به شرکت‌هایی با درجه پایین عدم تقارن اطلاعاتی دارند. زمانی که بازار به صورت رقابتی باشد، در هر مقطع زمانی، خریداران و فروشندگان از قیمت سهام اطلاع دارند. به بیان دیگر، هر چه بازار سرمایه رقابتی‌تر باشد، شرکت‌هایی با درجه بالای عدم تقارن اطلاعاتی، اختلاف کمتری در هزینه سرمایه نسبت به شرکت‌هایی با درجه پایین عدم تقارن اطلاعاتی خواهند داشت و از این رو، عدم تقارن اطلاعاتی عامل تعیین‌کننده در تعیین هزینه سرمایه نخواهد بود (خانی و قجاوند، ۱۳۹۱). بنابراین انتظار می‌رود که با افزایش سطح رقابتی تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تضعیف گردد. بنابراین، پژوهش

حاضر در پی پاسخی به این سؤال است که، سطوح رقابت بازار (سطح رقابت کامل و ناقص) بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران چه تأثیری دارد؟

از طریق تحلیل اطلاعات مربوط به ۱۴۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که براساس هر سه معیار سنجش عدم تقارن اطلاعاتی، عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تأثیر مثبت دارد. به عبارت دیگر، با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی، هزینه سرمایه نیز افزایش می‌یابد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که سطح رقابت بازار بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه تأثیر معناداری دارد. به عبارت دیگر، در سطح رقابت ناقص بازار، تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تقویت می‌شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط خانی و قجاوند (۱۳۹۱) که برای دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۳ لغایت ۱۳۸۸ در بازار بورس اوراق بهادار تهران انجام گردیده بوده است، مطابقت دارد؛ همچنین در مقایسه با پژوهش‌های صورت گرفته در خارج از کشور، آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۱)؛ لمبرت و همکاران (۲۰۱۲)؛ آکینس و همکاران (۲۰۱۲) نیز مطابقت وجود دارد.

در حالی که، در سطح رقابت کامل، تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تضعیف می‌شود. یافته‌های حاصله توسط نگارنده، با نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط لمبرت و همکاران (۲۰۱۲)؛ آکینس و همکاران (۲۰۱۲) مطابقت دارد. ولی با نتایج پژوهش‌های خانی و قجاوند (۱۳۹۱)؛ آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۱) در تضاد می‌باشد.

با تکیه بر نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

الف- یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تأثیر مثبت دارد بنابراین به سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران و سایر مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود به منظور تصمیم‌گیری در خرید و فروش سهام و برآورد ریسک و بازده مورد انتظار به سطح عدم تقارن اطلاعاتی توجه ویژه‌ای داشته باشند. در ضمن به تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات نیز پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش کارایی بازار و حمایت از سرمایه‌گذاران به سطح عدم تقارن اطلاعاتی در بازار را مدنظر قرار دهند.

ب- یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که سطح رقابت بازار بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه تأثیر معناداری دارد؛ به عبارت دیگر، در سطح رقابت ناقص بازار، تأثیر

مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تقویت می‌شود در حالی که در سطح رقابت کامل، تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه تضعیف می‌شود. بنابراین به سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران و سایر مشارکت‌کنندگان در بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود به منظور تصمیم‌گیری در خرید و فروش سهام و برآورد ریسک و بازده مورد انتظار در کنار عدم تقارن اطلاعاتی به سطح رقابت بازار نیز توجه ویژه‌ای داشته باشند. در ضمن به تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات نیز پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش کارایی بازار و حمایت از سرمایه‌گذاران در کنار عدم تقارن اطلاعاتی به سطح رقابت بازار را نیز مدنظر قرار دهند.

به منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:

الف- بررسی تأثیر سایر متغیرهای اثرگذار احتمالی بر ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه با استفاده از سایر مدل‌های کیفی و مقایسه نتایج حاصله با بررسی‌های کمی داده‌های شرکت‌های بورسی.

ب- بررسی تأثیر سطوح رقابت بازار (سطح رقابت کامل و ناقص) بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه به تفکیک نوع صنعت.

منابع

- آقایی، محمدعلی؛ احمدیان، وحید و سفیدگران؛ میرسعید. (۱۳۹۶)، تأثیر پیچیدگی و پویایی محیطی بر رابطه مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی، *دانش حسابداری مالی*، ۴(۴)، ۲۳-۱.
- ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامین سب، علی و صدیقه، پروانه. (۱۳۹۷)، تأثیر رقابت در بازار محصول بر ریسک‌پذیری سرمایه‌گذاران، *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰(۴۰)، ۱۸۶-۱۷۱.
- احمدپور، احمد؛ فرمانبردار، مریم. (۱۳۹۴)، بررسی ارتباط بین افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و رقابت بازار محصول، *فصلنامه حسابداری مالی*، ۷(۲۶)، ۱۰۳-۱۲۴.
- پورحیدری، امید؛ سروستانی، امیر و هوشمند، رحمت اله. (۱۳۹۱)، تأثیر رقابتی بودن بازار محصول بر هزینه‌های نمایندگی، *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۵(۱۶)، ۲۸-۱۳.
- حجازی، رضوان؛ زارعی، بتول و حاتمی، فرهاد. (۱۳۹۵)، تأثیر کیفیت حسابرسی بر عدم تقارن اطلاعاتی، *بررسی‌های حسابداری*، ۳(۱۰)، ۱۸-۱.
- حیدری، مهدی؛ قادری، بهمن و همسخانی، سعید. (۱۳۹۶)، بررسی نقش میانجی عدم تقارن اطلاعاتی در تبیین رابطه بین کیفیت حسابرسی و سیاست‌های تأمین مالی، *راهبرد مدیریت مالی*، ۵(۴)، ۱۲۶-۹۳.
- خانی، عبدالله؛ قجاوند، زیبا. (۱۳۹۱)، تأثیر طیف رقابتی بازار بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه سهام عادی، *پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۴(۴)، ۸۸-۶۷.
- خانی، عبدالله؛ قجاوند، زیبا. (۱۳۹۳)، تأثیر متغیرهای حسابداری و بازار عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه. *پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۱، ۲۳-۴۴.
- نهندی، بادآور؛ خجسته، هیوا و شریف زاده، غفور. (۱۳۹۷)، نقش تعدیلگری ارزش‌گذاری نادرست سهام بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ساختار سرمایه، *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۰(۳۷)، ۵۳-۸۴.
- Aghaei, M, Ali., Ahmadian, V., Sefidgaran, M, S. (2017), The effect of environmental complexity and dynamism on the relationship between earnings management and information asymmetry, *Financial Accounting Knowledge*, 4 (4), 1-23. (In Persian)
- Ahmadpour, A., Farmanbardar, M. (2015), Study of the relationship between disclosure of corporate social responsibility information and product market competition, *Financial Accounting Quarterly*, 7 (26), 103-124. (In Persian)
- Akins, B., Ng, J. , Verdi, R. (2012). Investor competition over information and the pricing of information asymmetry. *The Accounting Review*, 87(1), 35-58.
- Armstrong, C., Core, J., Taylor, D., Verrecchia, R. (2011), When Does Information Asymmetry Affect the Cost of Capital?, *Journal of Accounting Research*, 49(1), 1-40.

- Nahandi, B., Khojasteh, H., Sharifzadeh, G. (2018), The moderating role of incorrect stock valuation on the relationship between information asymmetry and capital structure, *Quarterly Journal of Financial Accounting and Auditing Research*, 10 (37), 84-53. (In Persian)
- Chaoli GUO (2012) Three essays on capital market with incomplete and asymmetric information Submitted for the degree of Doctor of Philosophy at The University of Hong Kong in July
- Chen, C., Li, L., Ma, M. L. (2014), Product Market Competition and the Cost of Equity Capital: *Evidence from China*. 1-35.
- Ebrahimi, S, K., Bahramin ,S, Ali., Sedigheh,P. (2018), The effect of competition in the product market on investors' risk-taking, *Quarterly Journal of Financial Accounting and Auditing Research*, 10 (40), 171-186. (In Persian)
- Hejazi, R., Zarei, B., Hatami, F. (2016), The effect of audit quality on information asymmetry, *Accounting Reviews*, 3 (10), 1-18. (In Persian)
- Heydari, M., Ghaderi, B., Hamkhani, S. (2017), Study of the mediating role of information asymmetry in explaining the relationship between audit quality and financing policies, *Financial Management Strategy*, 5 (4), 93-126. (In Persian)
- Hughes, J., Aboody, D., Liu, J. (2005). Earnings Quality, Insider Trading, and Cost of Capital. *Journal of Accounting Research*.
- Khani, A., Qajavand,Z. (2014). The effect of accounting and market variables on information asymmetry on the cost of capital. *Accounting and Auditing Research*, 21, 23-44. (In Persian)
- Khani, A., Qajavand,Z. (2012), The effect of competitive market spectrum on the relationship between information asymmetry and the cost of common stock capital, *Financial Accounting Research*, 4 (4), 67-88. (In Persian)
- Lambert, R. Verrecchia, R. (2010). Cost of Capital in Imperfect Competition Settings. Working paper, University of Pennsylvania.
- Lambert, R., C. Leuz. , Verrecchia,R. (2012). Information asymmetry, information precision, and the cost of capital. *Review of Finance* .16(1) , 1-29.
- Li, S. , Zhan, X. (2016), Product Market Threats and Stock Crash Risk, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2474135>.
- Pourheidari, O., Sarvestani, A., Hooshmand, R. (2012), The effect of product market competitiveness on agency costs, *Financial Knowledge of Securities Analysis (Financial Studies)* 5(16), 13-28. (In Persian)
- Venky, N., Schoenfeld, J., Wellman, L. (2018), The Effect of Economic Policy Uncertainty on Investor Information Asymmetry and Management Disclosures, *Journal of Accounting and Economics*.
- William, P., Andrew, H., Leung, L, H. (2013). Information asymmetry and the cost of equity capital. *International Review of Economics & Finance*. 27, 611-620

مقایسه مدل‌های ثقلب در تعدیل برنامه حسابرسی^۱

مسعود طاهری^۲، ناصر ایزدی نیا^۳، رزیتا مؤید فر^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۷

مقاله پژوهشی

چکیده

طراحی برنامه حسابرسی به گونه‌ای که بتوان به ریسک ثقلب ارزیابی شده واکنش مناسبی نشان داد، یکی از مهمترین فعالیت‌هایی است که حساب‌برسان در رسیدگی‌های خود انجام می‌دهند. بنابراین هر مطالعه پژوهشی که بتواند در این زمینه به حساب‌برسان یاری برساند، در خور توجه می‌باشد. در این راستا، این پژوهش به مقایسه مدل‌های مثلث، دیاموند و پنتاگون ثقلب در تعدیل برنامه حسابرسی می‌پردازد. مدل مثلث ثقلب سه بعد فشار/انگیزه، فرصت و توجیه‌سازی را به عنوان ابعاد ثقلب معرفی می‌کند. این در حالی است که مدل دیاموند ثقلب، علاوه بر سه بعد مذکور، بعد توانایی را نیز در نظر می‌گیرد. همچنین مدل پنتاگون ثقلب، علاوه بر چهار بعد بیان شده، بعد غرور را به عنوان یکی از ابعاد ثقلب معرفی می‌کند. به منظور مقایسه این مدل‌ها، از رویکرد مطالعه موردی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی در سال ۱۳۹۷ می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از مدل دیاموند ثقلب، نسبت به مدل مثلث ثقلب، و استفاده از مدل پنتاگون ثقلب، نسبت به مدل‌های دیاموند ثقلب و مثلث ثقلب، منجر به تعدیل بیشتر برنامه حسابرسی می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تعدیل برنامه حسابرسی، مثلث ثقلب، دیاموند ثقلب، پنتاگون ثقلب.

طبقه بندی موضوعی: M41، M42.

DOI: 10.22051/JERA.2019.22343.2197

۲. دکتری حسابداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (نویسنده مسئول)، (masoudtaheri99@yahoo.com).

۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (n.izadinia@ase.ui.ac.ir).

۴. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران، (r.moayedfar@ase.ui.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

حسابرسان در انجام وظایف مربوط به رسیدگی صورت‌های مالی، فرآیندهای مختلفی را انجام می‌دهند. برای اینکه این فرآیندها با موفقیت انجام شوند، استفاده از ابزارها و مدل‌های مناسب نقش بسزائی ایفا می‌کند. یکی از مهمترین فرآیندهایی که حسابرسان در رسیدگی‌های خود با آن مواجه هستند، ارزیابی ریسک تقلب می‌باشد. ارزیابی ریسک تقلب خود زمینه‌ساز تهیه و طراحی برنامه حسابرسی می‌باشد. از این رو حسابرسان باید در ارزیابی ریسک تقلب از ابزار و مدل‌های مناسب استفاده کنند. بعد از اینکه حسابرسان ریسک تقلب را ارزیابی کردند، باید برنامه حسابرسی را به گونه‌ای تنظیم کنند که بتوانند پاسخ مناسبی به ریسک تقلب ارزیابی شده بدهند (گراهام و بدارد، ۲۰۰۳). این موضوع که حسابرسان نسبت به احتمال وقوع تقلب چگونه واکنش نشان داده و برنامه حسابرسی را تعدیل می‌کنند، به دو دلیل اهمیت دارد. اول اینکه تقلب می‌تواند اثرات مالی منفی بر استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی و در کل سیستم بازار سرمایه داشته باشد. دوم، با توجه به اینکه رسیدگی‌های حسابرسان باعث کاهش ریسک اطلاعات مالی می‌شود، موفقیت آن‌ها در فرآیند رسیدگی می‌تواند نقش و جایگاه حسابرسان در جامعه را تقویت کند (مکاوی و اسپچک، ۲۰۰۳؛ ویلکس و زیمبلمن، ۲۰۰۴). وقوع تقلب برای حسابرسان پیامدهای مخربی دارد، بنابراین آن‌ها باید سعی کنند تا با توجه به نشانه‌های تقلب و تعدیل مناسب برنامه حسابرسی با در نظر گرفتن آن نشانه‌ها، از به وجود آمدن این پیامدها جلوگیری کنند (گراهام و بدارد، ۲۰۰۳). مدلی که برای ارزیابی ریسک تقلب و تعدیل برنامه حسابرسی به صورت گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است، مدل مثلث تقلب^۱ (کرسی، ۱۹۷۳) می‌باشد. انتقاد مطرح در مورد این مدل، این است که یکی از مهمترین جنبه‌های تقلب، یعنی ویژگی‌های فردی را در نظر نمی‌گیرد. این شرایط باعث شده است تا مدل‌های دیگری به نام مدل دیاموند تقلب^۲ (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴) و مدل پنتاگون تقلب^۳ (کروهرواوت، ۲۰۱۱) ارائه شود. با این وجود، تاکنون پژوهشی به مقایسه این مدل‌ها پرداخته است. بنابراین در این پژوهش به مقایسه این سه مدل در محیط ایران از نظر تأثیر در تعدیل برنامه حسابرسی پرداخته می‌شود.

1. Fraud Triangle Model
2. Fraud Diamond Model
3. Fraud Pentagon Model

مبانی نظری پژوهش

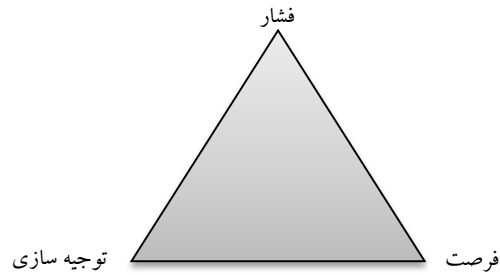
مدل‌های تقلب

ادبیات تقلب موجود در حسابداری برای درک علل وقوع تقلب، به صورت گسترده‌ای بر مدل مثلث تقلب تمرکز دارد. با این وجود، پژوهشگران کامل بودن مدل مثلث تقلب را از نظر شامل شدن ابعاد مختلف انجام تقلب مورد تردید قرار داده‌اند (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴؛ کروهوراوت، ۲۰۱۱؛ دورمینی و همکاران، ۲۰۱۲؛ کاسم و هیگسون، ۲۰۱۲) و معتقدند که این مدل ناقص می‌باشد. این ناقص بودن می‌تواند ارزیابی حساب‌رسان از عوامل ریسک تقلب و در نتیجه برنامه حسابرسی را تحت تأثیر قرار دهد. به خصوص ادبیات تقلب بر این موضوع اشاره دارد که مدل مثلث تقلب در هنگام در نظر گرفتن ویژگی‌های یک فرد که تقلب انجام می‌دهد، کامل نیست. این شرایط منجر به ارائه مدل‌های دیگری به نام مدل دیاموند تقلب (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴) و مدل پنتاگون تقلب (کروهوراوت، ۲۰۱۱) گردید. در ادامه این سه مدل تقلب تشریح می‌گردد.

مدل مثلث تقلب

مدل مثلث تقلب توسط کرسی (۱۹۷۳) مطرح گردید. تمرکز او بر شرایطی بود که باعث می‌شود تا افراد درگیر فعالیت‌های متقلبانه و غیر اخلاقی گردند. مثلث تقلب مدلی را برای شناسایی عوامل انجام تقلب فراهم می‌آورد. این عوامل عبارتند از: (۱) فشار^۱ (انگیزه ۲) فرصت^۲ (۳) توجیه‌سازی^۳. فشار/انگیزه: به انگیزه شخصی برای انجام تقلب اشاره دارد. انگیزه‌های فراوانی برای انجام تقلب وجود دارد که از جمله مهمترین آن‌ها می‌توان به انگیزه‌های مالی و شغلی اشاره نمود. فرصت: وضعیت و یا موقعیتی است که به فرد اجازه انجام تقلب و پنهان کردن آن را می‌دهد. برای مثال نبود تفکیک وظایف مناسب و یا انجام دو مسئولیت توسط یک فرد، می‌تواند فرصت انجام تقلب را فراهم آورد. توجیه‌سازی: بیانگر این موضوع است که وقتی افراد مرتکب تقلب می‌شوند، برای خود و دیگران یک بهانه و یا توجیه می‌آورند تا کار خود را موجه جلوه دهند. بی‌اهمیت نشان دادن تقلب خود برای سازمان از جمله این موارد است (داگلاس و همکاران، ۲۰۱۵). شکل (۱) این مدل را نشان می‌دهد.

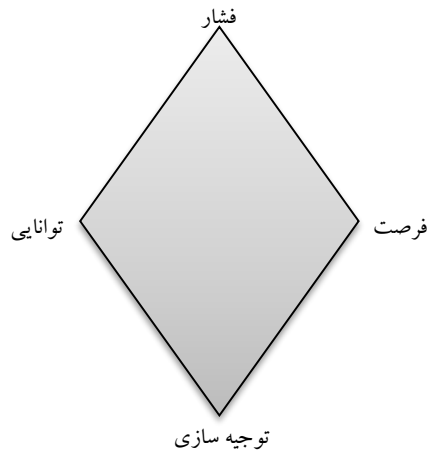
1. Pressure
2. Opportunity
3. Rationalization



شکل (۱): مدل مثلث تقلب (کرسی، ۱۹۷۳)

مدل دیاموند تقلب

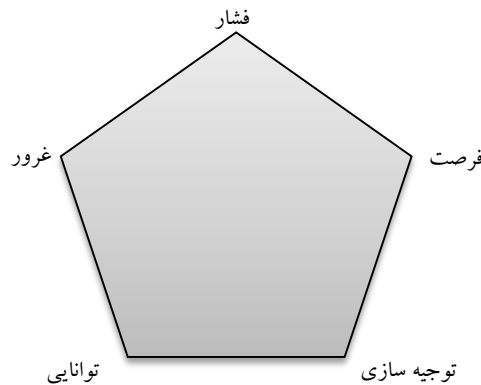
مدل دیاموند تقلب توسط ولف و هرمانسون (۲۰۰۴) مطرح شد. این مدل بعد توانایی^۱ را به عنوان عامل چهارم به مدل مثلث تقلب اضافه می‌کند. آن‌ها بر این عقیده هستند که داشتن توانایی‌های لازم برای انجام تقلب یکی از مهمترین عوامل ارتکاب تقلب می‌باشد. آن‌ها برای بعد توانایی عناصری را از قبیل توانایی شناسایی ضعف موجود در سیستم‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی، توانایی استفاده از ضعف موجود در سیستم‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی، اعتماد به داشتن توانایی برای جلوگیری از شناسایی شدن تقلب و توانایی وادار کردن دیگران به انجام تقلب را مطرح می‌کنند. سایر ابعاد این مدل، مشابه مدل مثلث تقلب می‌باشد. شکل (۲) این مدل را نشان می‌دهد.



شکل (۲): مدل دیاموند تقلب (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴)

مدل پنتاگون تقلب

مدل پنتاگون تقلب (۲۰۱۱) بسطی از مدل مثلث تقلب (کرسی، ۱۹۷۳) می‌باشد. این مدل توسط جاناتان مارک ایجاد گردید. مطابق با محیط تجاری امروزی، مدل پنتاگون تقلب دو بعد دیگر را به مدل مثلث تقلب افزود که غرور^۱ و توانایی هستند. غرور (خود بزرگ بینی - تکبر) یا نبود وجدان را می‌توان نگرشی مبتنی بر برتری طلبی و محق بودن یا طمع از طرف فردی دانست که به سادگی معتقد است کنترل‌های داخلی در رابطه با شخص وی مصداق ندارد. مفهوم توانایی به شکل مشابهی در مدل دیاموند تقلب (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴) تعریف می‌شود. شکل (۳) این مدل را نشان می‌دهد.



شکل (۳): مدل پنتاگون تقلب (کروهرواوت، ۲۰۱۱)

تعدیل برنامه حسابرسی

هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام به نقش حسابرسان در شناسایی تقلب اشاره کرده و بیان می‌دارد که حسابرسان باید برای بررسی ریسک‌های تقلب شناسایی شده، برنامه حسابرسی را که شامل ماهیت، زمان‌بندی و میزان آزمون‌ها می‌باشد، تغییر دهند. این هیئت هدف از انجام این کار را جمع‌آوری شواهد حسابرسی با قابلیت اتکا و تأییدپذیری بیشتر می‌داند (کاسم و هگزی، ۲۰۱۰).

پژوهش‌های پیشین نشان‌دهنده وجود رابطه بین ارزیابی ریسک تقلب و برنامه حسابرسی هستند (زیملمن، ۱۹۹۷؛ گلاور و همکاران، ۲۰۰۳؛ آساری و رایت، ۲۰۰۴؛ هامرسلی و همکاران، ۲۰۱۱). برای مثال زیملمن (۱۹۹۷) به این نتیجه رسید که حسابرسانی که عوامل ریسک تقلب را به صورت تفکیک شده و نه به صورت کلی مورد ارزیابی قرار می‌دهند، در پاسخ به ریسک تقلب شناسایی شده میزان آزمون‌ها را افزایش می‌دهند. ماک و ترنر (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که حسابرسان در واکنش به ارزیابی ریسک تقلب، ماهیت، میزان و زمان‌بندی فرآیندهای حسابرسی را تغییر می‌دهند به گونه‌ای که افراد با تجربه‌تری را برای تیم حسابرسی در نظر می‌گیرند و فرآیندهایی را حذف و یا اضافه می‌کنند. هامرسلی (۲۰۱۱) به وضوح به بیان نقش محوری ارزیابی ریسک تقلب در فرآیند حسابرسی و چگونگی تأثیر ارزیابی حسابرسان از ریسک تقلب بر ماهیت و میزان آزمون‌های حسابرسی می‌پردازد. او مدلی از قضاوت حسابرسان در ارتباط با ریسک تقلب ارائه می‌دهد که خصوصیات عوامل ریسک تقلب را به ارزیابی ریسک تقلب و در نهایت به برنامه حسابرسی مربوط می‌سازد. او پیشنهاد می‌کند وقتی که نشانه‌ها حاکی از وجود تقلب می‌باشد، افزایش میزان آزمون‌ها می‌تواند یک پاسخ مناسب به این شرایط باشد. گلاور و همکاران (۲۰۰۳) نیز به این نتیجه رسیدند که در پاسخ به افزایش در ریسک تقلب، آزمون‌های بیشتری باید انجام شود. انتظار می‌رود حسابرسانی که از مدل دیاموند و پنتاگون تقلب استفاده می‌کنند نیاز بیشتری برای بازبینی برنامه حسابرسی در پاسخ به افزایش در نشانه‌های تقلب احساس کنند. شلتون و همکاران (۲۰۰۱) رویه‌های شرکت‌های حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که شرکت‌های مورد بررسی رهنمودهایی در مورد تعدیل برنامه حسابرسی شامل تغییر در ماهیت، زمان‌بندی و میزان آزمون‌های حسابرسی ارائه داده‌اند که بر مبنای نشانه‌های تقلب بیانیه استاندارد حسابرسی شماره ۸۲ می‌باشد. بوریتز و همکاران (۲۰۱۵) پژوهشی را با هدف بررسی اینکه متخصصان تقلب در واکنش به افزایش احتمال تقلب، چگونه برنامه حسابرسی را تعدیل می‌کنند، انجام دادند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که متخصصان تقلب در مواجهه با افزایش احتمال تقلب، میزان آزمون‌ها را برای شناسایی تقلب افزایش می‌دهند.

پیشینه تجربی پژوهش

پیشینه خارجی

ساری و آلیف (۲۰۲۱) با استفاده از مدل پنتاگون تقلب به بررسی تاثیر ابعاد آن در انجام تقلب در صورت‌های مالی در کشور اندونزی پرداختند. نمونه آماری این پژوهش شامل ۲۹ شرکت

در دوره زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ بوده و برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون خطی چندگانه استفاده گردیده است. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که ابعاد انگیزه/فشار و غرور در انجام تقلب تاثیر معناداری دارند.

چاندر و همکاران (۲۰۲۱) با بیان اینکه مدل پنتاگون تقلب نسبت به مدل‌های مثلث و دیاموند توانایی بالاتری در ارزیابی ریسک تقلب دارند، تاثیر ابعاد این مدل را در تقلب صورت‌های مالی مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و اطلاعات ۲۰ شرکت به عنوان نمونه آماری در بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ انجام شده و برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون خطی استفاده گردیده است. نتایج نشان داد که هر پنج بعد مدل پنتاگون تقلب تاثیر معناداری بر تقلب صورت‌های مالی دارند و روش نمونه آماری این پژوهش شامل ۲۰ شرکت بود.

راکمانا (۲۰۱۸) به بررسی تاثیر ابعاد مدل پنتاگون تقلب بر تقلب صورت‌های مالی پرداخت. علاوه بر این، تاثیر تقلب بر ارزش شرکت نیز مورد بررسی قرار گرفت. نمونه این پژوهش شامل ۶۶ شرکت تولیدی پذیرفته شده در بورس سهام اندونزی در بازه زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ بوده است. در این پژوهش از روش حداقل مربعات جزئی استفاده شده است. نتایج نشان داد که به غیر از بعد تقلب توجیه‌سازی، سایر ابعاد تقلب یعنی فشار، فرصت، توانایی و غرور بر انجام تقلب صورت‌های مالی تاثیر معنادار دارد و وقوع تقلب باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود.

زاک (۲۰۱۷) به بررسی تفاوت بین مدل‌های مثلث و دیاموند تقلب در ارزیابی احتمال تقلب در گزارشگری مالی در کشور مصر پرداخت. نمونه این پژوهش شامل ۱۰۰ شرکت بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین این دو مدل در ارزیابی احتمال تقلب در گزارشگری مالی، تفاوت معناداری وجود دارد و مدل دیاموند تقلب اطلاعات مربوط بیشتری را در اختیار قرار می‌دهد. وی مدل دیاموند تقلب را مدل مناسب‌تری برای ارزیابی احتمال تقلب در گزارشگری مالی در این کشور می‌داند.

فورتوینگر (۲۰۱۶) به بررسی این موضوع پرداخت که آیا رویکرد بررسی و ارزیابی ریسک تقلب ابعاد مدل مثلث تقلب و نشانه‌های آن‌ها به صورت جداگانه می‌تواند منجر به بهبود ارزیابی ریسک تقلب شود یا خیر. وی همچنین تاثیر این نوع ارزیابی ریسک تقلب را بر برنامه حسابرسی مورد بررسی قرار داد. او معتقد بود که این رویکرد می‌تواند اطلاعات بیشتری را در اختیار

حسابرس قرار دهد و به این صورت ارزیابی ریسک تقلب و برنامه حسابرسی را بهبود بخشد. این پژوهشگر برای انجام این پژوهش از مورد تجربی استفاده کرد. نمونه این پژوهش شامل پنجاه و پنج حسابرس مستقل بوده است. نتایج نشان داد که استفاده از این رویکرد به طور معناداری توانایی حسابرسان را در ارزیابی ریسک تقلب بالا برده و منجر به تعدیل کل ساعات بودجه شده حسابرسی می‌شود.

داگلاس و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر استفاده از مدل مثلث تقلب و مدل دیاموند تقلب بر ارزیابی ریسک تقلب حسابرسان مستقل پرداختند. نمونه آن‌ها شامل ۸۹ حسابرس مستقل بود و برای انجام پژوهش از مورد تجربی استفاده گردید. در این پژوهش نمونه به دو گروه تقسیم شده و از یک گروه خواسته شد که با استفاده از مدل مثلث تقلب، و از گروه دیگر خواسته شد که با استفاده از مدل دیاموند تقلب به ارزیابی ریسک تقلب پردازند. نتایج حاکی از آن بود که حسابرسانی که با استفاده از مدل دیاموند تقلب به ارزیابی ریسک تقلب پرداخته بودند، نسبت به حسابرسانی که با استفاده از مدل مثلث تقلب به ارزیابی ریسک تقلب پرداخته بودند، به طور معناداری ریسک را بیشتر برآورد کرده بودند.

عبداللطیف (۲۰۱۳) به بررسی اهمیت نشانه‌های تقلب و اینکه حسابرسان در مواجهه با چنین نشانه‌هایی چگونه برنامه حسابرسی خود را تعدیل می‌کنند، پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که با اهمیت‌ترین عوامل ریسک تقلب مربوط به ویژگی‌های مدیریت و کم اهمیت‌ترین عوامل ریسک تقلب مربوط به مشکل در عملکرد مالی می‌باشد. همچنین نتایج حاکی از آن بود که اهمیت تعدیل برنامه حسابرسی بستگی به اهمیت نشانه‌های ریسک تقلب موجود دارد. با این حال تغییر در ماهیت و میزان روش‌های حسابرسی نسبت به تغییر در زمان‌بندی اجرای آن‌ها مهم‌تر می‌باشد.

گراهام و بدارد (۲۰۰۳) رابطه بین ارزیابی ریسک تقلب و برنامه حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها با ارزیابی مشتریان پنج موسسه بزرگ حسابرسی به این نتیجه رسیدند که عوامل تقلب واحدهای مورد رسیدگی، بیشتر مربوط به شرایط صنعت و رقابت در آن، درستکاری مدیریت، کیفیت سیستم کنترل‌های داخلی، شرایط مالی و وجود فشار برای رسیدن به اهداف مالی می‌باشد. همچنین حسابرسان با تغییر در نوع عوامل ریسک تقلب، ماهیت آزمون‌های حسابرسی را تغییر می‌دهند.

مکاوای و اسپچک (۲۰۰۳) به بررسی این موضوع پرداختند که حسابرسان در واکنش به عوامل ریسک تقلب، چگونه برنامه حسابرسی را تغییر می‌دهند. نمونه این پژوهش شامل ۴۸ حسابرس از پنج موسسه بزرگ حسابرسی بود. در این پژوهش یک مورد تجربی در اختیار حسابرسان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد نظر خود را در مورد تعدیل برنامه حسابرسی بیان کنند. عوامل تقلب موجود در مورد تجربی، مربوط به عوامل اقتصادی و صنعت بودند. نتایج حاکی از آن بود که حسابرسان در مواجهه با چنین عوامل ریسک تقلبی (اقتصاد و صنعت)، میزان آزمون‌های حسابرسی را افزایش می‌دهند.

پیشینه داخلی

معصومی و همکاران (۱۳۹۹) به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کشف تقلب صورت‌های مالی با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی پرداختند. این پژوهش با استفاده از مدل مثلث تقلب انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل حسابرسان ارشد، سرپرستان، سرپرستان ارشد، مدیر حسابرسی و شریک مؤسسه حسابرسی شاغل در مؤسسه‌های حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران بوده است. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده از پرسشنامه بر اساس نظر خبرگان استفاده گردیده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بعد فشار اولویت اول، فرصت دومین عامل و توجه‌سازی به‌عنوان سومین عامل مؤثر بر کشف تقلب رتبه‌بندی می‌شوند.

تشددی و سپاسی (۱۳۹۷) با استفاده از روش نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان به ارائه الگوی پیشگیری و کنترل تقلب پرداختند. جامعه آماری این پژوهش شامل ۲۰ خبره در زمینه تقلب بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش عوامل فرهنگ اخلاقی سازمان و سیستم کنترلی اثربخش، شروط علی و اثرگذار بر روش‌های کنترلی شناخته شدند. همچنین، فرهنگ عمومی، شرایط اقتصادی کشور، اعتقادات مذهبی و نظام قانونی جزء شرایط زمینه‌ای و عوامل حاکمیت شرکتی و حسابرسی مستقل جزء شرایط مداخله‌گر قرار گرفتند. در نهایت، روش‌های پیشگیری و کنترل تقلب در چهار گروه کنترل‌های فیزیکی، کنترل‌های حسابداری، افشاگری تقلب و افزایش نقش واحد منابع انسانی طبقه‌بندی و پیامدهای آن در سه سطح جامعه، سازمان و سطح فردی شناسایی و ارائه شدند.

نجف‌لو و همکاران (۱۳۹۶) تأثیر عوامل خطر تقلب بر تعدیل برنامه حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. نمونه آماری آن‌ها شامل حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی

بوده است. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که مهم‌ترین عوامل خطر تقلب مربوط به ویژگی‌های مدیریت می‌باشد و کم‌اهمیت‌ترین آن‌ها مربوط به شرایط مالی و شرایط تأمین مالی واحد مورد رسیدگی است. همچنین حساب‌برسان در مواجهه با عوامل خطر تقلب در اغلب موارد میزان روش‌های حسابرسی را افزایش می‌دهند و کمتر ماهیت و زمان‌بندی اجرای روش‌های حسابرسی را تغییر می‌دهند. سجادی و کاظمی (۱۳۹۵) با استفاده از رویکرد نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک به ارائه الگوی جامع تقلب در صورت‌های مالی پرداختند. این پژوهش در سال ۱۳۹۴ انجام شده است و داده‌های آن از طریق مصاحبه با خبرگان جمع‌آوری شده است. بر اساس نتایج این پژوهش، عامل فشار به عنوان عامل اصلی گزارشگری مالی متقلبان شناخته شد. همچنین انگیزه پاداش مدیران، انگیزه سوءاستفاده از دارایی‌ها، هزینه‌های سیاسی، مقاصد مالیاتی و تحصیل شرکت توسط مدیران نیز بر گزارشگری مالی متقلبان مؤثر هستند. طرح‌های تقلب در گزارشگری مالی در بستر فرهنگ عمومی، نظام قانونی و استانداردهای حسابداری کشور به عنوان شرایط زمینه‌ای و نظام راهبری شرکتی، کنترل داخلی و کیفیت حسابرسی به عنوان شرایط مداخله‌گر متولد می‌شوند.

جهان‌شاد و سرداری زاده (۱۳۹۳) رابطه بین معیارهای مالی و غیرمالی و تأثیر این رابطه بر کشف تقلب را مورد بررسی قرار دادند. نمونه آماری این پژوهش متشکل از ۸۰ شرکت (۴۰ شرکت متقلب و ۴۰ شرکت غیرمتقلب) پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ بوده است. شرکت‌های متقلب بر مبنای شمول شرکت در فهرست سازمان بورس و اوراق بهادار به دلایلی مرتبط با (۱) تحریف داده‌های مالی و (۲) انجام معاملات نهانی در خصوص تحریف در گزارشگری مالی انتخاب گردیدند. نتایج پژوهش وجود یک رابطه منفی و معنادار میان رشد درآمد، رشد کارکنان و اختلاف این دو متغیر با گزارشگری مالی متقلبان را تأیید کرد. به طور کلی نتایج حاصل از پژوهش به بیان این موضوع می‌پردازد که برای کشف تقلب در شرکت‌ها می‌توان در کنار معیارهای مالی از معیارهای غیرمالی نیز بهره گرفت.

پورحیدری و بذرافشان (۱۳۹۰) به رتبه‌بندی بسترهای خطر تقلب با توجه به میزان اهمیت آن‌ها در کشف تقلب مدیریت پرداختند. به این منظور فهرستی شامل ۶۱ مورد از بسترهای خطر تقلب تهیه شد. جهت انجام این پژوهش تعداد ۴۶۰ پرسشنامه بین اعضای جامعه آماری (حساب‌برسان مستقل) به روش تصادفی توزیع شد و در نهایت ۳۱۶ پرسشنامه جمع‌آوری گردید. نتایج حاصل از آزمون‌های آماری نشان‌دهنده این بود که نظر حساب‌برسان نسبت به اهمیت تمامی بسترهای خطر تقلب به جز یک

مورد(نبرد مرخصی‌های اجباری برای کارکنان مسئول کنترل‌های کلیدی)، دارای تفاوت معنادار است. ضمناً با توجه به نتایج بدست آمده مشخص شد مهمترین بستر خطر تقلب، "وابسته بودن بخش عمده‌ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد" است. در ارزیابی ریسک تقلب و تعدیل برنامه حسابرسی توجه به ویژگی‌های فردی بسیار مهم می‌باشد، بنابراین حساب‌برسان باید در رسیدگی‌های خود توجه ویژه‌ای به ویژگی‌های فردی داشته باشند(ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴؛ داگلاس و همکاران، ۲۰۱۵) و از ابزارها و مدل‌های مناسب استفاده نمایند. پژوهشگران مدل مثلث تقلب را از این نظر که شامل ویژگی‌های فردی نمی‌باشد، مورد انتقاد قرار داده‌اند(ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴؛ کروهورواث، ۲۰۱۱؛ دورمینی و همکاران، ۲۰۱۲؛ کاسم و هیگسون، ۲۰۱۲). پژوهش‌های صورت گرفته در ایران در زمینه تقلب، مبتنی بر مدل مثلث تقلب بوده و از مدل‌های دیاموند و پنتاگون تقلب استفاده‌ای نشده است. با توجه به این موضوع، یعنی عدم ارائه و معرفی مدل‌های دیاموند و پنتاگون تقلب، پژوهشی به مقایسه مدل‌های تقلب در تعدیل برنامه حسابرسی نپرداخته است.

فرضیه‌های پژوهش

همان‌طور که بیان شد در این پژوهش به مقایسه مدل‌های تقلب در تعدیل برنامه حسابرسی پرداخته می‌شود. بنابراین فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: استفاده از مدل دیاموند تقلب نسبت به مدل مثلث تقلب، منجر به تعدیل بیشتر برنامه حسابرسی می‌شود.

فرضیه دوم: استفاده از مدل پنتاگون تقلب نسبت به مدل مثلث تقلب، منجر به تعدیل بیشتر برنامه حسابرسی می‌شود.

فرضیه سوم: استفاده از مدل پنتاگون تقلب نسبت به مدل دیاموند تقلب، منجر به تعدیل بیشتر برنامه حسابرسی می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش به منظور بررسی تأثیر مدل‌های تقلب بر تعدیل برنامه حسابرسی از یک مورد تجربی^۱ (کیس) استفاده شده است. این مورد تجربی با مطالعه استاندارد حسابرسی، مبانی نظری،

ادبیات پژوهش و انجام مصاحبه با افراد خبره در این زمینه طراحی گردیده است. در ابتدا استاندارد حسابرسی ایران در ارتباط با تقلب (استاندارد حسابرسی ۲۴۰: مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی، ۱۳۹۴) مورد مطالعه قرار گرفته و نشانه‌های تقلب بیان شده در این استاندارد استخراج شدند. می‌توان بیان کرد که استاندارد حسابرسی مربوط به تقلب ایران، در بیان ابعاد تقلب مبتنی بر مدل مثلث تقلب می‌باشد و در آن اشاره‌ای به ابعاد توانایی و غرور نشده است. با توجه به این موضوع، مبانی نظری و ادبیات خارجی مورد مطالعه قرار گرفتند و نشانه‌های مربوط به ابعاد توانایی و غرور (علاوه بر ابعاد انگیزه، فرصت و توجیه‌سازی) استخراج گردیدند. پس از استخراج نشانه‌های تقلب، آن نشانه‌ها با افراد خبره مورد بررسی قرار گرفتند. بنابراین اینکه کدام نشانه‌های تقلب در موردهای تجربی گنجانده شوند، از طریق مصاحبه با افراد خبره انتخاب شدند. پس از طی مراحل مذکور، نشانه‌های ابعاد مختلف مدل‌های تقلب در دسترس قرار گرفتند و با توجه به نشانه‌های ذکر شده، موردهای تجربی تهیه گردیدند. لازم به ذکر است که پس از طراحی اولیه، موردهای تجربی در اختیار افراد خبره قرار داده شدند تا این افراد نظرات خود را درباره آن‌ها بیان کنند. پس از دریافت نظرات، اصلاحات مورد نظر افراد خبره انجام گرفته و به این صورت موردهای تجربی طراحی نهایی گردیدند. در این پژوهش با ۹ خبره (۴ عضو هیأت علمی دانشگاه در رشته حسابداری، ۴ شریک موسسه حسابرسی و ۱ خبره که ایشان هم عضو هیأت علمی دانشگاه در رشته حسابداری بودند و هم شریک موسسه حسابرسی) مصاحبه صورت گرفته است. با توجه به تجربه نویسندگان، خبره اول برای انجام مصاحبه، به صورت قضاوتی انتخاب شد. پس از انجام مصاحبه با خبره اول، از وی درخواست گردید تا خبره بعدی را برای انجام مصاحبه معرفی نماید. نظرات دریافتی در هر مصاحبه مورد بررسی قرار می‌گرفت. این وضعیت، یعنی درخواست از خبره مصاحبه‌شونده برای معرفی خبره بعدی و بررسی نظرات، تا اشباع نظری ادامه یافت. به طور خلاصه می‌توان مراحل تهیه مورد تجربی را به شرح زیر بیان نمود:

۱. مطالعه و بررسی استاندارد حسابرسی ایران، مبانی نظری و ادبیات و استخراج نشانه‌های تقلب
۲. مصاحبه با خبرگان جهت بررسی نشانه‌های تقلب استخراج شده و انتخاب نشانه‌های مناسب برای طراحی موردهای تجربی

۳. طراحی اولیه موردهای تجربی
 ۴. قراردادن موردهای تجربی تهیه شده در اختیار خبرگان جهت دریافت نظرات و اصلاحات مد نظر آن‌ها
 ۵. انجام اصلاحات مورد نظر خبرگان
 ۶. قراردادن موردهای تجربی اصلاح شده در اختیار خبرگان برای بررسی مجدد
 ۷. تکرار مراحل ۵ و ۶ تا طراحی نهایی موردهای تجربی
- مورد تجربی مورد استفاده در این پژوهش شامل بخش‌های معرفی شرکت، صنعت و رقابت، مدیریت و راهبری، عملکرد مالی و کنترل‌های داخلی می‌باشد. در این مورد تجربی در مجموع ۳۰ نشانه تقلب وجود دارد. نگاره (۱) نشانه‌های تقلب انتخاب شده را نشان می‌دهد. به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، موردهای تجربی تهیه شده در اختیار حسابرسان قرار گرفت. برای اندازه‌گیری متغیر تعدیل برنامه حسابرسی، در موردهای تجربی از حسابرسان خواسته شد تا میزان تعدیل برنامه حسابرسی را با عددی بین صفر تا صد مشخص کنند. به این صورت داده‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل در دسترس قرار گرفت.

نگاره (۱). نشانه‌های تقلب انتخاب شده برای تهیه مورد تجربی

ابعاد تقلب	نشانه‌های تقلب
بعد فشار/انگیزه	رشد یا سود آوری مفرط
	رقابت در صنعت
	پدید آمدن الزامات جدید قانونی یا مقررات حسابداری
	ناتوانی شرکت در بازپرداخت بدهی‌ها
	وجود جریان‌های نقدی منفی مکرر
	خطر ورشکستگی و تحصیل توسط رقبا
بعد فرصت	پیچیدگی سازمانی
	سیاست‌ها و فرآیندهای کنترلی
	کیفیت نظارت هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی
	تغییرات مدیریت و مدیران ارشد
	انجام معاملات بااهمیت و خارج از روال عادی کسب و کار با اشخاص وابسته
بعد توجیه سازی/نگرش	گزارش دارایی‌ها، بدهی‌ها، درآمدها و هزینه‌ها براساس برآوردهای ذهنی
	اختلاف نظر با حسابرسان در مورد مسائل حسابداری، حسابرسی و گزارشگری
	سابقه وجود ادعا علیه واحد مورد رسیدگی، مدیران میانی و اعضای هیئت‌مدیره به دلیل ارتکاب تقلب و نقض قوانین
	ایجاد محدودیت در کار حسابرسان

تمایل زیاد مدیریت به حفظ و افزایش روند سودآوری شرکت	
کوتاهی مدیریت در اصلاح به موقع ضعف‌های کنترل‌های داخلی	
سابقه نقض قوانین و مقررات	
میزان تحصیلات و مرتبط بودن آن	بعد توانایی
توانایی فریب‌دادن دیگران و دروغ گفتن	
میزان تجربه	
توانایی حفظ استرس	
توانایی اجبار کردن دیگران به انجام یا پنهان کردن تقلب	
مهارت‌های کلامی و ارتباطی	بعد غرور
اطمینان بیش از حد	
مشورت نگرفتن	
سبک مدیریت استبدادی (چالش تصمیمات)	
عدم کاربرد کنترل‌های داخلی	
خود برتر بینی	
حفظ جایگاه (جاه طلبی)	

آزمون فرضیه‌ها

هنگامی که قصد مقایسه چند میانگین وجود دارد، از تحلیل واریانس استفاده می‌شود. در تحلیل واریانس فرض صفر بیان‌کننده تساوی میانگین‌های مورد مقایسه می‌باشد و فرضیه مقابل بیان می‌کند که حداقل دو میانگین از میانگین‌های مورد مقایسه با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. اگر نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان دهد که حداقل بین دو میانگین از میانگین‌های مورد مقایسه تفاوت وجود دارد، برای مشخص کردن اینکه بین کدام میانگین‌ها تفاوت وجود دارد، از آزمون‌های تعقیبی^۱ استفاده می‌شود. دلیل استفاده از آزمون‌های تعقیبی این است که آزمون تحلیل واریانس فقط مشخص می‌کند که بین میانگین‌ها تفاوت وجود دارد اما مشخص نمی‌کند که بین کدام میانگین‌ها تفاوت وجود دارد. در واقع آزمون‌های تعقیبی محل قرار گرفتن تفاوت یا تفاوت‌های موجود بین میانگین‌ها را مشخص می‌کند (فیلد، ۲۰۰۹). با توجه به فرضیه‌ها، آزمون تعقیبی مناسب برای بررسی آن‌ها آزمون تعقیبی توکی^۲ می‌باشد. این آزمون برای مقایسه‌های زوجی میانگین‌ها (تمام حالت‌های ممکن یک به یک میانگین‌ها) به کار می‌رود. اگر هدف مقایسه زوجی میانگین‌های گروه‌های مورد بررسی باشد، آزمون توکی مناسب‌ترین و پرکاربردترین آزمون می‌باشد (مونته‌گومری، ۲۰۰۷؛ فیلد، ۲۰۰۹).

1. Post-Hoc
2. Tukey

جامعه و نمونه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، حسابداران رسمی شاغل در سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی در سه طبقه شاغل شریک، شاغل در استخدام و شاغل در استخدام سازمان حسابرسی بوده‌اند. از این رو، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شده است. پس از توزیع موردهای تجربی، تعداد ۱۲۶ مورد تجربی جمع‌آوری گردیده و نمونه پژوهش را تشکیل داده‌اند. نگاره (۲) آمار توصیفی نمونه پژوهش را نشان می‌دهد.

نگاره (۲). آمار توصیفی نمونه پژوهش

تعداد	شرح
۱۶	کمتر از ۳۰ سال
۳۹	۳۰ تا ۴۰ سال
۴۸	۴۰ تا ۵۰ سال
۲۳	بیش از ۵۰ سال
۴۸	کارشناسی
۶۳	کارشناسی ارشد
۱۵	دکتری
۱۷	کمتر از ۱۰ سال
۳۸	۱۰ تا ۱۵ سال
۴۵	۱۵ تا ۲۰ سال
۲۶	بیش از ۲۰ سال

یافته‌های پژوهش

نگاره (۳) آمار توصیفی پژوهش را نشان می‌دهد. این نگاره تعدیل برنامه حسابرسی را به تفکیک مدل مورد استفاده نشان می‌دهد. در این پژوهش سه مدل مثلث، دیاموند و پنتاگون تقلب مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این مدل‌ها نمونه پژوهش را به سه گروه طبقه‌بندی کرده‌اند. گروه اول حسابرسانی که از مدل مثلث تقلب، گروه دوم حسابرسانی که از مدل دیاموند تقلب و گروه سوم حسابرسانی که از مدل پنتاگون تقلب استفاده کرده‌اند. همانطور که مشخص است، میانگین تعدیل برنامه حسابرسی برای حسابرسانی که از مدل مثلث تقلب استفاده کرده‌اند، ۵۴/۴۷، برای حسابرسانی که از مدل دیاموند تقلب استفاده کرده‌اند، ۵۹/۹۲ و برای حسابرسانی که از مدل پنتاگون تقلب استفاده کرده‌اند، ۶۴/۴۵ می‌باشد.

نگاره (۳). آمار توصیفی پژوهش

مدل تقلب	تعداد	میانگین	حداقل	حداکثر
مثلث تقلب	۴۲	۵۴/۴۷	۵۱	۶۰
دیاموند تقلب	۴۲	۵۹/۹۲	۵۳	۶۵
پنتاگون تقلب	۴۲	۶۴/۴۵	۵۶	۷۱

نگاره (۴) میانگین هر یک از ابعاد تقلب را به تفکیک هر یک از مدل‌ها نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است، در مدل مثلث تقلب بعد انگیزه، در مدل دیاموند تقلب بعد توانایی و در مدل پنتاگون تقلب بعد غرور بیشترین تأثیر را داشته‌اند.

نگاره (۴). میانگین هر یک از ابعاد تقلب به تفکیک مدل

ابعاد / مدل	مثلث تقلب	دیاموند تقلب	پنتاگون تقلب
انگیزه	۵۶/۹۳	۵۸/۲۱	۶۳/۱۸
فرصت	۵۵/۱۹	۶۱/۵۲	۶۲/۶۵
توجه‌سازی	۵۱/۲۹	۵۵/۵۷	۵۷/۹۲
توانایی		۶۴/۳۸	۶۶/۸۲
غرور			۷۱/۶۸

همان‌طور که بیان شد، در هر یک از ابعاد تقلب، شش نشانه تقلب استفاده شده است. نگاره (۵) میانگین نشانه‌های تقلب را به تفکیک ابعاد و مدل‌ها نشان می‌دهد. با توجه به تعداد نشانه‌های تقلب، دو نشانه‌ای که کمترین و بیشترین میانگین را در هر یک از ابعاد تقلب داشته‌اند، بیان شده است.

نگاره (۵). کمترین و بیشترین میانگین نشانه‌های تقلب به تفکیک ابعاد و مدل‌های تقلب

مدل تقلب	ابعاد تقلب	کمترین میانگین		بیشترین میانگین	
		نشانه تقلب	میانگین	نشانه تقلب	میانگین
مثلث تقلب	انگیزه	خطر ورشکستگی و تحصیل توسط رقبا	۵۱/۱۲	پدید آمدن الزامات جدید قانونی یا مقررات حسابداری	۶۰/۲۹
	فرصت	پیچیدگی سازمانی	۵۱/۹۱	تغییرات مدیریت و مدیران ارشد	۵۹/۰۶
	توجه‌سازی	تمایل زیاد مدیریت به حفظ و افزایش روند سودآوری شرکت	۵۰/۰۹	کوته‌مدتی مدیریت در اصلاح به موقع ضعف‌های کنترل‌های داخلی	۵۳/۱۱
دیاموند تقلب	انگیزه	خطر ورشکستگی و تحصیل توسط رقبا	۵۲/۳۴	رشد یا سودآوری مفرط	۶۱/۵۳
	فرصت	کیفیت نظارت هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی	۵۴/۱۴	گزارش‌دهی‌های نادر، آلوده و ناهماهنگ به نه‌بازرسی‌ها و آلوده‌های ذهنی	۶۳/۸۳
	توجه‌سازی	سابقه نقض قوانین و مقررات	۵۲/۰۷	ایجاد محدودیت در کار حسابرسان	۵۷/۶۱
پنتاگون تقلب	توانایی	مهارت‌های کلامی و ارتباطی	۵۶/۹۲	میزان تجربه	۶۹/۴۷
	انگیزه	رقابت در صنعت	۵۴/۶۶	پدید آمدن الزامات جدید قانونی یا مقررات حسابداری	۶۷/۳۸
	فرصت	پیچیدگی سازمانی	۵۷/۴۳	انجام معاملات با اهمیت و خارج از روال عادی کسب و کار با اشخاص وابسته	۶۶/۸۲
	توجه‌سازی	سابقه نقض قوانین و مقررات	۵۲/۳۱	کوته‌مدتی مدیریت در اصلاح به موقع ضعف‌های کنترل‌های داخلی	۶۰/۸۱
	توانایی	توانایی حفظ استرس	۶۰/۲۳	میزان تحصیلات و مرتبط بودن آن	۷۴/۳۹
غرور	مشورت نگرفتن	۶۳/۶۸	اطمینان بیش از حد	۸۲/۶۴	

همانطور که بیان شد، برای مقایسه میانگین‌ها ابتدا آزمون تحلیل واریانس صورت گرفت. نگاره (۶) نتایج حاصل از این آزمون را نشان می‌دهد. با توجه به نگاره (۶)، نتیجه حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که حداقل بین دو میانگین از میانگین‌های تعدیل برنامه حسابرسی با یکدیگر تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به این موضوع، برای تعیین اینکه بین تعدیل برنامه حسابرسی کدام مدل‌ها تفاوت معناداری وجود دارد، از آزمون تعقیبی توکی استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون توکی به شرح نگاره (۷) می‌باشد.

نگاره (۶). نتایج آزمون تحلیل واریانس

شرح	آماره F	سطح معناداری
آزمون تحلیل واریانس	۸۱/۷۰۷	۰/۰۰۰

در فرضیه اول به تفاوت تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از مدل‌های دیاموند قلب و مثلث قلب پرداخته شد. با توجه به نگاره (۷) از آنجایی که سطح معناداری حاصل از تفاوت تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از این دو مدل، ۰/۰۰۰ به دست آمده است، می‌توان گفت که بین تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از مدل دیاموند قلب و مدل مثلث قلب تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول رد نمی‌شود. فرضیه دوم تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از مدل پنتاگون قلب و مدل مثلث قلب را مورد بررسی قرار داد. سطح معناداری حاصل از تفاوت تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از این دو مدل ۰/۰۰۰ می‌باشد و از آنجایی که کوچکتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت تفاوت تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از این دو مدل معنادار بوده است و فرضیه دوم رد نمی‌گردد. همچنین نگاره (۷) نشان می‌دهد که بین تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از مدل پنتاگون قلب و مدل دیاموند قلب، تفاوت معناداری وجود دارد، زیرا سطح معناداری تفاوت تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از این دو مدل، ۰/۰۰۰ به دست آمده است که کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد. بنابراین فرضیه سوم مبنی بر وجود تفاوت بین تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از مدل پنتاگون قلب و مدل دیاموند قلب نیز رد نمی‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که استفاده از مدل دیاموند قلب نسبت به مدل مثلث قلب، مدل پنتاگون قلب نسبت به مدل مثلث قلب و مدل پنتاگون قلب نسبت به مدل دیاموند قلب، منجر به تعدیل برنامه حسابرسی بیشتری شده است و شواهدی برای رد فرضیه‌های پژوهش یافت نشده است. دلیل این امر را می‌توان توجه به ویژگی‌های فردی در مدل‌های دیاموند و پنتاگون قلب

دانست. مدل دیاموند تقلب بعد توانایی را علاوه بر سه بعد موجود در مدل مثلث تقلب در نظر می‌گیرد. همچنین، مدل پنتاگون تقلب بعد غرور را علاوه بر چهار بعد مدل دیاموند تقلب مورد توجه قرار می‌دهد. به همین دلیل، استفاده از مدل دیاموند تقلب نسبت به مثلث تقلب و همچنین استفاده از مدل پنتاگون تقلب نسبت به مدل‌های مثلث و دیاموند تقلب، منجر به ارزیابی دقیق و جامع‌تری از ریسک تقلب می‌شود. از این رو، مدل پنتاگون تقلب در مقایسه با دو مدل دیگر بهتر می‌تواند حساب‌برسان را در انجام رسیدگی‌ها یاری رساند.

تکراه (۷). نتایج آزمون توکی

شماره فرضیه	مدل‌های مورد مقایسه	تفاوت میانگین‌ها	سطح معناداری
۱	دیاموند تقلب با مثلث تقلب	۵/۴۵	۰/۰۰۰
۲	پنتاگون تقلب با مثلث تقلب	۹/۹۸	۰/۰۰۰
۳	پنتاگون تقلب با دیاموند تقلب	۴/۵۳	۰/۰۰۰

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به مقایسه مدل‌های مثلث تقلب، دیاموند تقلب و پنتاگون تقلب در تعدیل برنامه حسابرسی پرداخته شد. برای مقایسه این مدل‌ها، از مورد تجربی استفاده گردید، مورد تجربی با استفاده از مطالعه استاندارد حسابرسی، مبانی نظری، ادبیات پژوهش و مصاحبه با افراد خبره طراحی گردید. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد افرادی که از مدل دیاموند تقلب استفاده کردند، نسبت به افرادی که از مدل مثلث تقلب استفاده کردند، و همچنین افرادی که با استفاده از مدل پنتاگون تقلب به تعدیل برنامه حسابرسی پرداختند، نسبت به افرادی که با استفاده از مدل‌های دیاموند تقلب و مثلث تقلب به تعدیل برنامه حسابرسی پرداختند، برنامه حسابرسی را بیشتر تعدیل کردند.

مدل مثلث تقلب دربرگیرنده ویژگی‌های فردی نمی‌باشد و تنها سه بعد فشار/انگیزه، فرصت و توجیه‌سازی را در نظر می‌گیرد، این در حالی است که مدل دیاموند و پنتاگون تقلب ویژگی‌های فردی را در نظر می‌گیرند. مدل دیاموند تقلب، بعد توانایی را به مدل مثلث تقلب اضافه می‌کند و مدل پنتاگون تقلب علاوه بر بعد توانایی، بعد غرور را نیز به مدل مثلث تقلب اضافه می‌کند. ویژگی‌های فردی در انجام تقلب عامل بسیار مهمی محسوب می‌شود (هامرسلی، ۲۰۱۱؛ کروهورا، ۲۰۱۱). به عنوان مثال، ولف و هرمانسون (۲۰۰۴) بیان می‌کنند که حتی اگر انگیزه

و فرصت برای انجام تقلب وجود داشته باشد، اما شخص در درجه اول توانایی شناسایی فرصت موجود، و سپس توانایی استفاده از آن را نداشته باشد، تقلبی صورت نمی‌گیرد. بنابراین حسابرسی که از این دو مدل استفاده می‌کنند، برای اینکه بتوانند نشانه‌های تقلب مربوط به ویژگی‌های فردی (بعد توانایی و بعد غرور) را نیز کنترل کنند، برنامه حسابرسی را بیشتر تعدیل می‌کنند. در ایران تا کنون پژوهشی به مقایسه مدل‌های تقلب نپرداخته است، بنابراین پژوهش مشابه داخلی وجود ندارد که بتوان نتایج این پژوهش را با آن مقایسه کرد. در مقایسه با پژوهش‌های مشابه خارجی می‌توان به مارچسی (۲۰۱۳) اشاره نمود، زیرا پژوهش دیگری به این شکل به مقایسه مدل‌های تقلب نپرداخته است. مارچسی (۲۰۱۳) به این نتیجه رسید که حسابرسی که عوامل تقلب را جداگانه مورد توجه قرار می‌هند، نسبت به حسابرسی که این عوامل را به صورت یکجا و کلی بررسی می‌کنند، برنامه حسابرسی را به طور معناداری بیشتر تعدیل می‌کنند.

در این پژوهش مشخص گردید که علاوه بر ابعاد مدل مثلث تقلب یعنی انگیزه/فشار، فرصت و توجیه‌سازی، ابعاد توانایی و غرور معرفی شده در مدل‌های دیاموند و پنتاگون تقلب، در تعدیل برنامه حسابرسی تاثیر دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد حسابرسی در تهیه و تعدیل برنامه حسابرسی به ویژگی‌های شخصی افراد یعنی ابعاد توانایی و غرور توجه داشته باشند. علاوه بر این، به مدیران سازمان حسابرسی و مؤسسه‌های حسابرسی پیشنهاد می‌شود تا با برگزاری کلاس‌های آموزشی زمینه‌آشنایی حسابرسی را با مدل‌های دیاموند و پنتاگون تقلب و ابعاد توانایی و غرور فراهم آورند. همچنین، به کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی پیشنهاد می‌شود که گنجاندن ابعاد توانایی و غرور را در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ با عنوان "مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی" مورد توجه قرار دهد.

پژوهش‌های متنوعی با عناوین مختلف در زمینه تقلب در ایران انجام شده است. پژوهش‌های انجام شده، مبتنی بر مدل مثلث تقلب بوده‌اند. با ارائه مدل‌های دیاموند و پنتاگون تقلب و ابعاد توانایی و غرور، پیشنهاد می‌شود در انجام پژوهش‌های آتی در این زمینه (شامل پژوهش‌های جدید و انجام مجدد پژوهش‌های صورت گرفته) از این مدل‌ها نیز استفاده گردد.

منابع

- پورحیدری، امید؛ بذرافشان، سعید. (۱۳۹۰). اهمیت بسترهای خطر تقلب از دیدگاه حساب‌برسان مستقل. *پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی*، ۳ (۱۰)، ۱-۲۵.
- تشدید، الهه؛ سپاسی، سحر. (۱۳۹۷). ارائه الگوی پیشگیری و کنترل تقلب در ایران به روش نظریه-پردازی زمینه بنیان. *فصلنامه حسابداری مالی*، شماره ۴۰، ۲۹-۵۰.
- جهانشاد، آریتا؛ سرداری زاده، سیده. (۱۳۹۳). رابطه معیار مالی (اختلاف رشد درآمد) و معیار غیر مالی (رشد تعداد کارکنان) با گزارشگری مالی متقلبان. *پژوهش حسابداری*، ۴ (۲)، ۱۸۱-۱۹۸.
- سجادی، حسین؛ کاظمی، توحید. (۱۳۹۵). الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبان در ایران به روش نظریه پردازی زمینه بنیان. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۶ (۳)، ۱۸۵-۲۰۴.
- معصومی، جواد؛ نیکومرام، هاشم؛ طالب نیا، قدرت اله. (۱۳۹۹). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کشف تقلب صورت‌های مالی با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP). *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، شماره ۳۵، ۱-۲۰.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی. (۱۳۹۴). استانداردهای حسابرسی، سایر خدمات اطمینان بخشی و خدمات مرتبط. سازمان حسابرسی.
- نجف لو، محمود؛ زنگی آبادی، مصطفی؛ غلامی، پرویز. (۱۳۹۶). تاثیر عوامل خطر تقلب بر تعدیل برنامه حسابرسی. *دانش حسابرسی*، ۱۷ (۶۸)، ۲۶۱-۲۷۹.
- Abdullatif, M.(2003). Fraud Risk factors and audit programme modifications: evidence from Jordan. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 7 (1), 59-77.
- Asare, S.K., Wright, A.M.(2004). The Effectiveness of Alternative Risk Assessment and Program Planning Tools in a Fraud Setting. *Contemporary Accounting Research*, 21 (2), 325-352.
- Auditing Standards Setting Committee.(2015). Standards on Auditing, Other Assurance Engagements, and Related Services. Tehran, audit organization. (in Persian)
- Boritz, J. E., N. Kochetova-Kozloski., L. A. Robinson.(2015). Are Fraud Specialists Relatively More Effective than Auditors at Modifying Audit Programs in the Presence of Fraud Risk?. *The Accounting Review*, 90 (3), 881-915.
- Chandra, P. N., Putu, A. A., Nyoman, G. A., Rasmini, N. K.(2021). The Effect of Fraud Pentagon Theory on Financial Statements: Empirical Evidence from Indonesia. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, 8 (3), 1163-1169.
- Cressey, D.(1973). Other People's Money: A Study in the Social Psychology of Embezzlement. Patterson Smith, Montclair, NJ.

- Crowe Horwath. (2011). *Playing Offense in a High-Risk Environment*. Crowe Horwath, New York, NY.
- Dorminey, J., Fleming, A., Kranacher, M., Riley Jr., R.(2012). The Evolution of Fraud Theory. *Issues in Accounting Education*, 27 (2), 555–579.
- Douglas, M. Boyle., F. Todd DeZoort., Dana R. Hermanson.(2015). The Effect of Alternative Fraud Model Use on Auditors' Fraud Risk Judgments. *Journal of Accounting and Public Policy*, 34, 578–596.
- Field, Andy.(2009). *Discovering Statistics Using SPSS*. Third Edition, SAGE Publications Ltd.
- Fortvingler, Judit.(2016). Different Approaches to Fraud Risk Assessment and Their Implications on Audit Planning. *Periodica Polytechnica Social and Management Sciences*, 24(2), 102-112.
- Glover, S., D., Prawitt, J. J., Schultz, Jr., M. F. Zimbelman.(2003). Changes in Auditors' Fraud-Related Planning Judgments since the Issuance of SAS No. 82. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 22 (2), 237–251.
- Graham, L., Bedard, J. C.(2003). Fraud risk and audit planning. *International Journal of Auditing*, 7, 55-70.
- Hammersley, J.S.(2011). A Review and Model of Auditor Judgments in Fraud-Related Planning Tasks. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30 (4), 101–128.
- Hammersley, J.S., Johnstone, K.M., Kadous, K.(2011). How Do Audit Seniors Respond to Heightened Fraud Risk. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30 (3), 81–101.
- Jahanshad, A., Sardari Zadeh, S.(2014). Relation Between Difference of Financial Measure (Revenue Growth) and Nonfinancial Measure (Employee Growth) with Fraudulent Financial Reporting. *Journal of Accounting Research*, 4 (2), 181-198. (in Persian)
- Kassem, R., Hegazy, M.(2010). Fraudulent Financial Reporting: Do Red Flags Really Help?. *Journal of Economics and Engineering*, 4, 69-79.
- Kassem, R., Higson, A.(2012). The New Fraud Triangle Model. *Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences*, 3 (3), 191–195.
- Makkawi, B., Schick, A.(2003). Are auditors sensitive enough to fraud?. *Managerial Auditing Journal*, 18 (6/7), 591-598.
- Marchesi, M. Favere.(2013). Effects of Decomposition and Categorization on Fraud-Risk Assessments. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32 (4), 201–219.
- Masoumi, J., Nikoo Maram, H., Taleb Nia, Gh.(2020). Identifying and Ranking of Factors Affecting on Detecting the Financial Statement Fraud Using the Hierarchical Analysis Process (AHP). *Journal of Management Accounting and Auditing knowledge*, 35, 1-20. (in Persian)
- Mock, T. J., J. L. Turner.(2005). Auditor Identification of Fraud Risk Factors and Their Impact on Audit Programs. *International Journal of Auditing*, 9, 59–77.
- Montgomery . C.D.(2007). *Design and Analysis of Experiments*. John Wiley & Sons.

- Najaflo, M., Zangi Abadi, M., Gholami, P.(2017). The Effect of Fraud Risk Factors on Audit Plan Adjustment. *Journal of Audit Science*, 17 (68), 261-279. (in Persian)
- Pourheidari, O., Bazr Afshan, S.(2011). The Importance of Fraud Risk Factors from the Perspective of Independent Auditors. *The Financial Accounting and Auditing Researchs*, 3 (10), 1-25. (in Persian)
- Rukmana, H. S.(2018). Pentagon Fraud Affect on Financial Statement Fraud and Firm Value Evidence in Indonesia. *South East Asia Journal of Contemporary Business, Economics and Law*, 16 (5): 118-122.
- Sajjadi, H., Kazemi, T.(2016). A Comprehensive Pattern of Fraudulent Financial Reporting in Iran, Grounded Theory. *Empirical Research in Accounting*, 6 (3), 185-204. (in Persian)
- Sari, S. G., and Alif, A.(2021). Analysis of Pentagon Fraud Model To detect Financial Statement Fraud (Study on the Industrial Classification Finance on the Indonesia Stock Exchange). *Majalah Ilmiah Bijak*, 6 (3), 254-262.
- Shelton, S. W., Whittington, O R., Landsittel, D.(2001). Auditing firms' fraud risk assessment practices. *Accounting Horizons*, 15 (1), 19-33.
- Tashdidi, E., Sepasi, S.(2018). Designing a Model for Preventing and Controlling Fraud based on Grounded Theory. *Journal of Financial Accounting*. 10 (40), 29-50. (in Persian)
- Wilks, J., Zimbelman, M.(2004). Decomposition of Fraud-Risk Assessments and Auditors' Sensitivity to Fraud Cues. *Contemporary Accounting Research*, 21 (3), 719-745.
- Wolfe, D., Hermanson, D.R.(2004). The Fraud Diamond: Considering Four Elements of Fraud. *CPA Journal*, 38-42.
- Zaki, N. M.(2017). The Appropriateness of Fraud Triangle and Diamond Models in Assessing the Likelihood of Fraudulent Financial Statements- an Empirical Study on Firms Listed in the Egyptian Stock Exchange. *International Journal of Social Science and Economic Research*, vol. 2, 2403-2433.
- Zimbelman, M. F.(1997). The Effects of SAS No. 82 on Auditors' Attention to Fraud Risk Factors and Audit Planning Decisions. *Journal of Accounting Research*, 35, 75-97.

مسئولیت‌پذیری اجتماعی، حاکمیت شرکتی و عدم شفافیت گزارشگری مالی در بورس اوراق بهادار تهران^۱

پریسا سادات بهبهانی نیا^۲، نرگس عسگری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

مقاله پژوهشی

چکیده

شفافیت علاوه بر ایجاد اعتماد در بازار پایداری اقتصادی را نیز پشتیبانی می‌نماید. مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها نزدیک به مفهوم توسعه پاینده است و پیامد رویکرد توسعه پاینده، توجه خاص به مفهوم افشاء و گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها است. ظهور و افزایش علاقه به افشاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، منعکس‌کننده افزایش تقاضا برای شفافیت است. انتظار می‌رود که گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حاکمیت شرکتی نقش مؤثری در کاهش عدم شفافیت اطلاعات داشته باشند. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی با نقش تعدیلی کیفیت حاکمیت شرکتی است. نتایج آزمون فرضیات با نمونه‌ای متشکل از ۱۱۴ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۸ نشان داد مسئولیت‌پذیری اجتماعی سبب کاهش عدم شفافیت شده و حاکمیت شرکتی از شدت این رابطه منفی می‌کاهد.

واژه‌های کلیدی: عدم شفافیت، کیفیت حاکمیت شرکتی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی.

طبقه بندی موضوعی: M14:M40

DOI: 10.22051/JERA.2021.35376.2823

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،
(P.behbahaninia@alzahra.ac.ir)

۳. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.
(narges.asgari.71@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

عدم شفافیت اطلاعات مالی به عنوان ممانعت عمده‌ای از دسترسی به اطلاعات، ارائه نادرست اطلاعات یا ناتوانی بازار در کسب اطمینان از کفایت مربوط بودن و کیفیت اطلاعات تعریف شده است (هسیو^۱، ۲۰۰۶). پس از رسوایی‌های اوایل هزاره سوم و بروز بحران‌های مالی در بورس‌های جهان، موضوع شفافیت اطلاعات در فرآیند گزارشگری مالی مورد توجه گسترده قرار گرفته است.

نیر و همکاران^۲ (۲۰۱۹) اذعان داشتند که افشاگری‌ها باعث شفافیت مالی و بهبود کیفیت اطلاعات در دسترس سرمایه‌گذاران خواهد شد و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان نماینده‌ای از افشای اطلاعات مالی و غیرمالی شرکت‌ها، منجر به بهبود شفافیت مالی در طول دوره حیات شرکت می‌شود. در ارتباط با مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی دیدگاه‌های متضادی وجود دارد. در حالی که برخی از محققین معتقدند مشارکت در مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر به تحقق شفافیت بالاتر و مزایای حاصل از آن، بهبود عملکرد مالی در شرکت‌های بزرگ، افزایش ارزش افزوده، کاهش ریسک مالی و عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه‌های سرمایه می‌شود (بوسلاخ و همکاران^۳، ۲۰۱۳)، برخی دیگر چنین استدلال دارند که فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر به درگیری میان ذینفعان مختلف می‌شود (کروگر^۴، ۲۰۱۵). این امر بدان دلیل است که ایجاد هزینه‌های غیرضروری منجر به کاهش منابع مالی شرکت شده و ایجاد زیان‌های رقابتی بیشتری برای شرکت محتمل خواهد شد (بنلملیح و بیتار^۵، ۲۰۱۸). رابطه فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی و شفافیت از موضوعات مورد توجه در پژوهش‌های جاری است (نیر و همکاران، ۲۰۱۹؛ بورتی و همکاران^۶، ۲۰۲۰؛ پالاسیوس و همکاران^۷، ۲۰۱۹).

موضوع قابل توجه این است که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی رابطه میان گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی و شفافیت را به طور قابل توجهی تعدیل می‌کند. نظام حاکمیت شرکتی مطلوب بر شفافیت، افشای اطلاعات و حذف اطلاعات درونی تأکید داشته و در جهت عدم

1. Hsiu
2. Nair, Muttakin, Khan, Subramaniam & Somanath
3. Bouslah
4. Kru'ger
5. Benlemlih & Bitar
6. Buertey
7. Mercedes Palacios

تمرکز قدرت و حل مشکلات ناشی از تفکیک مدیریت از مالکیت و رعایت صرفه و صلاح سهامداران و ذینفعان تلاش می‌نماید (بورتی و همکاران، ۲۰۲۰).

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی و بررسی اثر تعدیلی سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر این رابطه است. در پژوهش‌های پیشین صرفاً ارتباط میان مسئولیت‌پذیری اجتماعی و شفافیت مورد توجه قرار گرفته است. توجه به اثر تعدیلی سازوکارهای حاکمیت شرکتی و معرفی آن به عنوان راهبرد تعدیل‌کننده اثر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر شفافیت از نوآوری‌های پژوهش حاضر است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

یکی از ویژگی‌های بازار کارا شفافیت اطلاعاتی است و در شرایط نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی، برای مدیران این فرصت فراهم می‌شود تا جهت حفظ شغل و اعتبار حرفه‌ای خود، اطلاعات منفی را محرمانه نگه دارند. اگرچه زمانی که توده اطلاعات منفی در شرکت به اوج خود رسد، نگهداری آن برای مدت‌زمان طولانی غیرممکن و پرهزینه خواهد شد، بنابراین، با ورود یک‌باره توده اطلاعات منفی به بازار، سقوط قیمت سهام در بازار رخ خواهد داد (هاتن و همکاران، ۲۰۰۹). این در حالی است که با افزایش فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی در شرکت‌ها، احتمال ریسک سقوط قیمت سهام کاهش خواهد یافت (لی، ۲۰۱۶). در واقع مسئولیت شرکت‌ها صرفاً شامل مسائل تجاری، کسب و کار و ابعاد اقتصادی نمی‌شود، بلکه امور اجتماعی و زیست‌محیطی را به قصد حداقل رساندن یا حذف هرگونه آثار مضر بر جامعه و به حداکثر رساندن منافع به مردم و جامعه دربرمی‌گیرد (کاستاو منیچینی، ۲۰۱۳). امروزه جامعه از شرکت‌ها انتظار دارد که پاسخگوی مسئولیت‌های خود در قبال ذینفعانشان و جامعه باشند (سرواس و تامایو، ۲۰۱۳). گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی باعث ایجاد شفافیت می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که تمایل به گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارند به جای اینکه سود کوتاه‌مدت ذینفعان را به حداکثر برسانند به تقویت روابط بلندمدت خود با آن‌ها می‌پردازند (پالاسیوس و همکاران، ۲۰۱۹). یکی از عواملی که به عدم شفافیت

1. Hutton, Marcus & Tehranian
2. Lee
3. Costa, R & Menichini
4. Servaes & Tamayo

اطلاعات مالی منجر می‌شود، مدیریت یا دست‌کاری سود است (دیچاو و همکاران^۱، ۱۹۹۵). پژوهشگران متعددی، از جمله هاتن و همکاران (۲۰۰۹)، دیچاو و همکاران (۲۰۰۵)، کازنیک (۱۹۹۹) و حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۷) از مدیریت سود به عنوان معیار عدم شفافیت اطلاعات مالی استفاده نموده‌اند.

فراهم نمودن سود با کیفیت ارتباط تنگاتنگی با فعالیت‌های گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد که علت اصلی آن تأمین نیازهای ذینفعان است. بر این اساس گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی، دارای اثر منفی بر مدیریت سود می‌باشد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت باعث افزایش شهرت و کاهش هزینه سرمایه شرکت خواهد شد، در حالی که مدیریت سود باعث کاهش شهرت و افزایش هزینه سرمایه می‌شود (مارتینز و همکاران^۲، ۲۰۱۶). سوء شهرت شرکت و در نتیجه کاهش توان رقابتی و افزایش هزینه سرمایه، تبعات منفی برای مدیران به همراه دارد. این تبعات و پیامدهای منفی سبب می‌شود، مدیران دیگر تمایلی به دست‌کاری سود و فعالیت‌های نامناسب اجتماعی و زیست‌محیطی نداشته باشند. زیرا بر این امر واقفند که شهرت شرکت به خطر خواهد افتاد. مسئولیت‌پذیری اجتماعی منجر به کاهش مدیریت سود، افزایش شفافیت اطلاعاتی و قابلیت اطمینان در میان سرمایه‌گذاران خواهد شد (مارتینز و همکاران^۳، ۲۰۱۶). شرکت‌های با مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالا، اطلاعات بیشتری در مورد فعالیت‌های مالی و غیرمالی خود نسبت به شرکت‌های با مسئولیت‌پذیری اجتماعی پایین افشا می‌کنند. از این‌رو، شرکت‌های مذکور احتمالاً یک تصویر مثبت در ذهن سرمایه‌گذاران، سهامداران و سایر ذینفعان ایجاد می‌کنند. بر این اساس اطلاعات ارائه‌شده در قالب مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌تواند جایگزین اطلاعات صرفاً مالی شود (دالیوال و همکاران^۴، ۲۰۱۱). شرکت‌هایی که دارای رتبه بالاتری از عملکرد مسئولیت‌پذیری اجتماعی هستند، اطلاعات مالی شفاف‌تری را به سرمایه‌گذاران ارائه خواهند داد (کیم و همکاران^۵، ۲۰۱۶). بوزولان و همکاران^۵ (۲۰۱۵) در یک مطالعه بین‌المللی از ۲۴ کشور، دریافتند که فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان محدودیتی برای استفاده از مدیریت واقعی سود است. از سوی دیگر با توجه به نتایج پژوهش‌هایی که حاکی از تحمل زیان‌های محتمل برای شرکت‌هایی

1. Dechow, Sloan & Sweeney
2. Martínez-Ferrero, Banerjee & García-Sánchez
3. Dhaliwal, Li, Tsang & Yang
4. Kim, J, Wang, Z, & Zhang,
5. Bozzolan, Fabrizi, Mallin & Michelon

است که درگیر فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شدند (بنلملیح و بیتار، ۲۰۱۸)، هدف این پژوهش بررسی اثر مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی بر کاهش عدم شفافیت و معرفی منافع مشارکت در این مسئولیت‌ها از این مسیر است. براساس موارد مطرح شده فرضیه اول پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی رابطه معنادار وجود دارد.

حاکمیت شرکتی نیز نقش قدرتمندی در ماهیت و نحوه ارائه گزارشگری مالی دارد و بدین وسیله بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد (عالم و عالیشاه، ۲۰۱۳). حاکمیت شرکتی یک مفهوم چندبعدی است که پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و رعایت انصاف و حقوق ذینفعان از جمله مفاهیم بنیادی نظام حاکمیت شرکتی هستند (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴). یافته‌های اندریکات و همکاران^۲ (۲۰۲۰) نشان می‌دهد اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و نسبت اعضای غیرموظف تا اندازه‌ای به یکدیگر وابسته هستند و مشترکاً مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از طریق عضویت اعضای هیئت‌مدیره در کمیته مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند. ویژگی‌های هیئت‌مدیره از اجزای اصلی ساختار حاکمیت شرکتی هستند و به طور کلی به عنوان یکی از مکانیسم‌های مؤثر در کاهش عدم شفافیت می‌باشد. این سازوکارهای مؤثر بر مدیریت سود در داخل یا بیرون از شرکت وجود دارند. در ارتباط با سازوکار بیرونی مطالعات نشان داده که یک محیط انضباطی می‌تواند اثر قوی‌تری در کاهش عدم شفافیت و مدیریت سود داشته باشد. در کشورهایی که سهامداران دارای حمایت‌های قانونی هستند درجه استفاده از مدیریت سود بسیار پایین می‌باشد (اندریکات و همکاران، ۲۰۲۰). حاکمیت شرکتی مناسب و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت می‌تواند به عنوان یک استراتژی در جهت افزایش ارزش شرکت با ایجاد تصویر مناسب از دید سهامداران، به شرکت در مواجهه با چالش‌ها و خطرات کمک نماید. تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت ممکن است مستقیم نباشد، ولی به نظر می‌رسد که این ارتباط از طریق تعدیل‌گری سطوح شفافیت در شرکت اثر گذار باشد (موختارودین و همکاران^۳، ۲۰۱۹). در تعریف حاکمیت شرکتی از دیدگاه

1. Alam & Shah
2. Endrikat, De Villiers, Guenther & Guenther
3. Mukhtaruddin, Ubaidillah, Dewi, K., Hakiki & Nopriyanto

محدود، شرکت‌ها صرفاً در پی افزایش ثروت سهامداران بوده و پاسخگویی خود را محدود به سهامداران می‌دانند و توجهی به حقوق سایر ذینفعان نخواهند داشت. لیکن در دیدگاه گسترده بر اساس نظریه ذینفعان، شرکت‌ها بسیار بزرگ شده‌اند و تأثیر آن‌ها بر جامعه، آن‌چنان عمیق است که باید برای ایفای مسئولیت خود به غیر از سهامداران، به بخش‌های بسیار بیشتری از جامعه توجه کرده و پاسخگو باشند. بر این اساس بر اساس دیدگاهی که در تبیین راهبردهای حاکمیت شرکتی غالب باشد، اثر این راهبر می‌تواند سبب افزایش یا کاهش مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شود (محرانی و سویوارنو^۱، ۲۰۱۸).

بر این اساس با توجه به اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شفافیت و مشارکت در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی، فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

فرضیه دوم: کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی، اثر معنادار دارد.

پیشینه پژوهش

بورتی و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی رابطه میان گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و مدیریت سود با توجه به نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی پرداختند. طبق نتایج به‌دست‌آمده بین مدیریت سود و گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین دریافت شد که اندازه هیئت‌مدیره و مالکیت نهادی رابطه میان گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مدیریت سود را به طور قابل توجهی تعدیل می‌کند. اندریکات و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی رابطه میان ویژگی‌های هیئت‌مدیره و گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی پرداختند. آن‌ها دریافتند که اعضای هیئت‌مدیره از طریق نظارت بر مدیریت و تأمین منابع، بر استراتژی شرکت و امر تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و نسبت اعضای غیرموظف تا اندازه‌ای به یکدیگر وابسته هستند و مشترکاً مسئولیت‌پذیری اجتماعی را از طریق عضویت اعضای هیئت‌مدیره در کمیته مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند. علاوه بر این عوامل نهادی در سطح کشور به عنوان تعدیل‌کننده عمل می‌کنند. الشیبلی و

همکاران^۱ (۲۰۱۹) به بررسی میزان ارتباط ساختارهای حاکمیت شرکتی و انواع مالکیت مرتبط با افشای گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کشورهای در حال توسعه با نمونه‌ای متشکل از شرکت‌های نفت و گاز لیبی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه افشای گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در کشور لیبی و در مقایسه با کشورهای غربی پایین است، لیکن عوامل مالکیت تأثیر مثبت قابل توجهی بر سطح افشای گزارشگری مالی دارند. همچنین شواهد پشتیبان حاکی از آن است که فشارهای اعمال‌شده توسط دولت و ذینفعان خارجی تأثیر بسزایی بر ارتقای فعالیت‌های مربوط به افشای گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی به ویژه به عنوان یک مکانیسم قانونی در این شرکت‌ها بوده است. شهیداله و همکاران^۲ (۲۰۱۹) رابطه بین حاکمیت شرکتی و میزان افشای گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها، در شرکت‌های بیمه بررسی نمودند. آن‌ها دریافتند که استقلال هیئت‌مدیره و نسبت اعضای غیرموظف با میزان افشای گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارای رابطه مثبت می‌باشد، لیکن مالکیت نهادی با میزان افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارای ارتباط منفی می‌باشد. شواهد نشان می‌دهد که برخی از مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی در افشای گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی در صنعت بیمه بسیار تعیین‌کننده هستند. موختارودین و همکاران (۲۰۱۹) تأثیر حاکمیت شرکتی خوب و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر ارزش شرکت و عملکرد مالی شرکت بررسی نمودند. آن‌ها دریافتند که حاکمیت شرکتی خوب تأثیر مثبت بر ارزش شرکت دارد. در این بین، عملکرد مالی به عنوان متغیر تعدیل‌کننده رابطه بین حاکمیت شرکتی خوب و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش شرکت را به طور قابل توجهی تقویت می‌نماید. نیر و همکاران (۲۰۱۹) رابطه میان افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و شفافیت مالی در میان شرکت‌های هندی بررسی نمودند. یافته‌ها نشان داد که افشای اطلاعات باعث شفافیت مالی و بهبود کیفیت اطلاعات در دسترس سرمایه‌گذاران خواهد شد. افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت منجر به بهبود شفافیت مالی در طول دوره حیات شرکت می‌شود. از سویی، حاکمیت شرکتی مناسب، ارتباط بین افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و شفافیت مالی را تقویت می‌کند. محرانی و سویوارنو (۲۰۱۸) تأثیر مستقیم سازوکار حاکمیت شرکتی خوب و مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها بر عملکرد مالی و همچنین

1. Alshbili, Elamer & Beddewela
2. Ullah, Muttakin & Khan

مدیریت سود (به عنوان یک متغیر واسطه) تحلیل نمودند. نتایج نشان داد که سازوکار حاکمیتی شرکتی خوب و مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنان تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی دارد. همچنین نتایج نشان داد که مدیریت سود به تنهایی منجر به کاهش عملکرد مالی خواهد شد اما سازوکار حاکمیت شرکتی خوب با کاهش اثرات مدیریت سود منجر به تأثیرپذیری کمتر عملکرد مالی شرکت از مدیریت سود خواهد شد. یوایگور^۱ (۲۰۱۷) به بررسی رابطه میان قابلیت‌های مدیران و عدم شفافیت در گزارشگری مالی با توجه نقش حاکمیت شرکتی پرداختند. یافته‌ها نشان داد، مدیران ارشد با سطح قابلیت کم، با انگیزه افشا نشدن عملکرد نسبتاً ضعیفشان از شفافیت در ارائه گزارش‌های مالی جلوگیری کرده و همچنین به دلیل فقدان حاکمیت قوی شرکتی، این رویه ادامه پیدا خواهد کرد. اما از سویی دیگر، حاکمیت شرکتی قوی برای حفظ منافع کلیه ذینفعان سبب جذب و حفظ مدیران با استعداد در راستای سلامت مالی و گزارشگری شرکت می‌شود. گروسی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی ارتباط سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش بازار شرکت را بررسی نمودند. آنها دریافتند که افشای فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی مورد توجه ذینفعان قرار می‌گیرد و آن‌ها تمایل دارند بیشتر به سمت خرید سهام شرکت‌هایی سوق پیدا نمایند که مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتری دارند. ملکیان و همکاران (۱۳۹۸) تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره شرکت بر میزان گزارشگری زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که هرچه میزان مالکیت اعضای هیئت‌مدیره کمتر بوده، میزان افشای زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری در شرکت‌ها افزایش یافته است. بر اساس تفسیر نویسندگان علت آن می‌تواند این امر باشد که هرچه میزان مالکیت مدیران افزایش یابد، ممکن است مدیران جهت حفظ منافع خود، کمتر به پرداخت هزینه در راستای انجام فعالیت‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و راهبری شرکت تمایل داشته باشند. حاجیها و شاکری (۱۳۹۸)، به بررسی رابطه میان حاکمیت شرکتی، افشای مسئولیت‌اجتماعی و ارزش شرکت پرداختند. نتایج نشان داد، معیار نخست حاکمیت شرکتی در آن پژوهش یعنی تمرکز مالکیت، بر مسئولیت‌اجتماعی تأثیری ندارد ولی معیار دوم حاکمیت شرکتی یعنی درصد سهام در اختیار سهامداران عمده بر مسئولیت‌اجتماعی تأثیر دارد. به عبارتی بر خلاف مبانی نظری در ایران وجود مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی افشای مسئولیت‌اجتماعی را بالاتر نبرده است.

گرچه حضور سهامداران عمده که معمولاً دارای بیشترین حرفه‌ای و بلندمدت تری نسبت به سهامداران خرد هستند سطح افشا را بهبود داده است و با آن رابطه داشته است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ طبقه‌بندی پژوهش بر مبنای هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ طبقه‌بندی برحسب روش، از نوع پژوهش‌های توصیفی است. در این پژوهش با توجه به این که داده‌ها از محیطی که بدون دخالت مستقیم پژوهشگر رخ داده است به وجود آمده، از یک طرح پس از رخداد یا شبه‌تجربی استفاده شده است بنابراین از بین پژوهش‌های توصیفی از نوع پس رویدادی می‌باشد. به طور جزئی‌تر این پژوهش جزء پژوهش‌های همبستگی به شمار رود زیرا هدف آن بررسی روابط بین متغیرها بر اساس هدف می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه شرکت‌هایی است که بین سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۸ در بورس اوراق بهادار تهران حضور است که با شرایط زیر محدود شده‌اند:

- ۱- جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشند.
 - ۲- برای افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفندماه هر سال باشد.
 - ۳- تا پایان سال مالی ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند (توضیح اینکه به منظور اندازه‌گیری متغیر عدم شفافیت در گزارشگری مالی به اطلاعات سه سال قبل از دوره زمانی پژوهش نیاز است و شرکت‌ها می‌بایست تا پایان سال مالی ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند).
 - ۴- در دوره زمانی موردنظر تغییر سال مالی نداده باشند.
 - ۵- دارای وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نباشد (به دلیل استفاده از شاخص ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام به عنوان متغیر کنترل).
- با در نظر گرفتن شرایط مذکور و بررسی‌های انجام شده، تعداد ۶۸۴ مشاهده (۱۱۴ شرکت) برای دوره زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۸ حائز شرایط بوده و به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند.

مدل‌های آزمون فرضیه‌های پژوهش و تعریف متغیرها

مدل مربوط به فرضیه اول به پیروی از پژوهش نیر و همکاران (۲۰۱۹) به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{Opaque}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{CSR}_{it} + \beta_2 \text{BIG1} + \beta_3 \text{SIZE}_{it} + \beta_4 \text{MTB}_{it} + \beta_5 \text{LEV}_{it} + \beta_6 \text{Age}_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل مربوط به فرضیه دوم به پیروی از پژوهش نیر و همکاران (۲۰۱۹) به شرح زیر می‌باشد:

$$\text{Opaque}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{CSR}_{it} + \beta_2 \text{CGQ}_{it} + \beta_3 \text{CSR}_{it} \times \text{CGQ}_{it} + \beta_4 \text{BIG1} + \beta_5 \text{SIZE}_{it} + \beta_6 \text{MTB}_{it} + \beta_7 \text{LEV}_{it} + \beta_8 \text{Age}_{it}$$

opaque : عدم شفافیت در گزارشگری مالی، CSR: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، CGQ: کیفیت حاکمیت شرکتی، BIG1: رتبه حسابرس، SIZE: اندازه شرکت، MTB: نسبت رشد شرکت، LEV: اهرم مالی، Age: عمر شرکت و ε : خطای الگو (مقدار باقی مانده).
متغیر وابسته: در این پژوهش، متغیر وابسته بکار گرفته شده عدم شفافیت در گزارشگری مالی است. برای محاسبه عدم شفافیت، معیارهایی همچون سود نه‌جامی، هموارسازی سود و گزارشگری جسورانه وجود دارد لیکن در این پژوهش مشابه پژوهش هاتن و همکاران (۲۰۰۹) و کوسنیدیس و همکاران^۱ (۲۰۱۴) از معیار مدیریت سود استفاده می‌شود. دیچاو و همکاران (۲۰۰۲) اعتقاد داشتند که مدیران عموماً یک تا سه سال قبل از کشف مدیریت سود، سود را دست‌کاری می‌کنند. از این‌رو، برای دست‌کاری مدیریت سود عمدتاً از اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند. در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری از مدل کوتاری^۲ (۲۰۰۵) به شرح زیر استفاده شده است.

$$\frac{ACC}{TA_{t-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{TA_{t-1}} \right) + \alpha_1 \left(\frac{\Delta R_{it} - \Delta AR_{it}}{TA_{t-1}} \right) + \alpha_2 \frac{PPE_{it}}{TA_{t-1}} + \alpha_3 ROA_{it-1} + \varepsilon_{it}$$

ACC: کل اقلام تعهدی (تفاوت بین سود عملیاتی و جریان وجه نقد عملیاتی)، TA: جمع دارایی‌ها، ΔR : تغییرات در درآمد، ΔARA : تغییرات در حساب‌های دریافتی، PPE: دارایی‌های ثابت مشهود، ROA: نرخ بازده دارایی‌ها، ε : باقیمانده مدل که نشان‌دهنده اقلام تعهدی اختیاری است. پس از محاسبه اقلام تعهدی اختیاری، میزان مدیریت سود به عنوان معیار عدم شفافیت اطلاعات مالی از طریق رابطه زیر اندازه‌گیری خواهد شد.

$$OPA = Abs(DACC_{t-1}) + Abs(DACC_{t-2}) + Abs(DACC_{t-3})$$

OPA معیار عدم شفافیت در اطلاعات مالی، Abs: نماد قدر مطلق.

رابطه مذکور به این معنی است که معیار عدم شفافیت در گزارشگری مالی از طریق مجموع قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری طی سه سال گذشته به دست می‌آید.

متغیر مستقل: در این پژوهش، متغیر شامل مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. با توجه به پژوهش‌های مرتبط داخلی صورت پذیرفته و سازگاری چک لیست کردستانی و همکاران (۱۳۹۷) با شرایط ایران که از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است، چک‌لیست نهایی مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها به شرح نگاره (۱) مورد استفاده قرار گرفت.

1. Kousenidis, Ladas & Negakis

2. kothari

نگاره (۱). ابعاد مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۷)

ابعاد	شاخص
زیست- محیطی	آلودگی هوا؛ بازیافت یا جلوگیری از ضایعات؛ حفظ منابع طبیعی؛ دریافت جایزه در زمینه محیط‌زیست؛ رعایت قوانین و مقررات زیست‌محیطی؛ سایر موارد.
محصولات و خدمات	کیفیت، ایمنی و سلامت محصول؛ توسعه محصول / سهم بازار؛ خدمات پس از فروش؛ توقف تولید؛ سایر موارد.
منابع انسانی	اطلاعات کلی در مورد نیروی کار (نظیر توزیع سنی کارکنان، توزیع جنسی کارکنان، سطح تحصیلات)؛ برنامه آموزش و توسعه کارکنان؛ حقوق، مزایا و پاداش کارکنان؛ امکانات ورزشی و رفاهی کارکنان؛ روحیه و ارتباطات کارکنان؛ محیط کار کارکنان (ایمنی، سلامت، بهداشت)؛ بازنشستگی و مزایای پایان خدمت کارکنان؛ سایر موارد.
مشتریان	پاسخگویی به نیاز مشتریان؛ شکایت / رضایت‌مندی مشتریان؛ سلامت مشتریان؛ سایر موارد.
اجتماعی	رعایت و تبعیت از قوانین و مقررات مربوط به بعد اجتماعی؛ سرمایه‌گذاری اجتماعی (سلامتی و بهداشت و ...؛ هدایا و خدمات خیریه و نیکوکاری (نهادهای مدنی)؛ حامیان مالی برای فعالیت‌های اجتماعی (ورزش و ...؛ سایر موارد.
فرهنگی- اعتقادی	سرمایه‌گذاری فرهنگی - اعتقادی (آموزش و ...؛ حامیان مالی فعالیت‌های فرهنگی - اعتقادی؛ فساد، رشوه‌خواری، پول‌شویی؛ سایر موارد.
انرژی	حفظ و صرفه‌جویی در انرژی؛ توسعه و اکتشاف منابع جدید؛ استفاده از منابع جدید؛ سایر موارد.

سپس برای سنجش رتبه مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها از روش تحلیل محتوای به شکل زیر استفاده شده است:

نمره گزارشگری مسئولیت‌پذیری اجتماعی : تعداد اقلام افشا شده / کل موارد افشا
 در این رویکرد اگر یک قلم از افشای اقلام مسئولیت‌پذیری اجتماعی انجام شده باشد، امتیاز ۱ و اگر افشا نشده باشد امتیاز صفر تعلق خواهد گرفت. بنابراین در پژوهش حاضر، در صورتی که هر کدام از شاخص‌های مطرح شده در نگاره (۱) در گزارش‌های فعالیت هیئت‌مدیره شرکت‌ها، افشا شده باشند به آن شاخص عدد یک و در صورتی که افشا نشده باشد به آن عدد صفر تعلق می‌گیرد؛ سپس برای هر شرکت تعداد اقلام (شاخص‌ها) افشاشده به تعداد کل اقلام (شاخص‌ها) قابل افشا، بیان‌کننده درصد افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها است (کردستانی و همکاران، ۱۳۹۷).

متغیر تعدیلی: برای ارزیابی جامع از کیفیت حاکمیت شرکتی، ابتدا کیفیت حاکمیت شرکتی برای هر مشاهده (سال-شرکت) به وسیله هر یک از معیارهای زیر محاسبه می‌شود. در مرحله بعد

به هر یک از مشاهدات به‌دست آمده با توجه به نوع رابطه‌ای که با کیفیت حاکمیت شرکتی دارند؛ مقدار ۰ یا ۱ اختصاص داده می‌شود. در مرحله بعد به هر یک از مشاهدات به‌دست آمده با توجه به نوع رابطه‌ای که با کیفیت حاکمیت شرکتی دارند؛ مقدار ۰ یا ۱ اختصاص داده می‌شود. سپس، از جمع امتیازهای حاصله (۰ تا ۵)، معیار استفاده‌شده در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرکتی به‌دست خواهد آمد.

الف. نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره: به منظور اندازه‌گیری این متغیر، ابتدا تعداد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره از گزارش‌های هیئت‌مدیره برای کلیه شرکت‌های موردبررسی جمع‌آوری و سپس به کل تعداد اعضای هیئت‌مدیره تقسیم شده تا درصد اعضای غیرموظف محاسبه شود. سپس میانگین کل این متغیر برای هر سال محاسبه می‌گردد. برای شرکت‌هایی که دارای درصد اعضای غیرموظف بالاتری نسبت به میانگین جامعه باشند، ارزش یک و برای بقیه ارزش صفر داده می‌شود (فغانی و همکاران، ۱۳۹۸).

ب. دوگانگی نقش مدیرعامل: یک متغیر مصنوعی است که اگر مدیرعامل، رئیس هیئت‌مدیره هم باشد برابر با صفر و در غیر این صورت برابر یک است. این شاخص از گزارش هیئت‌مدیره شرکت‌ها به دست می‌آید (فغانی و همکاران، ۱۳۹۸). علی‌رغم ممنوعیت دوگانگی نقش مدیرعامل در دستورالعمل حاکمیت شرکتی لازم‌الاجرا برای شرکت‌های بورسی و فرابورسی، همچنان شرکت‌هایی که این الزام را رعایت نکنند وجود دارند. بر این اساس این شاخص به عنوان یکی از شاخص‌های سنجش کیفیت حاکمیت شرکتی مورد توجه قرار گرفت.

پ. مالکیت نهادی: سهامداران نهادی حجم چشمگیری از سهام شرکت‌ها را در تملک خود دارند و طیف وسیعی همچون بانک‌ها و بیمه‌ها، هلدینگ‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و صندوق‌های بازنشستگی، سازمان‌ها و نهادهای عمومی و دولتی را دربرمی‌گیرند. در این پژوهش، به شرکت‌هایی که مجموع سهام در اختیار سهامداران نهادی آن‌ها بالای ۵۰٪ باشد ارزش یک و برای مابقی ارزش صفر لحاظ شد.

ت. درصد سهام شناور آزاد: در این پژوهش، برای شرکت‌هایی که میزان سهام شناور آن‌ها کوچک‌تر از میانه کل نمونه در هر سال بوده باشد، ارزش یک و برای بقیه ارزش صفر در نظر گرفته می‌شود (فغانی و همکاران، ۱۳۹۸).

ث. اندازه هیئت‌مدیره: مجموع اعضای هیئت‌مدیره اگر بیشتر از هفت باشند امتیاز یک، در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است (علی نژاد سارو کلائی و همکاران، ۱۳۹۴).

متغیرهای کنترلی: به منظور کنترل سایر متغیرهایی که به نحوی در تجزیه و تحلیل مسئله پژوهش مؤثرند، متغیرهای کنترلی لازم به شرح نگاره زیر تعیین شدند.

الف) اندازه شرکت: این متغیر از طریق لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت محاسبه می‌شود. می‌توان انتظار داشت که شرکت‌های بزرگ‌تر جهت جلب توجه سرمایه‌گذاران و به دنبال آن جذب سرمایه بیشتر تلاش می‌کنند تا عدم شفافیت خود را کاهش دهند (گش و مون^۱، ۲۰۱۰، کوتاری و همکاران ۲۰۰۹، لی و وانگ^۲، ۲۰۱۷، نیر و همکاران، ۲۰۱۹).

ب) اهرم مالی: از طریق نسبت مجموع بدهی‌ها به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود. بدهی بیشتر می‌تواند به دلیل حضور ذینفعان (طلبکاران) موجب نظارت بیشتر و در پی آن به کاهش عدم شفافیت منجر شود (کوتاری و همکاران ۲۰۰۵، بویاکری و همکاران ۲۰۱۴^۳، نیر و همکاران، ۲۰۱۹).

ج) عمر شرکت: از طریق لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت بهره‌برداری و افتتاح شده است محاسبه می‌شود. می‌توان انتظار داشت که شرکت‌های قدیمی‌تر با توجه به مدت تصدی خود به عنوان دلیلی بر مقبولیت توسط جامعه، جهت انجام هر چه بهتر وظایف خود نسبت به جامعه تلاش کنند و یک رابطه منفی بین میزان عمر شرکت و عدم شفافیت اطلاعات پیش‌بینی شده است (لندسمن و همکاران ۲۰۰۹، نیر و همکاران، ۲۰۱۹).

د) رتبه حسابرس: پیش‌بینی می‌شود هر چه حسابرس شرکت، شهرت و توان بالاتری داشته باشد عدم شفافیت صاحبکار کاهش یابد. در این پژوهش مؤسسات حسابرسی طبقه اول معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان مؤسسات با رتبه بالا در نظر گرفته شده است. اگر موسسه حسابرسی از مؤسسات حسابرسی رتبه اول باشد به این متغیر مجازی عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد (نیر و همکاران، ۲۰۱۹).

ه) نسبت رشد: از طریق نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام محاسبه می‌شود. می‌توان انتظار داشت به هر اندازه که ارزش بازار شرکت بالاتر باشد، مورد توجه فعالان بازار قرار خواهد گرفت. انتظار بر این است نظارت بیرونی، منجر به ارائه گزارشگری شفاف خواهد شد (بردبری و همکاران ۲۰۰۶، کوتاری و همکاران ۲۰۰۵، نیر و همکاران، ۲۰۱۹).

1. Ghosh, A. and Moon
 2. Lee & Wang
 3. Boubaker S, Mansali H, Rjiba

نتایج آمار توصیفی

متغیر وابسته این پژوهش عدم شفافیت می‌باشد که از طریق مجموع قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری طی سه سال گذشته به دست می‌آید و بیانگر انحرافی است که مدیران از آن جهت دست‌کاری سود گزارش استفاده نموده‌اند. طبق نگاره (۲) به طور میانگین ۲۷/۴ درصد مشاهده‌های مورد بررسی دارای عدم شفافیت هستند. در نتیجه مجموع مشاهدات از لحاظ عدم استفاده از مکانیسم‌های مدیریت سود در سطح مناسبی قرار دارند. متغیر مستقل این پژوهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی می‌باشد که میانگین این متغیر در مشاهدات مورد نظر ۴۴ درصد می‌باشد. متغیر تعدیلی این پژوهش کیفیت حاکمیت شرکتی می‌باشد که طبق نگاره فوق، میانگین امتیازات کیفیت حاکمیت شرکتی مشاهدات مورد بررسی ۳/۷ می‌باشد.

همچنین، میانگین اهرم مالی با نمایش ۰/۵۹۸ بازگوکننده آن است که شرکت‌های مورد مطالعه در سال‌های مختلف بیشتر تأمین مالی خود را از طریق بدهی انجام داده‌اند و به طور میانگین اغلب ذینفعان آنان بستانکاران هستند. سرانجام میانگین لگاریتم طبیعی عمر شرکت‌ها (۳/۵۰۹) نشان‌دهنده آن است که متوسط عمر مشاهدات ۳۳ سال می‌باشد.

نگاره (۲). خلاصه نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
عدم شفافیت گزارشگری	۰/۲۷۴	۰/۲۳۶	۰/۱۶۷	۱/۱۲۹	۰/۰۳۱
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۴۴۰	۰/۴۲۹	۰/۱۸۹	۰/۸۵۷	۰/۱۴۳
کیفیت حاکمیت شرکتی	۳/۷۵۱	۴/۰۰۰	۰/۶۳۲	۵/۰۰۰	۲/۰۰۰
اندازه شرکت	۲۸/۶۷۳	۲۸/۳۳۱	۲/۰۹۵	۳۳/۷۵۶	۲۴/۸۳۹
اهرم مالی	۰/۵۹۸	۰/۵۹۸	۰/۱۸۳	۱/۳۴۳	۰/۱۰۸
نسبت رشد	۴/۶۶۷	۲/۵۴۳	۶/۲۶۱	۳۹/۴۴۱	-۱۶/۶۷۸
عمر شرکت	۳/۵۰۹	۳/۴۶۶	۰/۴۲۶	۴/۲۰۵	۲/۷۰۸

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از آزمون لوین، لین و چوی جهت بررسی پایایی متغیرها استفاده شد با توجه به اینکه سطح معناداری کلیه متغیرها در آزمون ریشه واحد کوچک‌تر از ۰/۰۵ بود، در نتیجه تمامی

متغیرهای پژوهش از پایایی مناسب برخوردار بودند. سپس آزمون همبستگی متغیرهای پژوهش، جهت بررسی رابطه همبستگی بین متغیرهای پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. برای بررسی هم خطی میان متغیرها با استفاده از آزمون عامل تورم واریانس (VIF)، شدت همخطی چندگانه در تحلیل رگرسیون ارزیابی گردید. با توجه به اینکه آماره آزمون مذکور کوچک‌تر از ۱۰ بود، همخطی میان متغیرها وجود نداشته است. در بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنف، احتمال آماره برخی متغیرها کمتر از ۰/۰۵ بود که می‌توان چنین بیان نمود زمانی که تعداد مشاهدات کافی باشند، نرمال بودن برخی از متغیرها خللی در ادامه تحلیل‌های مربوطه ایجاد نخواهد کرد و با استفاده از قانون حد مرکزی (نزدیک بودن میزان میانگین و میانه متغیرها در جدول آمار توصیفی) می‌توان فرض بر نرمال بودن متغیرها دانست (رنجبران، ۱۳۹۵). از آزمون F لیمر و هاسمن جهت تعیین روش تخمین داده‌ها استفاده گردید. با توجه به اینکه احتمال F لیمر کلیه مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد بود، بنابراین برای تخمین کلیه مدل‌ها از روش تابلویی و با توجه به اینکه احتمال آزمون هاسمن کلیه مدل‌های پژوهش کمتر از ۵ درصد بود، بنابراین برای تخمین کلیه مدل‌ها از الگوی اثرات ثابت بهره گرفته شد. در نهایت از آزمون بروش-پاگان گادفری جهت بررسی ناهمسانی واریانس متغیرهای پژوهش استفاده شد که نتایج آن بیانگر عدم ناهمسانی واریانس برای متغیرهای پژوهش بوده است، زیرا احتمال آماره بیشتر از ۵ درصد است. نتایج آزمون فرضیه اول در نگاره ۳ نشان داده شده است.

نگاره ۳: نتایج آزمون فرضیه اول

Opaque _{it} = β ₀ + β ₁ CSR _{it} + β ₂ BIG1 _{it} + β ₃ SIZE _{it} + β ₄ MTB _{it} + β ₅ LEV _{it} + β ₆ Age _{it} + ε _{it}					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	CSR	-۰/۱۱۳	۰/۰۴۰	-۲/۸۳۴	۰/۰۰۴
رتبه موسسه حسابداری	Big1	-۰/۰۱۸	۰/۰۱۹	-۰/۹۵۴	۰/۳۴۰
اندازه شرکت	Size	۰/۰۱۲	۰/۰۰۴	۲/۶۵۳	۰/۰۰۸
نسبت رشد	Mtb	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۷۹۹	۰/۴۲۴
اهرم مالی	Lev	۰/۰۰۴	۰/۰۳۷	۰/۱۲۷	۰/۸۹۷
عمر شرکت	Age	۰/۰۳۸	۰/۰۱۸	۲/۱۱۷	۰/۰۳۴
مقدار ثابت	C	-۰/۱۷۳	۰/۱۶۴	-۱/۰۵۵	۰/۲۹۱
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون	آماره F	سطح معناداری	
۰/۲۶۹	۰/۲۵۲	۱/۷۷۶	۴/۱۴۹	۰/۰۰۰	

با توجه به نگاره (۳) مقدار آماره F در سطح کلیه شرکت‌ها برابر با ۴/۱۴۹ با سطح معناداری ۰/۰۰۰ است و مدل در سطح ۹۹ درصد معنادار است. افزون‌براین، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر با ۱/۷۷۶ است که مابین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد، وجود خودهمبستگی در اجزای اخلاقی رگرسیون رد می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۲۵۲ است. بنابراین، با توجه به این مقدار می‌توان ۲۵/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته (عدم شفافیت در گزارشگری مالی) را به وسیله متغیرهای مستقل (مسئولیت‌پذیری اجتماعی) و کنترلی (اندازه شرکت، اهرم مالی، رتبه موسسه حسابرسی، نسبت رشد و عمر شرکت) پیش‌بینی نمود. همچنین، سطح معناداری مربوط به متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی نشان‌دهنده آن است که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد، به عبارتی، با توجه به ضرایب مدل، به هر اندازه که مسئولیت‌پذیری اجتماعی افزایش یابد؛ انتظار می‌رود عدم شفافیت در گزارشگری مالی در شرکت‌ها کاسته شود. همچنین، مشاهده می‌شود میان اندازه و عمر شرکت با عدم شفافیت در گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به بیانی، به هر اندازه که شرکت‌ها بزرگ‌تر و باتجربه باشند؛ امکان بهره‌گیری از موارد مرتبط با عدم شفافیت در گزارشگری مالی را بیشتر دارند. با معناداری میان متغیرهای مذکور با عدم شفافیت در گزارشگری مالی وجود ندارد.

نگاره ۴: نتایج آزمون فرضیه دوم

Opaque it = $\beta_0 + \beta_1 \text{CSR it} + \beta_2 \text{CGQ it} + \beta_3 \text{CSR it} \times \text{CGQ it} + \beta_4 \text{BIG1} + \beta_5 \text{SIZE it} + \beta_6 \text{MTB it} + \beta_7 \text{LEV it} + \beta_8 \text{Age it}$					
متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	Csr	-۰/۳۵۲	۰/۱۲۷	-۲/۷۶۷	۰/۰۰۵
کیفیت حاکمیت شرکتی	Cgq	-۰/۰۴۶	۰/۰۲۰	-۲/۲۹۳	۰/۰۲۲
مسئولیت‌پذیری اجتماعی × کیفیت حاکمیت شرکتی	Csr*Cgq	-۰/۰۹۰	۰/۰۳۶	-۲/۴۵۴	۰/۰۱۴
رتبه موسسه حسابرسی	Big1	۰/۰۰۹	۰/۰۲۳	۰/۳۹۳	۰/۶۹۴
اندازه شرکت	Size	۰/۰۲۶	۰/۰۰۶	۳/۹۵۹	۰/۰۰۰
نسبت رشد	Mtb	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-۰/۴۰۷	۰/۶۸۳
اهرم مالی	Lev	۰/۰۲۱	۰/۰۵۴	۰/۴۰۵	۰/۶۸۵
عمر شرکت	Age	۰/۰۳۹	۰/۰۴۰	۰/۹۷۰	۰/۳۳۲
مقدار ثابت	C	-۰/۵۳۶	۰/۲۵۳	-۲/۱۱۹	۰/۰۳۴
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره دوربین واتسون	سطح معناداری		
۰/۴۲۵	۰/۴۱۲	۱/۶۵۰	۳۶/۶۳۰		

با توجه به نگاره ۴ مقدار آماره F در سطح کلیه شرکت‌ها، که برابر با $۳۶/۶۳۰$ و سطح معناداری $۰,۰۰۱$ است. الگو در سطح ۹۹ درصد معنادار است. افزون‌ترین، با توجه به مقدار آماره دوربین واتسون که برابر با $۱/۶۵۰$ است، و مابین $۱,۵$ تا $۲,۵$ می‌باشد وجود خودهمبستگی در اجزای اخلاقی رگرسیون رد می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $۰/۴۱۲$ است. بنابراین، با توجه به این مقدار می‌توان $۴۱/۲$ درصد از تغییرات متغیر وابسته (عدم شفافیت در گزارشگری مالی) را به وسیله متغیرهای مستقل (مسئولیت‌پذیری اجتماعی)، تعدیلی (کیفیت حاکمیت شرکتی) و کنترلی (اندازه شرکت، اهرم مالی، رتبه موسسه حسابرسی، نسبت رشد و عمر شرکت) پیش‌بینی کرد. در نتیجه، طبق نگاره ۴، سطح معناداری مربوط به متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی نشان‌دهنده آن است که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری وجود دارد (در سطح اطمینان ۹۹ درصد). همچنین مشاهده می‌شود که میان کیفیت حاکمیت شرکتی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی رابطه منفی و معناداری نیز وجود دارد (در سطح اطمینان ۹۵ درصد). از سویی، طبق نگاره شماره ۴ مشاهده می‌شود که با ورود متغیر تعدیلی کیفیت حاکمیت شرکتی، رابطه معنادار بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی حفظ شده است. لیکن با ورود متغیر تعدیلی کیفیت حاکمیت شرکتی میزان ارتباط منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی کاهش یافته است. همچنین، مشاهده می‌شود میان اندازه شرکت با عدم شفافیت در گزارشگری مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به بیانی، به هر اندازه که شرکت‌ها بزرگ‌تر باشند؛ امکان بهره‌گیری از موارد مرتبط با عدم شفافیت در گزارشگری مالی را بیشتر دارند

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب یادشده مربوط به عدم شفافیت در گزارشگری مالی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و حاکمیت شرکتی، پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی با نقش تعدیلی کیفیت حاکمیت شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. در جهت دست‌یابی به اهداف پژوهش دو فرضیه تدوین شد و پس از اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شد.

در راستای آزمون فرضیه اول مبنی بر اینکه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی رابطه معنادار وجود دارد، یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارای رابطه منفی و معناداری با عدم شفافیت در گزارشگری مالی می‌باشد. می‌توان چنین بیان نمود از آنجا که عدم شفافیت در گزارشگری مالی به عنوان ممانعت عمدی از دسترسی به اطلاعات، ارائه نادرست اطلاعات یا ناتوانی بازار در کسب اطمینان از کفایت مربوط بودن و کیفیت اطلاعات ارائه شده تعریف شده است؛ بنابراین در شرایط نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی، برای مدیران این فرصت فراهم می‌شود تا برای حفظ شغل و اعتبار حرفه‌ای خود، اطلاعات منفی را پنهان نمایند. از سویی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، شرکت‌ها را به مشارکت داوطلبانه برای توسعه پاینده فراسوی الزامات قانونی هدایت کرده و یک روش برای کاهش شکاف بین شرکت‌ها و انتظارات ذینفعان در قالب گزارشگری و افشاء اطلاعات اضافی با رویکرد پایداری به شمار می‌رود. بنابراین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی به کاهش توزیع اطلاعات نامتقارن در میان اشخاص درون و برون‌سازمانی می‌انجامد و سبب کاهش عدم شفافیت می‌شود. با توجه به نتایج حاصل می‌توان بیان نمود در شرکت‌های بورسی هرچه میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی افزایش یابد عدم شفافیت کاهش یافته و سبب بهبود سازوکارهای بازار و انصاف در بازار می‌شود. نتایج این پژوهش با پژوهش پالاسیوس و همکاران (۲۰۱۹) و نیر و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد و با پژوهش بورتی و همکاران (۲۰۲۰) و جوردن و همکاران (۲۰۱۸) مطابقت ندارد.

همچنین ضرایب و سطح معناداری مربوط به متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و عمر شرکت بیانگر رابطه مثبت متغیرهای مزبور با عدم شفافیت در گزارشگری مالی می‌باشد. از آنجا که از شرکت‌های بزرگ انتظار می‌رود که همواره از جریان باثبات سود برخوردار باشند، بیش از شرکت‌های کوچک اقدام به مدیریت سود می‌نمایند. همچنین این امکان وجود دارد که شرکت‌های با قدمت بیشتر به دلیل ماندگاری بالا در بازار، همیشه و به طور ثابت سهمی از بازار را به خود اختصاص دهند. از این رو، تلاش چندانی برای شفافیت کامل و کسب سهم از بازار نخواهند داشت.

در راستای آزمون فرضیه دوم مبنی بر اینکه کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی، اثر معنادار دارد، یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه با ورود متغیر تعدیلی کیفیت حاکمیت شرکتی، رابطه منفی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی حفظ شده است، لیکن از میزان ارتباط منفی بین این دو متغیر کاسته شده است.

با توجه به سنجش‌های اندازه‌گیری متغیر تعدیلی کیفیت حاکمیت شرکتی، به نظر می‌رسد که اصلی‌ترین عامل اثرگذار بر این رابطه، سهامداران نهادی بوده‌اند. سهامداران نهادی به عنوان یکی از مکانیزم‌های بااهمیت ساختار حاکمیت شرکتی به دو گروه با افق زمانی کوتاه مدت و بلندمدت تقسیم می‌شوند. سهامداران نهادی کوتاه مدت سهامداران موقتی هستند که فقط به سودهای جاری و نه سودهای بلندمدت توجه دارند. افق زمانی کوتاه مدت باعث می‌شود سهامداران نهادی انگیزه‌ای برای صرف هزینه‌هایی همچون مسئولیت‌پذیری اجتماعی نداشته باشند زیرا خود را در منافع حاصل از این فعالیت‌ها سهیم نمی‌دانند. با توجه به نتیجه حاصل از این پژوهش این امکان وجود دارد که سهامداران نهادی اثرگذار در این پژوهش دارای افق زمانی کوتاه مدت بوده‌اند. نتایج این پژوهش با پژوهش اندریکات (۲۰۲۰)، شهیداله و همکاران (۲۰۱۹) و ملکیان و همکاران (۱۳۹۸) مطابقت دارد و با پژوهش نیر و همکاران (۲۰۱۹) و حاجیها و شاکری (۱۳۹۸) مطابقت ندارد.

با توجه به نتایج پژوهش به سیاست‌گذاران و تدوین‌کنندگان ضوابط گزارشگری مالی پیشنهاد می‌شود به دلیل اهمیت موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم وجود رویه‌های یکسان برای افشای آن، دستورالعملی در راستای ایجاد ثبات رویه جهت گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تدوین نماید. همچنین به منظور تشویق شرکت‌ها به رعایت هرچه بیشتر مسئولیت‌پذیری اجتماعی پیشنهاد می‌شود مشوق‌هایی همچون معافیت‌های مالیاتی برای این شرکت‌ها در نظر گرفته شود. از آنجایی که با توجه به نتیجه فرضیه‌های پژوهش، افق دید سهامداران نقش موثری بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی دارد به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود در هنگام تصمیم‌گیری، به سطح نفوذ سازوکارهای حاکمیت شرکتی به عنوان عاملی تأثیرگذار بر قیمت سهام و در نتیجه بازده سرمایه‌گذاری خود، توجه نمایند. برای پژوهش‌های آتی به محققان پیشنهاد میشود نقش مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عدم شفافیت در گزارشگری مالی در سطح صنایع گوناگون بررسی شود. به علاوه با توجه به اینکه در این پژوهش از مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) برای سنجش شاخص عدم شفافیت استفاده شده است. استفاده از شاخص‌های دیگری برای سنجش عدم شفافیت، و همچنین بررسی عوامل مدیریتی همچون توانایی مدیرعامل و اعتماد به نفس بیش از حد مدیرعامل و یا تخصص هیئت‌مدیره بر این رابطه از پیشنهادات دیگر این پژوهش برای پژوهش‌های آتی می‌باشد. در نهایت با توجه به نقش منفی سهامداران نهادی بر رابطه بین عدم شفافیت در گزارشگری مالی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پیشنهاد می‌شود تا اثر سهامداران نهادی به تفکیک افق زمانی کوتاه مدت و بلند مدت، بر رابطه بین عدم شفافیت در گزارشگری مالی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، در پژوهش‌های آتی بررسی شود.

منابع

- بهار مقدم، مهدی؛ صادقی زین‌العابدین؛ صفرزاده ساره. (۱۳۹۲). بررسی رابطه‌ی مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۵ (۲۰)، ۹۰-۱۰۷. حاجیها، زهره؛ شاکری، عبدالرضا. (۱۳۹۸). حاکمیت شرکتی، افشای مسئولیت‌اجتماعی و ارزش شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۱ (۴۴)، ۱۷۵-۱۹۲.
- حسینی سرور حقیقت، سید علی. (۱۳۹۵). رابطه بین حاکمیت شرکتی و تعهد به ایفای مسئولیت‌های اجتماعی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش حسابداری*، ۶ (۴)، ۱۰۳-۱۲۸.
- علی نژاد سارو کلائی، مهدی. بحرینی، مریم؛ طاهری، آرزو. (۱۳۹۴). تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت موجودی کالا، *فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی*، ۳ (۱)، ۷۵-۹۰.
- فغانی، مهدی؛ زارعی، حمید؛ سعیدی گراغانی، مسلم؛ دارسنج، سکینه. (۱۳۹۸). تأثیر سرمایه‌فکری بر رابطه بین نظام حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸ (۴)، ۲۱۹-۲۴۶.
- کردستانی، غلامرضا؛ قادرزاده، کریم، حمید، حقیقت. (۱۳۹۷). تأثیر افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر معیارهای حسابداری، اقتصادی و بازار ارزیابی عملکرد شرکت‌ها. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۰ (۱)، ۱۸۱-۲۱۰.
- گروسی، حبیب‌اله؛ ایزدی نیا، ناصر؛ دستگیر، محسن. (۱۳۹۹). تأثیر سطح افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر ارزش بازار شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۲ (۴۶)، ۵۱-۷۶.
- ملکیان، اسفندیار؛ فخاری، حسین؛ جفایی رهنی، دکتر منیر. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره شرکت بر میزان گزارشگری زیست محیطی، اجتماعی و راهبری شرکتی. *دانش حسابداری*، ۱۰ (۲)، ۷۷-۱۱۲.
- مشایخی، بیتا؛ سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. *دانش حسابداری*، ۶ (۲۰)، ۱۰۳-۸۳.
- نصیری، مهراب؛ ایروانی قلعه سرخ، فهیمه. (۱۳۹۸). بررسی اثر راهبری شرکتی بر رابطه بین مدیریت سود و سیاست‌های تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، *چشم‌انداز حسابداری و مدیریت*، ۲ (۶)، ۴۹-۶۳.
- Alshbili, I., Elamer, A. A., & Beddewela, E. (2019). Ownership types, corporate governance and corporate social responsibility disclosures. *Accounting Research Journal*
- Alam, A., & Shah, S. Z. A. (2013). Determinants of foreign direct investment in OECD member countries. *Journal of Economic Studies*.
- Alinezhad Sarokolaei, M., bahreini, M., taheeri, A. (2015). The effect of corporate governance mechanisms on the relationship between institutional investors and inventory management. *Journal of Asset Management and Financing*, 3(1), 75-90. (in Persian).
- Barth, M. Beaver, W. and W, landsman. (2009). the relevance of the value relevanceliterature for financial accounting standard setting : enother view" , *journal of accounting and economics*, Vol.31 , pp.77-104
- Bahar moghadam, M., Sadeghi, z., & Safarzade, S. (2013). The Relationship between Corporate Governance and Corporate Social Responsibility. *Journal of Financial Accounting*, 5(20), 90-107. (in Persian)
- Bradbury, M., Mak, Y., Tan, S. (2006). Board Characteristics, Audit Committee Characteristics and Abnormal Accruals. *Pacific Accounting Review*, No. 18, PP.47-68.
- Bozzolan, S., Fabrizi, M., Mallin, C. A., & Michelon, G. (2015). Corporate social responsibility and earnings quality: International evidence. *The International Journal of Accounting*, 50(4), 361-396.

- Boubaker S, Mansali H, Rjiba H.(2014). Large controlling shareholders and stock price synchronicity. *Journal of Banking & Finance*, 40:80–96.
- Bouslah, K., Kryzanowski, L., M'Zali, B.(2013). The impact of the dimensions of social performance on firm risk. *Journal of Banking and Finance* 37, 1258–1273.
- Buertey, S., Sun, E. J., Lee, J. S., & Hwang, J.(2020). Corporate social responsibility and earnings management: The moderating effect of corporate governance mechanisms. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 27(1), 256-271.
- Costa, R. & Menichini, T.(2013). A multidimensional approach for CSR assessment: The importance of the stakeholder perception. *Expert Systems with Applications*, 40: 150–161.
- Dhaliwal, D. S., Li, O. Z., Tsang, A., & Yang, Y. G.(2011). Voluntary nonfinancial disclosure and the cost of equity capital: The initiation of corporate social responsibility reporting. *The accounting review*, 86(1), 59-100.
- Dechow, P. and D. Dichev.(2002). The Quality of Accruals and Earnings: The Role of Accrual Estimation Errors”, *The Accounting Review*, Vol. 77, No. 1, pp. 35-59.
- Dechow, P. M.; Sloan, R.; and A. P. Sweeney.(1995). Detecting Earnings Management, *The Accounting Review*, Vol. 70, No. 2, pp. 193-226.
- Endrikat, J., De Villiers, C., Guenther, T. W., & Guenther, E. M.(2020). Board characteristics and corporate social responsibility: A meta-analytic investigation. *Business & Society*.
- Faghani, M., Zarei, H., Saeidi, M., Darsanj, S.(2019). Intellectual Capital and the Relation between Corporate Governance and Tax Avoidance. *Empirical Research in Accounting*, 9(2), 219-246.(in Persian).
- Garooosi, H., Izadina, N., Dastgir, M.(2020). The effect of the level of social responsibility disclosure on the market value of the company. , 10(1), 187-217. *Financial accounting and auditing research*.12(46), 51-76.(in Persian)
- Ghosh, A. and Moon, D.(2010). Corporate Debt Financing & Earnings Quality. *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 37, PP. 538-559
- Hsiu, J. F.(2006). Effect of financial information transparency on investor behavior in Taiwan Stock Market. *ProQuest Database*, 16(3), 6-22.
- Hajiha, Z. & Shakeri, A.(2019). Relationship between corporate governance and commitment to fulfill social responsibilities in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial accounting and auditing research*, 11(44), 175-192.(in Persian).
- Hosseini, S. A., & Haghighat, S.(2017). The Relationship between Corporate Governance and Community Engagement in Listed Companies of Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 6(4), 103-128.(in Persian).
- Hutton, A. P., Marcus, A. J., & Tehranian, H.(2009). Opaque financial reports, R 2, and crash risk. *Journal of financial Economics*, 94(1), 67-86.
- Krüger, P. (2015). Corporate goodness and shareholder wealth. *Journal of financial economics*, 115(2), 304-329.
- Kim, J. B., Wang, Z., & Zhang, L.(2016). CEO overconfidence and stock price crash risk. *Contemporary Accounting Research*, 33(4), 1720-1749.
- Kordestani, G., Ghaderzadeh, S., Haghighat, H.(2018). Impact of social responsibility disclosure on accounting. *economic and market based Measures Of corporate performance evaluation*. , 10(1), 187-217.(in Persian)
- Kothari, S. P., Leone, A. J., & Wasley, C. E.(2005). Performance matched discretionary accrual measures. *Journal of accounting and economics*, 39(1), 163-197.
- Kothari, S. P., Li, X., & Short, J. E.(2009). The effect of disclosures by management, analysts, and business press on cost of capital, return volatility, and analyst forecasts: A study using content analysis. *The Accounting Review*, 84(5), 1639-1670.

- Kousenidis, D. V., Ladas, A. C., & Negakis, C. I.(2014). Accounting conservatism quality of accounting information and crash risk of stock prices. *The Journal of Economic Asymmetries*, 11, 120-137.
- Lawrence, S. R., Botes, V., Collins, E., & Roper, J.(2013). Does accounting construct the identity of firms as purely self-interested or as socially responsible?. *Meditari Accountancy Research*, 21(2), 144-160.
- Lee, M. T.(2016). Corporate social responsibility and stock price crash risk: Evidence from an Asian emerging market. *Managerial Finance*, 42(10), 963-979.
- Lee, W., Wang, L.(2017). Do political connections affect stock price crash risk? Firm-level evidence from China. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 48 (3), 643-676.
- Mahrani, M., & Soewarno, N.(2018). The effect of good corporate governance mechanism and corporate social responsibility on financial performance with earnings management as mediating variable. *Asian Journal of Accounting Research*. Vol. 3 No. 1, 41-60.
- Malekian, E., Fakhari, H., Jafaei Rahni, M.(2019). Impact of Board of Directors' Characteristics on Environmental, Social, and Corporate Governance Reporting. *Journal of Knowledge Accounting*, 10(2), 77-112. doi: 10.22103/jak.2019.12336.2729.
- Martínez-Ferrero, J., Banerjee, S., & García-Sánchez, I. M.(2016). Corporate social responsibility as a strategic shield against costs of earnings management practices. *Journal of Business Ethics*, 133(2), 305-324.
- Mashaykhi, B., Seyyedi, S.(2015). Corporate Governance and Tax Avoidance. *Journal of Knowledge Accounting*, 6(20), 83-103.(in Persian)
- Mukhtaruddin, M., Ubaidillah, U., Dewi, K., Hakiki, A., & Nopriyanto, N.(2019). Good corporate governance, corporate social responsibility, firm value, and financial performance as moderating variable. *Indonesian Journal of Sustainability Accounting and Management*, 3(1), 55-64.
- Nair, R., Muttakin, M., Khan, A., Subramaniam, N., & Somanath, V. S.(2019). Corporate social responsibility disclosure and financial transparency: Evidence from India. *Pacific-Basin Finance Journal*. 56, 330-351.
- Nasiry, M., iravni, F.(2019). The Effect of Corporate governance on the relationship between the Earnings Management and Dividend Policy of Listed Companies in the Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Management Vision*, 2(6), 49-63. (in Persian)
- Palacios-Manzano, M., Gras-Gil, E., & Santos-Jaen, J. M.(2019). Corporate social responsibility and its effect on earnings management: an empirical research on Spanish firms. *Total Quality Management & Business Excellence*, 1-17.
- Servaes, H. and A. Tamayo.(2013). The Impact of Corporate Social Responsibility on Firm Value: The Role of Customer Averseness, *Management Science*, 59 (5), 1045-1061.
- Uygur, O. (2017). CEO ability and corporate opacity. *Global Finance Journal*. 35, 72-81.
- Ullah, M. S., Muttakin, M. B., & Khan, A.(2019). Corporate governance and corporate social responsibility disclosures in insurance companies. *International Journal of Accounting & Information Management*.

واکاوی رفتار مدیران واحد گزارشگر نسبت به تهیه صورت‌های مالی متقلبانه^۱

مونا سادات کابلی^۲، هاشم نیکو مرام^۳، دکتر فریدون رهنمای رودپشتی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۲

مقاله پژوهشی

چکیده

پژوهش حاضر به عوامل موثر بر تصمیم‌گیری یا نیت رفتار مدیران واحد گزارشگر در ارتباط با گزارشگری مالی متقلبانه می‌پردازد؛ به طوریکه با به کارگیری نظریه تکامل یافته رفتار برنامه ریزی شده به ارتباط میان نگرش و عمل مدیران پرداخته شده است. جامعه آماری مطالعه را اعضای هیئت‌مدیره، مدیران عامل و مدیران مالی تشکیل داده‌اند، که به روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۳۱۹ نفر از میان آنها به عنوان نمونه انتخاب گردیده‌اند. با استفاده از پرسشنامه استاندارد و مدل‌سازی معادلات ساختاری، فرضیه‌های پژوهش، مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داده است که سازه‌های تئوری تکامل یافته رفتار برنامه ریزی شده، مکانیسم مناسبی برای پیش‌بینی رفتارهای متقلبانه مدیران واحد گزارشگر تلقی می‌شود. پژوهش پیشرو برای قانون‌گذاران، استانداردها و کلیه ذینفعان شرکت که به دنبال رفتاردرمانی تهیه کنندگان صورت‌های مالی متقلبانه می‌باشند، مفید است.

واژه‌های کلیدی: تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده، صورت‌های مالی متقلبانه واحد گزارشگر، اصول اخلاق حرفه‌ای، تصمیم‌گیری مدیران.

طبقه بندی موضوعی: M42۰D70۰D03۰D01۰A13

10.22051/JERA.2019.24557.2351 :DOI

۲. دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. استاد گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول)، (nikoomaram.hashem@gmail.com)

۴. استاد گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

تقلب توسط مدیران واحد گزارشگر، پایه‌های استاندارد حسابداری را تخریب کرده است. همچنین کوتاهی در ارزیابی نقادانه صداقت مدیریت یا بدتر از آن، انجام حسابرسی بدون اجرای روش‌های اضافی و هوشمندانه که هدف آن کسب شواهد درباره رویکردهای ضد تقلب است، حساب‌رسان مستقل را با محدودیت‌های اخلاقی یا تعهدات قانونی روبرو کرده است (بریف، ۲۰۱۱).

با توجه به بحران‌های ناشی از تقلب مدیران در صورت‌های مالی، این موضوع مطرح می‌شود که عدم صداقت مدیران که منجر به تقلب در صورت‌های مالی می‌شود در اثر مشکلات نمایندگی به وجود می‌آید و یا رویکردهای رفتاری مدیران که ناشی از نگرش، باور اخلاقی و باور هنجاری آنها، تمایل به نادیده گرفتن استانداردهای حسابداری و اصول اخلاق حرفه‌ای را به دنبال خواهد داشت (چانگ، ۲۰۱۳).

هر چند مساله تقلب به نخستین دوران پیدایش شهرنشینی انسان و حتی پیش از آن بر می‌گردد، ولی مطالعات رفتاری مربوط به رویکردهای ضد تقلب و فساد مالی حتی در کشورهای توسعه یافته نیز پیشینه چندانی ندارد و دانش نوپایی است. تئوری‌های روانشناسی در حسابداری در قالب اثرات انگیزشی و اثرات اطلاعاتی گروه‌بندی شده است. در ادبیات اثرات انگیزشی، تناقضات داخلی یا ناسازگاری بین بازنمایی ذهنی و رفتار در قالب تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده بیان گردیده است (آجن، ۱۹۹۱).

تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده با تمرکز و شناخت عمیق‌تر پدیده‌های ذهنی افراد، می‌تواند برای تشریح و تحلیل و اثرات روش‌های حسابداری و ناهنجاری‌های صورت گرفته در این رشته مورد استفاده قرار گیرد. پژوهش پیشرو، می‌تواند یکی از سودمندترین منابع کاربردی در زمینه رویکردهای رفتاری ضد تقلب قلمداد شود. تئوری مذکور در کلیه سازمان‌های خصوصی، دولتی، انتفاعی و غیرانتفاعی، کوچک و بزرگ کاربرد دارد و به نظر می‌رسد در راه پیکار با تقلب و فساد مالی و تبهکاران یقه سفید پیروز بوده است.

مدیران در گستره زندگی خود، مسیر پر فراز و نشیبی را طی می‌کنند که سرشار از چالش‌ها و فرصت‌ها است. بخش قابل توجهی از چالش‌های حرفه‌ای، مربوط به گزارشگری مالی واحدهای تجاری است. اطلاعات مالی با کیفیت و قابل اتکا که عاری از هر گونه کژنمایی سهوی یا عمدی است، اعتماد کلیه استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی را افزایش می‌دهد. از منظر روانشناسی در سال‌های اخیر تقلب در صورت‌های مالی، به عنوان بی‌قاعدگی‌های غیرمعمول

تلقی گردیده و اثرات زیانبار آن رسوایی‌های متعددی را در اقتصاد کشورها به همراه داشته است (جامعی، ۱۳۹۲).

کوهن و فلسان (۲۰۱۰)، شواهد و مستندات زیادی را مرور کردند و بر این اساس پیشنهاد دادند که مؤثرترین رویکردهای پیشگیری از تقلب، رویکردهایی هستند که به ابعاد رفتاری مدیران و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی پرداخته است. ظهور رویکرد روانشناسی رفتارگرا، رفتار مدیران متقلب را از ابعاد مختلف مورد مطالعه قرار داده است. سوگیری‌های رفتاری، همان تورش‌های شناختی و احساسی مدیران می‌باشد که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. روانشناسی رفتارگرا یک جریان فکری اثرگذار بر تهیه صورت‌های مالی متقلبان است که توسط میلتون (۱۹۹۴) بیان شد و توسط فیشین و اجزن (۱۹۸۵) گسترش یافت. با توجه به تصمیم‌های مدیران واحدهای گزارشگر مبنی بر تأمین مالی خارج از ترازنامه، سرمایه‌ای کردن هزینه‌هایی که طبق استاندارد حسابداری باید به حساب سود و زیان دوره منظور شود، مدیریت سود با هدف گمراه کردن استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی شرکت‌ها و یا سقوط بازار سهام شرکت‌ها به دلیل ارائه نادرست اطلاعات مالی، اخلاق حرفه‌ای مدیران واحد گزارشگر را از گذشته تاکنون، زیر سوال برده است. بنابراین بررسی عواملی که منجر به گزارشگری مالی متقلبان و غیراخلاقی می‌شود، ضروری است و مهم‌ترین اثر اقدام مذکور، افزایش اعتماد استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی می‌باشد (کمیسیون تردوی، ۲۰۰۹).

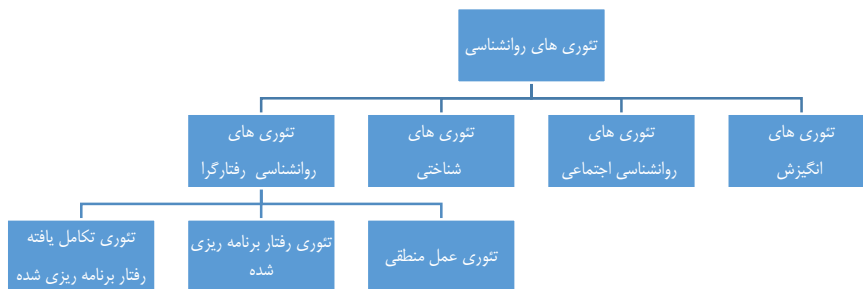
در این مقاله اولاً ارزیابی نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده در پیش‌بینی رفتار متقلبان مدیران مورد بررسی قرار گرفته است و ثانیاً با اضافه کردن پایبندی به اصول اخلاق حرفه حسابداری به این مدل، درصد تکامل تئوری مذکور است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دافیلد و گرابوسکی (۲۰۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان "روانشناسی تقلب"، تقلب را به معنی به دست آوردن چیز با ارزش یا اجتناب از یک تعهد به وسیله فریب و نیرنگ تعریف کرده‌اند و از نظر آنها، تقلب در صورت‌های مالی از طریق فریب کلیه ذینفعان شرکت از طریق روش‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای مدیریت، حذف و افشا نکردن کافی اطلاعات مالی شکل می‌گیرد. بر اساس آخرین گزارش سالیانه انجمن بازرسان رسمی تقلب، هزینه جهانی تقلب در صورت‌های مالی بیش از ۳/۵ تریلیون دلار می‌باشد که بی‌تردید از بودجه سالیانه چندین کشور

بیشتر است. متأسفانه در ایران دسترسی به آماری رسمی در خصوص هزینه‌های تقلب در صورت‌های مالی امکان‌پذیر نمی‌باشد و توسط مراجع رسمی اعلام نمی‌گردد. مدیران واحد گزارشگر مسئولیت تهیه صورت‌های مالی واحد گزارشگر را به عهده دارند و به واسطه مزیت اطلاعاتی که نسبت به استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی دارند، در شرایط خاص ممکن است اقدام به افشای اطلاعات گمراه‌کننده و غیر واقعی نمایند و رفتارهایی بر خلاف اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری از خود به نمایش بگذارند. با توجه به موارد مذکور، این پژوهش به دنبال پاسخ این سوال است که چه عواملی روانشناختی منجر به گزارشگری متقلبانه توسط مدیران می‌شود؟ "و" چگونه می‌توان این عوامل مؤثر را در یک مدل روانشناختی ارائه داد؟ تمایز اصلی این پژوهش با سایر پژوهش‌های رفتاری گذشته، در این زمینه است که این پژوهش بر متغیرهای فردی و محیطی مدیران، به صورت همزمان تمرکز نموده است و میزان اثربخشی متغیرهای مذکور را در شرایط فعلی اقتصاد کشور و گزارش‌های واحد گزارشگر، نشان می‌دهد. بنابراین تئوری پردازی و تبیین فرضیه‌های پژوهش با بهره‌مندی از طبقه‌بندی تئوری‌های روانشناسی به شرح نگاره (۱)، صورت گرفته است (رهنمای رود پستی، یزدانی، ۱۳۸۸).

نگاره (۱). طبقه‌بندی تئوری‌های روانشناسی



مفاهیم تئوری رفتارگرا برای نخستین بار توسط آجزن (۱۹۸۵) مطرح شد. آنها در کتاب خود با عنوان «باور، نیت، نگرش و رفتار» مفهوم تئوری عمل منطقی را پایه‌گذاری کردند و بر اساس این مدل می‌توان انگیزه‌های رفتاری را در زمینه‌های مختلف شناسایی کرد. بر اساس تئوری عمل منطقی تمایل به یک رفتار براساس نگرش و هنجارهای ذهنی فرد پیرامون آن رفتار تعیین می‌شود. نگرش از باورهای عمیق فرد به نتایج رفتار و ارزیابی از نتایج، ناشی می‌شود. هنجارهای

ذهنی فرد نیز از باورهای ذهنی وی به انتظارات ادراک شده از یک گروه مرجع و انگیزه و تمایل به انطباق با این باورها و انتظارات شکل می‌گیرد.

فیشین و ایزن معتقدند باور، سنگ بنای مدل تئوری رفتار منطقی است و از آن با عنوان سنگ بنای ساختار مفهومی خود یاد می‌کنند. یک فرد بر اساس مشاهدات مستقیم یا اطلاعات بدست آمده از فرآیندهای استنباطی مختلف، باورهایی پیرامون یک پدیده خاص را شکل می‌دهد. به این ترتیب فرد باورهایی پیرامون خودش، اطرافیانش، سازمان‌ها و هر پدیده دیگری را شکل می‌دهد. این باورها است که در نهایت نگرش، نیت رفتاری و انجام یک رفتار خاص را شکل می‌دهد (برایت و وایت، ۱۹۸۵).

این مدل در شرایطی کاربرد دارد که کنترل ارادی قابل قبولی بر روی رفتار وجود داشته باشد. به عبارت دیگر موفقیت این تئوری به میزان کنترل ارادی بر روی رفتار است. در شرایطی که میزان کنترل ارادی بر روی یک رفتار کاهش می‌یابد، کاربرد این تئوری محدود خواهد شد. به عبارت دیگر در شرایطی که فرد علیرغم قصد رفتاری، توانایی انجام آن را نداشته باشد، عملی صورت نمی‌گیرد. با توجه به محدودیت فوق آجزن و همکارانش تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده را بنا نهادند (کالدینی، ۲۰۰۹) و سپس در سال ۱۹۹۱ توسط آجزن و فیشین توسعه داده شد (براون و استابر، ۲۰۱۶).

نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده با در نظر گرفتن تعامل بین عوامل فردی، اجتماعی و محیطی، ابزاری ارزشمند و قوی در پیش‌بینی تمایلات و نیت رفتاری به شمار می‌رود. این مدل پیچیدگی رفتار بین رفتار انسانی و عوامل تعیین کننده آن را بیان و مهم‌تر از آن اشاره می‌کند که رفتار انسان نتیجه قصد یا نیت اوست. از سویی دیگر مشاهده خود رفتار، امری پیچیده به شمار می‌رود، بنابراین پژوهشگران به جای مشاهده رفتار، قصد رفتاری را ارزیابی می‌کنند. نیت، طرح آگاهانه و یا تصمیم به اعمال و تلاش برای انجام رفتار است (آجزن، ۱۹۹۱).

این نظریه بر مبنای یک سری از سازه‌های باورمحور، بنا شده است که نقش بسزایی در توجیه رفتار انسان دارند (اسچالتز، ۲۰۰۱)؛ به عبارت دیگر، این نظریه باورها را به عنوان بلوک‌های پایه‌ای نیت رفتاری در نظر می‌گیرد که اطلاعات رفتار را درباره یک رفتار خاص و نقش آنان را در آن رفتار نشان می‌دهد. سه نوع مختلف از باورها قابل تمایز هستند: باورهای رفتاری، باورهای هنجاری و باورهای کنترلی که همه آنها از ساختارهای شناختی مهمی برخوردارند (شوآرتز، ۲۰۰۱).

تفاوت تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده با تئوری استدلال منطقی این است که در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، کنترل‌های رفتاری نیز وجود دارد، این در حالی است که در تئوری رفتار منطقی این کنترل وجود ندارد. این نظریه سه متغیر جهان شمول را شناسایی کرده است که با همدیگر در پیش‌بینی نیت نقش دارند (پریرا ۲۰۰۹). اولین عامل مهم تعیین‌کننده نیت رفتاری، نگرش است که این گونه تعریف می‌شود: «میزانی که یک فرد دارای ارزیابی یا برآورد مطلوب یا نامطلوب از رفتار باشد» (اجزن، ۱۹۹۱). نگرش نشان‌دهنده باورها و ارزیابی‌ها از جنبه‌های مختلف رفتار است (پریرا، ۲۰۰۹) می‌توان با تغییر نگرش افراد، منجر به تغییر رفتارهای ناسالم و حرکت آنان به سمت رفتارهای سالم خواهد شد (اولیری، ۲۰۰۷)؛ به عبارت دیگر، اگر افراد نگرش مثبتی به یک رفتار خاص داشته باشند، نیت خود را برای اصلاح رفتار تقویت خواهند کرد (اجزن، ۱۹۹۱). بنابراین به نظر می‌رسد، مدیرانی که نگرش مثبتی نسبت به گزارشگری متقابل دارند، تمایل بیشتری به این کار داشته‌اند و بیشتر مرتکب گزارشگری مالی متقابلانه می‌شوند.

دومین متغیر هنجار ذهنی می‌باشد. هنجارهای ذهنی به فشار اجتماعی درک شده توسط افراد برای انجام یا عدم انجام رفتار هدف اشاره دارد و به مفهوم تأثیرپذیری افراد از دیگران (خانواده، دوستان، همکاران و گروه‌های مرجع) در انجام رفتار مورد نظر است (ساربنز، ۲۰۰۲). به عبارت دیگر، هنجارهای ذهنی به عقاید درک شده افرادی دیگر گفته می‌شود که رابطه نزدیکی با فرد دارند و یا برای وی مهم هستند و بر تصمیم‌گیری او اثر می‌گذارند (وان، ۲۰۰۳). بنابراین، به نظر می‌رسد وقتی مدیران واحد گزارشگر در زمان تهیه صورت‌های مالی مرتکب اعمال متقابلانه می‌شوند و کار آنها تأیید می‌شود، فشار اجتماعی درک شده، عاملی است که تمایل به اجرای روش‌های متقابلانه در صورت‌های مالی واحد گزارشگر را افزایش می‌دهد.

سومین متغیر تعیین‌کننده نیت رفتاری، کنترل رفتاری درک شده است. کنترل رفتاری درک شده یا درک سهولت یا سختی اجرای رفتار می‌تواند بر تمایل انجام رفتار مؤثر باشد. بنابراین، کنترل رفتاری درک شده یعنی اعتماد فرد در انجام رفتار مورد نظر و میزان دسترسی به منابع مورد نیاز برای انجام رفتار؛ به عبارت دیگر، کنترل رفتاری درک شده درجه‌ای از احساس فرد را نشان می‌دهد و این که انجام یا عدم انجام یک رفتار تا چه حد تحت کنترل ارادی وی می‌باشد (شپرد، ۲۰۱۱).

کنترل رفتاری درک شده به عنوان تابعی از باورهای کنترلی است که به ادراکات افراد از وجود یا عدم وجود منابع و فرصت‌های مورد نیاز برای اصلاح یک رفتار خاص و ارزیابی وی از سطح اهمیت این منابع و فرصت‌ها برای دستیابی به نتیجه اشاره می‌کند (چانگ، ۲۰۱۳). به

علاوه، بسیاری از مطالعات نشان می‌دهند که نیت و در نتیجه رفتار افراد به طور مثبت تحت تأثیر اعتماد به توانایی خود در اصلاح رفتار قرار دارد (دانبرو، ۲۰۰۹).

بنابراین به نظر می‌رسد مدیرانی که به توانایی خود در انجام گزارشگری متقابلانه اطمینان دارند، تمایل بیشتری به این کار داشته و بیشتر مرتکب گزارشگری مالی متقابلانه می‌شوند.

در پژوهش پیشرو، قصد گزارشگری مالی متقابلانه، عدول از استانداردهای حسابداری و عدم پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای در واحد گزارشگر است. نگرش به تقلب می‌تواند به فرهنگ سازمانی شرکت و مسیر تعیین شده توسط اعضای هیئت‌مدیره در زمان تهیه صورت‌های مالی باشد. در صورتی که نگرش مثبت نسبت به رفتار متقابلانه در شرکت وجود داشته باشد و یا ارتکاب به فعالیت‌های متقابلانه، همراه با پرداخت پاداش توسط اعضای هیئت‌مدیره و مدیران ارشد باشد، تخطی از استانداردهای حسابداری، آسان به نظر خواهد رسید.

بخش اجتماعی تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، مربوط به هنجارهای ذهنی مدل است. به طور مثال نظر دوستان، اعضای خانواده، همکاران، مدیران و اعضای هیئت‌مدیره ممکن است در ثمر رسیدن یک فعالیت نقش داشته باشند. این تئوری پیش‌بینی می‌کند که هر چه افراد تصور کنند که نظر دیگران برای آنها اهمیت دارد، قصد انجام کار با احتمال بالاتری رخ می‌دهد. با توجه به این جز از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، اثرگذاری نظر افراد بر مدیران، می‌تواند مدیران را در ارتکاب به تهیه صورت‌های مالی متقابلانه، تشویق کند (کاپلان، ۲۰۰۱).

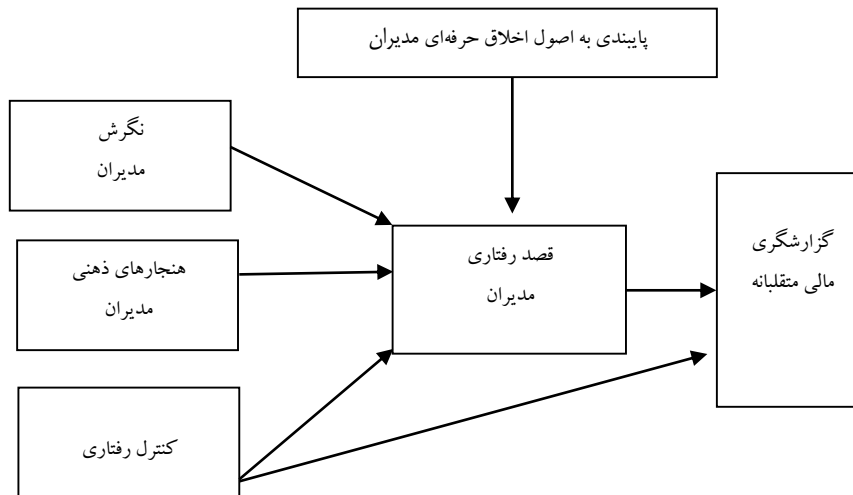
منظور از کنترل رفتاری درک شده که در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده نقش کلیدی دارد، این است که انجام یک عمل از دیدگاه یک شخص، آسان به نظر می‌رسد و یا سخت ارزیابی می‌گردد (مک‌کی، ۱۹۸۵).

به عبارت دیگر آیا مدیر نسبت به ثبت‌های حسابداری برخلاف استانداردهای حسابداری، آزادی عمل دارد؟ کنترل رفتاری درک شده نشان دهنده تجربه قبلی فرد است و همچنین این که تکرار فعالیت مذکور در آینده می‌تواند با محدودیت روبرو شود یا خیر؟ پاسخ تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده به این سوال این است که، هر چه کنترل رفتار که توسط فرد درک شده است، قوی‌تر باشد، قصد اشخاص برای انجام رفتار بالاتر است (مینکرز، ۱۹۹۹).

به منظور ارائه مدل پیشنهادی در حوزه تقلب شناسی مدیران، تئوری‌های مطرح شده صرفاً سازه‌های نگرش، هنجارهای ذهنی و باورهای کنترلی را سنجیدند اما تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده که ریشه در روانشناسی رفتارگرا دارد، پیشنهاد می‌کند که به غیر از عوامل تعیین‌کننده قصد رفتاری که در تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده به آن پرداخته شده است، پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای نیز به آن اضافه شود و ارتباط این جز با قصد متقابلانه تعیین شود. اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که در مورد باید

و نیایدهای رفتاری در حوزه فعالان در حوزه حسابداری صحبت می‌کند. اصول اخلاق حرفه‌ای به عنوان یک رویکرد درمناختی رفتاری در مدل پژوهش است که به پیش‌بینی رفتارهای متقابلانه مدیران در مدل رفتار برنامه‌ریزی شده، کمک می‌کند. اخلاق حرفه‌ای یا اخلاق کسب و کار، مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروه‌ها را در حوزه فعالیت حرفه‌ای تبیین می‌کند. در حقیقت اخلاق حرفه‌ای یک فرآیند تفکر عقلانی است که هدفش، محقق کردن این امر است که در سازمان و محیط کسب و کار، چه ارزش‌هایی را چه موقع باید حفظ و ترویج نمود. اخلاق حرفه‌ای به سه محور عمده، شامل ارزش‌های اخلاقی، اصول اخلاق حرفه‌ای و کدهای اخلاقی (که اغلب به عنوان منشور اخلاقی از آنها یاد می‌شود) یک حرفه طبقه‌بندی می‌شود. اغلب شرکت‌ها، موازین اخلاقی خاص را برای رفتار حرفه‌ای اعضای خود تدوین می‌کنند. به منظور بررسی بیشتر، اصول اخلاق حرفه‌ای حسابداری در کشورهای مختلف و پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، مورد توجه قرار گرفت و ۱۱ مورد از موازین اخلاقی مصوب در حوزه حسابداری در هفت اصل کلی شامل صداقت، بی‌طرفی، شایستگی، انصاف، رازداری، حرفه‌ای‌گری و سخت‌کوشی طبقه‌بندی گردید. در پژوهش پیشرو در تکمیل مطالعات گذشته، به ارزیابی مؤثر بودن اصول اخلاق حرفه‌ای در جلوگیری از تهیه صورت‌های متقابلانه در کنار اجزای تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده خواهیم پرداخت تا به یک مدل جامع برای پیش‌بینی اهداف متقابلانه مدیران نایل شویم. با توجه به مبانی نظری در خصوص تئوری‌های عمل منطقی، تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده و تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده و اجزای آن و ارتباط آن با تقلب در صورت‌های مالی، مدل مفهومی پژوهش حاضر در نگاره (۲) نشان داده شده است.

نگاره (۲). مدل مفهومی پژوهش (برگرفته از تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده)



مروری بر پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در مورد گزارشگری تقلب و عوامل مؤثر بر آن متعلق به دهه ۱۹۸۰ است (کنان و همکاران، ۲۰۱۰). از آن زمان تاکنون، پژوهش‌های متعددی با روش‌های داده کاوی و مبتنی بر الگوهای کمی و یا تئوری‌های توصیفی مبتنی بر الگوهای کیفی صورت گرفته است و پژوهشگران مذکور به عوامل مؤثر بر تقلب با استفاده از الگوهای کمی و تئوری‌های شناختی پرداخته‌اند. با توجه هدف پژوهش که یک مطالعه رفتاری در رشته حسابداری است، به مطالعه ادبیات نظری این حوزه می‌پردازیم. از آن جا که تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده، از تئوری‌های کاربردی روانشناسی و به صورت خاص رفتارشناسی تلقی می‌شود، پیشینه پژوهش‌هایی که بر ساختار رفتاری افراد تمرکز داشته است، بررسی شده است. در ابتدا به پژوهش‌های صورت گرفته در سایر کشورها و سپس به پیشینه پژوهش‌های انجام شده در ایران می‌پردازیم.

شوآرتز (۲۰۰۱) به ارزیابی اثرات ارزش‌های فردی و پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای در گزارشگری صورت‌های مالی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های فردی و اصول اخلاق حرفه‌ای نقش با اهمیتی در گزارشگری صورت‌های مالی متقلبان دارند و ارزش‌هایی نظیر آسایش طلبی، لذت‌گرایی در برابر ویژگی‌هایی نظیر امنیت ملی، آزادی جمعی ارزش بالاتری از منظر مرتکبین تقلب خواهند داشت. از سویی دیگر جامعه آماری پژوهش مذکور نشان داد که پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای و اثرات آن بر شفاف‌سازی اطلاعاتی اثرگذار است. پژوهش مذکور صرفاً بر ساختار ارزش‌های افراد تمرکز داشت.

تافلر و رینگلو (۲۰۰۳) به ارزیابی عوامل مؤثر بر گزارشگری مالی متقلبان با تمرکز بر ارزش‌های نهایی مدیران پرداختند. پژوهش‌های آنها متکی بر یک جریان فکری اثرگذار بر تهیه صورت‌های مالی متقلبان بود که توسط آقای میلتن روکیچ طی سال‌های ۱۹۶۸، ۱۹۷۳، ۱۹۸۰ بیان شد. ساختار ارزشی افراد طبق نظریه روکیچ (۱۹۷۹) بر پایه ارزش‌های نهایی است و با توجه به رتبه‌بندی ارزش‌های مذکور توسط افراد، طبقه‌بندی نسبی صورت می‌گیرد. طبقه‌بندی ارزش‌های نهایی افراد با توجه به موقعیت شخص در اجتماع، صورت می‌گیرد و افرادی که انگیزه لازم جهت تقلب در صورت‌های مالی را دارند، به ارزش‌های فردگرایانه روکیچ به عنوان ارزش‌های نهایی، تأکید بیشتری دارند. نتیجه پژوهش مذکور هم اثربخشی ارزش‌های نهایی فرد را عامل اثرگذاری بر قصد متقلبان مدیران قلمداد کردند.

کارپنتر و ریمرز (۲۰۰۵) با بهره‌مندی از تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده به پیش‌بینی رفتار غیراخلاقی و متقلبانه مدیران پرداختند و متغیر اصول اخلاق حرفه‌ای را به عنوان مؤلفه چهارم به مدل اضافه نمودند. آنها اصول اخلاق حرفه‌ای را به عنوان یک هنجار فردی، تعریف کردند. به عبارت دیگر در صورتی که انتظار داشته باشیم ارتباط میان ارزش‌های فردی و گزارشگری مالی متقلبانه ضعیف باشد، پابندی به اصول اخلاق حرفه‌ای در واحد گزارشگر اثرگذار خواهد بود. پژوهش مذکور نشان داد که پابندی به اصول اخلاق حرفه‌ای، پابندی بر ارزش‌های فردی را کاهش می‌دهد، لیکن مدیران حسب اجرای وظیفه حرفه‌ای خود، نسبت به ذینفعان خود پاسخگو هستند. راجر و کینگ (۲۰۰۷) به مطالعه اثرات سن و جنسیت بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی پرداختند، نتیجه پژوهش نشان داد که زن‌ها بیشتر از مردان مسائل اخلاقی را رعایت می‌کنند و نتایج پژوهش وی با لارکین (۲۰۰۰) نیز در تطابق است و نتایج پژوهش لارکین نیز مطابق با پژوهش‌های قبلی راجرز و کینگ (۱۹۹۲) بود که جنسیت نقش مهمی در تعیین مسائل اخلاقی دارد. از سویی دیگر، افزایش سن افراد، حس پاسخگویی به ذینفعان و برتری جویی ارزش‌های جمع‌گرایانه بر فردگرایانه باعث می‌شود، پابندی به تصمیم‌گیری‌های اخلاقی بیشتر باشد. اما نتیجه مذکور با پژوهش گلاور در سال ۲۰۰۲، مطابقت نداشت. در پژوهش گلاور، افراد در سنین مختلف، ارزش‌های نهایی متفاوتی نسبت به اعمال متقلبانه و غیراخلاقی بروز دادند. کوهن و همکاران (۲۰۱۰) و بریف (۲۰۱۱)، به بررسی ارتباط میان قصد گزارشگری تقلب و اجزای مثلث پرداختند و عوامل محیطی و بیرونی اثرگذار بر تقلب در صورت‌های مالی را بر اساس مولفه‌های، فرصت، انگیزه‌های بیرونی و کنترل رفتاری درک شده طبقه‌بندی کردند. در مدل مفهومی پژوهشگران مذکور، سیستم‌های کنترل داخلی و مکانیزم‌های نظارتی به عنوان عوامل محیطی، اثرگذاری بیشتری در مقایسه با فرصت‌ها، انگیزه‌ها و عوامل فردی دارد. در پژوهش مذکور به تئوری شناخت اجتماعی^۱ پرداخته شد و بر اساس آن افراد با استفاده از یادگیری‌های خود در یک محیط اجتماعی، از الگوهای رفتاری متفاوت استفاده می‌کنند و مطابق با این نظریه، مدیران نیز از طریق الگوبرداری و مشاهده پیامدهای رفتار ذینفعان به رفتارهای متقلبانه و غیراخلاقی مبادرت می‌ورزند. آرتور بریف (۲۰۱۱) به مطالعه تجربی در حوزه اثربخشی ارزش‌های فردی بر اصول اخلاق حرفه‌حسابداری و گزارشگری مالی متقلبانه پرداخت و نتایج پژوهش وی نشان داد که روند فعالیت‌های غیراخلاقی مدیران طی سال‌های

1. Social cognitive theory

جاری به صورت یک بحران بالقوه درآمده است و ارزش‌های فردی مدیران واحد گزارشگر نظیر، رفاه‌طلبی، کمال‌گرایی و هیجان‌طلبی فردی بر ارزش‌های جمع‌گرایی مدیران نظیر عدالت‌خواهی، عدالت‌محوری، تعهد اجتماعی در سال‌های اخیر برتری دارد و پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای اثری بر کاهش تقلب در صورت‌های مالی ندارد و آینده حرفه حسابداری با رهبری غیراخلاقی مدیران در سازمان‌های گزارشگر با خطرات جبران‌ناپذیری مواجه است. یانگ (۲۰۱۳) به پیش‌بینی رفتار غیراخلاقی مدیران با استفاده از تئوری عمل منطقی و تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده در حوزه مالی پرداخت. پژوهش‌های وی بر پایه تئوری معروف از قصد تا عمل آجزن (۱۹۸۵) صورت گرفت. این تئوری بر نقش قصد و نیت در تشریح رفتار تأکید می‌کند و مدعی است که قصد و نیت برای انجام رفتارهای مختلف را می‌توان از طریق این تئوری پیش‌بینی کرد. نتایج پژوهش یانگ نشان داد که مؤلفه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده که شامل نگرش نسبت به رفتار، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده، می‌تواند قصد و رفتار خلاف قاعده مدیران در تصمیم‌گیری‌ها را توضیح دهد. سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، هنجارهای فردی و محیطی را به صورت توأمان در نظر می‌گیرد و رفتار نهایی پیش‌بینی خواهد شد. نتایج پژوهش‌های مذکور، کاربرد روانشناسی رفتارگرا در پیش‌بینی رفتار متقابلانه مدیران را در واحدهای گزارشگر تأیید کردند.

در ادامه به بیان پژوهش‌های پیشین مرتبط با موضوع در کشور ایران پرداخته می‌شود: اعتمادی و خلیل پور (۱۳۹۱) بر تأثیر اخلاق حرفه‌ای حسابداران بر قابلیت اتکای صورت‌های مالی تمرکز داشتند و نشان دادند اخلاق حرفه‌ای حسابداران در تمام ابعاد خود نظیر درستکاری، صلاحیت، مراقبت حرفه‌ای، رازداری، استقلال، تضاد منافع، رابطه تنگاتنگی با ابعاد ویژگی‌های قابلیت اتکا صورت‌های مالی (ارائه منصفانه، اثبات‌پذیری، بی‌طرفی) دارد. از دیدگاه پژوهشگران مذکور، در ایران کماکان از لحاظ نظری، به تأثیرپذیری اخلاق و تعهد اخلاقی مدیران پرداخته نشده است.

جامعی و نوری زاده (۱۳۹۲) به بررسی رابطه عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند و نتایج نشان دادند که اختلاف مالیاتی، تعدیلات سنواتی و ارائه اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده به عنوان شاخص‌های شناسایی تقلب در صورت‌های مالی هستند و به دلیل عدم صداقت مدیران موظف سازمان گزارشگر صورت مالی رخ می‌دهند. پژوهش مذکور نشان داد که زمانی صداقت مدیران به عنوان یک ارزش فردی

زیر سوال می‌رود، پایه‌های استانداردهای حسابداری تخریب می‌شود و از سویی دیگر حسابرسی بدون اجرای روش‌های اضافی که هدف آن کسب شواهد درباره صداقت مدیران نباشد، آسیب‌های جدی به ذینفعان واحد گزارشگر وارد می‌کند و اعتماد عمومی را خدشه دار می‌کند. نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی تأثیر تعدیلی شدت اخلاقی بر قصد گزارش داخلی موارد تقلب توسط حسابداران پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر این بود که شدت اخلاقی ادراک شده تأثیر متغیرهای عدالت سازمانی، نگرش در مورد گزارش موارد تقلب و هنجارهای غیر عینی را تعدیل خواهد کرد. همچنین، جنسیت و سطح تحصیلات دارای تأثیری مثبت و معنادار و تجربه دارای تأثیر منفی و معنادار بر قصد گزارش داخلی موارد تقلب در صورت‌های مالی دارد. عاطفی و برزگر (۱۳۹۵)، رابطه اخلاق پولی و ادراک اخلاقی دانشجویان حسابداری با درک اقدامات تردید آمیز را ارزیابی نمودند و نتیجه گرفتند که ارتباط مثبتی بین متغیرهای مذکور وجود دارد. بولو و اکبریان شورکایی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی رابطه پدیده تماشاگری، قدرت شواهد و مسئولیت ادراک شده با احتمال گزارشگری تقلب پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که قدرت شواهد ناشی از وقوع تقلب و میزان مسئولیت ادراک شده دارای اثر مثبت معناداری بر احتمال گزارشگری می‌باشند. همچنین افراد، در زمان وجود شواهد قوی از تقلب، نسبت به گزارش آن، احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند و به احتمال زیاد آن را در صورت ناشناس ماندن گزارش می‌کنند. نتیجه مذکور نیز حاکی از ارزش‌های فردی تماشاگر تقلب و اثرات آن بر افشای گزارش‌های مبتنی بر تقلب می‌باشد. ایمر و گرکز (۱۳۹۶) با ارزیابی نقش متارکه اخلاقی و خود شیفتگی در تصمیم‌گیری‌های اخلاق حسابداری نتیجه گرفتند که سطح پایین خودشیفتگی و تمایل به نادیده گرفتن اخلاق، ارتکاب به اقدامات غیر اخلاقی و تقلب در صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد و به سطح بالای خودشیفتگی و سطح پایین متارکه اخلاقی، رفتار جبرانی در خصوص ارتکاب به تقلب و اعمال غیر اخلاقی را نشان می‌دهد. احمدی (۱۳۹۶) با مقایسه خود برترینی اخلاقی در دو حوزه انجام دادن رفتار اخلاقی و انجام ندادن رفتارهای غیر اخلاقی نشان داد که در شرایطی که افراد با رفتارهای غیر اخلاقی دیگران روبرو می‌شوند، اعلام می‌کنند که آنها کمتر از دیگران احتمال دارد که آن رفتار را انجام دهند (خود برترین هستند). اما وقتی با رفتارهای اخلاقی روبرو می‌شوند اعلام می‌کنند که آنها بیشتر از دیگران احتمال دارد که آن رفتار را انجام دهند (خود برترین نیستند). نمازی و رجب‌دری (۱۳۹۶) الگوی توسعه پایدار اخلاق حرفه‌ای حسابداری را با روش آرشویی بیان کردند و یافته‌های حاصل از پژوهش آنها نشان داد که وجود اخلاق حرفه‌ای در حسابداری در واحدهای

گزارشگر امری ضروری است و برای افزایش اثرگذاری آن، وجود الگوهایی مطابق با جامعه ایرانی و نیازهای فعلی آنها نیاز است. ساریخانی و ایزدی نیا (۱۳۹۷) از دیدگاه حسابداران به بررسی عوامل مؤثر بر قصد گزارشگری تقلب با استفاده از مثلث تقلب و تئوری رفتار برنامه‌ریزی اقدام به ارائه الگویی نمودند که ترکیب مثلث تقلب (توجیه، فشار، فرصت) و سازه‌های (نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری درک شده) چارچوب تئوریک مناسبی برای پیش‌بینی قصد گزارشگری تقلب فراهم می‌آورد و مدل مفهومی آنها به منظور ترویج گزارشگری عاری از تقلب، کارایی خواهد داشت. مطالعات صورت گرفته در ایران هیچ کدام به کاربرد تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده اشاره نکردند و اثربخشی سازه‌های مدل در ایران صورت نگرفته است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پیش گفته می‌توان انتظار داشت که اجزای مدل تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه مدیران اثرگذار است، بنابراین فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شود:

۱. نگرش مدیران در خصوص گزارشگری مالی متقلبانه، قصد آنان به انجام چنین رفتاری را افزایش می‌دهد.
۲. هنجار ذهنی مدیران در خصوص گزارشگری مالی متقلبانه، قصد آنان به انجام چنین رفتاری را افزایش می‌دهد.
۳. در نظر گرفتن باورهای کنترلی درک شده مدیران در خصوص گزارشگری مالی متقلبانه، قصد آنان به انجام چنین رفتاری را افزایش می‌دهد.
۴. پایبندی مدیران به اصول اخلاق حرفه‌ای، قصد آنان نسبت به گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می‌دهد.
۵. در نظر گرفتن باورهای کنترلی درک شده مدیران در خصوص گزارشگری مالی متقلبانه، ارتکاب چنین رفتاری را افزایش می‌دهد.
۶. قصد مدیران از گزارشگری مالی متقلبانه، ارتکاب به چنین رفتاری را افزایش می‌دهد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. اعضای هیئت مدیره، مدیران عامل، معاونین مالی و مدیران مالی شرکت‌ها، جمعیت هدف این پژوهش را تشکیل می‌دهند. ابزار کار پژوهش حاضر پرسش‌نامه

بوده است. برای اندازه‌گیری سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده از پرسش‌نامه‌های، هادیزاده مقدم (۱۳۹۳) و یزدان پناه (۱۳۹۱)، و برای اندازه‌گیری متغیر پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای از پرسش‌نامه استاندارد قاسم زاده (۱۳۹۳) استفاده شده است. این پرسش‌نامه‌ها در دو بخش تهیه شده که بخش اول مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی، و بخش دوم مربوط به سوالات متغیرهای پژوهش بوده است. پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج و هفت گزینه‌ای می‌باشد. از آنجا که روش‌شناسی مدل‌یابی معادلات ساختاری، تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چند متغیری شباهت دارد، می‌توان از اصول تعیین حجم نمونه در تحلیل رگرسیون چند متغیری برای تعیین حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده نمود. بر این اساس تعیین حجم نمونه می‌تواند بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده، تعیین شود (هومن، ۱۳۸۷). بنابراین با توجه به اینکه تعداد گویه (سوال)‌های پرسش‌نامه مورد استفاده در پژوهش حاضر ۵۹ مورد بود، حداقل به $295 (59 \times 5)$ نمونه نیاز بوده که بدین منظور تعداد ۴۰۰ عدد پرسش‌نامه بین مدیران جامعه آماری به صورت تصادفی توزیع گردید که از ۳۴۲ پرسش‌نامه برگشتی ۳۱۹ مورد آن قابل استفاده بوده و داده‌های آن با استفاده از نرم‌افزار لیزرل بر اساس رویکرد حداکثر راست‌نمایی مورد تحلیل قرار گرفت. در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری پایایی ابزار پژوهش از معیار پایایی ترکیبی (CR) و آلفای کرونباخ استفاده شده است. همچنین برای اندازه‌گیری روایی همگرا از روش تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از معیارهای بارعاملی و میانگین واریانس استخراج شده (AVE) و برای اندازه‌گیری روایی تشخیصی نیز از معیار فورنل و لارکر استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از روش مدل معادلات ساختاری (SEM) بهره گرفته شده است. با استفاده از مدل معادلات ساختاری، از یک طرف میزان برازش الگوی مفهومی پژوهش با داده‌ها و شاخص‌های موردنظر و از طرف دیگر فرضیه‌های پژوهش (تأثیر متغیرها بر یکدیگر) مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. اهم شاخص‌های یکه برای سنجش برازش الگوی مفهومی پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، عبارت بود از: ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA)، شاخص برازش هنجار شده (NFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI)، شاخص برازش هنجار نشده (NNFI)، ریشه میانگین مربعات باقیمانده (RMR) و شاخص برازش افزایشی (IFI).

یافته‌های پژوهش

مشخصه‌های جمعیت‌شناختی اعضای نمونه نشان می‌دهد که ۲۰۶ نفر از مشارکت‌کنندگان، مرد (۶۵ درصد) و ۱۱۳ نفر (۳۵ درصد)، زن بوده‌اند. از نظر رتبه‌بندی سنی، کمتر از ۳۰ سال (۲۱ درصد)، ۳۰ تا ۳۵ سال (۲۲ درصد)، ۳۵ تا ۴۰ سال (۲۳ درصد)، ۴۰ تا ۴۵ سال (۱۴ درصد) و

بالاتری از ۴۵ سال (۲۰ درصد) می‌باشد. از نظر مدرک تحصیلی، ۴ نفر (۱ درصد) کاردانی، ۷۱ نفر (۲۲ درصد) کارشناسی، ۱۸۹ نفر (۵۹ درصد) کارشناسی ارشد و ۵۵ نفر (۱۸ درصد) دکتری بوده‌اند. سابقه کاری پاسخ‌دهندگان با سابقه کمتر از ۵ سال (۱۸ درصد)، بین ۵ تا ۱۰ سال (۴۱ درصد)، بین ۱۰ تا ۱۵ سال (۲۴ درصد)، بالاتر از ۱۵ سال (۱۷ درصد) بوده است. از نظر رتبه شغلی، مدیر عامل و عضو هیئت‌مدیره (۲۳ درصد)، معاون مالی (۱۸ درصد)، مدیر مالی (۵۹ درصد) بودند که (۸۱ درصد) آنها در بخش خصوصی و (۱۹ درصد) آنها در بخش دولتی فعالیت می‌کردند.

برای اندازه‌گیری روایی همگرایی سازه‌های مدل مفهومی پژوهش، از روش تحلیل عاملی تأییدی (CFA) استفاده گردید. روایی همگرا بیان‌گر آن است که شاخص‌های یک سازه، تا چه حد در تبیین واریانس مشترک سهم دارند. روش تحلیل عاملی تأییدی، یکی از روش‌های معتبر علمی برای اندازه‌گیری روایی سازه است که به برآورد بارعاملی و روابط بین مجموعه‌ای از شاخص‌ها و عوامل می‌پردازد. بارعاملی معرف همبستگی شاخص‌ها با عامل مربوطه است و مانند هر گونه همبستگی دیگر تفسیر می‌شود (هومن، ۱۳۸۷).

برای اندازه‌گیری روایی تشخیصی سازه‌های مدل مفهومی پژوهش نیز از معیار فورنل و لارکر استفاده شد بر اساس این معیار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) با توان دوم ضریب همبستگی متغیرهای مکنون مقایسه می‌گردد. برای سنجش روایی همگرا در تحلیل عاملی تأییدی بایستی دو معیار بارعاملی و میانگین واریانس استخراج شده در نظر گرفته شود. بارعاملی باید بزرگتر از ۰/۴ باشد و گویه‌هایی با بارعاملی کمتر از ۰/۴ باید حذف شوند. همچنین تأیید یا رد معناداری بارهای عاملی باید با توجه به اعداد معناداری (T-Value) صورت بگیرد. بدین ترتیب که در سطح خطای ۰/۰۵ بارعاملی که مقدار T-Value آن بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از -۱/۹۶ باشد، معنی‌دار است. در تحلیل عاملی اولیه گویه‌هایی که شرایط لازم را نداشته، حذف گردیدند و مجدداً تحلیل عاملی آزمون گردید. همان‌طور که در نگاره (۳) نشان داده شده است، بارهای عاملی همه گویه‌های باقیمانده بزرگتر از ۰/۴ بوده که از نظر آماری نیز معنی‌دار هستند چرا که میزان T-Value آن‌ها بزرگتر از ۱/۹۶ می‌باشد. میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE) نیز باید بزرگتر از ۰/۴ باشد (پالیام، ۲۰۰۳) مقادیر AVE در قطر اصلی نگاره (۴) نشان داده شده است، که مقادیر مذکور همگی بیشتر از ۰/۴ می‌باشد.

نگاره (۳). تحلیل عاملی سازه‌های مدل مفهومی پژوهش

خطای استاندارد	آماره T	بارعاملی	گویه	نام متغیر
۰/۳۴	۱۳/۹۵	۰/۸۱	ATD1	نگرش
۰/۵۱	۱۱/۹۷	۰/۷۰	ATD2	
۰/۶۶	۹/۸۸	۰/۵۸	ATD3	
۰/۵۸	۱۱/۹۰	۰/۶۵	SUN1	هنجارهای ذهنی
۰/۴۲	۱۴/۷۵	۰/۷۶	SUN2	
۰/۶۲	۱۱/۲۸	۰/۶۲	SUN3	
۰/۶۰	۱۱/۴۳	۰/۶۳	SUN4	
۰/۵۹	۱۱/۷۵	۰/۶۴	SUN5	
۰/۷۵	۸/۸۳	۰/۵۰	SUN10	
۰/۱۹	۲۰/۰۹	۰/۹۰	PBC5	کنترل رفتاری درک شده
۰/۴۸	۱۴/۶۷	۰/۷۲	PBC9	
۰/۰۶	۲۲/۴۹	۰/۹۷	PBC10	
۰/۴۵	۱۴/۶۱	۰/۷۴	PET1	اصول اخلاق حرفه‌ای
۰/۳۹	۱۶/۰۰	۰/۷۸	PET2	
۰/۶۵	۱۰/۸۴	۰/۵۹	PET4	
۰/۴۲	۱۵/۳۲	۰/۷۶	PET5	
۰/۴۲	۱۵/۲۴	۰/۷۶	PET6	
۰/۵۰	۱۳/۸۶	۰/۷۱	PET7	
۰/۲۸	۱۸/۱۸	۰/۸۵	PET8	
۰/۴۵	۱۴/۷۱	۰/۷۴	PET9	
۰/۴۱	۱۵/۶۱	۰/۷۷	PET10	
۰/۴۲	۱۵/۱۶	۰/۷۶	PET14	
۰/۴۲	۱۵/۳۴	۰/۷۶	PET16	
۰/۵۴	۱۴/۱۲	۰/۶۸	INT1	قصد گزارشگری مالی متقابلانه
۰/۴۵	۱۵/۷۲	۰/۷۴	INT2	
۰/۴۲	۱۶/۲۱	۰/۷۶	INT3	
۰/۴۱	۱۶/۷۱	۰/۷۷	INT4	
۰/۳۴	۱۷/۳۹	۰/۸۱	BEH1	رفتار گزارشگری مالی متقابلانه
۰/۳۹	۱۶/۳۱	۰/۷۸	BEH2	
۰/۲۸	۱۸/۵۳	۰/۸۵	BEH3	
۰/۳۱	۱۷/۷۶	۰/۸۳	BEH4	
۰/۴۵	۱۵/۱۷	۰/۷۴	BEH5	

برای محاسبه روایی تشخیصی بر اساس معیار فروئل و لارکر، چنان چه میزان میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بیشتر از مربع ارتباط (همبستگی) میان دو متغیر مکنون باشد، روایی تشخیصی وجود دارد. ماتریس همبستگی سازه‌های مدل مفهومی پژوهش در نگاره (۴) نشان داده شده است. در قطر اصلی این ماتریس میزان AVE و مربع همبستگی بین سازه‌ها در پایین قطر اصلی نشان داده شده است. همان‌طور که نشان داده شده است میزان AVE برای همه سازه‌های مدل مفهومی پژوهش بیشتر از ۰/۴ بوده و همچنین مقدار AVE برای هر سازه از مربع ارتباط بین سازه‌های دیگر نیز بیشتر است که بیانگر روایی تشخیصی می‌باشد.

نگاره (۴). ماتریس مربع همبستگی سازه‌های مدل مفهومی پژوهش و مقادیر AVE

متغیر	نگرش	هنجارهای ذهنی	کنترل رفتاری درک شده	اصول اخلاق حرفه ای	قصد گزارشگری مالی متقلبانانه	رفتار گزارشگری مالی متقلبانانه
نگرش	۰/۴۹۴					
هنجارهای ذهنی	۰/۱۵۲	۰/۴۰۷				
کنترل رفتاری درک شده	۰/۰۸۴	۰/۱۷۶	۰/۷۵۶			
اصول اخلاق حرفه ای	۰/۰۶۳	۰/۲۴۰	۰/۱۱۶	۰/۵۶۲		
قصد گزارشگری مالی متقلبانانه	۰/۱۵۲	۰/۳۸۴	۰/۱۳۷	۰/۵۱۸	۰/۵۴۵	
رفتار گزارشگری مالی متقلبانانه	۰/۰۹۰	۰/۱۲۳	۰/۰۶۳	۰/۲۱۲	۰/۵۱۸	۰/۶۴۵

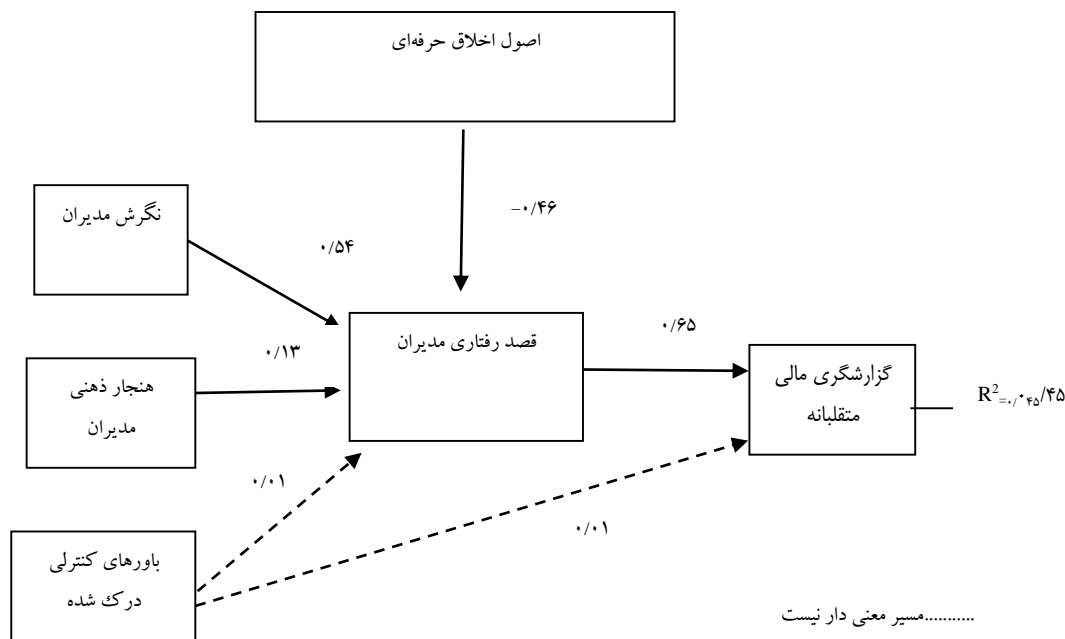
به منظور تعیین پایایی سؤالات پرسشنامه از روش پایایی سازه (CR) و آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار پایایی ترکیبی برای هر دسته از سؤالات باقیمانده متغیرهای پژوهش، مورد اندازه گیری قرار گرفت. نتایج پایایی سؤالات در نگاره (۵) ارائه گردیده است. همان‌طور که در نگاره (۵) مشاهده می‌شود مقادیر پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ تمام سازه‌های مدل مفهومی پژوهش بیشتر از ۰/۷۰ می‌باشد و این نشان از پایایی ابزار پژوهش دارد.

نگاره (۵). نتایج پایایی سازه‌های مدل مفهومی پژوهش

سازه	تعداد گویه	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
نگرش	۳	۰/۷۴۲	۰/۷۶۱
هنجارهای ذهنی	۶	۰/۸۰۲	۰/۷۸۰
کنترل رفتاری درک شده	۳	۰/۹۰۲	۰/۸۹۶
اصول اخلاق حرفه ای	۱۱	۰/۹۳۳	۰/۹۳۳
قصد گزارشگری مالی متقلبانانه	۴	۰/۸۲۷	۰/۸۱۷
رفتار گزارشگری مالی متقلبانانه	۵	۰/۹۰۱	۰/۹۰۱

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش مدل معادلات ساختاری (SEM) استفاده شد که نتایج حاصل به طور خلاصه در نگاره (۶) نشان داده شده است. بر اساس نتایج حاصل از آزمون تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده که در نگاره (۸) نشان داده است، گزارشگری مالی متقلبانه مدیران، تحت تأثیر نگرش، هنجار ذهنی و اصول اخلاق حرفه‌ای می‌باشد.

شکل (۱). نتایج آزمون مدل مفهومی پژوهش



نتایج نشان می‌دهد که: نگرش تأثیر مثبت ۵۴ درصدی بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه دارد و این تأثیر از نظر آماری معنادار است چرا که آماره T-Value مربوطه برابر با ۷/۳۲ می‌باشد و این میزان از ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد بنابراین فرضیه تأثیر نگرش بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه را نمی‌توان رد کرد.

هنجارهای ذهنی تأثیر مثبت ۱۳ درصدی بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه دارد و این تأثیر از نظر آماری معنادار است چرا که آماره T-Value مربوطه برابر با ۳/۳۱ می‌باشد و این میزان از

۱/۹۶ بیشتر می‌باشد بنابراین فرضیه تأثیر هنجارهای ذهنی بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه را نمی‌توان رد کرد.

کنترل رفتاری درک شده تأثیر مثبت ۱ درصدی بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه دارد، اما این تأثیر از نظر آماری معنادار نیست چرا که آماره T-Value مربوطه برابر با ۰/۲۵ می‌باشد و این میزان از ۱/۹۶ کمتر می‌باشد بنابراین فرضیه تأثیر کنترل رفتاری درک شده بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه رد می‌شود.

اصول اخلاق حرفه‌ای تأثیر منفی ۴۶ درصدی بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه دارد و این تأثیر از نظر آماری معنادار است چرا که آماره T-Value مربوطه برابر با ۶/۲۵- می‌باشد و این میزان از ۱/۹۶- کمتر می‌باشد بنابراین فرضیه تأثیر اصول اخلاق حرفه‌ای بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه را نمی‌توان رد کرد.

کنترل رفتاری درک شده تأثیر مثبت ۱ درصدی بر رفتار گزارشگری مالی متقلبانه دارد، اما این تأثیر از نظر آماری معنادار نیست چرا که آماره T-Value مربوطه برابر با ۰/۱۹ می‌باشد و این میزان از ۱/۹۶ کمتر می‌باشد بنابراین فرضیه تأثیر کنترل رفتاری درک شده بر رفتار گزارشگری مالی متقلبانه رد می‌شود.

قصد گزارشگری مالی متقلبانه تأثیر مثبت ۶۵ درصدی بر رفتار گزارشگری مالی متقلبانه دارد و این تأثیر از نظر آماری معنادار است چرا که آماره T-Value مربوطه برابر با ۹/۵۲ می‌باشد و این میزان از ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد بنابراین فرضیه تأثیر قصد گزارشگری مالی متقلبانه بر رفتار گزارشگری مالی متقلبانه را نمی‌توان رد کرد.

لازم به ذکر است که ضریب تعیین گزارشگری مالی متقلبانه برابر با ۰/۴۵ بوده است. که نشان می‌دهد ۴۵ درصد از تغییرات این متغیر توسط تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده تبیین می‌شود.

تکانه (۶). نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتیجه آزمون	T- آماره Value	ضریب مسیر	فرضیه
تائید می‌شود	۷/۳۲	۰/۵۴	تأثیر نگرش بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه
تائید می‌شود	۳/۳۱	۰/۱۳	تأثیر هنجارهای ذهنی بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه
رد می‌شود	۰/۲۵	۰/۰۱	تأثیر کنترل رفتاری درک شده بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه
تائید می‌شود	-۶/۲۵	-۰/۴۶	تأثیر اصول اخلاق حرفه‌ای بر قصد گزارشگری مالی متقلبانه
رد می‌شود	۰/۱۹	۰/۰۱	تأثیر کنترل رفتاری درک شده بر رفتار گزارشگری مالی متقلبانه
تائید می‌شود	۹/۵۲	۰/۶۵	تأثیر قصد گزارشگری مالی متقلبانه بر رفتار گزارشگری مالی متقلبانه

درنگاره (۷)، تعدادی از شاخص‌های مهم برازش الگوی مفهومی نیز اندازه‌گیری شده است. لازم به یادآوری است که مجموعه وسیعی از معیارها و شاخص‌های برازندگی وجود دارند که می‌توانند برای اندازه‌گیری کل الگو مورد استفاده قرار گیرند. یک پژوهشگر باید از معیارهای مختلفی برای قضاوت در مورد برازش مدل استفاده کند، زیرا شاخص واحدی وجود ندارد که به طور قطعی برای آزمون مدل، مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد (کلاتری، ۱۳۸۸). بر این اساس در نگاره (۷)، به چند شاخص مهم سنجش برازش الگوی مفهومی اشاره می‌شود که در این پژوهش مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. همانطور که مشاهده می‌شود، مقادیر تمامی شاخص‌ها نشان‌دهنده برازش مناسب و قابل قبول الگوی مفهومی پژوهش می‌باشد. بنابراین، همخوانی الگوی مفهومی با داده‌های گردآوری شده مورد تأیید واقع می‌شود.

نگاره (۷). ارزیابی برازش کل الگوی مفهومی پژوهش

وضعیت برازش	مقادیر توصیه شده	مقادیر محاسبه شده شاخص‌ها	شاخص‌های برازش الگوی مفهومی
—	—	۱۱۴۴/۱۷	کای دو
—	—	۴۲۰	درجه آزادی
قابل قبول	$3 \leq$	۲/۷۲۴۲	کای دو تقسیم بر درجه آزادی
قابل قبول	$0/08 \leq$	۰/۰۷۴	ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب
قابل قبول	$0/90 \geq$	۰/۹۰	شاخص برازش هنجار شده
قابل قبول	$0/90 \geq$	۰/۹۲	شاخص برازش تطبیقی
قابل قبول	$0/90 \geq$	۰/۹۰	شاخص برازش هنجار نشده
قابل قبول	$0/5 \leq$	۰/۱۴	ریشه میانگین مربعات باقیمانده
قابل قبول	$0/90 \geq$	۰/۹۱	شاخص برازش افزایشی

نتیجه‌گیری

این پژوهش بر اساس نظریه تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده، شواهد جدیدی در حوزه مطالعات رفتاری حسابداری فراهم می‌آورد. بر اساس این نظریه، قصد و رفتار متقابلانه مدیران در صورت‌های مالی واحد گزارشگر تحت تأثیر عوامل درونی نظیر نگرش و باور فردی مدیران و عوامل محیطی نظیر هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری مدیران می‌باشد (آجن، ۱۹۹۱). اثر بخشی سازه نگرش، در مدل در مقایسه با سایر سازه‌ها نشان می‌دهد که عامل تعیین‌کننده قصد متقابلانه مدیران، نگرش مثبت آنها به تقلب است. در صورتی که مدیر نگرش مثبتی به تقلب داشته باشد، به ارزش‌های جمعی و کنترل‌های رفتاری درک شده توجهی نخواهد

داشت و مدل تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده می‌تواند تصمیم‌گیری متقالبانه مدیران را به درستی پیش‌بینی کند. پابندی به اصول اخلاق حرفه‌ای که به عنوان تکامل مدل رفتار برنامه‌ریزی شده، به مدل پژوهش اضافه شده است، نیز اثرات بازدارنده بر قصد تقلب دارد، ولی میزان اثربخشی آن کمتر از نگرش مدیران به تقلب است.

نتایج آزمون فرضیه‌های اول و دوم، اثر بخشی سازه‌های نگرش و هنجار ذهنی بر قصد متقالبانه مدیران را مطابق با ادبیات نظری پژوهش، تأیید کرد و با یافته‌های مطالعات تینا کارپنتر (۲۰۰۵)، شیرد (۲۰۱۱)، نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۵) مطابقت دارد. یافته‌های مذکور نشان می‌دهد که ارزش‌های نگرشی مدیرانی که در فضای گزارشگری مالی دیدگاه مثبتی نسبت به تقلب در صورت‌های مالی دارند، بر ارزش‌های استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی برتری دارند و تخطی از استانداردهای حسابداری توسط آنها صورت خواهد گرفت. برتری ارزش‌های فردی بر ارزش‌های جمعی مدیران در حوزه گزارشگری مالی، تبعات نگران‌کننده‌ای به همراه خواهد داشت و پیشنهاد می‌گردد واحدهای گزارشگر به منظور همکاری با افرادی که نگرش مثبت به تقلب در صورت‌های مالی دارند و به منافع کلیه ذینفعان شرکت توجهی ندارند، همکاری نمایند و یا از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی مناسب، نگرش خلاف قاعده و دیدگاه متقالبانه آنها در گزارش‌های مالی را تعدیل نمایند. آزمون فرضیه‌های سوم و پنجم نیز نشان داد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ارتباط معنی‌داری بین باورهای کنترلی درک شده مدیران بر قصد و رفتار گزارشگری مالی متقالبانه وجود ندارد. نتیجه مذکور برخلاف ادبیات نظری پژوهش است و نتایج پژوهش‌های پیشین، اجزن (۱۹۹۱)، کارپنتر، ریمرز (۲۰۰۵)، ساریخانی و ایزدی‌نیا (۱۳۹۷) در خصوص این سازه از تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده تأیید نگردید. نتایج آزمون‌های مذکور نشان داد که متغیرهای محیطی در حوزه حسابداری، نظیر فعالیت حسابرس مستقل و یا حسابرس داخلی، کنترل‌های داخلی طراحی شده در واحد گزارشگر، بر تصمیم‌گیری مدیران با دیدگاه مثبت به تقلب در صورت‌های مالی اثری نخواهد داشت. این نتیجه یک بحران در حرفه حسابرسی را نشان می‌دهد. به طوریکه مدیران با دیدگاه مثبت نسبت به تقلب به سیستم‌های کنترل داخلی واحد تجاری بی‌توجه هستند و به تبع آن ریسک حسابرسی صورت‌های مالی، افزایش می‌یابد. با توجه به نتیجه فرضیه مذکور، پیشنهاد می‌گردد نهادهایی نظیر سازمان حسابرسی، سازمان بورس و اوراق بهادار و بورس‌ها به عنوان متولیان نظارت‌کننده بر کیفیت گزارشگری مالی واحد تجاری، قوانین حمایت از گزارشگری موارد تقلب در صورت‌های مالی را در دستور کار خود قرار دهند و در زمینه ارتقای حاکمیت شرکتی و پاسخگویی مدیران و اعضای هیئت‌مدیره، اقدامات فرهنگ‌سازی شرکتی انجام دهند تا بتوانند ارزش‌ها، باورها و به طور کلی فرهنگ واحد گزارشگر در ارتباط با رفتارهای نابهنجار را بهبود بخشند. نتایج آزمون فرضیه چهارم، پابندی

به اصول اخلاق حرفه‌ای توسط مدیران و اثرات بازدارنده جهت قصد و رفتار متقلبانه مدیران در صورت‌های مالی را بیان کرده است که با نتایج مطالعات پیشین، کنان (۲۰۱۰)، اعتمادی و خلیل پور (۱۳۹۱)، مطابقت داشت. میزان همبستگی پابندی به اصول اخلاق حرفه‌ای و قصد متقلبانه مدیران حاکی از این موضوع است که اخلاق حرفه‌ای، واسطه‌ای اثربخش میان ارزش‌های فردی مدیران واحدهای گزارشگر و ارزش‌های کلیه ذینفعان واحد گزارشگر تلقی شده است. با توجه به نتیجه آزمون این فرضیه، پیشنهاد می‌گردد که اصول اخلاق حرفه‌ای واحد گزارشگر از طریق الگوهای افشای عمومی در اختیار کلیه ذینفعان شرکت قرار گیرد و هدف از این انتشار، تأکید بر پابندی و اجرای اصول اخلاق حرفه‌ای توسط مدیران و اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل باشد. با توجه به پیچیده بودن مشاهده کردن رفتار متقلبانه، مطابق با تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده از قصد رفتاری استفاده شده است و آزمون فرضیه ششم در پژوهش، ارتباط قصد و رفتار متقلبانه مدیران را نشان می‌دهد. بالاترین ضریب مسیر بین متغیرهای قصد و رفتار متقلبانه می‌باشد و این موضوع، نتیجه کلیه پژوهش‌های پیشین، نظیر آجزن (۱۹۹۱)، کارپنتر، ویمرز (۲۰۰۵)، ساریخانی و ایزدی نیا (۱۳۹۷) را تأیید می‌کند. با توجه به ارتباط میان قصد و رفتار متقلبانه در واحدهای تجاری، توصیه می‌شود اقدامات تنبیهی مناسب در قوانین و استانداردها در نظر گرفته شود و مدیران با قصد متقلبانه، هزینه‌های رفتار خلاف قاعده خود و آسیب رساندن به ذینفعان شرکت را پرداخت کنند. افزون بر این، علاوه بر کلیه محدودیت‌هایی که در پژوهش‌های رفتاری مواجه می‌شویم، تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده به همراه سازه‌های یک راهنمای مفید برای مدیران شرکت‌هایی خواهد بود که به دنبال بهبود فضای اخلاقی واحد تجاری هستند، به شمار می‌رود و با پیش‌بینی قصد مدیران واحد گزارشگر، نگرانی‌های مراجع قانون‌گذار، استاندارد‌گذار، حسابداران، حسابرسان، اعضای هیئت‌مدیره، سهامداران عمده، سرمایه‌گذاران خرد و نهادی، اعتباردهندگان، تأمین‌کنندگان و سایر گروه‌ها را در خصوص مشارکت مدیران در امور متقلبانه از بین خواهد برد. به عبارت دیگر رویکرد درمناشناختی مدل مفهومی پژوهش پیشرو با بهره‌مندی از تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده، برای کلیه ذینفعان واحد گزارشگر مفید به نظر می‌رسد و در پایان به دانشگاهیان نیز توصیه می‌شود که روش‌های جلوگیری از تقلبدر محتوای آموزشی رشته حسابداری گنجانده شود و پژوهش‌هایی نظیر ارتباط میان سایر متغیرهای فردی مدیران، نظیر؛ کمال‌گرایی، فرصت‌طلبی، ماکیاویلیسم، بیش‌اعتمادی، خود شیفتگی، هوش هیجانی و... آنها با تصمیم‌گیری مدیران در حوزه گزارشگری مالی متقلبانه پرداخته شود.

منابع

- احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۶). مقایسه خودبرترینی اخلاقی در دو حوزه انجام دادن رفتارهای اخلاقی و انجام ندادن رفتارهای غیراخلاقی. فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۱۸(۱)، ۱۳۲-۱۲۱.
- اعتمادی، حسین؛ خلیل پور، مهدی؛ تقی پوریان، یوسف. (۱۳۹۱). تأثیر اخلاق حرفه‌ای حسابداران بر قابلیت اتکای صورت‌های مالی. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۷(۳)، ۴۳-۳۵.
- ایمر، فرشید؛ گرکز، منصور. (۱۳۹۷). شیب لغزنده یا رفتار جبرانی به نقش متارکه اخلاقی و خود شیفتگی در تصمیم‌گیری اخلاقی حسابداری. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۶(۳۷)، ۴۱-۵۸.
- بولو، قاسم؛ اکبریان شورکایی، رضا. (۱۳۹۶). بررسی رابطه پدیده تماشاگری، قدرت شواهد و مسئولیت ادراک شده با احتمال گزارشگری تقلب. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۲(۳)، ۱-۳۲.
- جامعی، رضا؛ نوری‌زاده، مرضیه؛ نصیری، بهنام. (۱۳۹۲). بررسی رابطه عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. همایش ملی حسابداری و نظارت مالی ایران، ۱-۳۰.
- رهنمای رودپشتی، فریدون؛ یزدانی، شهره. (۱۳۸۸). کاربرد تئوری‌های روانشناسی در حسابداری. پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۱(۴)، ۱-۲۶.
- ساریخانی، مهدی؛ ایزدی‌نیا، ناصر؛ دائی کریم‌زاده، سعید. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر قصد گزارشگری تقلب با استفاده از مثلث تقلب و تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده: از دیدگاه حسابداران. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳(۶)، ۱۰۵-۱۳۵.
- عاطفی، مرجان؛ برزگر، الهه. (۱۳۹۶). رابطه اخلاق پولی و ادراک اخلاقی دانشجویان حسابداری با درک اقدامات تردیدآمیز. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۲(۲)، ۱۱۷-۱۲۶.
- فرقان دوست حقیقی، کامبیز؛ برواری، فرید. (۱۳۸۸). بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف. دانش و پژوهش حسابداری، ۱(۱۶)، ۱۸-۷۰.
- قاسم‌زاده، میثم. پرسشنامه استاندارد اخلاق حرفه‌ای، ۱۳۹۳، ۱-۵.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۸). مدل‌سازی معادلات ساختاری در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی، تهران: انتشارات فرهنگ صبا.
- نمازی، محمد؛ ابراهیمی، فهیمه. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر متغیر تعدیلی شدت اخلاقی ادراک شده بر قصد گزارش داخلی موارد تقلب توسط حسابداران. بررسی‌های حسابداری، ۲(۵)، ۱۰۹-۱۳۳.
- نمازی، محمد؛ رجب‌دری، حسین؛ روستا میمنندی، اعظم. (۱۳۹۶). تدوین الگوی توسعه پایدار اخلاق حرفه‌ای حسابداری. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، ۱۲(۴)، ۷۰-۸۰.

هادیزاده مقدم، اکرم؛ طبرسا، غلامعی؛ رامین مهر، حمید. (۱۳۹۳). ارائه مدل مدیریت رفتارهای کاری نابهنجار بر اساس نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده. *فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی*، ۲(۳)، ۶۵-۸۸. هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۷). *مدل‌یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل*، تهران: انتشارات سمت. یزدان‌پناه، مسعود؛ حیاتی، داریوش؛ زمانی، غلامحسین. (۱۳۹۰). واکاوی رفتار و تمایلات رفتاری کارکنان سازمان‌های کشاورزی نسبت به حفاظت آب: کاربرد تئوری تکامل یافته رفتار برنامه‌ریزی شده. *فصلنامه علوم محیطی*، ۹(۱)، ۱-۲۲.

- Ahmadi, E.(2017).Comparing Ethical Self-Superiority in the Fields of Doing Ethical Behaviors and not Doing Unethical Behaviors. *Journal of Applied Psychological Research*,8(1),121-132.(In Persian)
- Ajzen, I &Fishbein,M. (1995).*Understanding Attitudes and Predicting Social Behavior*. Prentice-Hall.
- Ajzen, I. &Maddan,T.J.(1996). Prediction of Goal Directed Behavior, Attitudes, Intention and Perceived Behavioral Control.*Journal of Experimental Social Psychology*,22(5),453-474.
- Ajzen, I.(1985).*From intentions to actions: A theory of planned behavior*. In: Kuhl, J. and Beckmann, J., Eds., *Action-Control: From Cognition to Behavior*, Springer, Heidelberg, 11-39.
- Ajzen, I.(1991).The theory of planned behavior.*Organizational Behavior and Human Decision Processes*50(2), 179-211.
- Association of Certified Fraud Examiners.(2002). Report to the Nation. <http://marketplace.cfcnet.com/downloads.asp>.
- Atefi, M. &Barzagar, E.(2017). Relationship Between Money Ethics & Ethical Perception of Accounting Students with Understanding the Questionable Actions. *Journals of Ethics in Science and Technology*, 12(2)117-126.(In Persian)
- Boulou,G.&Akbariyan Shurkaei, R.(2017). An Examination of the Relationship of by stander Effect, Evidence Strength and Perceived Responsibility with Reporting Fraud. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 2(3),1-32. (In Persian)
- Braithewaite,V.A.& Law,H.G.(1985). Structure of Human Values: Testing the Adequacy of the Rokeach Value Survey.*Journal of Personality and Social Psychology*, 49, 250-263.
- Brief,A. P.,J. Dukerich, M.& Doran,L. I.(2011). Resolving Ethical Dilemmas in Management: Experimental Investigations of Values, Account- Ability,and Choice. *Journal of Applied Social Psychology*, 21(5), 380-396.
- Brown,J.&Stuebs,M.T.(2016). Modeling Accountant Whistleblowing Intentions: Applying The Theory of Planned Behavior and The Fraud Triangle. *Accounting and the Public Interst*, 16, 28-56.
- Chang, M.K.(2013). Predicting Unethical Behavior: A Comparison of the Theory of Reasoned Action and the Theory of Planned Behavior. *Journal of Business Ethics*, 1825-1834.

- Cialdini, R. B., Levy, A., Herman, C. P., & Evenbeck, S.(2009). Attitudinal Politics: The Strategy of Moderation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 25, 100-108.
- Cohen,j.,Felsan Y., Lesage,c.&Stolowy,H.(2010). Corporate Fraud Manager's Behavior: Evidence From the Press. *Journal of Business Ethics*, 95,271-315.
- Coleman, J.W.(2002). *The Criminal Elite: The Sociology of White Collar Crime*. St. Martin's Press, New York).
- Dafild,R.Groboski.(2001). Earnings Management in an Over Lapping Generation Model. *Journals of Accounting Research*,26(2),195-235.
- Eimer, F. & Garkaz, M.(2018). slippery slope or compensatory behavior? The Role of Moral Disengagement and Narcissism in Accounting Ethical Decision Making. *Journal of Management Accounting*, 6(37), 41-58. (In Persian)
- Etemadi, H. Khalilpoor, M.& Taghipooran, Y.(2012). The Impact of Financial Statement Reliability.*Journal of Ethics and Technology*.7(3), 35-43. (In Persian)
- Fishbein, M., & Ajzen, I.(1975). *Belief, Attitude, Intention, and Behavior: An Introduction to Theory and Research*. Reading, MA: Addison-Wesley.
- Flannery, B.L.& MayD.R.(2000). Environmental Ethical Decision making in the U.S. Metal Finishing Industry. *Academy of Management*, 43, 642-662.
- ForghandoostHaghighi, K. & Barvari, F.(2007). Investigating Applied Analytical Methods in Assessment Fraud Risk. *Journal of Knowledge and Research in Accounting*, 1(16), 18-70. (In Persian)
- Ghasemzadeh, Meysam Quessinare in Professional Ethics. (2015).
- Glover, S. H., Bumpus, M. A.sharp, G. F. & Munchus, G.A. (2002).Gender Differences in Ethical Management, *Women in Management Review*, 17, 217-227.
- HadizadehMoghaddam, A.,Gholamali, T. Raminmehr, H.(2014). Developing the CWBS'S Model based on Theory of Planned behavior ;(A Personality Traits Approach). *Journal of Management, economics and Accounting public organization management*, 2(3), 65-88. (In Persian)
- Hooman.H.(2014). *Structural Equation Modeling With Lisrel Software*.Tehran:Samt Publishment.(In Persian)
- Jamei.R.,Noorozadeh, M. &Nasiri, B.(2013). *Investigating the Relationship between Executive Dishonesty and Fraud in listed Company of Tehran stock exchange*.International auditing and financial surveillance seminar, 1-30.
- K Tatum, B Ballou, J Carcello, P Gillett, G Krull, K Kubin, L Rittenberg.(2000). (American accounting Association Auditing Standards Committee):, Fraud: A Review of Academic Literature, Auditor's Report, Special Issue on Fraud Detection 24 (2).
- Kalantari, KH.(2009). *Structural Equation modeling in socio-economic research (with lisrel and simplis software)*.Tehran: Samt Publishment. (In Persian)
- Kaplan, S. E.(2001).Ethically Related Judgments of Observers of Earnings Management.*Journal of Business Ethics* 32, 285-298.
- Keenan, J. P.(2010). Upper-level managers and whistle-blowing: Determinants of perceptions of company encouragement and information about when to blow the whistle. *Journal of Business and Psychology*, 5, 223-235.

- Keli, M., Tianna, A., Sainsbury, R., & Sneha, S. (2010). Toward a Theory of Whistle Blowing Intentions: a Benefit-to-Cost Differential Perspective. *Decision Sciences Journal*, 41(4), 787-812.
- King, R. D. (2002). A Study of the Effect of Age and Gender upon Student Business Ethics. *Journal of Business Ethics*, 11, 179-186.
- Kruglanski, A. W. (1984). The Human Subject in the Psychological Experiment: Fact and Artifact, in L. Berkowitz (ed). *Advances in Experimental Social Psychology*, 8, 101-147.
- Larkin, J. M. (2000). The Ability of Internal Auditors to Identify Ethical Dilemmas. *Journal of Business Ethics*, 23, 401-409.
- Lopez, F. M. (2001). *Evaluating Executive Decision Making: The In-Basket Technique*, AMA Research Study no. 75. American Management Association, New York.
- Lozano, J. M. (1996). Ethics and Management: A Controversial. *Journal of Business Ethics*, 15(2), 227-237.
- McCoy, C. S. (1985). *Management of values: The ethical difference in corporate policy and performance* (Pitman series in business and public policy). Pitman; First Edition edition
- McCoy, C. S. (1985). *Management of Values: The Ethical Differences in Corporate Policy and Performance* (Pitman, Boston).
- Miceli, M. P. & Near, J. P. (1994). Relationships among value congruence, perceived victimization and retaliation against whistle-blowers. *Journal of Management*, 20(4), 773-794.
- Minkes, A. L. small M. W. & Chatterjee, S. R. (1999). Leadership and Business Ethics: Does it Matter? Implication for Management. *Journal of Business Ethics*, 20, 327-335.
- Namazi, M. & Ebrahimi, F. (2015). Investigating the Moderating Effect of Perceived Moral Intensity on Accountants' Intentions of Internal Reporting Fraud. *Accounting Review*, 2(5), 109-133. (In Persian)
- Namazi, M. Rajabdari, H. & Roosta, A. (2018). Codifying Sustainable Development Pattern of Accounting Professional Ethics. *Ethics in science and Technology* 12(4), 70-80. (In Persian)
- O'Leary, C., & Pangemanan, G. V. (2007). The effect of group work on ethical decision making of accountancy students. *Journal of Business Ethics*, 75(3), 215-228.
- Orij, R. (2010). Corporate social disclosures in the context of national cultures and stakeholder theory. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 23(7), 1-15
- Palmrose, Z. V. (1987). Litigation and Independent Auditors: The Role of Business Failures and Management Fraud, *Auditing. A Journal of Practice and Theory* 6, 90-103.
- Perera, M. H. B. (1989). Towards a framework to analyze the impact of culture on accounting. *The International Journal of Accounting*, 24, 42-56.
- Pitta, D. A., Fung, H. & Isberg, S. (1999). Ethical issues across cultures: managing the differing perspectives of China and the USA. *Journal of Consumer Marketing*, 16(3), 240-256.

- Pulliam, S.(2003). *Over the Line: A Staffer Ordered to Commit Fraud Balked, then Caved Pushed by WorldCom Bosses. Accountant Betty Vinson Helped Cook the Books- a Confession at the Marriott*, Wall Street journal.
- Rahnama roodposhti, F, Yazdani Sh.(2009). Applied Psychological Theories an Accounting. *Journal of Financial Accounting and Auditing*, 1(4), 1-26.
- Reinstein, J. Coursen.(1999). considering the Risk of Fraud: Understanding the Auditor's New Requirements. *The National Society of Public Accountant*, 34-38.
- Rokeach, M. (1979). *Understanding Human Values*. Free Press, New York.
- Rosenberg, R. R.(1984). Managerial Morality and Behavior: the Questionable Payment Issue.*Journal of Business Ethics*, 6, 23-36.
- Sama, L. & Shoaf, V.(2008). Ethical Leadership for the Professions: Fostering a Moral Community. *Journal of Business Ethics*, 78(1), 39-46.
- Sarbanes, P. & Oxley, M.(2002). *Sarbanes-Oxley act of 2002*. Washington, D.C: US Congress.
- Sarikhani M, Izadina N. & Daei-Karimzadeh S.(2019). Investigating the Factors Affecting the Whistle-blowing Intentions Using the Fraud Triangle and the Theory of Planned Behavior: An Accountant's Perspective. *journal of Value & Behavioral Accounting*,; 3(6), 105-135.(In Persian)
- Schwartz, S.H., Melech, G., Lehmann, A., Burgess, S., Harris, M. & Owens, V.(2001). Extending the cross-cultural validity of the theory of basic human values with a different method of measurement. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32(5), 519-542.
- Security and Exchange Commission (SEC).(2003). *Final Rule: Disclosure Required by Sections 406 and 407 of the Sarbanes- Oxley Act of 2002*, <http://sec.gov>.
- Sheppard, B. H (1988). The Theory of Reasoned Action: A Meta- Analysis of Research and Recommendation for Modifications to Future Research. *Journal of Consumer Research*, 15, 32-43.
- Smith, P.B. & Schwartz, S.H.(1997). *Values*, In J.W. Berry, M.H. Segall & C.Kagitcibasi (Eds.), *Handbook of Cross-Cultural Psychology*, (2nd edn., vol. 3, pp. 77-118), Allyn & Bacon, London.
- Tina, D. Carpenter. & Jane, L. Reimers.(2005). Unethical and Fraudulent Reporting: Applying the Theory of Planned Behavior..*Journal of Business Ethics*, 60, 115-129.
- Toffler, B., & Reingold, J.(2003). *Final accounting: Ambition, greed and the fall of Arthur Andersen*. New York: Broadway Books.
- Treadway Commission.(1999). *Fraudulent Financial Reporting: 1987-1997*, An Analysis of U.S. Public Companies (New York: Committee of Sponsoring Organization of the Tread Way Commission).
- Trevino, L. K., & Victor, V.(1992). Peer reporting of unethical behavior: A social context perspective. *Academy of Management Journal*, 35(1), 38-64.
- Vitell E.g., Nwachukwu, S. L., & Barnes J. H.(1993). The Effects of Culture on Ethical Decision-Making: An Application of Hofstede's Typology. *Journal of Business Ethics*, 12, 753-760.

- Wahn, J.(2003). Sex Difference in Competitive and Compliant Unethical Work Behavior. *Journal of Business and Psychology*, 18, 121-127.
- Yazdanpanah, M. Hayati, D. & Zamani, G.(2012). Investigating Agricultural Professionals' Intentions and Behaviours towards Water Conservation: Using a Modified Theory of Planned Behavior. *Environmental Sciences*, 9(1), 1-22. (In Persian)
- Young, M.(2013). Cultural Influences on Accounting and Its Practices .A Senior Thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for graduation in the Honors Program *Liberty University*.

مقایسه روش آموزش ترکیبی و سنتی از بعد رضایت‌مندی

تحصیلی دانشجویان حسابداری^۱

مریم السادات طباطبائی^۲، شهناز مشایخ^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

مقاله پژوهشی

چکیده

پیشرفت سریع فناوری و نیاز دانشجویان به ایجاد انعطاف و راحتی در آموزش، دانشگاه‌ها را ملزم به ایجاد تغییراتی در روش‌های آموزشی سنتی نموده است. روش آموزشی ترکیبی که از امکانات فناوریانه آموزش الکترونیکی و مزایای اجتماعی روش سنتی، همزمان بهره‌می‌برد، پاسخی به این نیاز است. این پژوهش، با هدف مقایسه رضایت‌مندی دانشجویان از آموزش ترکیبی و آموزش سنتی درس حسابداری میانه (۱)، سعی در بررسی یک روش نوین در آموزش حسابداری دارد. در این پژوهش شبه‌آزمایشی، ۱۴۲ دانشجو از دانشگاه‌های مختلف در گروه‌های آزمایش و کنترل قرار گرفتند. محتوای الکترونیکی استفاده شده در روش ترکیبی پیش از نیمسال اول تحصیلی ۹۸-۹۹ توسط محقق آماده و پیاده‌سازی شد. پس از آموزش به روش‌های ترکیبی و سنتی، در پایان نیم‌سال، بوسیله پرسشنامه‌ای که پایایی و روایی آن مورد تأیید قرار گرفت، رضایت‌مندی دانشجویان از زیرمقیاس‌های نحوه برگزاری و ویژگی جلسات، ارتباطات دوره، فیلم‌های آموزشی و محتوای درس سنجیده شد. داده‌ها از طریق آزمون t مورد مقایسه قرار گرفت. براساس یافته‌های پژوهش، رضایت‌مندی دانشجویان از روش ترکیبی نسبت به روش سنتی تفاوتی نشان نداد. این پژوهش پیش از همه‌گیری ویروس کرونا و الزام دانشگاه‌ها به آموزش الکترونیکی انجام شد. با استفاده از نتایج این پژوهش دانشگاه‌ها می‌توانند در دوران پسا کرونا برای آموزش حسابداری برنامه‌ریزی بهتری داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: روش آموزشی سنتی، روش آموزشی الکترونیکی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، روش آموزشی ترکیبی، رضایت‌مندی تحصیلی.

طبقه بندی موضوعی: A22

10.22051/JERA.2021.35867.2847:DOI .1

۲. مریمی، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، حسابداری و اقتصاد، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،
(maryamsadattabatabaeian@gmail.com)

۳. دانشیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران،
(sh.mashayekh@alzahra.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

پیشرفت فناوری در کنار سایر تغییرات در قوانین حسابداری در اواخر دهه ۱۹۸۰، منجر به تقاضا برای تغییر در آموزش حسابداری شد. کمیسیون تغییر در آموزش حسابداری^۱ و انجمن حسابداران رسمی آمریکا^۲، استادان دانشگاه‌ها را تشویق به استفاده از استراتژی‌های یادگیری فعال و استفاده از فناوری در کلاس‌های درس نمودند (کریوکیک^۳، ۲۰۱۶). در نتیجه برای معرفی روش‌های جدید آموزش حسابداری، پژوهش در این زمینه بیش از پیش، اهمیت یافت. ایران نیز که فاصله زیادی با تحولات حوزه حسابداری در دنیا ندارد، پس از تغییر سرفصل دروس حسابداری در سال ۱۳۹۶، برای بهبود آموزش حسابداری نیاز به انجام پژوهش در حوزه آموزش حسابداری دارد تا همگام با جهان، به سوی آموزش بهتر این رشته گام بردارد.

سال‌های زیادی روش آموزش سنتی، روش غالب برای آموزش کلیه دروس حسابداری در دانشگاه‌ها بوده است. دانشجویان برای همکاری و تعاملات جمعی در روش سنتی و درک عمیق‌تری که در نتیجه آن فراهم می‌شود ارزش قائلند (یینگ و یانگ^۴، ۲۰۱۷). از طرفی، پیشرفت فناوری، ارائه خدمات مختلف توسط دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و افزایش رقابت سبب گردیده تا دانشگاه‌ها سیاست خود را به سمت رضایتمندی دانشجویان متمایل سازند. مسئله رضایتمندی دانشجویان است که بقای دانشگاه‌ها را تضمین می‌کند (متفکر^۵، ۲۰۱۶). اوم^۶ (۲۰۱۲) در بررسی رضایتمندی کاربران و اثربخشی استفاده از سامانه LMS در رشته‌های علوم بازرگانی نشان داد که رضایتمندی دانشجویان از سامانه LMS تعیین‌کننده اثربخشی آن است. رضایتمندی دانشجویان ماحصل بهبود کیفیت آموزش حسابداری است (رحمانیان کوشککی، برزگر و کمالی‌راد، ۲۰۲۰). روش آموزش به طور معناداری بر رضایتمندی آموزشی دانشجویان اثرگذار است (مارتینز، آگیولار و اورتیز^۷، ۲۰۱۹). امروزه روش آموزشی سنتی با وجود کاربردهای فراوان، با انتقادات و نارضایتی‌هایی مواجه است و نیاز به بازنگری دارد (کریوکیک، ۲۰۱۶؛ نحاس، کرمی، حجازی و خواجوی، ۱۳۹۹).

1. Accounting Education Change Commission (AECC)
2. American Institute of Certified Public Accountant (AICPA)
3. Krivacek
4. Ying & Yang
5. Motefakker
6. Eom
7. Martínez, Aguilar & Ortiz

کلاس درس در قرن ۲۱م با فناوری ادغام شده و هرچند استفاده از روش سنتی با رضایتمندی برخی از دانشجویان همراه است، اما بدلیل تفاوت در سبک‌های یادگیری، سایر دانشجویان نیاز به روش‌های آموزشی متنوع دیگری دارند تا به گونه‌ای منعطف، آسان و کم هزینه به تحصیل بپردازند (بورنز و نیدلز^۱، ۲۰۱۴). در مقایسه با آموزش سنتی، آموزش الکترونیکی منابع و فرصت‌های بیشتری برای افراد فراهم می‌کند تا برقراری ارتباط و همکاری آنها فارغ از موقعیت زمانی و مکانی شکل بگیرد (پاکر^۲، ۲۰۱۸). همچنین، در چشم‌انداز آموزشی دوران پسا کرونا نیز نقش فناوری اطلاعات و آموزش الکترونیکی پررنگ و برجسته خواهد بود (منتظر، سنجابی و قاسمی، ۱۳۹۹). اما با وجود آنکه آموزش الکترونیکی انعطاف‌پذیری را افزایش داده و باعث صرفه‌جویی در هزینه‌ها شده است، از فقدان تعاملات اجتماعی و استانداردهای لازم جهت تضمین کیفیت یادگیری به شدت رنج می‌برد. ضعف پشتیبانی فنی آموزش الکترونیکی (بینگ و یانگ، ۲۰۱۷)، هزینه بالای آماده‌سازی محتوای چندرسانه‌ای و مواد درسی و نگهداری و به‌روزرسانی و ضعف زیرساخت‌ها (گراینسکی، کدزیور، کراسودومسکا و هیردان^۳، ۲۰۲۰) و افزایش احتمال تقلب دانشجویان در آزمون‌های حسابداری (دیاگادیکرتا، تریریکسانی، اونگ، رونی و کاظمیان، ژانگ و وایونینگرام^۴، ۲۰۲۱) از ایرادهای این روش هستند.

با وجود مزایا و معایب آموزش سنتی و الکترونیکی، پژوهشگران به دنبال راه حل و روشی بودند که علی‌رغم دربرداشتن مزیت‌های آموزش الکترونیکی، معایب آن را نیز پوشش دهد و رضایتمندی بیشتر دانشجویان را فراهم سازد. آنها برای جبران کاستی‌های آموزش الکترونیکی استفاده از روش آموزشی ترکیبی^۵ را پیشنهاد می‌نمایند. به عقیده ایشان استفاده از این روش موجب افزایش رضایتمندی و بهبود عملکرد دانشجویان می‌شود (سانگ^۶، ۲۰۲۱) و روشی جایگزین برای آموزش است (تسای و تانگ^۷، ۲۰۱۷). روش آموزش ترکیبی شکاف بین روش‌های آموزشی سنتی و الکترونیکی را می‌کاهد و با استفاده از تعاملات سنتی در کنار ابزارهای الکترونیکی می‌تواند رضایتمندی دانشجویان را افزایش دهد (دیلاتی، مک‌مانوس، داروین و نگ^۸، ۲۰۱۵). پژوهش‌های زیادی نیز نشان داده‌اند که روش آموزشی ترکیبی می‌تواند باعث افزایش رضایتمندی دانشجویان شود (دیلاتی و همکاران، ۲۰۱۵)؛

1. Burns & Needles
2. Packer
3. Grabinski, Kedzior, Krasodomska & Herdan
4. Djajadikerta, Trireksani, Ong, Roni, Kazemian, Zhang, & Wahyuningrum
5. Blended Learning
6. song
7. Tsai & Tang
8. Delaney, McManus, Darwin & Ng

فرتین، وایگر، دیسلندز، کالیماسکی و دیسفورگس^۱، ۲۰۱۹). اغلب صاحب‌نظران استفاده همزمان از آموزش سنتی و فناوری محور را آموزش ترکیبی می‌دانند (کالدرون^۲، ۲۰۱۹). حل تمرین به روش ترکیبی یکی از کاربردهای این روش است (تامی^۳، ۲۰۱۱؛ تسای و تانگ، ۲۰۱۷؛ دیگو^۴، ۲۰۱۸). بر اساس نظریه تمرین، انجام تمرین یادگیری را بهبود می‌بخشد (بومپا، بوزیچیلی^۵، ۲۰۱۹) و اگر انجام آن در محیط مجازی باشد استقلال عمل دانشجویان افزایش می‌یابد (گرادپراسرت، پروکساجیوا، پانیچپان و روینونگسا^۶، ۲۰۲۰).

به دلیل مزیت‌های فراوان روش ترکیبی، تاکنون دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی زیادی (مانند دانشگاه‌های بوستون، منچستر و هاروارد) با پژوهش بر روی اثربخشی و مناسب بودن این روش، آن را در آموزش حسابداری و مالی بکار برده‌اند، اما اغلب آنها در کشورهای توسعه یافته با زیرساخت‌های مناسب قرار داشتند و پژوهش‌های محدودی در مورد بکارگیری آموزش ترکیبی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران، بخصوص در آموزش حسابداری انجام شده است (بایلی و هورست^۷، ۲۰۱۸). علاوه بر این، با توجه به اینکه استفاده از روش ترکیبی در دوران کرونا در دستور کار برخی از کشورهای جهان بوده است و در کلیه کشورها بکارگیری این روش در چشم‌انداز دوران پسا کرونا نیز دیده می‌شود (منتظر و همکاران، ۱۳۹۹) بررسی آن برای دانشگاه‌ها امری ضروریست. بنابراین، با توجه به لزوم بازنگری در آموزش حسابداری برای جلب رضایت‌مندی بیشتر دانشجویان و چشم‌انداز ایجاد شده برای نظام آموزشی پسا کرونا، لازم به نظر می‌رسد که روش آموزشی ترکیبی فناورانه به عنوان یک روش آموزشی جایگزین مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا رضایت‌مندی دانشجویان از روش ترکیبی تفاوت معناداری با روش سنتی دارد؟ برای پاسخ به آن، پس از استفاده از روش ترکیبی در آموزش حسابداری، میزان رضایت‌مندی دانشجویان مورد سنجش قرار گرفت که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مدل پذیرش فناوری^۸ به توضیح رفتار افراد در استفاده از رایانه و فناوری می‌پردازد. در این مدل سعی می‌شود که درک افراد از سودمندی فناوری و قصد استفاده از آن از نظر تأثیرات اجتماعی و فرآیندهای ادراکی که به صورت چشمگیری در پذیرش فناوری به وسیله افراد مؤثر

1. Fortin, Viger, Deslandes, Callimaci & Desforges
2. Calderon
3. Tomei
4. Dwiyoogo
5. Bompa & Buzzichelli
6. Gerdprasert, Pruksacheva, Panijpan & Ruenwongsa
7. Bayley & Hurst
8. Technology Acceptance Modle

است، سنجیده شود. برای پذیرش یک فناوری باید سهولت استفاده و سودمندی درک شده از آن فناوری در نظر گرفته شود، زیرا این عوامل بر نگرش افراد نسبت به بکارگیری یک فناوری و تصمیم‌گیری نسبت به استفاده از آن اثرگذار است (فرزین‌یزدی، برادر و غائبی، ۱۳۹۲). رضایتمندی از بکارگیری فناوری، نتیجه نگرش افراد نسبت به آن و در نهایت پذیرش آن فناوری است. انعطاف‌پذیری و امکانات آموزشی در روش‌های فناورانه باعث رضایتمندی می‌شود و فرآیند آموزش و یادگیری را تسهیل کرده و تحت تأثیر قرار می‌دهد.

با وجود رشد چشمگیر فناوری‌های نوین و امکان برقراری ارتباطات که موجب گسترش تعاملات و بکارگیری ابزارهای چندرسانه‌ای شده است، می‌توان گفت که آموزش الکترونیکی و استفاده از ابزارهای فناورانه پاسخی به کاستی‌های روش سنتی بوده است. در دوران کرونا و مجازی شدن آموزش نیز این روش به کمک نظام آموزشی آمده و نتایج مثبتی از آن دریافت شده است (منتظر و همکاران، ۱۳۹۹). اما استفاده از ابزارهای الکترونیکی به تنهایی در آموزش موفقیت‌آمیز نبوده است. نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که آموزش الکترونیکی در مقایسه با آموزش سنتی نتوانسته به اندازه کافی رضایتمندی دانشجویان را برانگیزد. ترس از کامپیوتر، کیفیت پایین آموزش الکترونیکی، عدم سهولت بکارگیری و عدم تنوع در روش ارزشیابی مهمترین عوامل کاهش رضایتمندی هستند و دانشجویان همکاری و روابط اجتماعی در روش سنتی را سودمندتر از روش الکترونیکی می‌دانستند (گیری^۱، ۲۰۲۱). همچنین، برقراری ارتباط مؤثر با دانشجویان و در نتیجه سطح رضایتمندی در آموزش الکترونیکی به طور قابل توجهی پایین‌تر است (هورسپول و لنگک^۲، ۲۰۱۲).

در آموزش حسابداری از یک طرف دانشجویان استفاده از روش سنتی چهره‌به‌چهره را نسبت به روش مجازی و الکترونیکی ترجیح می‌دهند و معتقدند که روش آموزشی سنتی باعث تعاملات سازنده‌ای است که به آنها کمک می‌کند تا در فرآیند آموزش مشارکت فعال داشته باشند (چن و جونز^۳، ۲۰۰۷). از طرف دیگر استفاده از ابزارهای فناورانه و امکانات آموزش الکترونیکی را به دلیل حذف محدودیت‌های زمانی و مکانی و تسهیل برقراری ارتباط با یکدیگر از الزامات آموزشی قلمداد می‌کنند (چنگک و دینگک^۴، ۲۰۲۱). مقایسه روش سنتی و الکترونیکی در آموزش درس‌های

1. Giray
2. Horspool & Lange
3. Chen & Jones
4. Cheng & Ding

حسابداری میانه و حسابداری پیشرفته، نشان داد که دانشجویان رضایتمندی بیشتری از روش سنتی داشتند، اما در درس اصول حسابداری تفاوتی در رضایتمندی دانشجویان مشاهده نشد. دانشجویان احساس می‌کردند که در روش سنتی، تعامل دانشجویان با استاد و سایر دانشجویان و پاسخ‌دهی استاد به سؤالات آنها به درک مفاهیم حسابداری کمک می‌کند (چن، جونز و مورلند^۱، ۲۰۱۳).

در سال‌های اخیر، به خصوص بعد از تقویت زیرساخت‌های آموزش الکترونیکی در دوران کرونا، آموزش الکترونیکی ترکیبی بخشی از چشم‌انداز آموزشی محسوب می‌شود (منتظر و همکاران، ۱۳۹۹). سیستم‌های آموزش الکترونیکی ترکیبی^۲ زیادی مانند وب سیتی‌ها و دانشگاه‌های مجازی توسعه یافته‌اند که برای تسهیل فعالیت‌های آموزشی، انواع مختلفی از ابزارها را با یکدیگر ترکیب می‌کنند. آموزش حسابداری می‌بایست همراه با نرم‌افزارهای حسابداری باشد تا مهارت‌های فناورانه دانشجویان افزایش یابد (رحمانیان کوشکی و همکاران، ۱۳۹۹). دانشجویانی که تحت روش ترکیبی در درس اصول حسابداری آموزش دیده بودند به دلیل فهم بهتر درس با وجود همکاری گروهی از این روش رضایت داشتند (دیلاتی و همکاران، ۲۰۱۵؛ کریوکیک، ۲۰۱۶؛ حاجی مرادخانی و همکاران، ۱۳۹۶). با استفاده از این روش دانشجویان حسابداری فعال‌تر می‌شوند، زیرا آموزش ترکیبی برای آنها جذاب‌تر است و دانشجویان دانشکده حسابداری توانستند مهارت خود را در استفاده از فناوری‌های نوین افزایش دهند (نوریس، نورینی و ناگاری^۳، ۲۰۱۸). افزایش ساعات درسی و سهولت یادگیری درس حسابداری پیشرفته در روش ترکیبی از مهمترین دلایل علاقه دانشجویان به این روش بوده است (فرتین و همکاران، ۲۰۱۹). رضایتمندی دانشجویان از این روش بالا است اما لازم است سیستم ارزشیابی در آن تقویت شود (سانگ، ۲۰۲۱).

اغلب پژوهشگران (مانند فرتین و همکاران، ۲۰۱۹ و سانگ، ۲۰۲۱) بکارگیری همزمان روش آنلاین و سنتی را به عنوان روش ترکیبی مورد بررسی قرار داده‌اند و برخی نیز از ابزارهای آموزشی مانند بازی (حاجی مرادخانی و همکاران، ۱۳۹۶) در کنار آموزش سنتی بهره گرفته‌اند. نتایج بررسی تامی (۲۰۱۲) نشان داد که استفاده از روش ترکیبی برای حل مسئله در محیط آنلاین نسبت به محیط سنتی منجر به نمرات بالاتری در آزمون گواهینامه کامپیوتر شده است. تسای و تانگ (۲۰۱۷) نشان دادند که بکارگیری روش ترکیبی برای حل مسئله در زیست‌شناسی نیز به طور معنادار حل مسئله دانشجویان را بهبود می‌بخشد. دیبگو (۲۰۱۸) نیز در پژوهشی کیفی نشان دادند که حل مسئله به روش ترکیبی تأثیرات مثبتی دارد.

1. Chen, Jones & Moreland
2. Blended E-Learning Systems (BELS)
3. Nuris, Nuraini & Nagari

علاوه بر مزایای بیان شده برای روش آموزشی ترکیبی، این روش همچنین می‌تواند پاسخی به بیانیه شماره یک کمیسیون تغییرات آموزش حسابداری باشد که در سال ۱۹۸۹ توسط انجمن حسابداری آمریکا^۱ تشکیل گردید. این بیانیه تأکید می‌کند که "هدف، آموزش برای یادگیری به صورت خودآموز و بکارگیری محتوای دوره‌های حسابداری در تمام طول عمر به نحوی است که دانشجویان به صورتی فعال نقش ایفا کنند و نه منفعل" (کمیسیون تغییرات آموزش حسابداری، ۱۹۹۰). تمرکز این بیانیه بر این است که دانشجویان با راهنمایی استاد محتوای درس را یادگیرند و به یادگیرندگانی خودکفا با مشارکتی فعالانه تبدیل شوند. پژوهش‌ها نشان داده است که آموزش مجازی سبب خوداتکائی و استفاده بیشتر از حافظه و تجارب آموزشی قبلی می‌شود (گردپراسرت و همکاران، ۲۰۱۰).

البته ممکن است رضایتمندی دانشجویان از روش ترکیبی تفاوتی نسبت به روش سنتی نداشته باشد و اجرای موفقیت‌آمیز آن مستلزم وجود شرایط و زیرساخت‌های مناسب باشد. برای مثال، نتایج پژوهشی نشان داد که استفاده همزمان از روش آنلاین و سنتی در آموزش درس اصول حسابداری (۱) تأثیر معناداری بر رضایتمندی دانشجویان ندارد و دانشجویان تنها از ارتباطات گسترده‌تر و راحت‌تر در روش ترکیبی رضایتمندی بیشتری نسبت به روش سنتی داشتند (کریوکیک، ۲۰۱۶). پژوهش دیگری با ترکیب آزمون‌های آنلاین و فیلم‌های آموزشی با آموزش سنتی، نشان داد که دانشجویان با وجود ارزش قائل بودن برای امکانات آموزش الکترونیکی، به دلیل پشتیبانی فنی ناکافی استفاده محدودی از آن دارند (یینگ و یانگ، ۲۰۱۷). طبق نظرسنجی انجام شده از دانشجویان دانشگاه‌های علوم اقتصادی لهستان، آموزش الکترونیکی در رشته حسابداری استفاده کمی دارد (گراینسکی و همکاران، ۲۰۲۰).

در بررسی صورت گرفته از رضایتمندی دانشجویان نسبت به روش‌های سنتی و آنلاین نیز در برخی موارد تفاوت معناداری بین رضایتمندی آنها از دو روش مشاهده نشد (هورسپول و لنگ، ۲۰۱۲) یا گاهی روش سنتی نسبت به روش آنلاین ارجحیت داشت، زیرا همکاری و ارتباط متقابل در روش سنتی برای دانشجویان مهم است (چن و جونز، ۲۰۰۷). محیط آموزشی و حضور اجتماعی تأثیر معناداری بر رضایتمندی دانشجویان دارد و استفاده از ابزارهای الکترونیکی به تنهایی در آموزش موفقیت‌آمیز نبوده است (نوریس و همکاران، ۲۰۱۸). در پژوهش‌های انجام شده قبلی، متغیرهایی از جمله نوع استاد و معیارهای ارزیابی (چن و جونز، ۲۰۰۷؛ تامی، ۲۰۱۲)، جنسیت (حاجی مرادخانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ کریوکیک، ۲۰۱۶؛ فرتین و همکاران، ۲۰۱۹)، وضعیت بومی بودن (دیلاتی و همکاران، ۲۰۱۵؛ فرتین و همکاران، ۲۰۱۹)، رشته تحصیلی، معدل، نوع دیپلم

1. American Accounting Association (AAA)

و وضعیت اشتغال (کریوکیک، ۲۰۱۶؛ فرتین و همکاران، ۲۰۱۹)، میزان علاقه (بنی‌مهد و مهربان، ۱۳۹۳) و انگیزه دانشجویان (وناکش، راو، ناگراجا، وولی، علیلی و ادولی^۱، ۲۰۱۹) به عنوان متغیرهای اثرگذار بر رضایت‌مندی دانشجویان در نظر گرفته شده‌اند.

رحمانیان و همکاران (۱۳۹۸) که در پژوهش خود لزوم توجه به کیفیت آموزش حسابداری در ایران را مورد تأکید قرار دادند، اظهار داشتند که می‌بایست آموزش دروس اصول حسابداری و میانه‌ها همراه با نرم‌افزارهای حسابداری باشد تا با آموزش عملی این دروس، مهارت‌های فناورانه دانشجویان حسابداری افزایش یابد. درس حسابداری میانه (۱) تعیین‌کننده شکست یا موفقیت دانشجویان در رشته حسابداری است و عملکرد دانشجویان در دروس دیگر رشته حسابداری را رقم می‌زند (دارایسه، والیز، و ال‌فوال^۲، ۲۰۰۸). برخی پژوهشگران (مانند نحاس و همکاران، ۱۳۹۹؛ درستان، امینگ و گرت^۳، ۲۰۱۵) نیز استفاده از روش آموزشی جدیدی را در درس حسابداری میانه (۱) بررسی کردند. به عقیده جنینگر^۴ (۱۹۹۸) در آموزش درس حسابداری میانه (۱) ضروری است که قبل از آموزش قواعد حسابداری، ابتدا مفاهیم حسابداری آموزش داده شوند تا مهارت تفکر، حل مسئله و یادگیری مستمر در دانشجویان بهبود یابد. از نظر او، مهارت حل مسئله به یادگیری بهتر می‌انجامد. حل تمرین در اغلب روش‌های آموزش حسابداری نقش اساسی در یادگیری دانشجویان دارد و مهارت حل مسئله^۵ را در آنان تقویت می‌کند. نظریه تمرین^۶ بیان می‌کند که انجام دادن تمرین از سوی یادگیرنده، به او کمک می‌کند موضوعات را به راحتی در ساخت شناختی خویش وارد کند. در واقع، تمرین یکی از راهبردهای اساسی در آموزش تلقی می‌شود. اصل نخست این نظریه به پدیدآوری مهارت در یادگیرنده از راه کسب تسلط عملی با انجام مستقل مهارت‌ها اشاره دارد (بومیا و بوزیجیلی، ۲۰۱۹). با آموزش در محیط مجازی، استقلال عمل و خوداتکائی دانشجویان افزایش می‌یابد (گرادپراسرت و همکاران، ۲۰۱۰). بنابراین هرچه حل تمرین توسط دانشجویان بیشتر در محیط مجازی انجام شود، مهارت‌های آنها به طور مستقل‌تر شکل می‌گیرد. انجام تمرین به صورت آنلاین در درس حسابداری مالی دانشجویان را به انجام فعالیت‌های مختلف یادگیری برمی‌انگیزد و باعث بهبود درک از موضوع می‌شود (چنگ و دینگک، ۲۰۲۱).

می‌توان از فناوری اطلاعات به عنوان ابزار آموزشی مجازی استفاده نمود و دانشجویان را با قرار دادن در محیط‌های آموزشی فناورانه و حل تمرین از طریق آن، تشویق به یادگیری کرد. رایانش ابری^۷ ابزاری نوین و

1. Venkatesh, Rao, Nagaraja, Woolley Alele & Malau-Aduli
2. Darayseh, Waples & El-Foul
3. Derstine, Emig & Grant
4. Jennings
5. Problem-solving skill
6. Theory of Training
7. Cloud Computing

سودمند برای بهره‌گیری از این روش است. مؤسسه ملی فناوری و استانداردها رایانش ابری را این‌گونه تعریف می‌کند: "رایانش ابری مدلی است برای ایجاد دسترسی آسان از طریق شبکه به مجموعه‌ای از منابع رایانشی با کمترین نیاز به مدیریت منابع و با سرعت مناسب" (مل و گرنس، ۲۰۱۱). در این پژوهش از حل تمرین درس حسابداری میانه (۱) برای پیاده کردن روش‌های مورد بررسی استفاده شد و در روش ترکیبی، حل تمرین دانشجویان در محیط مجازی انجام شد تا استقلال عمل و خود هدایتگری آنها تقویت شود.

انتخاب روش ترکیبی توسط دانشجویان صورت گرفت، زیرا بر اساس نظریه عمل منطقی رفتار افراد تحت تأثیر تمایل‌های رفتاری و تمایل‌های رفتاری نیز تحت تأثیر نگرش است. در زمینه فناوری، تمایل‌های رفتاری افراد تحت تأثیر نگرش آنها به فناوری و بنابراین رفتار افراد متأثر از آن نگرش است. مدل پذیرش فناوری نیز به توضیح رفتار افراد در استفاده از رایانه و فناوری می‌پردازد. برای پذیرش یک فناوری باید سهولت استفاده و سودمندی درک شده از آن فناوری در نظر گرفته شود، زیرا این عوامل بر نگرش افراد نسبت به بکارگیری یک فناوری و تصمیم‌گیری نسبت به استفاده از آن اثرگذار است. نگرش مثبت به درس و فناوری دارای رابطه مثبت با نگرش به یادگیری فناوری است (حسین‌زاده نباتی، محمودی و ادیب، ۱۳۹۹). بنابراین در این پژوهش سعی شد تا در درجه اول دانشجویان بر اساس نگرش خود روش آموزشی ترکیبی فناورانه یا سنتی را انتخاب کنند و به دو گروه آزمایش و کنترل تفکیک شوند. دانشجویان روش ترکیبی را به دلیل انعطاف‌پذیری و داشتن اختیار روی زمان و مکان آموزش انتخاب می‌کنند (فرتین و همکاران، ۲۰۱۹).

فرضیه پژوهش

همانطور که در مبانی نظری و پیشینه بیان شد، مدل پذیرش فناوری به توضیح رفتار افراد در استفاده از رایانه و فناوری می‌پردازد و سهولت استفاده و سودمندی درک شده از آن فناوری بر نگرش افراد نسبت به بکارگیری یک فناوری اثرگذار است (فرزین یزدی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین، رضایتمندی از بکارگیری فناوری، نتیجه نگرش افراد نسبت به آن و در نهایت پذیرش آن فناوری است (جونز، ۲۰۱۶). با وجود کاربرد فراوان روش سنتی، دانشجویان خواستار انعطاف بیشتری در آن هستند که تحقق آن با بکارگیری ابزارهای فناورانه ممکن می‌گردد. از طرف دیگر استفاده صرف از ابزارهای فناورانه در آموزش حسابداری به دلیل فقدان تعاملات اجتماعی و آماده نبودن برخی زیرساخت‌ها می‌تواند موجب نارضایتی دانشجویان شود. بنابراین در جهت برداشتن شکاف موجود، روش ترکیبی که از مزایای آموزش سنتی و ابزارهای فناورانه آموزش

1. Mell & Grance
2. Theory of Reasoned Action
3. Jones

الکترونیکی به طور همزمان بهره می‌برد پیشنهاد گردید (نوریس و همکاران، ۲۰۱۸). رشد استفاده از روش ترکیبی در سرتاسر دنیا و بخصوص چشم‌انداز بکارگیری این روش در دوران پسا کرونا، بررسی کاربرد آن در دانشگاه‌های ایران و سنجش رضایتمندی دانشجویان از آن را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. بررسی رضایتمندی دانشجویان از روش آموزش، چه برای مدیریت بهتر مؤسسات آموزشی و اتخاذ سیاست‌های اثربخش در فراهم کردن فرصت‌ها و ارزش‌های جدید برای دانشجویان و استادان انجام شود و چه به منظور حفظ بقاء مؤسسات آموزشی در آینده رقابتی باشد، موضوع بسیار مهمی است. از آنجایی که ویژگی‌های آموزش ترکیبی متفاوت از آموزش سنتی است، بنابراین فرضیه قابل بررسی در این پژوهش به قرار زیر است:

فرضیه اول- رضایتمندی دانشجویان نسبت به روش ترکیبی در آموزش درس حسابداری میانه (۱)، با روش سنتی تفاوت معناداری دارد.

آموزش درس حسابداری میانه (۱) در این پژوهش شامل دو بخش آموزش محتوای درس و حل تمرین بود و فرضیه بالا برای بررسی رضایتمندی دانشجویان از این بخش حل تمرین است. از آنجایی که در این پژوهش برای آموزش درس حسابداری میانه (۱) به دو گروه آزمایش و کنترل از محتوای درسی یکسانی استفاده شد و تفاوت این دو گروه در جلسات حل تمرین آنها بود، بنابراین سؤال فرعی پژوهش آن است که "آیا رضایتمندی دانشجویان از محتوای درس در روش ترکیبی تفاوت معناداری با روش سنتی دارد؟". برای پاسخ به این سؤال، فرضیه دیگری به شرح زیر بررسی خواهد شد:

فرضیه دوم- رضایتمندی دانشجویان نسبت به روش ترکیبی در محتوای درس حسابداری میانه (۱)، با روش سنتی تفاوت معناداری ندارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش شبه آزمایشی است. طرح استفاده شده، پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد که در آن رضایتمندی دو گروه آزمایش و کنترل بر اساس روش آموزش مقایسه می‌شود. نمونه مورد مطالعه شامل دانشجویان دانشگاه‌های خوارزمی، آزاد تهران مرکز، آزاد تهران جنوب (دو گروه کارشناسی پیوسته و کارشناسی ناپیوسته) و پیام‌نور بودند که در نیمسال تحصیلی اول سال ۹۸-۹۹ درس حسابداری میانه (۱) را اخذ نمودند. محقق در نقش مدرس، آزمایش را در هر یک از کلاس‌های فوق به صورت جداگانه اجرا و نتایج را مورد بررسی قرار داد. از بین کلاس‌های در دسترس، تعدادی دانشجو به دلیل آنکه گروه مشخصی نداشتند یا از گروه‌بندی خارج شدند یا بیش از ۳ جلسه غیبت داشتند از نمونه حذف شدند. در نهایت، تعداد دانشجویان شرکت‌کننده

در اجرای پژوهش در مجموع ۱۴۲ نفر بود. از آنجایی که لازمه آموزش ترکیبی دسترسی به اینترنت پرسرعت، مجهز بودن به لپ‌تاپ و علاقه‌مندی به بکارگیری فناوری بود، تفکیک دانشجویان در گروه‌های آزمایش و کنترل در درجه اول به انتخاب خود آنها صورت گرفت. به منظور افزایش اعتبار پژوهش، کلیه مراحل آزمایش در یک ترم تحصیلی پیش از اجرای آزمایش اصلی نیز اجرا شد تا نقایص رفع و پیش‌نیازهای احتمالی آماده گردد. طی ترم مورد بررسی، پژوهش اصلی در سه مرحله انجام شد. در مرحله اول، بعد از مطالعات اولیه، محقق اقدام به طراحی محتوای الکترونیک و همچنین بارگذاری فیلم‌ها، فایل تمرین‌ها و حل آن با زمان‌بندی مناسب در سایت رایانش ابری^۱ نمود. در مرحله دوم، آموزش محتوای درس (به صورت حضوری)، حل تمرین و رفع اشکال (برای گروه آزمایش به صورت مجازی و برای گروه کنترل به صورت حضوری) و آزمون‌های کلاسی در طول ترم اجرا شد. مرحله دوم پژوهش با برگزاری آزمون سنجش عملکرد و جمع‌آوری پرسش‌نامه جمعیت‌شناسی برای مشخص کردن متغیرهای کنترلی شروع شد و با اجرای روش‌های آموزشی مورد بررسی، یعنی آموزش به روش ترکیبی و روش سنتی به دانشجویان دو گروه در هر یک از دانشگاه‌های مورد بررسی به پایان رسید. در ابتدای سومین جلسه، همگن بودن دو گروه آزمایش و کنترل بر اساس نمرات سنجش عملکرد که سؤالات آن از مفاهیم نظری گزارش‌گری مالی و به صورت چهارگزینه‌ای طراحی شده بود و روایی آن به تأیید ۳ تن از استادان حسابداری رسیده بود کنترل گردید. متغیرهای نوع استاد، نحوه ارزیابی و نوع منبع درسی با یکسان‌سازی آنها در گروه‌ها کنترل شد. علاوه بر این وضعیت همگن بودن گروه‌ها از نظر سایر متغیرهای کنترلی (شامل جنسیت، معدل کل، نوع دیپلم، وضعیت اشتغال و بومی بودن، علاقه‌مندی به رشته حسابداری و انگیزه ورود به رشته حسابداری) نیز در نگاره (۱) نشان داده شده است.

در نهایت ۶۵ نفر در گروه آزمایش و ۷۷ نفر در گروه کنترل قرار گرفتند. بر اساس نتایج بدست آمده از تحلیل نمرات پیش‌آزمون، میانگین نمرات گروه‌ها (نمره ۹/۷۷ برای گروه آزمایش و ۹/۹ برای گروه کنترل) تفاوت معناداری نشان نداد. اطلاعات مربوط به گروه‌های آزمایش (روش ترکیبی) و کنترل (روش سنتی) در نگاره (۱) نشان داده شده است.

۱. برای این منظور از سایت رایانش ابری نیکی به آدرس cloudaccounting.ir استفاده گردید. این سامانه مجهز به نرم‌افزار برخط حسابداری بود که از طریق آن دانشجویان گروه آزمایش می‌توانستند تکالیف خود را در سیستم حسابداری سند بزنند، گزارش‌گیری کنند و در نهایت گزارش حسابداری مربوطه را برای استاد درس ارسال نمایند.

تکانه (۱). آمار توصیفی آزمودنی‌های پژوهش

جمع (نفر)	گروه کنترل		گروه آزمایش		مشخصه	
	نفر	٪	نفر	٪	نفر	٪
۷۸	٪۵۱	۴۰	٪۴۹	۳۸	زن	
					مرد	
۶۴	٪۵۸	۳۷	٪۴۲	۲۷	کمتر از ۱۲	
۰	٪۰	۰	٪۰	۰	بین ۱۲ تا ۱۴	
۱۸	٪۶۱	۱۱	٪۳۹	۷	بین ۱۴ تا ۱۶	
۵۱	٪۵۱	۲۶	٪۴۹	۲۵	بین ۱۶ تا ۱۸	
۴۷	٪۵۷	۲۷	٪۴۳	۲۰	بالاتر از ۱۸	
۲۶	٪۵۰	۱۳	٪۵۰	۱۳	انسانی	
۲۴	٪۶۳	۱۵	٪۳۸	۹	تجربی	
۴۳	٪۴۲	۱۸	٪۵۸	۲۵	ریاضی	
۴۴	٪۵۵	۲۴	٪۴۵	۲۰	فنی و حرفه‌ای	
۳۱	٪۶۵	۲۰	٪۳۵	۱۱	شاغل در حرفه حسابداری	
۳۱	٪۶۵	۲۰	٪۳۵	۱۱	شاغل در حرفه غیر حسابداری	
۵۰	٪۴۸	۲۴	٪۵۲	۲۶	غیر شاغل	
۶۱	٪۵۴	۳۳	٪۴۶	۲۸	بومی	
۱۰۱	٪۵۴	۵۵	٪۴۶	۴۶	غیر بومی	
۴۱	٪۵۴	۲۲	٪۴۶	۱۹	علاقه به	
۱۱۳	٪۵۶	۶۳	٪۴۴	۵۰	رشته	
۲۹	٪۴۸	۱۴	٪۵۲	۱۵	حسابداری	
۷۴	٪۵۴	۴۰	٪۴۶	۳۴	بالا	
۶۲	٪۵۸	۳۶	٪۴۲	۲۶	متوسط	
۶	٪۱۷	۱	٪۸۳	۵	کم	

در روش ترکیبی، با بهره‌گیری از فناوری رایانش ابری حل، ارسال و رفع اشکال تمرین‌ها برای گروه آزمایش به صورت مجازی اجرا شد و دانشجویان طی آن جلسات در کلاس حضور نداشتند؛ در حالیکه گروه کنترل تمامی جلسات را در کلاس حاضر بودند.

در مرحله سوم، بعد از آموزش درس، رضایت‌مندی دانشجویان از روش آموزش ترکیبی در مقایسه با آموزش سنتی بررسی شد. منظور از رضایت‌مندی دانشجویان میزان خرسندی آنها از تحت آموزش قرار گرفتن به روش آموزشی موردنظر است که پس از اتمام جلسات آموزشی سنجیده شد. در پایان نیمسال تحصیلی، پرسشنامه‌ای حاوی ۲۸ سؤال با طیف ۴ گزینه‌ای لیکرت، جهت سنجش سطح رضایت‌مندی دانشجویان از روش آموزشی سنتی مورد استفاده قرار گرفت که از آن اطلاعات مهمی درباره زیرمقیاس‌های نحوه برگزاری جلسات حل تمرین (با ۱۱ سؤال برای سنجش رضایت از نحوه برگزاری جلسات حل تمرین از ابعاد مختلف)،

ارتباطات دوره (با ۱۲ سؤال برای سنجش رضایت از ارتباط استاد-دانشجو و دانشجو-دانشجو در جلسات حل تمرین و رفع اشکال) و محتوای درس (با ۵ سؤال برای بررسی رضایت از محتوای درس ارائه شده به صورت حضوری) قابل استخراج بود. از طریق پرسشنامه دیگری حاوی ۴۸ سؤال با زیرمقیاس‌های نحوه برگزاری جلسات حل تمرین مجازی (مانند سؤالات گروه کنترل)، ویژگی آن جلسات (با ۱۸ سؤال برای سنجش رضایت از کاربرد ابزارهای فناورانه از ابعاد مختلف)، کیفیت ویدئوهای آموزشی (با ۲ سؤال)، ارتباطات جلسات مجازی (مانند سؤالات گروه کنترل) و محتوای درس (مانند سؤالات گروه کنترل)، اطلاعات تکمیلی درخصوص رضایتمندی دانشجویان گروه آزمایش از روش ترکیبی جمع‌آوری گردید. سؤالات پرسشنامه‌ها بر اساس ادبیات حوزه آموزش حسابداری و اثر کریوکیک (۲۰۱۶) آماده گردید و سعی شد با شرایط برگزاری کلاس‌ها توسط محقق مطابقت داده شود. گزینه‌های موجود در پرسشنامه شامل "خیلی زیاد" با کد ۴، "زیاد" با کد ۳، "کم" با کد ۲ و "خیلی کم" با کد ۱ بودند. پیش از اجرای پژوهش، پرسشنامه‌ها بین دانشجویان ترم تحصیلی قبل توزیع و از آنها نظرخواهی و سپس در سؤالات تجدیدنظر شده بود. جهت تأیید روایی، پرسشنامه مذکور در اختیار ۵ تن از اساتید خبره آموزشی قرار گرفت و پس از اعمال نظرات اصلاحی و تأیید اعتبار صوری و علمی در اختیار دانشجویان دو گروه قرار داده شد. پایایی پرسشنامه از نظر همبستگی درونی سؤالات با استفاده از روش آلفای کرونباخ سنجیده شد. آلفای کرونباخ (نگاره ۲) برای کل سؤالات پرسشنامه اول در گروه کنترل ۰/۹۶ و در گروه آزمایش ۰/۹۵ بود. چنانچه این آماره بیش از ۰/۸ باشد، پایایی در سطح خیلی خوب قرار دارد (سیم و رایت، ۲۰۰۰).

تکراه (۲). بررسی پایایی سؤالات پرسشنامه و نرمال بودن توزیع داده‌ها

کشیدگی	چولگی	آلفای کرونباخ	تعداد سؤالات	زیرمقیاس‌ها	
-۰/۸۲	-۰/۰۶	۰/۹۵۲	۱۱	نحوه برگزاری جلسات حل تمرین	روش سنتی
۰/۵۹	۰/۳۶	۰/۹۶۱	۱۲	ارتباطات دوره	
۰/۹۴	۰/۱	۰/۹۶۱	۲۳	کل	
۰/۲۵	-۰/۰۸	۰/۹۴۵	۱۱	نحوه برگزاری جلسات حل تمرین	روش ترکیبی
-۰/۰۷	۰/۲۴	۰/۹۱۱	۱۸	ویژگی جلسات حل تمرین مجازی	
-۰/۰۶	-۰/۱۳	۰/۹۷	۱۲	ارتباطات دوره	
-۰/۱	۰/۶۱	۰/۸۹۵	۲	ویدئوهای آموزشی	
۰/۹۲	۰/۵۱	۰/۹۵۴	۴۳	کل	
۰/۱۹	-۰/۲۱	۹۵۱	۵	محتوای درس	کل دانشجویان

همانطور که در نگاره (۲) نشان داده شده است، چولگی و کشیدگی کلیه زیرمقیاس‌ها در بازه (۲ و ۲-) قرار دارند. بنابراین داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند (حبیبی، ۱۳۹۷).

یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون لون در بررسی همگن بودن واریانس گروه آزمایش و کنترل در سطح معناداری ۰/۳۳۹ نشان داد که واریانس گروه‌های مورد بررسی همگن است. به منظور تحلیل تفاوت در رضایتمندی دانشجویان دو گروه، با توجه به اینکه این نوع متغیر وابسته (رضایتمندی دانشجویان از نوع روش آموزشی) مستخرج از پرسشنامه می‌باشد، از آزمون آماری t مستقل برای مقایسه میانگین نمرات داده شده به سؤالات پرسشنامه استفاده شد. میانگین نمرات رضایتمندی دانشجویان گروه کنترل و آزمایش، یکبار به تفکیک زیرمقیاس‌های نحوه برگزاری جلسات حل تمرین و ارتباطات دوره، و یک مرتبه برای کل پرسشنامه‌های دو گروه مقایسه گردید که نتایج آن در نگاره (۳) خلاصه شده است.

تکراه (۳). بررسی تفاوت در میانگین گروه‌ها به روش t مستقل

کل	ارتباطات دوره	نحوه برگزاری جلسات حل تمرین	تعداد
۷۷	۷۷	۷۷	تعداد
۱/۹۴	۱/۶۹	۲/۰۱	میانگین
۰/۶۷	۱/۰۵	۰/۷۵	انحراف معیار
۶۵	۶۵	۶۵	تعداد
۲/۰۹	۱/۹۳	۲/۲۲	میانگین
۰/۷۴	۰/۹۲	۰/۷۴	انحراف معیار
-۰/۱۵	-۰/۲۴	-۰/۲۱	اختلاف میانگین
-۱/۲۶	-۱/۴۵	-۱/۶۶	آماره t
۰/۲۱	۰/۱۵	۰/۱	سطح معنی داری

سطح معنی داری کمتر از ۵٪ نشان دهنده تفاوت در میانگین گروه‌ها است. بر اساس خروجی آماری بدست آمده، میانگین سطح رضایتمندی دانشجویان از نحوه برگزاری جلسات حل تمرین در روش سنتی ۲/۰۱ و در روش ترکیبی ۲/۲۲ و رضایتمندی از ارتباطات دوره در دو روش به ترتیب ۱/۶۹ و ۱/۹۳ بوده است که به ترتیب در سطح معناداری ۰/۱ و ۰/۱۵ که بالاتر از ۰/۰۵ است، عدم وجود تفاوت معنادار در میانگین نمره رضایتمندی دو گروه را نشان می‌دهند. سطح معنی داری کل زیرمقیاس‌ها (۰/۲۱) نیز بیانگر همین نتیجه است.

بخشی از سؤالات پرسشنامه جهت سنجش رضایتمندی دانشجویان از محتوای درس است. فرض بر این است که به دلیل آموزش یکسان محتوای درس به هر دو گروه، کل دانشجویان رضایتمندی یکسانی از محتوای درس داشته باشند. به همین دلیل، از آزمون t همبسته استفاده گردید و نتایج بررسی رضایتمندی دانشجویان دو گروه در نگاره (۴) نشان داده شده است.

نگاره (۴). بررسی تفاوت در میانگین گروه‌ها به روش t همبسته

محتوای درس	
۲/۰۴	میانگین
۰/۸۷	انحراف معیار
۲/۰۹	میانگین
۱/۰۴	انحراف معیار
-۰/۲۹	همبستگی
۰/۷۷	اختلاف میانگین
۲/۰۴	آماره t
۰/۸۷	سطح معنی‌داری

همانطور که خروجی آماری نشان می‌دهد، در سطح معناداری ۰/۸۷، تفاوتی میان میانگین نمره رضایتمندی دانشجویان گروه کنترل (۲/۰۴) و گروه آزمایش (۲/۰۹) وجود ندارد. بنابراین، رضایتمندی دو گروه از محتوای درس تقریباً یکسان بوده است.

نتیجه‌گیری

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به منظور مدیریت بهتر و پیشبرد اهداف آموزشی خود و حفظ بقا در جامعه رقابتی دانشگاهی ناگزیرند تا رضایتمندی دانشجویان را حفظ کرده و آن را افزایش دهند. پژوهش‌ها مؤید آن است که کیفیت و نوع روشی آموزش بر رضایتمندی تحصیلی آنها اثرگذار است (کالدرون، ۲۰۱۹). در عصر فناوری اطلاعات، استفاده از روش آموزشی سنتی با وجود مزایای فراوان، پاسخگوی تمام نیازهای دانشجویان نیست و از طرف دیگر، بکارگیری ابزارهای فناورانه به تنهایی در رشته حسابداری نمی‌تواند اثربخش باشد. برای گذر از این معضل، روش آموزشی ترکیبی که متشکل از آموزش سنتی در محیط کلاس و ابزارهای فناورانه است توسط پژوهشگران کشورهای مختلف پیشنهاد گردید. بررسی این روش با وجود تحولات آموزشی دوران کرونا و لزوم بازنگری در آموزش حسابداری در ایران ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش جلسات حل تمرین برای گروه آزمایش به صورت مجازی اجرا شد و دانشجویان

گروه کنترل تمامی جلسات را در کلاس حاضر بودند. محتوای آموزشی ارائه شده به کلیه دانشجویان یکسان بود. سپس با استفاده از ابزار پرسشنامه سعی شد تا رضایتمندی دانشجویان از روش ترکیبی نسبت به روش سنتی بررسی شود. نتایج نشان داد که رضایتمندی آنها نسبت به روش های اجرا شده به طور کلی تفاوت معناداری ندارد. جهت بررسی پایداری نتایج، تجزیه و تحلیل داده ها به تفکیک هر نوع دانشگاه (دولتی، آزاد و پیام نور) نیز انجام شد و نتایج تغییر نکرد. به دلیل تقویت زیرساخت های آموزش مجازی و فناوریانه و آشنایی بیشتر استادان و دانشجویان با آن در دوران کرونا و همچنین تصویب جذب تمام الکترونیکی دانشجو در نظام نامه جدید وزارت علوم در سال ۱۳۹۹ و چشم انداز آموزشی که زمزمه استفاده از روش آموزش ترکیبی را به گوش می رساند و برخی از دانشگاه ها نیز در اندیشه تغییر روش آموزش در دوران پسا کرونا به روش های ترکیبی هستند (منتظر و همکاران، ۱۳۹۹)، با استفاده از نتایج این پژوهش، دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی می توانند در دوران پسا کرونا برنامه ریزی بهتری برای آموزش حسابداری داشته باشند. نتایج این پژوهش با ماحصل پژوهش کریوکیک (۲۰۱۶) که با مقایسه روش آموزشی سنتی و روش آموزشی ترکیبی متشکل از روش آنالاین و سنتی به دنبال سنجش سودمندی روش ترکیبی در آموزش حسابداری بود و رضایتمندی دانشجویان در هر دو روش را مقایسه کرد، مشابهت دارد. کریوکیک به این نتیجه رسید که هر چند اجرای روش ترکیبی در آموزش حسابداری باعث بهبود عملکرد دانشجویان شده است اما به صورت کلی سطح رضایتمندی دانشجویان از این دو روش تفاوت معناداری نداشته است. همچنین پژوهش کریوکیک نشان داد که دانشجویان از ارتباطات برقرار شده در روش ترکیبی رضایتمندی بیشتری داشتند (کریوکیک، ۲۰۱۶). نتایج بدست آمده از پژوهش همچنین با نتایج پژوهش های یینگ و یانگ (۲۰۱۷) و گراینسکی و همکاران (۲۰۲۰) هم راستا است. این پژوهشگران اظهار داشتند که عوامل اثرگذار خارجی مانند عدم پشتیبانی فنی از بخش الکترونیکی در آموزش ترکیبی و دشوار بودن طراحی و به روزرسانی اطلاعات و مسائل فنی موجب کمتر شدن اثرگذاری این روش بر رضایتمندی دانشجویان حسابداری شده است (گراینسکی و همکاران، ۲۰۲۰). از طرف دیگر، نتایج این پژوهش با یافته های چن و جونز (۲۰۰۷)، فرتین و همکاران (۲۰۱۹) و حاجی مرادخوانی و همکاران (۱۳۹۶) در رشته حسابداری و مارتینز و همکاران (۲۰۱۹) که رشته های مهندسی که به بررسی رضایتمندی دانشجویان از روش آموزشی ترکیبی پرداخته بودند مغایرت دارد. دلیل وجود تفاوت در نتایج حاصل شده می تواند نحوه اجرای متفاوت روش ترکیبی، درس انتخاب شده یا عوامل اثرگذار خارجی باشد که پیش تر ذکر شد.

تجربه نشان می‌دهد که دانشجویان و استادان از برگزاری مجازی کلاس‌ها، به اندازه کلاس‌های حضوری رضایت نداشتند، اما یکی از دلایل مهم آن عدم آشنایی با سازوکارهای آموزش الکترونیکی بود که با گذشت چند ترم تحصیلی به روش مجازی و آشنایی دانشجویان و اساتید با آموزش الکترونیکی، درک آنها از بکارگیری ابزارهای فناورانه و منافع آن نیز بیشتر شده است. درک دانشجویان از محیط آموزشی مجازی می‌تواند بر رضایتمندی کلی آنان اثرگذار باشد (هیرادور، هیماندر، و گالوان، ۲۰۱۹). بنابراین در صورتی که این پژوهش در دوران پسا کرونا که مجدد کلاس‌های حضوری در دانشگاه‌ها دایر خواهد شد انجام شود، ممکن است نتایج متفاوتی را نشان دهد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، پس از بازگشایی کامل دانشگاه‌ها، استفاده از روش ترکیبی در آموزش حسابداری مجدد مورد بررسی قرار گیرد. همچنین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که ویژگی‌های روش ترکیبی را به گونه‌ای متفاوت از طرح موجود در این پژوهش تعریف کنند و این بررسی را مجدد انجام دهند. برای مثال، در آموزش محتوای درس از روش ترکیبی استفاده نمایند یا درس دیگری به جز حسابداری میانه (۱) را مورد ارزیابی قرار دهند. همچنین، انجام این پژوهش شبه‌آزمایشی دارای محدودیت‌هایی نیز بوده است: ۱- به دلیل آنکه استفاده از روش ترکیبی نیازمند دسترسی به اینترنت پرسرعت، لپ‌تاپ و ... بوده است، انتخاب گروه آزمایش و کنترل توسط دانشجویان صورت گرفت و سبب شد که این دو گروه از نظر ویژگی‌های جمعیتی و سایر معیارها کاملاً شبیه به هم نباشند. ۲- ارتباط بین گروه‌های کنترل و آزمایش، عاملی بود که روایی درونی این پژوهش را تهدید می‌کرد. دانشجویان تفکیک شده به دو گروه، در یک کلاس آموزش داده می‌شدند و ممکن است تعامل آنها با یکدیگر بر نتایج پژوهش تأثیر گذاشته باشد. ۳- ویژگی‌های مطالعه (بکارگیری فناوری رایانش ابری و حل تمرین درس حسابداری میانه (۱) عامل دیگری بود که روایی سازه و روایی خارجی یافته‌های پژوهش را با تهدید مواجه کرد.

منابع

- بنی‌مهد، بهمن؛ مهربان، اشرف. (۱۳۹۳). مقایسه تفکر خلاقانه با موفقیت تحصیلی میان دانشجویان رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه‌های دولتی. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۳(۹).
- حاجی مرادخانی، حدیثه؛ مشایخ، شهناز؛ رحمانی، علی. (۱۳۹۶). مقایسه استفاده از یک بازی صفحه‌ای در آموزش اصول حسابداری (۱) با روش سنتی مبتنی بر سخنرانی و کتب درسی. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۹(۱)، ۳۰-۱.
- حیبی، آر.ش. (۱۳۹۷). *آموزش کاربردی SPSS*، ویرایش پنجم، نشر الکترونیک، پایگاه اینترنتی پارس مدیر. حسین زاده نباتی، مریم؛ محمودی، فیروز؛ ادیب، یوسف. (۱۳۹۹). رابطه نگرش به درس کار و فناوری با نگرش فناوریانه دانش آموزان مقطع متوسطه ناحیه یک تبریز. *فصلنامه آموزش و ارزشیابی*، ۱۳(۴۹)، ۹۱-۶۵.
- رحمانیان کوشککی، عبدالرسول؛ برزگر، بهرام؛ کمالی راد، اسماعیل. (۱۳۹۸). تدوین مدلی برای بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روش‌های تدریس با استفاده از نظریه داده بنیاد. *فصلنامه آموزش و ارزشیابی*، ۱۲(۴۸)، ۱۳۰-۱۰۳.
- فرزین یزدی، محبوبه؛ برادر، رویا؛ غائبی، امیر. (۱۳۹۲). بررسی قابلیت کاربرد "مدل پذیرش فناوری" برای پذیرش فناوری آراف. آ.ی.دی. در کتابخانه‌های دانشگاهی (مورد کاوی: شهر یزد). *تحقیقات کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاهی*، ۴۷(۲)، ۱۷۱-۱۸۹.
- منتظر، غلامعلی؛ سنجابی، طاهره؛ قاسمی، مهسا. (۱۳۹۹). سناریوهای آینده آموزش عالی جهان ناشی از همه‌گیری بیماری کووید-۱۹، گزارش گروه مهندسی فناوری اطلاعات، دانشگاه تربیت مدرس.
- نحاس، کاظم؛ کرمی، غلامرضا؛ حجازی، رضوان؛ خواجه‌ی، شکراله. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر یادگیری مبتنی بر تیم (TBL) بر یادگیری حسابداری. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱۲(۴۵).
- Accounting Education Change Commission. (1990). Position statement number one: Objectives of education for accountants. *Accounting Education*, 5(2), 307-312.
- Bani Mahd, B. & Mehraban, A. (2014). Comparison of creative thinking with academic success between accounting students of Islamic Azad University and public universities. *Knowledge of Accounting and Management Auditing*, 3(9). (in persian)
- Bayley, T., & Hurst, A. (2018). Teaching line balancing through active and blended learning. *Decision Sciences Journal of Innovative Education*, 16(2), 82-103.
- Bompa, T. O. & Buzzichelli, C. (2019). *Periodization-: theory and methodology of training*. Human kinetics.
- Burns, J. O., & Needles, B. E. (Eds.). (2014). *Accounting education for the 21st century: The global challenges*. Elsevier.
- Calderon, T. G. (Ed.). (2019). *Advances in Accounting Education: Teaching and curriculum innovations*. Emerald Publishing Limited.

- Chen, C. C. & Jones, K. T.(2007). Blended learning vs. traditional classroom settings: Assessing effectiveness and student perceptions in an MBA accounting course. *Journal of Educators Online*, 4(1).
- Chen, C. C., Jones, K. T. & Moreland, K. A.(2013). Online accounting education versus in-class delivery: Does course level matter? *Accounting Education*, 28(1), 1-16.
- Cheng, P. & Ding, R.(2021). The effect of online review exercises on student course engagement and learning performance: A case study of an introductory financial accounting course at an international joint venture university. *Journal of Accounting Education*, 54, 100699.
- Darayseh, M., Waples, E. & El-Foul, B. A.(2008). Student Education Specific: Predicting Early Success in Intermediate Accounting Using Logit Analysis. *International Journal of Education Research*, 3(2).
- Delaney, D., McManus, L., Darwin, C. & Ng, C.(2015). First year accounting students' perceptions of blended learning. *Business Education & Accreditation*, 7(2), 9-23.
- Derstine, R. P., Emig, J. M. & Grant Sr, T. J.(2015). Case-Based Approach to Teaching Intermediate Accounting: Addressing Faculty Concerns and Competency/Assurance of Learning Requirements. *Mustang Journal of Accounting and Finance*, 7(82).
- Djajadikerta, H. G., Trireksani, T., Ong, T., Roni, S. M., Kazemian, S., Zhang, J., ...& Wahyuningrum, I.F.S.(2021). Australian, Malaysian and Indonesian Accounting Academics' Teaching Experiences During the COVID-19 Pandemic. *Australasian Accounting, Business & Finance Journal*, 15(2),103-113.
- Dwiyoogo, W. D.(2018). Developing a blended learning-based method for problem-solving in capability learning. *Turkish Online Journal of Educational Technology-TOJET*, 17(1), 51-61.
- Eom, S. B.(2012). Effects of LMS, self-efficacy, and self-regulated learning on LMS effectiveness in business education. *Journal of International Education in Business*, 5(2), 129-144.
- Farzin Yazdi, M.; Baradar, R. & Ghaebi, A.(2013). Study on the applicability of the Technology Acceptance Model for the acceptance of RFID technology in university libraries (case study: Yazd city). *University Library and Information Research*, 47 (2), 171-189. (in persian)
- Fortin, A., Viger, C., Deslandes, M., Callimaci, A. & Desforges, P.(2019). Accounting students' choice of blended learning format and its impact on performance and satisfaction. *Accounting Education*, 28(4), 353-383.
- Gerdprasert, S., Pruksacheva, T., Panijpan, B. & Ruenwongsa, P.(2010). Development of a web-based learning medium on mechanism of labour for nursing students. *Nurse education today*, 30(5), 464-469.
- Giray, G.(2021). An assessment of student satisfaction with e-learning: An empirical study with computer and software engineering undergraduate students in Turkey under pandemic conditions. *Education and Information Technologies*, 26(6), 1-23.
- Grabinski, K., Kedzior, M., Krasodomska, J. & Herdan, A.(2020). Embedding e-Learning in accounting modules: The educators' perspective. *Education Sciences*, 10(4), 97.
- Habibi, A.(2019). *SPSS application training*, fifth edition. electronic publishing, Pars Manager website. (in persian)
- Hajimoradkhani, H., Mashayekh, Sh. & Rahmani, A.(2017). Comparison of the use of a board game in teaching accounting principles (1) with the traditional method based on lectures and textbooks, *Accounting Advances*, 9(1)9, 1-30. (in persian)

- Herrador-Alcaide, T. C., Hernández-Solís, M. & Galván, R. S.(2019). Feelings of satisfaction in mature students of financial accounting in a virtual learning environment: an experience of measurement in higher education. *International Journal of Educational Technology in Higher Education*, 16(1), 20.
- Horspool, A. & Lange, C.(2012). Applying the scholarship of teaching and learning: Student perceptions, behaviours and success online and face-to-face. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 37(1), 73-88.
- Hosseinzadeh, N. M., Mahmoudi, F. & Adib, Y.(2020). Relationship between attitude towards work and technology and technological attitude of high school students in district one of Tabriz. *Journal of Education and Evaluation*, 13(49), 91-65. (in persian)
- Krivacek, G. J.(2016). *The Effect of a Blended Teaching Method on Student Performance and Satisfaction in a First Accounting Course in Higher Education*. Robert Morris University.
- Jennings, Ross G.(1998). Concepts Before Rules: A New Approach to Intermediate Accounting, *Accounting Education*, 13(4), 833-850.
- Jones, M. A.(2016). *A study of satisfaction with online learning in workplace training* (Doctoral dissertation, Walden University).
- Martínez, P. J., Aguilar, F. J. & Ortiz, M.(2019). Transitioning from face-to-face to blended and full online learning engineering master's program. *IEEE Transactions on Education*, 63(1), 2-9.
- Mell, P., & Grance, T. (2011). The NIST Definition Of Cloud Computing [online] <http://faculty.winthrop.edu/domanm/csci411/Handouts.NIST.pdf>.
- Montazar, Gh., Sanjabi, T. & Ghasemi, M.(2020). Future Scenarios for Higher Education in the World Due to the Covid-19 Disease Outbreak, *Report by the Department of Information Technology Engineering*, Tarbiat Modares University. (in persian)
- Motefakker, N.(2016). The study of the level of satisfaction of the students of the faculty of social sciences with welfare services of Imam Khomeini International University of Qazvin. *Procedia Economics and Finance*, 36, 399-407.
- Nahas, K., Karami, Gh., Hejazi, R. & Khajavi, Sh.(2020). Study of the effect of team-based learning (TBL) on accounting learning. *Accounting and Auditing Research*, 12(45). (in persian)
- Nuris, D. M. R., Nuraini, U. & Nagari, P. M.(2018). Blended Learning Application in the Accounting Education: Life-based Learning Paradigm. *KnE Social Sciences*, 3, 71-78.
- Packer, S. K.(2018). *A Comparison Study of High School Math Student Performance and Perceptions between Blended and Online Learning*. Texas A&M University-Commerce.
- Rahmanian Kushkaki, A.R., Barzegar, B. & Kamali Rad, I. (2020). Developing a Model for Improving the Quality of Accounting Education through the Analysis of Teaching Methods Using Foundation Data Theory. *Quarterly Journal of Education and Evaluation*, 12(48), 103-130. (in persian)
- Sim, J. & Wright, C.(2000). *Research in health care: concepts, designs and methods*. Nelson Thornes.
- Song, G.(2021). Blended Learning and Student Satisfaction. Available at SSRN 3869741.
- Tomei, L. A. (Ed.). (2011). *Advancing Education with Information Communication Technologies: Facilitating New Trends: Facilitating New Trends* (Vol. 6). Igi Global.
- Tsai, M. H. & Tang, Y. C.(2017). Learning attitudes and problem-solving attitudes for blended problem-based learning. *Library Hi Tech*, 35, 622-635.
- Venkatesh, S., Rao, Y. K., Nagaraja, H., Woolley, T., Alele, F. O., & Malau-Aduli, B. S. (2020). Factors influencing medical students' experiences and satisfaction with blended integrated E-learning. *Medical Principles and Practice*, 29(4), 396-402.

دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال دوازدهم، شماره ۴۱، پاییز ۱۴۰۰، صص ۱۲۵-۱۵۰

رابطه دوره تصدی و چرخش حساب‌رسان مستقل با گزارش نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی^۱

اعظم ولی زاده لاریجانی^۲، آزاده مداحی^۳، نسرین شیبانی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

مطابق با مقررات و ضوابط موجود، به نظر می‌رسد حساب‌رسان مستقل شرکت می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در کشف و افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی داشته باشد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی دوره تصدی و چرخش حساب‌رسان مستقل (در سطح موسسه و شریک) و با نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ می‌باشد و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها رگرسیون لجستیک می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد بین دوره تصدی حساب‌رسان مستقل (در سطح موسسه و شریک) با افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حساب‌رسان مستقل، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین بین چرخش مؤسسه حساب‌رسانی با افشای نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حساب‌رسان مستقل، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. اما بین چرخش شریک مؤسسه حساب‌رسانی با افشای نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حساب‌رسان مستقل، رابطه معنی داری مشاهده نشد.

واژه‌های کلیدی: دوره تصدی مؤسسه حساب‌رسانی، دوره تصدی شریک حساب‌رسانی، چرخش مؤسسه حساب‌رسانی، چرخش شریک حساب‌رسانی، نقاط ضعف کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی

طبقه بندی موضوعی: G30; M42

10.22051/JERA.2021.36429.2881 .DOI

۲. استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
(a.valizadeh@alzahra.ac.ir)

۳. استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران (a.maddahi@alzahra.ac.ir)

۴. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء (س)، تهران، ایران
(nasrinsheybani.n69@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

طراحی و استقرار مناسب سامانه‌های کنترل داخلی در واحد های اقتصادی یکی از مهمترین عوامل تحقق اثربخشی و کارایی عملیات، ارتقای پاسخگویی و شفافیت مالی، رعایت قوانین و مقررات و کمک به پیشگیری از تقلب و سوء استفاده های مالی به شمار می رود (قنبریان، ۱۳۹۰). هدف حسابرس، اطلاع رسانی ضعف های کنترل های داخلی مشخص شده در جریان حسابرسی به ارکان راهبری و مدیران اجرایی (حسب مورد) است که به نظر حسابرس، برای آنها دارای اهمیت کافی وجود دارد (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۳). مطابق با استانداردهای حسابرسی ایران، حسابرس باید از فعالیت های کنترلی مرتبط با حسابرسی شناخت کسب کند. این فعالیت ها شامل مواردی است که حسابرس شناخت آنها را برای ارزیابی خطرهای تحریف با اهمیت در سطح ادعاها، طراحی و اجرای روش های حسابرسی لازم در برخورد با خطرهای ارزیابی شده، ضروری تشخیص می دهد. در حسابرسی، شناخت همه فعالیت های کنترلی مرتبط با هر گروه معاملات، مانده حساب و مورد افشای عمده در صورت های مالی یا هر ادعای مربوط به آنها ضرورت ندارد. حسابرس درخصوص برخی خطرها، ممکن است چنین قضاوت کند که کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب، تنها از طریق آزمون های محتوا ممکن یا عملی نیست. چنین خطرهایی می تواند به صحیح و کامل نبودن ثبت و نگهداری سوابق گروه های معاملات یا مانده حساب های معمول و عمده که اغلب بدون دخالت نیروی انسانی و به طور خودکار پردازش می شوند، مربوط باشد. در چنین مواردی، کنترل های واحد تجاری در مورد چنین خطرهایی، در کار حسابرسی مربوط محسوب شده و حسابرس باید نسبت به آنها شناخت کسب کند (حاجیها و حسین نژاد، ۱۳۹۴). کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی اهمیت بسزایی بر حاکمیت شرکتی دارند. به طور خاص، کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی باعث تحقق اثربخشی و کارایی عملیات، ارتقای پاسخگویی و شفافیت مالی، رعایت قوانین و مقررات و کمک به پیشگیری از تقلب و سوء استفاده های مالی می شود. همچنین به دلیل وجود افشای نامناسب و ناکافی در گزارش های مالی و عدم شفافیت اطلاعاتی در شرکت ها موجب می شود که مشکلات ناشی از تفکیک مالکیت از مدیریت افزایش یابد و نقش حسابرس مستقل از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد. به دلیل اینکه نهاد های نظارتی منابع محدودی را برای نظارت بر شرکت ها دارند، حسابرسی مستقل نقش مهمی را در نظارت بر شرکت ها به عهده دارند. علاوه

بر این عدم ارائه اطلاعات مالی مربوط و قابل اعتماد، زیان‌های اقتصادی جبران ناپذیری را برای سهامداران و سایر ذینفعان برون سازمانی به دنبال دارد (فیتجرالد و همکاران، ۲۰۱۸). یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی، دوره تصدی حسابرسان است. انتظار بر این است که هر چه دوره تصدی حسابرسان بیشتر باشد، شناخت او از صاحبکار و تخصص او در آن صنعت خاص بیش‌تر شده و موجب افزایش کیفیت گزارش حسابرسان مستقل در خصوص کنترل‌های داخلی گردد. با این وجود، این دغدغه نیز وجود دارد که با طولانی شدن روابط بین حسابرسان و صاحبکار، بی‌طرفی حسابرسان خدشه دار شده و این امر بر کیفیت گزارش‌وی در خصوص کنترل‌های داخلی صاحبکار اثرگذار باشد. این در حالی است که اشکال مختلف دوره تصدی حسابرسان، به عنوان یک ابزار در جهت افزایش بهبود کیفیت گزارشگری کنترل‌های داخلی توجه قانون‌گذاران را نیز به خود جلب کرده است. یکی دیگر از شاخص‌هایی که به کمک آن کیفیت حسابرسانی اندازه‌گیری می‌شود، چرخش حسابرسان مستقل است. موضوع چرخش حسابرسان بر این مفهوم کلی استوار است که حسابرسان جدید با نگاه و رویکرد جدید می‌توانند به نکاتی توجه کنند که حسابرسان قبلی احتمالاً آن‌ها را از قلم انداخته و یا در اثر گذشت زمان و کاهش بی‌طرفی وی، مغفول مانده است. این امر موجب می‌شود که حسابرسان جدید بتوانند کیفیت گزارش کنترل‌های داخلی را افزایش دهند.

به طور کلی، در خصوص منافع و مضرات افزایش تصدی حسابرسان و نیز چرخش حسابرسان، در سطح مؤسسه و شریک حسابرسانی، بین محققان اتفاق نظر وجود ندارد و پژوهش‌های انجام شده نتایج متناقضی را نشان می‌دهد (فیتجرالد و همکاران، ۲۰۱۸). با توجه به عدم وجود توافق نظر در خصوص رابطه دوره تصدی و چرخش حسابرسان در سطح شریک و مؤسسه حسابرسانی با کیفیت گزارش حسابرسان مستقل در خصوص نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی، در این پژوهش رابطه بین دوره تصدی و چرخش حسابرسان مستقل در سطح شریک و مؤسسه حسابرسانی با نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مبانی نظری پژوهش

هیئت مدیره مکلف است نسبت به استقرار و به‌کارگیری کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش بمنظور دستیابی به اهداف شرکت، اطمینان حاصل نماید. برای ایفای این مسئولیت، هیئت مدیره

شرکت باید سیستم کنترل‌های داخلی را با توجه به چارچوب کنترل‌های داخلی، حداقل به طور سالانه بررسی و نتایج آن را در گزارشی تحت عنوان "گزارش کنترل‌های داخلی" درج و افشا نماید. هیئت مدیره باید مبنای ارزیابی و همچنین مستندات مربوط به "گزارش کنترل‌های داخلی" را به نحو مناسب مستندسازی نماید (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱).

حسابرس مستقل شرکت موظف است در گزارش خود به مجمع عمومی صاحبان سهام در خصوص استقرار و به کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش توسط شرکت، با توجه به چارچوب کنترل‌های داخلی، اظهارنظر کند. اگر نقاط ضعف بااهمیتی در سیستم کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی شرکت وجود داشته باشد ولی در "گزارش کنترل‌های داخلی" هیئت مدیره افشا نشده باشد یا افشای آن ناقص باشد، این موضوع باید در گزارش حسابرس تصریح و نسبت به اثرات آن بر دستیابی شرکت به اهداف تعیین شده موضع گیری شود (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱).

اگر نارسایی‌هایی وجود داشته باشد که به صورت جداگانه یا ترکیبی، منجر به یک یا چند ضعف بااهمیت شوند، حسابرس باید در اظهارنظر خود نسبت به استقرار و به کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش حاکم بر گزارشگری مالی شرکت، به آن‌ها اشاره کند. در موارد وجود ضعف با اهمیت در استقرار و به کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش حاکم بر گزارشگری مالی، حسابرس باید تأثیر ضعف‌های با اهمیت را بر اظهارنظر نسبت به صورت‌های مالی شناسایی کند. افزون بر این، حسابرس باید افشا کند که آیا اظهارنظر نسبت به صورت‌های مالی از ضعف‌های با اهمیت نسبت به استقرار و به کارگیری سیستم کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش حاکم بر گزارشگری مالی تأثیر پذیرفته است یا خیر (سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۲).

با توجه به مطالب فوق، در مقررات حاضر نقش قابل ملاحظه‌ای برای حسابرسان مستقل جهت کشف و افشا و گزارشگری نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی قائل شده است و بنابراین به نظر می‌رسد کیفیت کار حسابرسان مستقل در این راستا از اهمیت قابل توجهی برخوردار باشد. یکی از شاخص‌های کمی اندازه‌گیری کیفیت حسابرسی "دوره تصدی حسابرس" است. هرچه دوره تصدی حسابرس بیش‌تر باشد، شناخت او از صاحبکار و تخصص او در آن صنعت خاص بالاتر رفته و موجب افزایش کیفیت حسابرسی خواهد شد (صادقیان مهر، ۱۳۹۶). در مورد دوره تصدی (طول مدت تجربه) موسسه حسابرسی دو نظریه حائز اهمیت است نظریه اول اینکه

دوره تصدی موسسه حسابرسی باعث این شده که به مرور زمان از استقلال حسابرس کاسته شده که این روند به مدت طولانی می‌تواند موجب از دست دادن انگیزه و کم‌رنج شدن هدف حسابرسان شود، داشتن روابط نزدیک باعث به وجود آمدن این موضوع می‌شود (گل و همکاران^۱، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، مخالفان کاهش استقلال حسابرسی با تصدی حسابرسی به مدت طولانی معتقدند حسابرسان قادرند دانش و تجربه بهتری را در مورد مشتریان خود کسب کنند در نتیجه این تجربه می‌تواند موجب شود تا کیفیت حسابرسی افزایش یابد (مانری و همکاران^۲، ۲۰۰۸).

دیاز و همکاران^۳ (۲۰۱۵) دریافتند که با افزایش دوره تصدی حسابرسی، کیفیت حسابرسی کاهش می‌یابد. رحمینا و آگوئز^۴ (۲۰۱۴) چنین نتیجه‌گیری کردند که دوره تصدی حسابرس اثر مثبتی بر کیفیت حسابرسی دارد. یافته‌های برکس و همکاران^۵ (۲۰۱۷) حاکی از آن است که محافظت از سرمایه‌گذاران در کشورهای سطح بالا موجب شده است با چرخش اجباری موسسه حسابرسی همراه باشد. عزیزخانی و همکاران^۶ (۲۰۱۸) دریافتند که احتمال وقوع تحریفات در سال‌های اول و دوم دوره تصدی حسابرس پایین‌تر است. یافته‌های سینگر و ژانگ^۷ (۲۰۱۸) نشان می‌دهد، بین دوره تصدی حسابرسی با کشف به موقع تحریفات رابطه منفی وجود دارد. براتن و همکاران^۸ (۲۰۱۹) دریافتند که بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت وجود دارد. سینگ و همکاران^۹ (۲۰۱۹) دریافتند که حق الزحمه خدمات غیرحسابرسی با اقلام تعهدی اختیاری شرکت‌هایی که دوره تصدی حسابرس کوتاه مدت دارند، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

تدوین‌کنندگان استاندارد در ایالات متحده و سایر کشورها معتقدند که قابلیت اتکای شرکای حسابرسی در سال‌های متوالی حسابرسی کاهش می‌یابد (فیتجرالد و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۸). سطح دانش شریک حسابرسی، ممکن است بر بی‌طرفی و نحوه ارزیابی، آزمون و گزارش کنترل‌های

1. Gol & al
2. Maneri & al
3. Diaz & al
4. Rahmina & Agoes
5. Brooks & al
6. Azizkhanian & al
7. Singer & Zhang
8. Broten & al
9. Sing & al
10. Fitzgerald & al

داخلی تأثیر بگذارد. در حالی که دانش خاص صاحبکار شرکای حسابرسی باید در پی حسابرسی های مستمر افزایش یافته و کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد، این نگرانی وجود دارد که شرکای حسابرسی با گذشت زمان انگیزه خود را از دست داده و از مفهوم بی طرفی فاصله می گیرند. این موضوع خود موجب کاهش بالقوه کیفیت حسابرسی و افشای کمتر نقاط ضعف کنترل های داخلی می شود. مطالعات دانشگاهی نشان می دهد که انگیزه های مدیران و حسابرسان بر شدت ضعف های کنترل داخلی ارزیابی شده و شناسایی شده تأثیر می گذارد (فیتجرالد و همکاران، ۲۰۱۸). به عبارت دیگر، اگر چه که انتظار بر این است که ارزیابی پی در پی شرکت توسط حسابرسان، دانش ایشان را نسبت به صاحبکار خاص افزوده و شناخت آنها را نسبت به محیط کنترلی بهبود می بخشد، و در نتیجه موجب افزایش کیفیت اظهار نظر ایشان نسبت به کنترل های داخلی شرکت گردد، با این حال، نهادهای نظارتی در ایالات متحده و سایر کشورها به طور مکرر ابراز نگرانی می کنند که با گذشت زمان، حسابرسان با پرسنل صاحبکار روابطی را ایجاد می کنند که بی طرفی و کیفیت کار ایشان را به خطر می اندازد. ارزیابی کنترل داخلی مستلزم قضاوت حرفه ای قابل توجهی است و حسابرسان اغلب مایلند در هنگام ارزیابی موقعیت مطلوب صاحبکار، مفهوم تردید را مدنظر قرار دهند. به همین دلیل، کاهش بی طرفی شریک حسابرسی می تواند کیفیت گزارشگری حسابرسان نسبت به کنترل داخلی را کاهش دهد. بعلاوه، آشنایی با صاحبکار ممکن است باعث کاهش نوآوری در برنامه ریزی حسابرسی شود، که منجر به رویه های روتین (تکراری) شود که باعث می شود تغییرات در محیط کنترل داخلی را تشخیص ندهد. با این حال، شرکای حسابرسی انگیزه های قوی برای حفظ تردید حرفه ای خود و توسعه سرمایه معتبر بیشتر از طریق حسابرسی های متوالی دارند. اگر شریک حسابرسی قبلی در سال های گذشته موفق به شناسایی یا گزارش ضعف کنترل های داخلی نشده باشد، "نگاه تازه" ممکن است کیفیت حسابرسی را در سال های تغییر شریک حسابرسی بهبود بخشد. مطالعات پیشین نشان می دهد که رویه های حسابرسی و ارزیابی شواهد حسابرسی در سال های تغییر شریک حسابرسی به روش هایی که می تواند احتمال شناسایی و گزارش ضعف کنترل های داخلی را افزایش دهد، متفاوت است (فیتجرالد و همکاران، ۲۰۱۸).

بنابراین فرضیه اول و دوم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول: بین دوره تصدی مؤسسه حسابرسی با افشای نقاط ضعف با اهمیت کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل، رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین دوره تصدی شریک مؤسسه حسابرسی با افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل، رابطه معنی داری وجود دارد.

با توجه به جایگاه و نقش موسسات حسابرسی در تصمیمات استفاده کنندگان، راهکارهای مختلفی از سوی مراجع حرفه ای و صاحب نظران برای افزایش کیفیت کار و حفظ استقلال موسسات حسابرسی، ارائه شده است که یکی از پیشنهادهاى مورد توصیه آنان، چرخش منظم موسسات حسابرسی و شرکای موسسات حسابرسی می باشد. یکی از عوامل اصلی تهدیدکننده استقلال حسابرس و در نهایت کیفیت حسابرسی، وابستگی او به صاحبکار است که بر گزارشگری تحریفات بااهمیت تأثیر می گذارد. نگرانی ناشی از آثار روابط طولانی مدت حسابرس و صاحبکار بر استقلال حسابرس و کیفیت حسابرسی موجب تدوین قوانینی برای محدود کردن این روابط شده است. یکی از این قوانین که طی چند دهه اخیر همواره مورد بحث و پژوهش قرار گرفته است، چرخش حسابرس در دو سطح مؤسسه یا شریک حسابرسی، به عنوان عاملی تأثیرگذار بر کیفیت حسابرسی، استقلال حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی بوده است.

چرخش اجباری حسابرسان در ایران برای اولین بار در آیین رفتار حرفه‌ای جامعه حسابداران رسمی ایران آمده است در بند ۱۶-۱۶ به این موضوع اشاره می شود که به کارگیری کارکنان ارشد در ارتباط با یک صاحب کار برای سال‌های متمادی ممکن است تهدیدی برای استقلال باشد. در چنین شرایطی حسابدار رسمی شاغل باید اقداماتی را به منظور حصول اطمینان از حفظ استقلال و بی طرفی انجام دهد. بدین منظور ضروری است هیچ کاری بیش از سه سال توسط یک مسئول کار و بیش از پنج سال با مسئولیت یک شریک انجام نشود. سازمان بورس و اوراق بهادار نیز، در دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶ به این موضوع پرداخته است. برابر تبصره‌ی ۲ از ماده‌ی ۱۰ دستورالعمل مذکور، مؤسسات حسابرسی و شرکای مسئول کار حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی مشمول دستورالعمل (شرکت‌های بورسی، شرکت‌های فرعی آنها، شرکت‌های سهامی عام و...) مجاز نیستند پس از گذشت چهار سال، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت‌های مذکور را بپذیرند. ضمناً در صورت خروج شرکا از مؤسسه ی قبلی، شریک مسئول کار در دوره‌ی چهار سال قبل نمی‌تواند با حضور به‌عنوان شریک در مؤسسه حسابرسی دیگر سمت مزبور را قبول کند. شروع این مهلت از تاریخ تصویب این دستورالعمل خواهد بود. هم چنین بند پ ماده ۱۳ فصل پنجم دستورالعمل مذکور تحت عنوان استقلال، عنوان می کند

که مؤسسات حسابرسی معتمد نباید تا سه سال، حسابرسی شرکت‌هایی را بپذیرند که مدیران و شرکای آن موسسه حسابرسی قبلاً به عنوان مدیر و سرپرست ارشد در مؤسسات حسابرسی یا در سازمان حسابرسی، مسئولیت انجام حسابرسی آن شرکت‌ها را عهده‌دار بوده‌اند. در سازمان حسابرسی نیز مدت تصدی مدیر فنی برای هر کار، سه سال و برای مدیر ارشد، پنج سال است. در حال حاضر با توجه به تعداد کافی مدیر فنی و مدیر ارشد، این چرخش هر دو سال انجام می‌شود (بزرگ اصل و شایسته مند، ۱۳۹۰).

به اعتقاد طرفداران مفهوم چرخش شریک حسابرسی، شریک جدید حسابرسی با نگاه و رویکرد تازه‌ای که دارد می‌تواند در کار خود بی‌طرفی بیشتری داشته باشد و کیفیت گزارش حسابرس نسبت به کنترل‌های داخلی را افزایش دهد. اگر شریک حسابرسی قبلی در سال‌های گذشته موفق به شناسایی یا گزارش نقاط ضعف بااهمیت نشده باشد، این نگاه تازه ممکن است کیفیت حسابرسی را در سال‌های تغییر شریک حسابرسی بهبود بخشد. با این حال، ممکن است شریک حسابرسی جدید چندین سال طول بکشد تا شناخت کافی از صنعت صاحبکار را به دست آورد و در حسابرسی کاملاً موثر باشد. در نتیجه، یک شریک جدید ممکن است تصمیمات گرفته‌شده در حسابرسی‌های سال گذشته را به چالش نکشد. به عنوان مثال، چی و همکاران (۲۰۰۹) هیچ تغییری در کیفیت حسابرسی در سال پس از چرخش شریک حسابرسی برای نمونه‌ای از شرکت‌های ذکر شده تایوانی پیدا نکرد. مطالعات پیشین نشان می‌دهد که رویه‌های حسابرسی و ارزیابی شواهد حسابرسی در سال‌های تغییر شریک حسابرسی به روش‌هایی که می‌تواند احتمال شناسایی و گزارش ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی را افزایش دهد، متفاوت است. لنوکس و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که حسابرسان چینی به احتمال زیاد در سال اول تصدی شریک حسابرسی پس از چرخش اجباری شریک حسابرسی، به تعدیل حسابرسی نیاز دارند (فیتجرالد و همکاران، ۲۰۱۸).

بنابراین فرضیه سوم و چهارم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه سوم: بین چرخش مؤسسه حسابرسی با افشای نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل، رابطه معنی‌داری وجود دارد.
فرضیه چهارم: بین چرخش شریک موسسه حسابرسی با افشای نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل، رابطه معنی‌داری وجود دارد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های خارجی

اورادی و همکاران (۲۰۱۹)، رابطه بین تخصص مالی مدیرعامل را با نقاط ضعف کنترل‌های داخلی مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که بین تخصص مالی مدیرعامل و نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی رابطه منفی معنی دارد وجود دارد. علاوه بر این، این رابطه منفی زمانی که مدیرعامل از داخل شرکت به استخدام درآمده باشد، قوی تر است.

فیتجرالد و همکاران (۲۰۱۸)، به بررسی اثرات دوره تصدی شریک حسابرسی و تغییرات شریک حسابرسی بر کیفیت گزارشگری کنترل داخلی برای سازمان‌های بزرگ غیرانتفاعی (NFP) در ایالات متحده آمریکا پرداخته‌اند. داده‌ها مربوط به ۱۶۷۰۹ مشاهده و از سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین دوره تصدی شریک حسابرسی و کیفیت گزارش کنترل‌های داخلی ارتباط منفی وجود دارد. همچنین بین تغییر شریک حسابرسی و کیفیت گزارش کنترل‌های داخلی ارتباطی وجود ندارد.

مکلا و مارکوس (۲۰۱۷)، تأثیر دوره تصدی حسابرس مستقل را بر تجدیدارائه و نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی برای ۸۵۴۱ سال شرکت و طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که بین دوره تصدی حسابرس مستقل و میزان تجدیدارائه صورت‌های مالی رابطه منفی وجود دارد. همچنین بین دوره تصدی حسابرس مستقل و نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی نیز رابطه منفی مشاهده گردید.

چن و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی دانش خاص حسابرس نسبت به صاحبکار با استفاده از نقش دوره تصدی حسابرس و فاصله جغرافیایی و وجود ضعف کنترل داخلی پرداخته‌اند. داده‌ها مربوط به ۲۴۲۱۷ سال-شرکت و از سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۲ می‌باشد. این پژوهش نشان داد دوره تصدی بلندمدت حسابرس و نزدیکی جغرافیایی به حسابرسان، ضعف‌های کنترل داخلی را کاهش می‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهد سیاست‌های چرخش حسابرسان، حسابرس را از دانش خاص صاحبکار بی‌بهره کند به ویژه برای حسابرسانی که فاصله مکانی دورتری از صاحبکار قرار دارند.

محمود صمدی لرگانی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه‌ی بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس

اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه پژوهش شامل داده های ۱۵۹ شرکت در بازه زمانی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ می باشد. نتایج پژوهش نشان داد که بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و استقلال هیئت مدیره و اندازه هیئت مدیره، سهام شناور آزاد و درصد مالکیت نهادی تاثیر منفی ضعف کنترل داخلی بر کیفیت اقلام تعهدی را تضعیف می کنند و در مقابل ثبات مدیرعامل شرکت و تمرکز مالکیت موجب تشدید تاثیر ضعف کنترل داخلی در شرکت ها می شوند.

علیپور و همکاران (۱۳۹۹)، به ارائه الگویی برای پیش بینی کیفیت کنترل های داخلی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای دستیابی به هدف پژوهش، ۱۴۱ شرکت (۸۴۶ سال-شرکت) از تمامی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ انتخاب شد و با استفاده از رویکرد داده های ترکیبی، فرضیه های پژوهش آزمون شدند. نتایج پژوهش نشان داد که مدل مبتنی بر ویژگی های واحدهای اقتصادی توانایی شناسایی واحدهای اقتصادی دارای ضعف کنترل های داخلی را دارد. ویژگی های حسابرسان در شناسایی و گزارش واحدهای اقتصادی دارای ضعف کنترل های داخلی مؤثر است. و نهایتاً بین شاخص های اندازه گیری اهداف مورد انتظار از پیاده سازی کنترل های داخلی و واحدهای اقتصادی دارای ضعف در کنترل های داخلی گزارش شده توسط حسابرسان رابطه معناداری وجود دارد.

صادقی سراردوی و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی دوره تصدی حسابرس و فاصله جغرافیایی بین حسابرس و صاحبکار بر ضعف کنترل های داخلی پرداختند. نمونه پژوهش شامل داده های ۱۰۲ شرکت برای دوره ۴ ساله ۱۳۹۲-۱۳۹۵ می باشد. نتایج پژوهش نشان داد دوره تصدی حسابرس بر ضعف کنترل های داخلی تاثیر معنی داری دارد که افزایش دوره تصدی حسابرس باعث کاهش ضعف کنترل های داخلی شرکت می شود. فاصله جغرافیایی بین حسابرس و صاحبکار بر ضعف کنترل های داخلی تاثیر معنی داری دارد. افزایش فاصله جغرافیایی بین حسابرس و صاحبکار باعث کاهش ضعف کنترل های داخلی شرکت می شود.

حاجیها (۱۳۹۸)، به بررسی راهبرد تجاری، ضعف بااهمیت کنترل های داخلی و تاخیر انتشار گزارش حسابرسی پرداخت. نمونه مورد مطالعه ۱۲۷ شرکت در بازه زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۴، از شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شد. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که شرکت های دارای راهبرد تجاری اکتشافی ضعف بااهمیت کنترل های

داخلی در گزارش حسابرسی دارند، اما شرکتهای با راهبرد تدافعی کمتر ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی دارند. باین حال در شرکت‌های اکتشافی تاخیر در گزارش حسابرسی کمتر از شرکت‌های تدافعی است. نتایج فرضیه اول و دوم حاکی از تایید نظریه سازمانی است که بیان می‌دارد راهبرد تجاری شرکت یک نشانه خوب برای ارزیابی قوت سیستم کنترل‌های داخلی است، اما در مورد فرضیه سوم این نظریه تایید نشد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در پژوهش‌های خارجی پیشین که در خصوص رابطه دوره تصدی و تغییر حسابرس مستقل و گزارش نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی انجام شده است، نتایج متناقضی مشاهده می‌گردد به نحوی که در برخی پژوهشها اشاره شده است که افزایش دوره تصدی منجر به کیفیت بالاتر عملکرد حسابرس مستقل در کشف نقاط ضعف مذکور می‌گردد. این در حالی است که پژوهشهایی هم نتایج معکوسی را نشان می‌دهند. همچنین در پژوهشهای داخلی پیشین تاکنون موضوع این پژوهش به صورت دقیق انجام نشده است. بنابراین هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه دوره تصدی و چرخش حسابرس در سطح شریک و موسسه حسابرسی با کیفیت گزارش حسابرس مستقل در خصوص نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی، می‌باشد که به نظر می‌رسد در رفع خلأ پژوهشهای موجود مثمرتر باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس هدف، از نوع پژوهش‌های کاربردی می‌باشد. همچنین این پژوهش از لحاظ روش انجام پژوهش توصیفی-همبستگی است. همچنین به دلیل اینکه داده‌های مورد استفاده، اطلاعات واقعی و تاریخی است، می‌توان آن را از نوع پس رویدادی (گذشته نگر) طبقه‌بندی کرد.

دوره زمانی پژوهش، جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که اطلاعاتشان برای سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی قرار گرفته است و بر اساس معیارهای زیر محدود شده است:

۱. با توجه به قابلیت اتکا و امکان دسترسی به اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس بر این اساس نمونه پژوهش از شرکت‌هایی که نام آنها تا پایان سال ۱۳۹۱ در فهرست بورس درج شده باشد و تا پایان سال ۱۳۹۸ در آن باقی مانده باشد استفاده شده است.
۲. برای همسان‌سازی و یکنواختی اطلاعات جمع آوری شده از گزارش‌های حسابرسی و صورت‌های مالی پایان سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفندماه باشد.
۳. شرکت در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداشته باشد.
۴. با توجه به شرایط و الزامات خاص شرکت‌های زیان‌ده و همچنین مشمولین ماده ۱۴۱ قانون تجارت یکی دیگر از معیارها برای انتخاب نمونه این است که شرکت طی دوره مورد مطالعه زیان‌ده نباشد و زیان انباشته نداشته باشد.
۵. شرکت‌های واسطه‌گری مالی (سرمایه‌گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بانک و بیمه) با توجه به ماهیت متفاوت عملکرد و عوامل مهم و خاص این صنعت تعمیم‌پذیری نتایج را تحت تأثیر قرار می‌دهد در نتیجه در انتخاب نمونه مد نظر قرار نگرفتند.
۶. برای محاسبه متغیر کنترلی اندازه شرکت به ارزش روز شرکت‌های مزبور نیاز است؛ از این جهت نماد معاملاتی شرکت حداقل یک بار در سال معامله شده باشد.
۷. برای اندازه‌گیری متغیر وابسته پژوهش حاضر، شرکت‌های مورد نمونه بایستی در گزارش حسابرس مستقل نسبت به وضعیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی اظهار نظر کرده باشند. با توجه به موارد فوق، تعداد نمونه پژوهش بالغ بر ۱۳۲ شرکت گردید.

مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش و متغیرهای پژوهش

به منظور بررسی فرضیه‌های اول و دوم این پژوهش از مدل رگرسیونی ۱ و برای بررسی فرضیه‌های سوم و چهارم از مدل رگرسیونی ۲ به پیروی از فیتزجرالد و همکاران (۲۰۱۸) به شرح زیر استفاده شده است:

مدل ۱:

$$MW_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AUDT_{it} + \alpha_2 PAT_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 SIZE_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

MW_{it} (افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل): یک متغیر مجازی است و چنانچه در گزارش حسابرس مستقل شرکت در

خصوص کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، نقطه ضعف بااهمیتی افشا شده باشد به آن عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد (فیتجرالد و همکاران، ۲۰۱۸) (متغیر وابسته).

$AUDT_{it}$ (دوره تصدی موسسه حسابرسی): لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های متممادی است که یک موسسه حسابرسی گزارش حسابرسی شرکت را صادر کرده است (فیتجرالد و همکاران، ۲۰۱۸) (متغیر مستقل).

PAT_{it} (دوره تصدی شریک موسسه حسابرسی): لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های متممادی است که شریک موسسه، گزارش حسابرس شرکت را امضا کرده است. لازم به ذکر است با توجه به این که گزارش‌های حسابرسی در ایران توسط دو شریک امضا می‌شوند، در این پژوهش، دوره تصدی برای شریک اول امضا کننده مدنظر قرار می‌گیرند (فیتجرالد و همکاران، ۲۰۱۸) (متغیر مستقل).

LEV_{it} (اهرم مالی): نسبت بدهی‌های شرکت به دارایی‌های آن است (متغیر کنترلی).

$SIZE_{it}$ (اندازه شرکت): لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت است که از حاصل ضرب تعداد سهام شرکت در قیمت سهام در پایان سال مالی به دست می‌آید (متغیر کنترلی).

ROA_{it} (بازده دارایی‌ها): در این پژوهش بازده دارایی‌ها برابر است با نسبت سود خالص به مجموع دارایی‌های شرکت (متغیر کنترلی).

$GROWTH_{it}$ (نرخ رشد): بیان کننده نرخ رشد فروش سالانه شرکت است (متغیر کنترلی).

مدل ۲:

$$NMW_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 AUD_{CHANGE_{it}} + \alpha_2 PA_{CHANGE_{it}} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 SIZE_{it} + \alpha_5 ROA_{it} + \alpha_6 GROWTH_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

NMW_{it} (گزارش نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی): یک متغیر مجازی است و چنانچه در گزارش حسابرس مستقل در سال t نسبت به $t-1$ در خصوص کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، نقطه ضعف بااهمیت جدیدی افشا شده باشد به آن عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد (فیتجرالد و همکاران، ۲۰۱۸) (متغیر وابسته).

AUD_CHANGE_{it} (چرخش موسسه حسابرسی: نشانگر تغییر موسسه حسابرسی است که اگر موسسه حسابرسی کننده شرکت همان موسسه حسابرسی کننده سال قبل باشد، برابر با صفر می باشد و در غیر این صورت، برابر یک است (حاجیها و رنجبر، ۱۳۹۵) (متغیر مستقل).

PA_CHANGE_{it} (چرخش شریک موسسه حسابرسی): نشانگر تغییر شریک مسئول کار حسابرسی است که اگر موسسه حسابرسی کننده شرکت همان موسسه حسابرسی کننده سال قبل باشد و شریک اول امضا کننده گزارش تغییر کرده باشند برابر با یک می باشد و در غیر این صورت صفر می باشد (حاجیها و رنجبر، ۱۳۹۵) (متغیر مستقل).

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی داده‌ها

در نگاره ۱ نتایج آمار توصیفی و در نگاره ۲ فراوانی متغیرهای مجازی پژوهش ارائه شده است. آمار توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که برای جمع آوری، خلاصه کردن، طبقه بندی و توصیف حقایق عددی به کار می‌رود. طبق نگاره ۱ مقدار میانگین نشان می‌دهد که بیشتر داده‌ها، حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. مطابق با نگاره فوق، مقدار میانگین برای متغیر اهرم مالی برابر با ۰٫۵ می باشد و این عدد نشان دهنده این است که به طور متوسط نسبت ارزش دفتری کل بدهی‌ها به ارزش دفتری کل دارایی‌ها و به عبارت دیگر ریسک مالی برای شرکت - سال‌های مورد بررسی در این پژوهش، برابر با ۰٫۵ می باشد. یکی دیگر از شاخص‌هایی که برای متغیرها محاسبه شده است انحراف معیار است که در حقیقت جذر واریانس می باشد. شاخص انحراف معیار نشان می‌دهد که به طور متوسط مشاهدات چه اندازه از میانگین فاصله دارند. هر چه انحراف معیار کمتر باشد توزیع داده‌ها نرمال‌تر است. به عنوان مثال، همان طور که در جدول ۴-۱ مشاهده می‌شود این شاخص برای متغیر اندازه شرکت برابر با ۱٫۹ است و نشان می‌دهد مشاهدات آن متغیر به طور متوسط به اندازه ۱٫۹ واحد از میانگین فاصله دارند. همچنین برای داشتن درکی بیشتر از متغیرها و مشاهدات آنها بیشترین و کمترین مقدار هر متغیر محاسبه شده است. در این خصوص کمترین میزان بازده دارایی‌ها بالغ بر ۰٫۰۰۰۵ متعلق به شرکت آبسال در سال ۱۳۹۶ و بیشترین مقدار آن بالغ بر ۰٫۶۲۶ متعلق به شرکت سیمان بهبهان در سال ۱۳۹۱ است. همچنین کمترین نرخ رشد به میزان ۱- متعلق به شرکت پارس الکتریک در سال ۱۳۹۱ و بیشترین آن به میزان ۱۱٫۹ متعلق به شرکت پارس الکتریک در سال ۱۳۹۷ است.

نگاره (۱): نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
دوره تصدی موسسه حسابداری	AUDT	۱۰۵۶	۰/۴۲	۰/۴۸	۰/۳۵	۰/۰۰	۱/۲۷
دوره تصدی شریک موسسه حسابداری	PAT	۱۰۵۶	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۸	۰/۰۰	۱/۹۴
اهرم مالی	LEV	۱۰۵۶	۰/۵۰	۰/۵۱	۰/۱۸	۰/۰۱	۰/۹۷
اندازه شرکت	SIZE	۱۰۵۶	۲۹/۲۸	۲۸/۹۵	۱/۹۰	۲۵/۱۷	۳۶/۰۱
بازده دارایی‌ها	ROA	۱۰۵۶	۰/۱۷	۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۰۰۰۵	۰/۶۲
نرخ رشد	GROWTH	۱۰۵۶	۰/۲۸	۰/۲۱	۰/۵۸	-۱/۰۰	11/9

همچنین نگاره ۲ نشان می‌دهد که از بین کل تعداد مشاهدات (۱۰۵۶)، تعداد ۳۷۶ شرکت سال نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی داشته و آن را افشا کرده‌اند. همچنین ۲۲۴ شرکت سال دارای نقاط ضعف بااهمیت جدید بوده‌اند که در سال قبل از آن مغفول مانده است. همچنین در بین مشاهدات، ۲۷۱ مورد چرخش موسسه حسابداری و ۲۷۸ مورد چرخش شریک موسسه حسابداری مشاهده شده است.

نگاره (۲): فراوانی متغیرهای کیفی پژوهش

متغیر	نماد	تعداد مشاهدات	تعداد صفر	تعداد یک
افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی	MW	۱۰۵۶	۶۸۰	۳۷۶
گزارش نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی	NMW	۱۰۵۶	۸۳۲	۲۲۴
چرخش موسسه حسابداری	AUD_CHANGE	۱۰۵۶	۷۸۵	۲۷۱
چرخش شریک موسسه حسابداری	PA_CHANGE	۱۰۵۶	۷۷۸	۲۷۸

تجزیه و تحلیل‌ها فرضیه‌های پژوهش

در این مرحله، فرآیند تحلیل فرضیه‌های پژوهش، با کمک مدل رگرسیونی لجستیک (با توجه به مقدار صفر و یک بودن متغیر وابسته) انجام می‌شود.

نتایج تحلیل فرضیه های اول و دوم

تکانه (۳): نتایج تخمین مدل (۱)

احتمال	آماره Z	انحراف استاندارد	ضریب	نماد	نام متغیر
۰/۰۱	۲/۵۵	۰/۷۰	۰/۳۲	AUDT	دوره تصدی موسسه حسابرسی
۰/۰۱	۲/۴۵	۰/۱۲	۰/۳۰	PAT	دوره تصدی شریک موسسه حسابرسی
۰/۸۵	-۰/۱۸	۰/۴۱	-۰/۰۷	LEV	اهرم مالی
۰/۰۰	-۵/۳۴	۰/۰۴	-۰/۲۱	SIZE	اندازه شرکت
۰/۳۲	۰/۹۷	۰/۲۴	۰/۲۳	ROA	بازده دارایی ها
۰/۱۳	-۱/۴۹	۰/۳۰	-۰/۴۶	GROWTH	نرخ رشد
۰/۰۰	۵/۳۰	۱/۱۸	۶/۳۰	C	عرض از مبدا
آماره مک فادن = ۰/۴۵ آماره LR = ۶۸/۲۹ احتمال مربوط به آماره LR = ۰/۰۰					آماره های مربوط به مدل

طبق نتایج حاصله و با توجه به آماره مک فادن می توان گفت که متغیرهای مستقل و تعدیلی ارائه شده در این پژوهش در مدل (۱)، در کل توانسته اند ۴۵٪ از تغییرات متغیر وابسته (افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل های داخلی) را توضیح دهند. همچنین با توجه به شاخص نسبت درستنمایی (LR statistics) می توان گفت که کل مدل معنی دار است. Prob (LR stat) احتمال یا سطح معنی دار بودن نسبت درستنمایی است که در مدل های لجستیک همواره در زیر آماره LR ارائه می شود. در اینجا چون LR بزرگ است بنابراین مقدار این احتمال کوچک است و بدان معناست که مدل مقید و غیرمقید، تفاوت معناداری دارند و بنابراین متغیرهای توضیحی، قدرت توضیح دهندگی بالایی برای متغیر وابسته پژوهش داشته اند. در مدل های لاجیت نسبت درستنمایی همان کاری را انجام می دهد که آماره F در رگرسیون های معمولی انجام می دهد. در نتیجه کل رگرسیون تخمین زده شده معنی دار است. همچنین ضریب محاسبه شده برای متغیر دوره تصدی موسسه حسابرسی برابر با ۰,۳۲ می باشد. با توجه به آماره Z ارائه شده و احتمال مربوط به آن، می توان گفت اثر گذاری دوره تصدی موسسه حسابرسی بر افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل های داخلی از لحاظ آماری معنادار است. در نتیجه فرضیه اول

پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب محاسبه شده برای متغیر دوره تصدی شریک موسسه حسابرسی برابر با ۰,۳۰ می‌باشد. با توجه به آماره Z ارائه شده و احتمال مربوط به آن، می‌توان گفت اثرگذاری دوره تصدی شریک موسسه حسابرسی بر افزایش نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی از لحاظ آماری معنادار است. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش هم همانند فرض اول، مورد تایید قرار می‌گیرد.

تحلیل فرضیه‌های سوم و چهارم

تکاوره (۴): نتایج تخمین مدل (۲)

نام متغیر	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	آماره Z	احتمال
چرخش موسسه حسابرسی	AUD_CHANGE	۰/۶۳	۰/۱۸	۳/۴۵	۰/۰۰
چرخش شریک موسسه حسابرسی	PA_CHANGE	۰/۰۹	۰/۱۸	۰/۵۳	۰/۵۹
اهرم مالی	LEV	۰/۵۵	۰/۴۸	۱/۱۲	۰/۲۶
اندازه شرکت	SIZE	-۰/۱۴	۰/۰۴	-۲/۹۹	۰/۰۰
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۴۲	۰/۸۱	-۰/۵۲	۰/۶۰
نرخ رشد	GROWTH	۰/۲۵	۰/۱۲	۲/۰۸	۰/۰۳
عرض از مبدا	C	۲/۳۱	۱/۳۶	۱/۷۰	۰/۰۸
آماره مک فادن = ۰/۴۳ آماره LR = ۳۵/۸۰ احتمال مربوط به آماره LR = ۰/۰۰					آماره‌های مربوط به مدل

همچنین با توجه به آماره مک فادن می‌توان گفت که متغیرهای مستقل و تعدیلی ارائه شده در این پژوهش در مدل (۲)، در کل توانسته اند ۴۳٪ از تغییرات متغیر وابسته (گزارش نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی) را توضیح دهند. هم‌چنین با توجه به شاخص نسبت درستنمایی (LR statistics) و احتمال مربوط به آن Prob (LR stat) می‌توان گفت که کل مدل معنی‌دار است. ضریب محاسبه شده برای متغیر چرخش موسسه حسابرسی برابر با ۰,۶۳

می‌باشد. با توجه به آماره Z ارائه شده و احتمال مربوط به آن، می‌توان گفت اثرگذاری چرخش موسسه حسابرسی بر گزارش نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی از لحاظ آماری معنادار است. در نتیجه فرضیه سوم پژوهش قبول می‌شود. همچنین ضریب محاسبه شده برای متغیر چرخش شریک موسسه حسابرسی برابر با ۰,۵۹ می‌باشد. با توجه به آماره Z ارائه شده و احتمال مربوط به آن، می‌توان گفت اثرگذاری چرخش شریک موسسه حسابرسی بر گزارش نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی از لحاظ آماری معنادار نیست. در نتیجه فرضیه چهارم پژوهش برخلاف سه فرضیه اول، رد می‌شود.

نتیجه گیری

بر اساس ادبیات تئوری نمایندگی، با افزایش تعارضات نمایندگی، تمایل واحدهای اقتصادی به انتخاب مؤسسات حسابرسی مستقل افزایش می‌یابد. افشای نامناسب و ناکافی در گزارش‌های مالی و عدم شفافیت اطلاعاتی در شرکتها موجب می‌شود که مشکلات ناشی از تفکیک مالکیت از مدیریت افزایش یابد. عدم ارائه اطلاعات مالی مربوط و قابل اعتماد، زیان‌های اقتصادی جبران‌ناپذیری را برای سهامداران و سایر ذینفعان برون سازمان به دنبال دارد. در نتیجه، مالکان به منظور کسب اطمینان از این که نمایندگان در راستای منافع ایشان حرکت می‌کنند و یا به منظور هم‌راستاسازی منافع آنها با منافع خود، هزینه‌هایی را متحمل می‌شوند که یکی از این هزینه‌ها، استفاده از خدمات حسابرسی مستقل می‌باشد. حسابرسی نقش مهمی را در کشف کلاهبرداری‌های مالی و کاهش تقلب ایفا می‌کنند. کنترل‌های داخلی ضعیف، نه تنها احتمال وقوع سوء جریان، سوء استفاده و تقلب را در سازمان بالا می‌برد بلکه بر گزارش حسابرسی مستقل نیز اثر می‌گذارد و حسابرسی مستقل با توجه به نقاط ضعف موجود در سیستم کنترل‌های داخلی قادر نخواهد بود گزارش مطلوبی ارائه نماید. از این رو برای اینکه مدیران بتوانند وظایف و مسئولیت‌های خود را به نحو احسن و در جهت جلب رضایت اشخاص ذینفع و ذیحق در شرکت به انجام برسانند و هم حسابرسی بتوانند گزارش حسابرسی مطلوب مطابق با استانداردهای حسابرسی ارائه نمایند، سیستم کنترل داخلی با توجه به ماهیت شرکت باید طرح ریزی و اجرا شود. طرح ریزی مناسب کنترل‌های داخلی باعث می‌شود حسابرسی بتوانند با اتکا بر آن وظیفه اطمینان بخشی به صورت‌های مالی را با اطمینان بیشتری انجام دهند (آقایی و همکاران، ۱۳۹۴). با توجه به اهمیت سیستم کنترل داخلی، سازمان بورس

اواق بهادار در سال ۱۳۹۱ در طی دستورالعملی شرکت‌ها را ملزم به استقرار سیستم کنترل داخلی و گزارش ارزیابی آن نمود و حسابرسان نیز مکلف شدند، نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی را در گزارش خود درج نمایند. با این حال در برخی موارد ممکن است حسابرس نتواند ضعف‌های بااهمیت در کنترل داخلی را کشف کند یا اینکه ممکن است جهت حفظ روابط خود با صاحبکار ضعف‌های اساسی موجود در کنترل‌های داخلی را نادیده بگیرند و استقلال خود را خدشه دار کنند.

در این راستا همانطور که پیش‌تر بیان شد هدف از این پژوهش بررسی بین دوره تصدی و چرخش حسابرس (در سطح شریک و موسسه حسابرسی) با افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بر این اساس چهار فرضیه تدوین شد.

بر اساس تجزیه و تحلیل رگرسیون، فرضیه اول که حاکی از وجود رابطه معنادار بین دوره تصدی مؤسسه حسابرسی با افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل می‌باشد، در سطح معناداری ۹۵٪ تایید شده است و با توجه به این که ضریب متغیر دوره تصدی مؤسسه حسابرسی مثبت است، بنابراین می‌توان بین دوره تصدی مؤسسه حسابرسی با افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این امر نشان می‌دهد که هر چه دوره تصدی مؤسسه حسابرسی بیشتر باشد، حسابرس ضعف‌های کنترل داخلی را شناسایی کرده و در گزارش خود آن‌ها را اعلام می‌دارد. نتایج این بخش با پژوهش‌های مکلا و مارکوس (۲۰۱۷)، چن و همکاران (۲۰۱۶)، صادقی سراردوی و همکاران (۱۳۹۸) و توحیدی (۱۳۹۶) مطابقت دارد. نتیجه فرضیه اول این پژوهش این گونه تفسیر می‌شود که با طولانی‌تر شدن دوره تصدی حسابرس، شناخت حسابرس از صنعت صاحبکار افزایش می‌یابد و زمانی که رابطه حسابرس و صاحبکار طولانی‌تر می‌شود، احتمال بیشتری وجود دارد اشتباهات موجود در صورت‌های مالی در پایان همان سال کشف و اصلاح شوند. همچنین باعث بهبود قضاوت‌های حسابرسی، بهبود در دقت رسیدگی و ارتقاء کیفیت ارزیابی می‌گردد. همچنین هر چه دوره تصدی مؤسسه حسابرسی بیشتر باشد، حسابرس ضعف‌های کنترل داخلی بیشتری را شناسایی کرده و در گزارش خود آن‌ها را اعلام می‌دارد.

فرضیه دوم مبنی بر وجود رابطه معنادار بین دوره تصدی شریک مؤسسه حسابرسی با افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل می‌باشد که بر اساس نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تایید قرار گرفته است. با توجه به این که ضریب متغیر شریک مؤسسه حسابرسی مثبت است؛ بنابراین می‌توان گفت بین دوره تصدی شریک مؤسسه حسابرسی با افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل رابطه مستقیم وجود دارد. در این خصوص می‌توان گفت هر چه دوره تصدی شریک مؤسسه حسابرسی بیشتر باشد، بهتر می‌تواند ضعف‌های بااهمیت در کنترل داخلی را شناسایی کند و نسبت به آن‌ها در گزارش خود اظهار نظر نماید. نتایج این بخش با پژوهش فیتجرالد و همکاران (۲۰۱۸) مطابقت ندارد. در تفسیر نتیجه فرضیه دوم می‌توان گفت که هر چه دوره تصدی شریک مؤسسه حسابرسی بیشتر باشد، شریک حسابرسی به شناخت کامل تر و جامع تری از صنعت صاحبکار و کنترل داخلی آن به دست می‌آورد. با افزایش دوره تصدی شریک حسابرسی در پی سال‌های متوالی باعث می‌شود شناخت کاملی از سیستم کنترل داخلی شرکت به دست آورد و نقاط ضعف بااهمیت سیستم کنترل داخلی شرکت را کشف و شناسایی کند و علاوه بر آن در پی سال‌های متوالی نسبت به بررسی و بهبود سیستم کنترل داخلی و مقایسه آن نسبت به سال گذشته اقدام نماید.

فرضیه سوم مبنی بر وجود رابطه معنادار بین چرخش مؤسسه حسابرسی با افشای نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل است که بر اساس تجزیه و تحلیل رگرسیون در سطح معناداری ۹۵٪ تایید شده است. با توجه به این که ضریب چرخش مؤسسه حسابرسی مثبت است، بنابراین می‌توان گفت بین چرخش مؤسسه حسابرسی و با افشای نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل رابطه مستقیم وجود دارد. نتایج حاصل از فرضیه سوم نیز بیانگر این است که تعویض ادواری حسابرس باعث خواهد شد منافع حسابرس و صاحبکار در یک جهت نباشد و این تضاد منافع باعث افزایش کیفیت گزارش حسابرسی خواهد شد. همچنین باعث می‌شود اشتباهات موجود در صورت‌های مالی توسط حسابرس شناسایی و کشف شوند. از سوی دیگر، تداوم انتخاب حسابرس باعث اعتماد به نفس بیش از حد و عدم نوآوری و کاهش بکارگیری روش‌های دقیق در بین حسابرسان مستقل شود. نتایج نشان داد؛ افزایش چرخش حسابرسان در سطح مؤسسه حسابرسی باعث کاهش احتمال قصور حسابرس و

افزایش کشف و شناسایی نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی و در نهایت افزایش کیفیت کنترل‌های داخلی صاحبکار می‌گردد. کمیته حسابرسی به عنوان رکن رابط شرکت‌ها با مؤسسه حسابرسی با استفاده از فرصت چرخش و تغییر مؤسسات حسابرسی به منظور کشف نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی بهره ببرند.

فرضیه چهارم نیز مبنی بر وجود رابطه معنادار بین چرخش شریک مؤسسه حسابرسی با افشای نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل

می‌باشد که با توجه به آزمون انجام شده، در سطح ۹۵٪ رد شده‌است و افشای نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی در گزارش حسابرس مستقل به چرخش شریک مؤسسه حسابرسی ارتباطی ندارد. نتایج این بخش با پژوهش فیتجرالد و همکاران (۲۰۱۸) مطابقت دارد. در تفسیر این نتیجه می‌توان گفت که با توجه به اینکه حسابرسی به صورت تیمی انجام می‌شود و از طرفی تغییر شریک به معنی تغییر سایر اعضای تیم رسیدگی کننده نیست. از طرف دیگر اعضای مؤسسات در رده‌های مختلف حسابرسی در یک مؤسسه باهم در ارتباط هستند و به نوعی انتقال تجربه صورت می‌گیرد. به همین جهت رابطه معناداری بین چرخش شریک حسابرسی با افشای نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی وجود ندارد.

با توجه به نتیجه فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، در سال‌های اولیه دوره تصدی مؤسسه حسابرسی یا شریک حسابرسی، احتمال درج تعداد نقاط ضعف بااهمیت حاکم بر کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی کمتر است و ممکن است این نقاط ضعف به لحاظ تعدادی با نقاط ضعف مؤسسه حسابرسی یا شریک حسابرسی که در دوره قبل نسبت به صورت‌های مالی شرکت اظهارنظر کرده است کمتر باشد؛ در این خصوص به سرمایه‌گذاران، مدیران، تحلیل‌گران و نهاد‌های ناظر بر بازار سرمایه توصیه می‌شود که این کاهش را دال بر بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی ندانسته و آگاه باشند که در سال‌های اولیه دوره تصدی حسابرس، به دلیل شناخت اندک وی از شرایط و حساب‌های شرکت، احتمال کشف نقاط ضعف کنترل‌های داخلی کاهش می‌یابد.

با توجه به نتیجه فرضیه سوم، به کمیته حسابرسی به عنوان رکن رابط شرکت‌ها با مؤسسه حسابرسی آنها پیشنهاد می‌شود از فرصت چرخش و تغییر مؤسسات حسابرسی به منظور کشف نقاط ضعف بااهمیت جدید کنترل‌های داخلی بهره ببرند. در پایان به پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود موضوعات زیر را در پژوهش‌های خود مورد عنایت قرار دهند:

- رابطه بین ویژگی‌های حسابرس داخلی و نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی
- رابطه بین اثربخشی (عملکرد) حسابرسی داخلی و نقاط ضعف بااهمیت کنترل داخلی
- تاثیر افشای نقاط ضعف بااهمیت کنترل‌های داخلی بر تصمیمات سرمایه‌گذاران

منابع

- آقای، محمد؛ گلجاریان، محمدعلی؛ نظری، کیانوش؛ اسدالهی، امین. (۱۳۹۴). کنترل‌های داخلی موثر در شرکت‌های سرمایه‌گذاری از دیدگاه حساب‌برسان مستقل. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۵ (۳): ۱-۱۲.
- بزرگ اصل، موسی؛ شایسته مند، حمیدرضا. (۱۳۹۰). چرخش اجباری حساب‌برسان. *حسابدار*، ۲۳۲: ۱-۱۰.
- حاجیها، زهره؛ محمدحسین نژاد، سهیلا. (۱۳۹۴). عوامل تاثیرگذار بر نقاط ضعف با اهمیت کنترل داخلی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۷ (۲۶): ۱۳۷-۱۱۹.
- حاجیها، زهره. (۱۳۹۸). راهبرد تجاری، ضعف با اهمیت کنترل‌های داخلی و تاخیر انتشار گزارش حسابرسی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹ (۱): ۱۸۰-۱۵۴.
- حاجیها، زهره؛ صابریان رنجبر، مریم. (۱۳۹۵). بررسی اثر مقایسه‌ای چرخش شریک موسسه حسابرسی و چرخش موسسه حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی. *همایش ملی حسابرسی و نظارت مالی ایران*.
- سازمان بورس و اوراق بهادار. (۱۳۹۱). دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، www.seo.ir.
- سازمان بورس و اوراق بهادار. (۱۳۹۲). رهنمود اظهارنظر حساب‌برسان مستقل نسبت به کنترل داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، www.seo.ir.
- صادقیان مهر، الهه (۱۳۹۶). بررسی تاثیر کیفیت حسابرسی بر اطلاعات حسابداری از منظر مربوط بودن و کیفیت افشاء در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
- صادقی سرارودی، رجیعی؛ هاشمی، سید جمال؛ تنگسیری، محمدرضا؛ اسعدی، مجید. (۱۳۹۸). دوره تصدی حسابرسان و فاصله جغرافیایی بین حسابرسان و صاحبکار بر ضعف کنترل‌های داخلی. *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، مهندسی صنایع، اقتصاد و حسابداری*.
- صمدی لرگانی، محمود؛ محمدی نوده، فاضل؛ خردیار، سینا؛ فرزدقی، سولماز. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و کیفیت اقلام تعهدی. *فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۱۳ (۲): ۷۱-۸۶.
- علیپور، سعید؛ پاک مرام، عسگر؛ عبدی، رسول؛ بحری ثالث، جمال. (۱۳۹۹). ارائه الگویی برای پیش‌بینی کیفیت کنترل‌های داخلی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه بورس اوراق بهادار تهران*، ۱۳ (۱): ۷۳-۱۰۱.
- قنبریان، رضا (۱۳۹۰). کنترل‌های داخلی از گذشته تا به امروز. *دانشنامه حسابداری*، ۲۳۷: ۴۹-۵۳.

- کمیته تدوین استاندارد های حسابرسی. (۱۳۹۳). استاندارد های حسابرسی شماره ۲۶۵. سازمان حسابرسی.
- Abhijeet Singh, Harjinder Singh, Nigar Sultana, John Evans. (2019). Independent and joint effects of audit partner tenure and non-audit fees on audit quality. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 15(2): 186-205.
- Aghaei, Mohammad, Goljarian, Mohammad Ali, Nazari, Kianoosh, Asadollahi, Amin. (2015). Effective internal controls in investment companies from the perspective of independent auditors. *Empirical accounting research*, 5(3):1-12.
- American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). 2006. Statement on Auditing Standards 107: Audit risk and materiality in conducting an audit, AU Section 312. New York, NY: AICPA.
- Auditing Standards Development Committee. (2014). Auditing Standards No. 265. Auditing Organization. (In Persian)
- Azizkhani, M., Daghani, R., & Shailer, G. (2018). Audit firm tenure and audit quality in a constrained market. *The International Journal of Accounting*, 53(3), 167-182.
- Bozorg Asl, Musa, Shayestehmand, Hamidreza. (2011). Mandatory rotation of auditors. *Accountant Magazine*. (In Persian)
- Bratton, B., Causholli, M., & Omer, T. C. (2019). Audit firm tenure, bank complexity, and financial reporting quality. *Contemporary Accounting Research*, 36(1), 295-325.
- Chen, C., Li, T., Shao, R., & Zheng, S. X. (2019). Dynamics of deterioration in internal control reported under SOX 404. *International Review of Economics & Finance*, 61, 228-240.
- Chen, Y., Gul, F. A., Truong, C., & Veeraghavan, M. (2016). Auditor client specific knowledge and internal control weakness: Some evidence on the role of auditor tenure and geographic distance. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 12(2), 121-140.
- Díaz, B; Fernández, R; Díaz, A. (2015); Auditor tenure and audit quality in Spanish state-owned foundations”, *Spanish Accounting Review*, 18(2): 115-126.
- Farazdaghi, S., Kheradyar, S., Mohammadi Nodeh, F., & Samadi Lorgani, M. (2020). Effect of corporate governance on the relationship between disclosure of internal control weakness and accruals quality. *Management Accounting*, 13(46), 71-86.

- Fitzgerald, B. C., Omer, T. C., & Thompson, A. M. (2018). Audit partner tenure and internal control reporting quality: US evidence from the not-for-profit sector. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 334-364.
- Gady Jacobya, Yingqi Lib , Tianze Lic , Steven Xiaofan Zhenga. (2018). Internal control weakness, investment and firm valuation. *Finance Research Letters*, 25: 165-171.
- Ghanbarian, Reza . (2011). Internal controls from the past to the present. *Encyclopedia of Accounting*, (237), 49-53. (In Persian)
- Gul, Ferdinand A.; Fung, Simon Yu Kit and Bikki Jaggi. (2009). Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and auditors' industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, 47(3): 265-287.
- Hajiha, Zohreh . (2019). Business strategy, Material Weaknesses of Internal Controls, and Audit Reports Delay. *Experimental Accounting Research*, 9 (1) 154-180. (In Persian)
- Hajiha, Zohreh, Mohammad Hosseinejad, Soheila. (2015). Factors affecting the internal control material weaknesses. *Financial accounting and auditing research*, 7(26):119-137 (In Persian)
- Hajiha, Zohreh, Saberian Ranjbar, Maryam . (2015). Comparative effect of audit firm partner rotation and audit firm rotation on financial reporting quality. National Conference on Auditing and Financial Supervision of Iran. (In Persian)
- Li (Lily) Z. Brooks, C. S. Agnes Cheng, Joseph A. Johnston, and Kenneth J. Reichelt. (2017). Estimates of Optimal Audit Firm Tenure Across Different Legal Regimes. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 32(1), 3-39.
- Listya Yuniastuti Rahmina, Sukrisno Agoes (2014). Influence of auditor independence audit tenure, and audit fee on audit quality members of capital market accountant forum in Indonesia. International conference on accounting studie.
- Manry, David L. Samuel, L. Tiras, Clark. M, Wheatley. (2008). The Influence of Interim Auditor Reviews on the Association of Returns with Earnings. *The Accounting Review*, 68 (1): 251-264.
- Oradi, J., Asiaei, K., & Rezaee, Z. (2020). CEO financial background and internal control weaknesses. *Corporate Governance: An International Review*, 28(2), 119-140.
- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (2015). Concept Release on Audit Quality Indicators. PCAOB Rulemaking Docket No. 41. July 1. Washington D.C., PCAOB.
- Sadeghi Sararudi, Rajabali, Hashemi, Seyed Jamal, Tangsiri, Mohammad Reza, Asadi, Majid . (2019). The auditor's tenure and the geographical distance

between the auditor and the client over the weakness of internal controls. Third International Conference on Management, Industrial Engineering, Economics and Accounting. (In Persian)

Sadeghian Mehr, Goddess . (2017). Study of the effect of audit quality on accounting information from the perspective of relevance and quality of disclosure in companies listed on the Tehran Stock Exchange. Master Thesis, Al-Zahra University. (In Persian)

Securities and Exchange Organization . (2013). Guidance of the Independent Auditor's Statement on Internal Control in Financial Reporting, www.seo.ir. (In Persian)

Securities and Exchange Organization. (2012). Instructions for Internal Controls of Publishers Listed on Tehran Stock Exchange and OTC Iran, www.seo.ir. (In Persian)

Singer, Z., & Zhang, J. (2018). Auditor tenure and the timeliness of misstatement discovery. *The Accounting Review*, 93(2), 315-338.

عوامل مؤثر بر عدم پذیرش صاحبکار توسط مؤسسات حسابداری^۱فخرالدین محمدرضایی^۲، امید فرجی^۳، سیدمحمد علوی نسب^۴، شیوا مصلی نژاد^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۶

مقاله پژوهشی

چکیده

رقابت شدید در حرفه حسابداری می‌تواند منجر به تشویق مؤسسات حسابداری به یافتن صاحبکاران جدید شود. با این وجود، حسن شهرت مؤسسه حسابداری از نظر قابل اتکا بودن بسیار با اهمیت بوده و عموماً آنها تمایل به پذیرش صاحبکاران با سابقه سوء استفاده‌های مدیریت یا ارائه گزارش‌های گمراه‌کننده ندارند. بنابراین این پژوهش با بهره‌گیری از منابع علمی به استخراج مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عدم پذیرش صاحبکار می‌پردازد. بر این اساس، مصاحبه نیمه ساختار یافته‌ای با ۱۶ نفر از شرکا و مدیران فنی مؤسسات حسابداری، طراحی و اجرا گردیده است. عوامل مؤثر بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکار، از طریق کدگذاری و تحلیل مضمون مصاحبه‌های انجام شده، شناسایی و بر اساس آن پرسشنامه‌ای شامل ۵ بعد و ۳۰ سؤال طراحی و داده‌ها (۲۳۴ پرسشنامه تکمیل شده) گردآوری شدند. نتایج نشان داد که به ترتیب پنج عامل شامل اطلاعات مالی شرکت، عدم خوشنامی صاحبکار، عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی مؤسسه، فقدان توانایی‌ها برای اجرای کار حسابداری و ماهیت عملیات صاحبکار، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکار هستند. نتایج این پژوهش نشان داد که عوامل مؤثر بر عدم پذیرش صاحبکار در ایران می‌تواند در مواردی متفاوت از عوامل برجسته شده در متون بین‌المللی باشد.

واژه‌های کلیدی: عدم پذیرش صاحبکار، عدم خوشنامی صاحبکار، عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی توسط حسابرسان، فقدان صلاحیت و زمان حسابرسان.

طبقه‌بندی موضوعی: M42

DOI: 10.22051/JERA.2021.35687.2841

۱. استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم مالی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، (f.mrezaei@khu.ac.ir).

۲. استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (omid_faraji@ut.ac.ir).

۳. استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران، (alavinsb@ut.ac.ir).

۴. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران، (shivamosallanejad@ut.ac.ir).

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

انتشار گزارش‌های مالی در راستای ادای وظیفه پاسخگویی مدیران در برابر استفاده‌کنندگان و ذینفعان شرکتی است و بالتبع شفافیت در گزارشات مالی، بر فرآیند تصمیم‌گیری و کاهش مخاطرات مربوط اثرگذار است (حساس یگانه و عرب احمدی، ۱۳۸۷: ۹۸). به منظور افزایش نقش اعتباردهی حسابرسی، سیاست‌گذاران بر روی اهمیت حسابرسی مؤثر و کارآمد به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی بازارهای سرمایه کارا تمرکز نمودند و تلاش‌هایی را برای شناسایی محرک‌های کلیدی کیفیت حسابرسی انجام دادند (وکیلی فرد و مران جوری، ۱۳۹۳: ۲۱۴).

مسئله‌ای که وجود دارد این است که پذیرش نادرست صاحبکار، می‌تواند هم باعث شکل‌گیری دعاوی حقوقی آتی و تحمیل هزینه‌های گزاف به هر دو طرف و هم موجب از بین رفتن شهرت مؤسسه حسابرسی و اعتماد عمومی به حرفه و گزارشگری مالی شرکت‌ها گردد. چرا که حسابسان ممکن است متهم شوند که تمام تلاش خود را در جهت کشف اطلاعات دستکاری شده به کار نبرده‌اند (کشتکار و خواجه‌ای، ۱۳۹۹: ۲۰۷). داشتن اطلاعات به اندازه‌ای که ارزیابی آگاهانه در مورد پذیرش صاحبکار بالقوه و توانایی مؤسسه حسابرسی برای انجام حسابرسی با کیفیت را ممکن سازد، باعث می‌شود رابطه‌ای مطلوب بین حسابرس و صاحبکار ایجاد شود (کمیته بین‌المللی حسابداران، ۲۰۱۰). بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که چه عواملی منجر به عدم پذیرش صاحبکار توسط مؤسسات حسابرسی در ایران می‌شود؟

در رابطه با ضرورت پژوهش حاضر باید گفت در ایران نیز، به نظر می‌رسد فرآیند عدم پذیرش صاحبکار مسئله قابل توجهی باشد. از یک سو، استانداردهای حرفه‌ای رهنمودی عملی در مورد چگونگی تصمیم‌گیری درباره رد یا پذیرش صاحبکار فراهم نمی‌نمایند، بلکه تنها بیان می‌کنند که مؤسسات حسابرسی باید رویه‌هایی را جهت انجام تصمیم رد صاحبکار تدوین نمایند. از طرف دیگر، مؤسسات حسابرسی در ایران سیاست و یا رویه‌های مکتوب و مدونی در این رابطه ندارند، حتی در مؤسسات حسابرسی ادغام شده که انتظار می‌رود این ادغام منجر به افزایش کیفیت کار و ساختارمندی سیاست‌ها و رویه‌های این دست شود، هیچ برنامه مدونی جهت انجام تصمیم عدم پذیرش صاحبکار وجود ندارد. با وجود انجام پژوهش‌هایی در سطح بین‌المللی در ارتباط با عوامل مؤثر بر عدم پذیرش صاحبکار (مانند هوانگ، چانگ و چو، ۲۰۱۶: ۱۳۳)، خاص بودن بازار حسابرسی و کمبود پژوهش در رابطه با عوامل اثرگذار بر عدم پذیرش صاحبکار، یکی از دلایل و ضرورت‌های انجام پژوهش حاضر است. ایران بازار خاص و متفاوتی دارد چرا که در آن مؤسسات حسابرسی بین‌المللی فعالیت نمی‌کنند، ریسک دادخواهی پایین‌تر و احکام انضباطی نهادهای ناظر کم‌تر است و از طرفی

رقابت بین مؤسسات حسابرسی بالاست (مرادی، یحیایی و اسکندر، ۱۴۰۰). در چنین شرایطی که مؤسسات حسابرسی با کمبود صاحبکار روبرو هستند، ممکن است میزان عدم پذیرش صاحبکاران بسیار ناچیز باشد. از جمله پژوهش‌های داخلی می‌توان به پژوهش‌های خدماتی پور و سرمست (۱۳۹۲) و حساس یگانه و عرب احمدی (۱۳۸۶) اشاره کرد که این پژوهش‌ها نیز با پیروی از طرح‌های پژوهش‌های خارجی، نتوانسته‌اند شرایط خاص داخل کشور را در مدل خود کنترل و نتایج را براساس این شرایط تفسیر کنند و صرفاً به بررسی تأثیر عوامل محدودی از قبیل اندازه کسب و کار صاحبکار، ریسک حسابرسی و ریسک کسب و کار صاحبکار پرداخته شده است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر رد صاحبکاران توسط مؤسسات حسابرسی در فضای منحصر به فرد و خاص حسابرسی ایران است.

عمده پژوهش‌های قبلی انجام شده به صورت کمی بوده‌اند اما شرایط قانونی هر کشور، درجه رقابت مؤسسات حسابرسی و میزان تحت پیگرد قرار گرفتن مؤسسات حسابرسی و اعتماد جامعه به آن‌ها مؤلفه‌هایی هستند که منحصر به هر کشور بوده و کشف و شناسایی آن‌ها مستلزم به کارگیری روشی از دانش است که بتواند عوامل مؤثر بر این تصمیم مؤسسات حسابرسی را در بستر وقوع آن مطالعه کند که به نظر می‌رسد مطالعاتی که صرفاً از روش کمی استفاده می‌کنند برای این مهم به تنهایی مناسب نباشد. این موضوع حاکی از آن است که جهت شناسایی مؤلفه‌های مؤثر، علاوه بر روش کمی، نیاز به انجام یک پژوهش عمیق و به‌بوته آزمایش گذاشتن مؤلفه‌های به دست آمده بر اساس تکنیک‌های پژوهش‌های کیفی می‌باشد. بنابراین، پژوهش حاضر با ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی به ترتیب در صدد ارائه چارچوبی کاربردی جهت ارزیابی صاحبکار توسط مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران می‌باشد تا با استفاده از این چارچوب، مؤسسه‌های مذکور هزینه‌های ناشی از پذیرش نامناسب صاحبکاران را پایین آورده و پیش از متحمل شدن هزینه‌های گزاف پذیرش نامناسب، از ارائه خدمات به این صاحبکاران اجتناب ورزند.

مبانی نظری پژوهش

امروزه مردم با اتکا به نظر حسابرسان در مورد وضعیت مالی و نتایج عملیات واحدهای تجاری، تصمیم به سرمایه‌گذاری می‌گیرند. از این‌رو، مؤسسات حسابرسی بیشتر از سایرین در معرض شکایات افراد زیان‌دیده قرار می‌گیرند. بعلاوه، اغلب در دعاوی که علیه مدیریت سطح بالای واحدهای تجاری صورت گرفته است، مدیریت واحد تجاری سعی کرده مؤسسه حسابرسی را شریک جرم خود معرفی کند و به این ترتیب بخشی از خسارت را از جانب مؤسسه حسابرسی جبران نماید که این امر ناشی از عدم پژوهش و شناخت کامل مؤسسه حسابرسی در مورد صاحبکار جدیدی بوده که مدیرانی نادرست داشته است و

معمولاً بعد از ورشکستگی صاحبکار، مؤسسات حسابرسی کانون اتهام واقع می‌شوند (وحیدی الیزبی، ۱۳۸۳: ۳۳). یکی از راه‌های کاهش ریسک دعاوی حقوقی، انجام تصمیمات هدفمند جهت پذیرش یا رد صاحبکار می‌باشد تا موازنه‌ای بین مزایا و هزینه‌های انجام کار حسابرسی ایجاد شود.

از طرفی، حسابرسی حرفه‌ای است که در آن سود نهایی هر پروژه حسابرسی، ناشناخته است و حسابرس ممکن است با صورت‌های مالی حاوی موارد و تحریفات کشف نشده‌ای مواجه گردد که پس از ارائه گزارش حسابرسی، آشکار شده باشد. چنین رویدادی ممکن است به از دست رفتن شهرت حسابرس، از دست دادن صاحبکار و در بدترین حالت به دعاوی حقوقی پرهزینه بینجامد. از این رو حسابرسان بایستی به تناسب افزایش ریسک، تلاش بیشتری را برای کسب حق الزحمه بالاتر منظور نمایند (آذین فر قدرتی زوارم و نوروزی، ۱۳۹۸: ۱۴۷).

استراتژی افزایش حق الزحمه حسابرسی در مقابله با ریسک‌هایی که حسابرس با آنها مواجه است، تنهاترین انتخاب مؤسسات حسابرسی نمی‌باشد. این استراتژی تنها زمانی کاربرد دارد که صاحبکار بابت ریسک بیشتری که به حسابرس تحمیل می‌کند، حاضر باشد حق الزحمه بیشتری را پرداخت کند؛ در غیر این صورت در شرایط عقلانی، حسابرس باید از استراتژی جایگزین، یعنی عدم پذیرش صاحبکار، استفاده کند (حساس یگانه و عرب احمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۳). بنابراین اولین مرحله در پذیرش صاحبکار، ارزیابی ریسک‌های موجود می‌باشد. پژوهش‌های پیشین و رهنمودهای حرفه‌ای نشان می‌دهند که مؤسسات حسابرسی، اطلاعات مربوط به ریسک‌های صاحبکاران خود را دریافت نموده و مورد ارزیابی قرار می‌دهند، و بعید است که صاحبکار پرمخاطره را بپذیرند (جان استون و بدارد، ۲۰۰۳: ۱۰۱۱).

در بازار حسابرسی ایران ریسک دادخواهی علیه مؤسسات حسابرسی پایین است، از طرفی حق الزحمه‌های حسابرسی نیز پایین هستند. در چنین شرایطی، بدون لحاظ کردن اثر مداخله‌گری ساختار بازار حسابرسی کشور، نوعی توازن بین ریسک و بازده برقرار می‌باشد. به عبارتی، زمانی که مؤسسات حسابرسی ایرانی با یک صاحبکار پرمخاطره روبرو می‌شوند ممکن است این صاحبکار را قبول نکنند چرا که امکان افزایش حق الزحمه وجود ندارد، در چنین سناریویی باز هم توازن برقرار است؛ چرا که حق الزحمه ناچیز حسابرس را تشویق به پذیرش صاحبکاران پرمخاطره نمی‌کند. اما آنچه چنین توازنی را بر هم می‌زند، رقابت شدید در بازار حسابرسی ایران است (محمدرضائی و محد صالح، ۲۰۱۸) که باعث می‌شود مؤسسات حسابرسی نتوانند به تبع پذیرش ریسک بالاتر، حق الزحمه بیشتری را هم از صاحبکار خود مطالبه نمایند. این مطلب بدان معنا نیست که حسابرس تحت هر شرایطی پیشنهاد هر صاحبکاری را قبول می‌کند، اما به

نظر می‌رسد میزان عدم پذیرش صاحبکار در بازار حسابرسی پایین تر بوده و مؤلفه‌های مؤثر بر آن نیز متفاوت باشند که در پژوهش حاضر به دنبال شناسایی این مؤلفه‌ها هستیم.

پیشینه تجربی پژوهش

کیتی وانگ و سر جان پیچ (۲۰۱۸) در پژوهش خود به دنبال بررسی این بودند که آیا صاحبکاران، مؤسسه‌های حسابرسی خود را انتخاب می‌کنند یا مؤسسه‌های حسابرسی صاحبکاران خود را؟ نتایج آن‌ها از بورس تایلند نشان داد صاحبکاران تمایل دارند تا ۳۷ درصد بیشتر از مبلغ متوسطی که برای چهار موسسه بزرگ حسابرسی در دنیا^۱ تعیین شده، حق الزحمه پرداخت کنند. دلیل شکاف بزرگ مازاد هزینه حسابرسی در تایلند، افزایش هزینه‌های پیش‌بینی ناپذیری است که از ریسک حسابرسی و فراگیرتر شدن فساد نشأت می‌گیرد. آدامز، کریشان و کریشان (۲۰۱۷) پژوهشی با عنوان "بازنگری در تأثیر صاحبکار و استقلال حسابرِس: شواهدی از استغفای حسابرِس" انجام دادند. آنان با بررسی نمونه‌ای از صاحبکاران پرخطر به این نتیجه رسیدند که مؤسسات حسابرسی کوچک یا بزرگ که مکانیزم‌های نامناسبی برای کاهش ریسک استقلال دارند از استغفا به عنوان ابزاری برای مقابله با چنین ریسکی استفاده می‌کنند. جانسون و سنایدر (۲۰۱۷) دریافتند که مؤسسات حسابرسی تمایل دارند مسئولیت قانونی را به حداقل رسانده و خوشامی خود را در ارائه خدمات با کیفیت حفظ کنند. در نتیجه، مدیریت مؤسسات حسابرسی، ریسک بالقوه (و جاری) شرکت‌های صاحبکار را به منظور تعیین توانایی مؤسسه در مدیریت ریسک ذاتی و ریسک بالقوه (و جاری) شرکت‌های صاحبکار را به منظور تعیین توانایی مؤسسه در ارزیابی خواهند کرد. هوانگ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود به دنبال پاسخ به دو سؤال زیر بودند: اول اینکه آیا دعاوی حقوقی بر روی تصمیم مؤسسات حسابرسی مبنی بر پذیرش گزارش متهورانه صاحبکار تأثیر می‌گذارد و دوم اینکه آیا دعاوی حقوقی، ریسک کسب و کار صاحبکار و فشار ناشی از حفظ صاحبکار، بر تصمیم مؤسسات حسابرسی مبنی بر حفظ روابط بلند مدت با صاحبکار اثر می‌گذارد. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده تأثیر با اهمیت محیط دادخواهی بر روی تصمیم مؤسسات حسابرسی است.

از طرفی، الجوشی، العجمی و برمسر (۲۰۰۹)، در پژوهشی گسترده به بررسی روابط بین صاحبکار و مؤسسات حسابرسی و مشکلات آن در محیط حسابرسی بحرین پرداختند. آن‌ها با استفاده از روش پیمایشی به بررسی دیدگاه مؤسسه‌های حسابرسی پرداختند. بر اساس نتایج به دست آمده، حسابرسان اظهار کردند که ترکیب ریسک کسب و کار صاحبکار مهم‌ترین عامل اثرگذار بر تصمیم مؤسسات حسابرسی در جهت عدم پذیرش صاحبکار جدید می‌باشد. در رابطه با تأثیر عامل فقدان توانایی‌ها،

صلاحیت و زمان لازم برای اجرای کار حسابرسی بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکار از جانب حسابرس، می‌توان به پژوهش آرونادا (۲۰۰۴) اشاره کرد. وی دریافت که حسابرسان با تخصص ویژه در حسابرسی یک صنعت خاص به دو دلیل عمده کیفیت حسابرسی بالاتری دارند. آشنایی بیشتر با مسائل و مشکلات حسابداری و حسابرسی آن صنایع به دلایل اجرای مداوم حسابرسی آن، وجود انگیزه برای کسب و حفظ شهرت در حسابرسی آن گروه از صنایع خاص. تأثیر استراتژی‌های مدیریت ریسک بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکاران هم توسط جان استون و بدارد (۲۰۰۳) بررسی شده است. آنان به بررسی این موضوع پرداختند که آیا استراتژی‌های مدیریت ریسک (مخصوصاً استفاده از پرسنل خبره و حق‌الزحمه بالاتر) تأثیر ریسک را بر تصمیم پذیرش صاحبکار تعدیل می‌کند، و در نتیجه به مؤسسات حسابرسی در ایجاد روابط صاحبکار با سطح ریسک/ بازده قابل قبول کمک می‌کند یا خیر. آنان به این نتیجه رسیدند که به طور کلی، اگرچه صاحبکاران پرریسک از جانب مؤسسات حسابرسی کم‌تر پذیرفته می‌شوند، لیکن استفاده از استراتژی‌های خاص مدیریت ریسک برای مخاطرات خاص، احتمال پذیرش چنین صاحبکارانی را افزایش می‌دهد.

مرادی، یحیایی و اسکندر (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان "تدوین الگوی پذیرش صاحبکار در مؤسسات حسابرسی" انجام دادند. نتایج حاصله نشان می‌دهد مهم‌ترین راهبردها برای مؤسسات حسابرسی در پذیرش صاحبکار، شناخت متقابل، سازش و تعامل با صاحبکار، حق‌الزحمه و گسترش ارتباطات می‌باشد. عوامل مداخله‌گر بر این راهبردها شامل: ویژگی‌های صاحبکار نظیر صلاحیت و درستکاری مدیران، توانایی مالی، ریسک‌های صاحبکار و اهمیت و اندازه صاحبکار و ویژگی‌های مؤسسه حسابرسی نظیر شهرت و استقلال آن است. مرادی و یحیایی (۱۳۹۹) در پژوهشی به تدوین الگوی انتخاب حسابرسان مستقل در ایران پرداختند. آنان دریافتند از مؤلفه‌های مداخله‌گر مهم و مؤثر بر این راهبردها، می‌توان به ویژگی‌های تأثیرگذار مؤسسه حسابرسی، الزامات نشأت گرفته از قوانین، ارتباطات و شناخت بین صاحبکار و حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی اشاره کرد. در این الگو، راهبردهای بسیار مهم برای انتخاب حسابرسان نیز عبارتند از انتخاب حسابرسان بر اساس ارتباطات، شناخت متقابل، جستجوی ساده، منافع مالی و برگراری مناقصه که می‌تواند پیامدهایی در سطح شرکت، بازار سرمایه و در سطح کلان اقتصاد به همراه داشته باشد. تأثیر عامل ریسک صاحبکار و اندازه کسب و کار تجاری وی در دو پژوهش داخلی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. خدای پور و علی پور سرمست (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان "بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر پذیرش یار صاحبکار جدید از دیدگاه حسابرسان مستقل" به این نتیجه رسیدند که ترکیب ریسک صاحبکار مهم‌ترین عاملی است که حسابرسان هنگام پذیرش یار صاحبکار حسابرسی مورد توجه قرار می‌دهند. اندازه کسب و کار تجاری صاحبکار، دومین عاملی

است که بیشترین میزان اهمیت را برای حساب‌رسان هنگام پذیرش یارد صاحبکار حسابرسی دارا می‌باشد. همچنین، حساس یگانه و عرب احمدی (۱۳۸۶) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مؤسسه‌های حسابرسی در زمان ارائه پیشنهاد به مؤسسه جهت عرضه خدمات حسابرسی، عوامل ریسک حسابرسی و عوامل ریسک کسب و کار حسابرسی را مدنظر قرار می‌دهند و با توجه به این مؤلفه‌ها در مورد صاحبکار احتمالی تصمیم‌گیری می‌نمایند. مرور پیشینه نشان می‌دهد که پژوهش‌های داخلی در ارتباط با مؤلفه‌های مؤثر بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکار، از نوع کمی و براساس پژوهش‌های خارجی بوده است. بنابراین، شکاف دانشی قابل توجه در این حوزه، نبود یک مبنا برای تصمیم‌گیری مؤسسات حسابرسی ایرانی در ارتباط با رد صاحبکار با توجه به شرایط خاص بازار حسابرسی ایران است؛ که پژوهش حاضر به این مهم می‌پردازد.

سؤالات پژوهش

آیا ماهیت عملیات صاحبکار بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکار از جانب مؤسسات حسابرسی مؤثر است؟
 آیا اطلاعات مالی شرکت بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکار از جانب مؤسسات حسابرسی مؤثر است؟
 آیا بدنامی و بی‌اعتباری صاحبکار بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکار از جانب مؤسسات حسابرسی مؤثر است؟
 آیا عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی موسسه و گروه حسابرسی بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکار از جانب مؤسسات حسابرسی مؤثر است؟
 آیا فقدان توانایی‌ها، صلاحیت و زمان لازم برای اجرای کار حسابرسی بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکار از جانب مؤسسات حسابرسی مؤثر است؟

روش پژوهش

رویکرد روش‌شناسی پژوهش حاضر تلفیقی است؛ در واقع با توجه به اینکه هدف پژوهشگر شناسایی عوامل مؤثر بر عدم پذیرش صاحبکار توسط مؤسسات حسابرسی است و به همین منظور از روش‌های کیفی و کمی به صورت ترکیبی استفاده شده است؛ رویکرد این پژوهش تلفیقی است. یکی از مهم‌ترین دلایل انتخاب روش کیفی آن است که به دلیل خاص بودن بازار حسابرسی ایران، پژوهش‌های انجام شده در سطح بین‌الملل به راحتی قابلیت کاربرد در فضای پژوهشی کشور را ندارند. در گام اول سعی شد به طور گسترده‌ای به بررسی و تحلیل محتوای کیفی موارد مرتبط با عوامل مؤثر بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکار از جانب مؤسسات حسابرسی پرداخته شود. این موارد شامل کتب، پایان‌نامه‌های داخلی و خارجی و مقالات آرشیوی می‌باشد که با استفاده از آن‌ها مهم‌ترین عواملی که می‌تواند بر تصمیم عدم پذیرش صاحبکار از جانب مؤسسات حسابرسی اثرگذار باشد، استخراج گردید که از جمله این عوامل می‌توان به وضعیت

مالی صاحبکار، ماهیت عملیات صاحبکار، اعتبار صاحبکار، توانایی اعضای مؤسسه حسابرسی و رعایت الزامات اخلاقی اشاره کرد. در گام بعدی مصاحبه نیمه ساختار یافته‌ای با شرکا و مدیران فنی مؤسسات حسابرسی شکل گرفت. مصاحبه نیمه ساختار یافته به جهت استفاده از پرسش‌های باز، انعطاف‌پذیری بیشتری دارد. به منظور بررسی روایی سؤالات مصاحبه، سؤالات در اختیار پنج نفر از خبرگان شامل افراد حرفه‌ای در زمینه حسابرسی قرار گرفت. این افراد سؤالات را بررسی کرده و برای هر یک از سؤالات واژه‌ی ضروری، مفید اما غیر ضروری و غیر ضروری را قرار دادند؛ این کار به منظور محاسبه اعتبار محتوایی سؤالات انجام گرفت.

با توجه به هدف پژوهش، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی یا زنجیره‌ای برای مصاحبه استفاده شده است. مصاحبه با ۱۶ نفر از شرکا و مدیران فنی مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران انجام شد که از ۵ مؤسسه حسابرسی انتخاب گردیدند. پس از هر مصاحبه، محتوای مصاحبه از طریق صدای ضبط شده مصاحبه‌شوندگان به متن تبدیل و کدگذاری شد. پس از مصاحبه با ۱۶ نفر فوق، اشباع نظری حاصل شد. به عبارت دیگر، داده جدیدی که به پژوهش وارد می‌شد طبقه‌بندی موجود را تغییر نداده یا پیشنهادی برای ایجاد مؤلفه جدید ایجاد نمی‌کرد. در رابطه با تاریخ انجام مصاحبه باید گفت که مصاحبه‌ها در ۹ ماه اول سال ۱۳۹۸ انجام شد و با توجه به گذر زمان بدلیل شرایط کرونا مجدداً در انتهای سال ۱۳۹۹ از مصاحبه‌شوندگان درخواست شد نظر خود را درباره عوامل مؤثر بر عدم پذیرش صاحبکار اعلام نمایند که تقریباً همان عوامل را ذکر کردند. همچنین به عقیده مصاحبه‌شوندگان شرایط محیط حسابرسی طی این دو سال تغییر زیادی نکرده است و تنها تغییر مهم به وجود آمدن شرایط کرونایی بود که باعث شد مصاحبه‌شوندگان بر اطلاعات مالی شرکت تأکید بیشتری داشته باشند که قبلاً نیز این مؤلفه شناسایی شده بود. اطلاعات مرتبط با مصاحبه‌ها و مصاحبه‌شونده‌ها را در نگاره (۱) مشاهده می‌کنید. توجه شود که کدگذاری از طریق نرم‌افزار مکس کیودی‌ای^۱ نسخه ۱۰ انجام شد.

پس از شناسایی کدها در بخش کیفی، بخش کمی پژوهش با طراحی پرسشنامه صورت می‌گیرد. پرسشنامه طراحی شده شامل ۳۰ سؤال می‌باشد که این سؤالات بعد از استخراج کدها و مضامین مربوط به هر کد از مصاحبه‌های صورت گرفته با شرکا و مدیران فنی حسابرسی، طراحی و تدوین شده‌اند. با توجه به معین بودن حجم جامعه که ۲۹۵۱ نفر می‌باشد، برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. با توجه به فرمول کوکران تعداد نمونه آماری ۳۴۰ نفر می‌باشد. بدین منظور، اقدام به توزیع ۳۴۰ عدد پرسشنامه بین شرکا و مدیران فنی حسابرسی و سرپرستان ارشد شد. بعد از گردآوری پرسشنامه‌ها و استخراج داده‌ها، به دلیل در دسترس نبودن و عدم تمایل بخشی از نمونه به پاسخگویی به سؤالات و حذف پرسشنامه‌های مخدوش شده، ۲۳۴ پرسشنامه مورد تأیید نهایی به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات قرار گرفت.

نگاره (۱): اطلاعات مربوط به مصاحبه‌ها و مصاحبه شونده‌ها

نحوه مستند کردن	شکل مصاحبه	مدت انجام مصاحبه- دقیقه	نحوه مصاحبه	دفعات مصاحبه	تاریخ مصاحبه	سمت مصاحبه شونده	کد اختصاص یافته به مصاحبه شونده‌گان	کد اختصاص یافته به مؤسسه حسابداری
ضبط صدا	حضور	۸۰ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۲/۱۳	شریک حسابداری	P1	F1
ضبط صدا	حضور	۵۵ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۲/۲۱	شریک حسابداری	P2	F2
ضبط صدا	حضور	۵۰ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۲/۱۳	شریک حسابداری	P3	F1
ضبط صدا	حضور	۴۵ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۳/۰۱	شریک حسابداری	P4	F3
ضبط صدا	حضور	۳۰ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۳/۰۸	شریک حسابداری	P5	F4
ضبط صدا	حضور	۶۰ دقیقه	جداگانه	۲	۱۳۹۸/۰۲/۰۸	شریک حسابداری	P6	F3
ضبط صدا	حضور	۷۰ دقیقه	جداگانه	۲	۱۳۹۸/۰۲/۱۵	شریک حسابداری	P7	F5
ضبط صدا	حضور	۴۰ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۲/۱۷	شریک حسابداری	P8	F4
ضبط صدا	حضور	۵۵ دقیقه	جداگانه	۲	۱۳۹۸/۰۲/۲۲	شریک حسابداری	P9	F2
ضبط صدا	حضور	۱۰۰ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۲/۲۷	مدیر فنی	TM1	F2
ضبط صدا	حضور	۶۰ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۳/۰۴	مدیر فنی	TM2	F3
ضبط صدا	حضور	۷۰ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۳/۱۷	مدیر فنی	TM3	F3
ضبط صدا	حضور	۶۵ دقیقه	جداگانه	۲	۱۳۹۸/۰۲/۲۹	مدیر فنی	TM4	F4
ضبط صدا	حضور	۴۰ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۲/۲۷	مدیر فنی	TM5	F3
ضبط صدا	حضور	۳۰ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۳/۲۶	مدیر فنی	TM6	F5
ضبط صدا	حضور	۶۵ دقیقه	جداگانه	۱	۱۳۹۸/۰۳/۰۴	مدیر فنی	TM7	F4

پس از استخراج اطلاعات، داده‌های آماری خلاصه و طبقه‌بندی شد و برای محاسبات آماری از آزمون‌های تحلیل عاملی تأییدی چند سطحی و معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای اس پی اس^۱ نسخه ۲۴ و اسمارت پی ال اس^۲ نسخه ۲ بهره گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش در بخش کیفی

سؤالات در دو بخش عوامل اصلی مرتبط با صاحبکار و مؤسسه حسابداری مورد پرسش قرار گرفت. در این پژوهش از کدگذاری باز استفاده شده است. در ادامه به طور موردی، یک نمونه از کدها و مضامین مربوطه و نقل‌های مصاحبه‌شونده‌گان، آورده شده است.

کد: ماهیت عملیات صاحبکار، مضمون: فعالیت در محیط قانونی و نظارتی یا صنعت خاص، نقل قول: ممکن است صاحبکار از نوعی از نرم‌افزارهای مالی و غیر مالی خاص استفاده کند که کار با آن برای اعضای تیم حسابداری دشوار باشد و یا حتی نتوانند از آن استفاده کنند که باعث می‌شود مؤسسات حسابداری نسبت به پذیرش کار این گونه صاحبکاران رغبت کمی نشان دهند.

در نگاره (۲) کدها و مضامین استخراج شده از مصاحبه با خبرگان ارائه شده است. پس از مصاحبه با ۱۶ نفر از شرکا و مدیران فنی مؤسسات حسابداری، پنج عامل اطلاعات مالی شرکت،

1. SPSS
2. Smart Pls

عدم خوشنامی صاحبکار، عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی مؤسسه و گروه حسابرسی، فقدان توانایی‌ها، صلاحیت و زمان لازم برای اجرای کار حسابرسی و ماهیت عملیات صاحبکار به عنوان مؤلفه‌های اثرگذار بر رد کار صاحبکار مورد تأیید قرار گرفت.

نگاره (۲): کدها و مضامین استخراج شده

عوامل	اجزا (زیرمجموعه) عوامل
ماهیت عملیات صاحبکار	۱- فعالیت در محیط قانونی و نظارتی یا صنعت خاص ۲- محیط کنترل داخلی نامناسب
اطلاعات مالی شرکت	۱- مشکلات مالی ۲- مشکلات مربوط به تداوم فعالیت
عدم خوشنامی صاحبکار	۱- عدم صلاحیت و درستکاری مدیران ۲- تغییر ارکان راهبری / تغییر مالکیت
عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی مؤسسه و گروه حسابرسی	۱- موارد نقض کننده استقلال ۲- دلایل قرارداد پیشنهادی / عدم قرارداد با مؤسسه قبلی
فقدان توانایی‌ها، صلاحیت و زمان لازم برای اجرای کار حسابرسی	۱- عدم دانش کافی شرکا و حسابرسان ۲- زمان کم برای انجام عملیات حسابرسی
ترکیب ریسک صاحبکار	۱- ریسک فناوری اطلاعات ۲- قدرت رقابت پایین ۳- ریسک استقراض بالا
ترکیب صاحبان سهام صاحبکار	۱- ساختار واحد مورد رسیدگی (خاص، عام، دولتی) ۲- تجربه و مشخصات منفی مالکان تأثیرگذار
ویژگی‌های خاص مؤسسه حسابرسی	۱- اندازه مؤسسه حسابرسی ۲- شهرت مؤسسه حسابرسی ۳- تاریخ تأسیس مؤسسه حسابرسی

یافته‌های پژوهش در بخش کمی

آماره‌های توصیفی

شاخص‌های توصیف جمعیت برای افراد نمونه در نگاره (۳) درج شده است. طبق نگاره از میان ۲۳۴ نفر مشارکت‌کننده در این پژوهش به لحاظ جنسیت ۷۳٪ مرد و ۲۷٪ زن بوده‌اند؛ به لحاظ سابقه کاری ۵٪ کم‌تر از ۱۰ سال، ۲۱٪ بین ۱۰ تا ۱۶ سال، ۱۴٪ بین ۱۷ تا ۲۰ سال، ۳۲٪ بین ۲۱ تا ۲۵ سال و ۲۹٪ بالاتر از ۲۵ سال سابقه کاری داشته‌اند؛ از لحاظ تحصیلات ۴۰٪ لیسانس، ۲۸٪ فوق لیسانس و ۳۲٪ دکتری بوده‌اند. از نظر سمت نیز اکثر پاسخ‌دهندگان سرپرستان مؤسسات حسابرسی بوده و در طبقات بعدی مدیران فنی و شرکا قرار می‌گیرند.

نگاره (۳): نتایج توصیفی جمعیت شناختی

گروه	جنسیت		سابقه کار					تحصیلات			سمت	
	مرد	زن	۱۰ <	۱۰-۱۶	۱۷-۲۰	۲۱-۲۵	۲۵ >	دکتری	ارشد	لیسانس	شرکا	مدیر فنی
فراوانی	۱۷۱	۶۳	۱۱	۴۹	۳۲	۷۵	۶۷	۷۵	۹۴	۴۵	۸۷	۱۰۲
درصد	۷۳٪	۲۷٪	۵٪	۲۱٪	۱۴٪	۳۲٪	۲۹٪	۳۲٪	۲۸٪	۴۰٪	۳۷٪	۴۴٪

آماره‌های تحلیلی کمی

الف) بررسی پیش فرض‌های تحلیل عاملی تأییدی

در پژوهش حاضر از آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای سنجش نرمال بودن داده‌ها استفاده شد (با توجه به اینکه تمامی سطوح معنی داری کم‌تر از ۰/۰۵ است) که فرض نرمال بودن داده‌ها را رد می‌کند. لیکن زمانی که تعداد داده‌ها از ۳۰ بیشتر باشد (در پژوهش حاضر تعداد داده‌ها ۲۳۴ می‌باشد و بیشتر از مقدار مذکور است)، طبق قضیه حد مرکزی توزیع داده‌ها به سمت نرمال میل می‌کند. بنابراین در اینجا با مشکلی مواجه نمی‌شویم. همچنین برای بررسی هم‌خطی میان عوامل از آزمون عامل تورم واریانس^۱ بهره گرفته شده است. در صورتی که مقدار آن از ۵ کم‌تر باشد می‌توان گفت هم‌خطی میان عوامل در سطح مطلوب و قابل قبولی می‌باشد (صفرزاده و تقفی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۳۲). طبق نتایج بدست آمده تمامی عوامل دارای مقدار عامل تورم واریانس کم‌تر از ۵ می‌باشند که در نگاره (۴) قابل مشاهده است.

نگاره (۴): نتایج پیش فرض‌های تحلیل عاملی تأییدی

VIF	آزمون کولموگروف اسمیرنوف		عوامل
	سطح معناداری	آماره z	
۳/۱۱۷	۰/۰۰۱	۰/۲۰۶	ماهیت عملیات صاحبکار
۲/۷۳۳	۰/۰۲۱	۰/۲۵	اطلاعات مالی شرکت
۲/۴۲۵	۰/۰۰۱	۰/۱۸۳	عدم خوشنامی صاحبکار
۲/۷۸۳	۰/۰۰۳	۰/۱۹۸	عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی
۲/۳۹۹	۰/۰۰۷	۰/۲۰۸	فقدان توانایی‌ها، صلاحیت و زمان لازم

ب) پایایی و اعتبار روایی همگرا و واگرا

برای بررسی پایایی عوامل کلی پژوهش از دو آزمون پایایی ترکیبی^۲ و آلفای کرونباخ^۳ استفاده شده است. برای بررسی روایی همگرا از آزمون Rho_A استفاده شده است که لازم

1. VIF
2. CR
3. CA

است مقداری بالای ۰/۶ اختیار کند (منصوری مؤید و یآوری گهر، ۱۳۹۶: ۱۲۹). نتایج آزمون‌های پایایی و روایی همگرا در نگاره (۵) گزارش شده است.

نگاره (۵): نتایج آزمون‌های پایایی، روایی همگرا و روایی منقطع

دسته بندی	زیر مجموعه	CA	Rho A	CR
اجزای (زیر مجموعه) عوامل	عدم خوشنامی صاحبکار	۰/۸۶۴	۰/۸۶۹	۰/۸۹۶
	تغییر ارکان راهبری / تغییر مالکیت	۰/۸۴۴	۰/۸۴۵	۰/۹۰۶
	دانش ناکافی شرکا و حسابرسان	۰/۸۳۵	۰/۸۳۷	۰/۹۲۴
	دلایل قرارداد پیشنهادی / عدم قرارداد با مؤسسه قبلی	۰/۸۹۶	۰/۹۰۱	۰/۹۳۵
	زمان کم برای انجام عملیات حسابرسی	۰/۷۶۹	۰/۷۶۹	۰/۸۹۶
	فعالیت در محیط قانونی و نظارتی یا صنعت خاص	۰/۸۶۵	۰/۸۷۳	۰/۹۱۷
	محیط کنترل داخلی نامناسب	۰/۸۸۲	۰/۸۸۳	۰/۹۲۷
	مشکلات مالی	۰/۹۰۰	۰/۹۰۱	۰/۹۳۸
	مشکلات مربوط به تداوم فعالیت	۰/۸۸۴	۰/۸۸۷	۰/۹۲۸
	موارد نقض کننده استقلال	۰/۸۳۸	۰/۸۳۸	۰/۹۰۲
عوامل	اطلاعات مالی شرکت	۰/۷۸۸	۰/۷۹۱	۰/۸۵۰
	عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی مؤسسه و گروه حسابرسی	۰/۷۷۷	۰/۷۸۵	۰/۸۴۴
	عدم صلاحیت و درستکاری مدیران	۰/۹۱۶	۰/۹۱۷	۰/۹۳۷
	فقدان توانایی‌ها، صلاحیت و زمان لازم برای اجرای کار حسابرسی	۰/۸۹۵	۰/۸۹۷	۰/۹۲۷
	ماهیت عملیات صاحبکار	۰/۸۲۸	۰/۸۳۱	۰/۸۷۵
محور اصلی	عدم پذیرش صاحبکار توسط مؤسسات حسابرسی	۰/۹۲۵	۰/۹۲۹	۰/۹۳۳

همچنین در نگاره (۵) مشاهده می‌شود مقدار آلفای کروناخ و پایایی ترکیبی نیز که باید بزرگ‌تر از ۰/۷ باشد (منصوری مؤید و یآوری گهر، ۱۳۹۶: ۱۲۹)، برای تمامی عوامل پژوهش از ۰/۷ بزرگتر می‌باشد که نشان از پایایی ابزار اندازه‌گیری است. همچنین برای تمامی عوامل پژوهش مقدار میانگین واریانس تبیین شده بالاتر از ۰/۵ و آزمون Rho_A بالاتر از حد ۰/۶ بوده است که حاکی از تأیید روایی همگرا می‌باشد.

ج) تحلیل عاملی تأییدی

به منظور تحلیل ساختار پرسشنامه و کشف مؤلفه‌های تشکیل دهنده، از بارهای عاملی استفاده شده است. بار عاملی نشان‌دهنده این موضوع است که چه میزان از واریانس‌های مؤلفه‌ها توسط متغیر مکنون خود توضیح داده می‌شوند. مقدار مکنون باید از ۰/۵ بزرگ‌تر و در فاصله اطمینان ۰/۹۵ معنادار باشد. معنی‌داری مکنون توسط بوت‌استرپ به دست می‌آید. نتایج به دست آمده با افزایش تکرارهای بوت‌استرپ، به نتایج حاصل از داده‌های کامل نزدیک می‌شود (بنی‌اسدی، بابایی، زراعتی و معماری، ۱۳۸۵: ۱۲).

نگاره (۶): نتایج تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول

عوامل	اجزای عوامل	سؤال	تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول		
			بار عاملی	آماره تی	سطح معناداری
ماهیت عملیات صاحبکار	فعالیت در محیط قانونی و یا صنعت خاص	فعالیت شرکت در محیط قانونی خاص (مثال: شرکت های تحت نظارت قانون خصوصی سازی)	۰/۹۰۰	۳۰/۶۸۷	۰/۰۰۰
		فعالیت شرکت در صنعت که در معرض تقلب یا فعالیت های غیر قانونی قرار دارد (مثال: پولشویی)	۰/۹۰۱	۳۸۷۵۰	۰/۰۰۰
		موقعیت جغرافیایی دور از دسترس عملیات شرکت و محل ثبت شرکت مادر (محل دفتر مرکزی)	۰/۸۵۹	۲۳/۴۸۰	۰/۰۰۰
صاحبکار	محیط کنترل داخلی نامناسب	نامناسب بودن نرم افزار های مالی و غیر مالی	۰/۹۰۲	۴۵/۸۸۹	۰/۰۰۰
		رویه های حسابداری چالشی (شامل تغییرات ناگهانی در ثبت ها)	۰/۸۷۱	۲۹/۴۶۸	۰/۰۰۰
		عدم رعایت مقررات مربوط به تحریر دفاتر قانونی (مثال: دو دفتره بودن)	۰/۹۲۶	۶۲/۳۳۶	۰/۰۰۰
اطلاعات مالی شرکت	مشکلات مالی	اطلاعات مالی شرکت مرتبط با وضعیت مالی (کل دارایی ها، بدهی ها و سرمایه)	۰/۹۰۵	۷/۸۷۸	۰/۰۰۰
		اطلاعات مالی شرکت مرتبط با عملکرد مالی (سود خالص، درآمد، جریان نقد عملیاتی)	۰/۹۲۲	۷/۸۱۶	۰/۰۰۰
		منابع وارداتی و بازار فروش صادراتی (داشتن تراز ارزی)	۰/۹۱۲	۷/۸۰۲	۰/۰۰۰
مشکلات مربوط به تداوم فعالیت	مشکل تداوم فعالیت احتمالی	مشکل تداوم فعالیت احتمالی	۰/۹۰۳	۴۳/۸۰۵	۰/۰۰۰
	عدم توانایی و منابع کافی صاحبکار برای ایجاد تسهیلات و پرداخت حق الزحمه خدمات حسابرسی	عدم توانایی و منابع کافی صاحبکار برای ایجاد تسهیلات و پرداخت حق الزحمه خدمات حسابرسی	۰/۹۱۰	۴۱/۶۴۳	۰/۰۰۰
	درگیر بودن در دعاوی حقوقی گذشته، حال یا قریب الوقوع	درگیر بودن در دعاوی حقوقی گذشته، حال یا قریب الوقوع	۰/۸۹۱	۳۳/۴۵۲	۰/۰۰۰
عدم صلاحیت و درستکاری مدیران	عدم صلاحیت و درستکاری مدیران	طرز فکر اشتباه صاحبکار پیرامون تفسیر استانداردهای حسابداری	۰/۸۴۲	۲۳/۴۴۳	۰/۰۰۰
		نگرانی در مورد صلاحیت مدیران (تجربه، مهارت، پیشینه و سایر)	۰/۸۸۱	۳۵/۱۰۸	۰/۰۰۰
		عدم پیگیری یا برخورد نامناسب شرکت با تحریف های شناسایی شده طبق گزارش سال قبل	۰/۸۵۴	۲۸/۵۵۷	۰/۰۰۰
تغییر ارکان راهبری / مالکیت	تغییر ارکان راهبری / مالکیت	تصویر رسانه ای شرکت یا مدیریت شرکت	۰/۸۶۵	۳۰/۶۹۷	۰/۰۰۰
		وجود شواهد و قرائنی در خصوص عدم صداقت و درستکاری مالکین عمده، هیئت مدیره	۰/۸۸۴	۲۶/۸۸۹	۰/۰۰۰
		وجود نگرانی پیرامون معاملات با اشخاص وابسته خارج از معاملات عادی تجاری	۰/۸۴۴	۱۳/۲۴۱	۰/۰۰۰
عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی مؤسسه و گروه حسابرسی	عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی مؤسسه و گروه حسابرسی	تغییرات شرکت (مثال: تغییرات مالکیتی)	۰/۸۹۱	۱۰/۲۱۷	۰/۰۰۰
		مبادلات برنامهریزی شده در سال پیش رو (IPO) فروش یا ادغام شرکت، سایر)	۰/۸۸۵	۱۱/۰۶۴	۰/۰۰۰
		عدم وجود استقلال ظاهری یا باطنی حسابرس با صاحبکار	۰/۸۷۱	۷/۸۱۳	۰/۰۰۰
دانش ناکافی	موارد نقض کننده استقلال	پیشنهاد حق الزحمه مشروط توسط صاحبکار	۰/۸۶۹	۷/۲۹۴	۰/۰۰۰
		محدودیت های قانونی (مثل: مانع بودن انجام همزمان خدمات حسابرسی و حسابداری)	۰/۸۶۶	۸/۲۲۹	۰/۰۰۰
	عدم قرارداد با مؤسسه قبلی	تغییر حسابرس در فواصل زمانی نامشخص	۰/۸۸۷	۱۰/۶۳۰	۰/۰۰۰
فقدان توانایی ها، و زمان لازم حسابرسی	عدم قرارداد با مؤسسه قبلی	وجود دلیلی بر عدم پذیرش کار با توجه به پاسخ در یافتی از حسابرسی قبلی	۰/۹۲۴	۱۱/۰۶۷	۰/۰۰۰
		بندهای گزارش حسابرسی سال قبل	۰/۹۱۹	۱۱/۵۱۸	۰/۰۰۰
		نبود دانش و تجربه کافی کارمندان و شرکا با توجه به فعالیت شرکت در صنایع خاص	۰/۹۲۲	۵۲/۹۸۳	۰/۰۰۰
زمان کم برای حسابرسی	زمان کم برای حسابرسی	استانداردهای حسابداری بین المللی به کار رفته (IFRS)	۰/۹۳۱	۷۵/۸۹۲	۰/۰۰۰
		وجود نشانه های از محدودیت بی مورد در دسترسی به مدارک	۰/۹۰۴	۴۳/۴۸۲	۰/۰۰۰
		فارس زمانی صاحبکار در ارائه گزارش (مشکل وجود تاریخ های تکمیل کارهای همزمان)	۰/۸۹۸	۳۸/۵۷۷	۰/۰۰۰

مطابق نگاره (۶)، تمامی مؤلفه‌ها دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ و مقدار آماره تی بیشتر از ۱/۹۶ بوده‌اند (سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵ شده است).

نگاره (۷): نتایج بارهای عاملی مراتب دوم و سوم

نتیجه	معناداری	آماره تی	بار عاملی	دسته‌بندی	عوامل
تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم			اجزا (زیرمجموعه) عوامل		
تأیید	۰/۰۰۰	۱۰/۵۷۸	۰/۷۷۳	مشکلات مالی	اطلاعات مالی شرکت
تأیید	۰/۰۰۰	۱۳/۱۵۶	۰/۷۶۶	مشکلات مربوط به تداوم فعالیت	عدم خوشنامی صاحبکار
تأیید	۰/۰۰۰	۷/۸۴۸	۰/۶۸۲	تغییر ارکان راهبری / تغییر مالکیت	عدم امکان رعایت الزامات
تأیید	۰/۰۰۰	۴۸/۱۱۵	۰/۹۱۲	عدم صلاحیت و درستکاری مدیران	اخلاقی مؤسسه
تأیید	۰/۰۰۰	۱۶/۹۸۵	۰/۸۲۱	عدم قرارداد با مؤسسه قبلی	فقدان توانایی‌ها و زمان لازم
تأیید	۰/۰۰۰	۶/۱۲۵	۰/۷۲۲	موارد نقض کننده استقلال	برای اجرای کار
تأیید	۰/۰۰۰	۱۰/۸۱۹۲	۰/۹۵۷	دانش ناکافی شرکا و حساب‌رسان	ماهیت عملیات صاحبکار
تأیید	۰/۰۰۰	۸۷/۷۱۷	۰/۹۵۲	زمان کم برای انجام عملیات حسابرسی	محیط کنترل داخلی نامناسب
تأیید	۰/۰۰۰	۱۸/۶۳۹	۰/۸۱۳	فعالیت در صنعت خاص	محور اصلی پژوهش
تأیید	۰/۰۰۰	۱۰/۵۰۵	۰/۸۳۱	محیط کنترل داخلی نامناسب	عوامل
تحلیل عاملی تأییدی مرتبه سوم			عوامل		
تأیید	۰/۰۰۰	۲۲/۳۹۸	۰/۸۳۹	اطلاعات مالی شرکت	عدم پذیرش صاحبکار توسط مؤسسات حسابرسی
تأیید	۰/۰۰۰	۱۹/۰۵۳	۰/۸۳۷	عدم خوشنامی صاحبکار	
تأیید	۰/۰۰۰	۱۱/۱۱۶	۰/۷۷۹	عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی	
تأیید	۰/۰۰۰	۳/۸۵۵	۰/۵۱۳	فقدان توانایی‌ها، صلاحیت و زمان لازم	
تأیید	۰/۰۰۰	۱۴/۹۰۹	۰/۸۰۶	ماهیت عملیات صاحبکار	

همان‌طور که در نگاره (۷) مشاهده می‌شود به ترتیب عوامل اطلاعات مالی شرکت، عدم خوشنامی صاحبکار، ماهیت عملیات صاحبکار، عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی مؤسسه و گروه حسابرسی، فقدان توانایی‌ها، صلاحیت و زمان لازم برای اجرای کار حسابرسی بیشترین تأثیر را بر تصمیم‌گیری مؤسسات حسابرسی برای رد صاحبکار مورد نظر آن‌ها دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از پرسشنامه، نشان داد که به ترتیب عوامل کلی اطلاعات مالی شرکت، عدم خوشنامی صاحبکار، ماهیت عملیات صاحبکار، عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی مؤسسه و گروه حسابرسی، فقدان توانایی‌ها، صلاحیت و زمان

لازم برای اجرای کار حسابرسی بیشترین تأثیر را بر تصمیم‌گیری‌های مؤسسات حسابرسی برای رد صاحبکار مورد نظر آن‌ها دارد. در این راستا باید گفت مؤسسات حسابرسی احتمال می‌دهند شرکتی که وضعیت مالی مناسبی ندارد و یا در خطر ورشکستگی است نتواند حق‌الزحمه حسابرسان را پرداخت نماید و تسهیلات و امکانات لازم را در اختیارشان قرار دهد و به همین دلیل از پذیرش وی خودداری می‌کنند. در مرتبه بعدی، عدم خوشنامی صاحبکار بیشترین تأثیر را در عدم پذیرش صاحبکار داشته است که در این باره می‌توان گفت که مؤسسات حسابرسی به این دلیل از پذیرش صاحبکاران بی‌اعتبار و بدنام خودداری می‌کنند چون می‌دانند عاقبت، منجر به لکه‌دار شدن شهرت حرفه‌ای و استقلال حسابرسی آن‌ها می‌گردد. ماهیت عملیات صاحبکار نیز عامل تأثیرگذار بعدی است. چنانچه مؤسسات حسابرسی احتمال بدهند که شرکت از کنترل‌های داخلی ضعیفی برخوردار است و یا اینکه در صنعت خاصی فعالیت می‌کند که در آن تخصص و تجربه لازم را ندارد، از قبول حسابرسی این شرکت خودداری می‌نمایند. عدم امکان رعایت الزامات اخلاقی مؤسسه و گروه حسابرسی نیز باعث می‌شود که مؤسسات حسابرسی برای در امان ماندن از انتقادات و تنبیهات حرفه حسابرسی، الزامات حرفه‌ای مربوط به این حرفه را رعایت نمایند و از این طریق اعتبار حرفه حسابرسی را حفظ نمایند. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های خدای پور و علی پور سرمست (۱۳۹۲)، حساس یگانه و عرب احمدی (۱۳۸۶) و آرونادا (۲۰۰۴) مطابقت داشت. با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادات کاربردی زیر ارائه می‌گردد: (۱) با توجه اینکه یافته‌های پژوهش نشان داد، اطلاعات مالی شرکت و بی‌اعتباری صاحبکار بیشترین تأثیر را بر تصمیم مؤسسات حسابرسی مبنی بر عدم پذیرش صاحبکار دارد. بنابراین، به مؤسسات حسابرسی توصیه می‌شود که برای اجتناب از ریسک عدم دریافت حق‌الزحمه و ریسک دعاوی حقوقی ناشی از اشتباه حسابرسان، به این موضوع توجه داشته باشند که اطلاعات مالی شرکت و اعتباری صاحبکار رابطه نزدیکی با هم داشته و برای کسب شناخت صحیح درباره این دو مؤلفه، باید مواردی از قبیل نمره کیفیت افشای شرکت، وضعیت و عملکرد مالی، جریان‌های نقدی و مشخصات حاکمیت شرکتی را در نظر بگیرند. (۲) جامعه حسابداران رسمی ایران هر ساله مؤسسات حسابرسی عضو این جامعه را از نظر کیفیت کار حسابرسی مورد بررسی قرار می‌دهد و از طرفی یکی از سیاست‌های کنترل کیفیت لازم برای هر مؤسسه حسابرسی طبق استانداردهای حسابرسی ایران پذیرش و حفظ صاحبکار می‌باشد. در نتیجه پیشنهاد می‌گردد که جامعه حسابداران رسمی ایران سیاست‌ها و رویه‌های

پذیرش صاحبکار در هر مؤسسه حسابرسی عضو این جامعه را مورد بررسی قرار داده و برای آن‌ها امتیازاتی قائل گردد تا بدین طریق کلیه مؤسسات حسابرسی عضو این جامعه به فرآیند پذیرش صاحبکار بیش از پیش توجه نمایند.

همچنین، برای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد: (۱) با عنایت به فراوانی نسبت تغییر سازمان حسابرسی به سایر حساب‌برسان، دلایل اصلی شرکت‌ها برای تغییر حسابرس خویش و واکنش بازار سهام نسبت به تغییر حسابرس شرکت می‌تواند موضوعات مفیدی برای انجام پژوهش‌های آتی باشد. (۲) برخورد حرفه با تصمیم پذیرش صاحبکار ممکن است به واسطه فشارهای متضاد بین حرفه‌ای‌گری و سوداگری متفاوت باشد. بررسی در مورد اینکه مؤسسات حسابرسی ایران در مورد تصمیمات پذیرش صاحبکار رغبت بیشتری به سودآوری دارند یا به حرفه‌ای‌گری، خود می‌تواند موضوع پژوهش دیگری باشد.

منابع

- آذین‌فر، کاوه؛ قدرتی زوارم، عباس؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۸). تأثیر ابعاد ریسک بر قیمت‌گذاری حسابرسی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۱ (۴۴): ۱۵۵-۱۴۴.
- بنی اسدی، محمد؛ بابایی، غلامرضا؛ زراعتی، حجت؛ معماری، فریدون. (۱۳۸۵). بکارگیری روش باز نمونه‌گیری بوت استرپ در رگرسیون لجستیک و کاربرد آن در تحلیل داده‌های مربوط به بیماران مبتلا به سرطان سینه. *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*، ۴ (۱): ۹-۱۸.
- حساس یگانه، یحیی؛ عرب احمدی، علی اصغر. (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر تصمیم‌پذیرش صاحبکار در مؤسسات حسابرسی. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۵ (۱۹): ۹۳-۱۱۴.
- خدای‌پور، احمد؛ علی‌پور سرمست، کاظم. (۱۳۹۲). بررسی عوامل مؤثر بر پذیرش یار صاحبکار جدید از دیدگاه حسابرسان مستقل. *فصلنامه پژوهش حسابداری*، ۳ (۹): ۱-۱۹.
- صفرزاده، محمدحسین؛ تقفی‌پور، احمد. (۱۳۹۴). نقش محافظه‌کاری حسابداری در ارزش‌گذاری نامتقارن بازار از اقلام غیرمستمر. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲ (۴۸): ۱۴۴-۱۲۳.
- عرب احمدی، علی اصغر. (۱۳۸۹). تصمیم‌پذیرش صاحبکار. *روزنامه دنیای اقتصاد*، نوشته شده در تاریخ ۱۳۸۹/۰۷/۱۰.
- کشتکار، رسول؛ خواجه‌ی، شکراله. (۱۳۹۹). ارائه الگویی جهت تبیین محتوای اطلاعاتی سود شرکت‌ها با استفاده از شاخص‌های کیفیت حسابرسی و ضعف‌های کنترل داخلی. *نشریه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۰ (۴): ۱۹۹-۲۲۹.
- مرادی، محمد؛ یحیائی، منیره. (۱۳۹۹). تدوین الگوی انتخاب حسابرس مستقل در ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷ (۲): ۲۸۷-۲۵۸.
- مرادی، محمد؛ یحیائی، منیره و اسکندر، هدی. (۱۴۰۰). تدوین الگوی پذیرش صاحبکار در مؤسسات حسابرسی. *مجله دانش حسابرسی*، ۲۱ (۸۳): ۱۹۵-۲۲۶.
- منصوری مؤید، فرشته؛ یآوری گهر، فاطمه. (۱۳۹۶). تأثیر استراتژی‌های نقش بر رضایتمندی زنان شاغل با در نظر گرفتن نقش خودکارآمدی زنان. *فصلنامه مطالعات مدیریت*، ۲۶ (۸۶): ۱۴۴-۱۲۵.
- وحیدی الیزبی، ابراهیم. (۱۳۸۳). برداشت حسابرسان ایرانی از ریسک ذاتی. رساله دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- وکیلی‌فرد، حمیدرضا؛ مران جوری، مهران. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و محافظه‌کاری حسابداری. *نشریه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۴ (۱۳): ۲۲۴-۲۰۹.
- Adams, T., Krishnan, J., & Krishnan, J. (2017). Client Influence and Auditor Independence Revisited: Evidence from Auditor Resignations. *University of Connecticut School of Business Research Paper*, 17 (5), 1-45.
- Joshi, P. L., Al Ajmi, J., & Bremser, W. G. (2009). A study of auditor client relationships and problems in the Bahraini audit environment, *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 25 (2), 266-277.
- Arab Ahmadi, A. A. (2010). Decision to accept the employer. *Donyaie Eqtesad Newspaper*. (in Persian)
- Moradi, M., Yahya, M., and Eskandar, H. (2021). Develop a client acceptance model in auditing firms. *Journal of Auditing Knowledge*, 21 (83): 195-226. (in Persian)

- Arunanda, B.(2004). Audit Failure and the Crises of Auditing. *European Business Organization Law Review*, 3 (5), 634-643.
- Azinafar, K., Ghodrati Zavaram, A., & Norouzi, M.(2019). The Impact of Risk Dimensions on Audit Pricing. *Financial Accounting and Auditing Research*, 11 (44), 144-155. (in Persian)
- Baniasadi, M., Babaei, G., Zeraati, H., & Memari, F. (2006). Application of bootstrap sample-resample method in logistic regression in analysis of breast cancer data. *Journal of School of Public Health and Institute of Public Health Research*, 4 (1), 9-18. (in Persian)
- Hassas Yeganeh, Y., & Arab Ahmadi, A. A.(2007). Factors Affecting Customer Acceptance Decisions in Auditing Institutions. *Quarterly Journal of Accounting Studies*, 5 (19), 93-114. (in Persian)
- Huang, T. C., Chang, H., & Chiou, J. R.(2016). Audit Market Concentration, Audit Fee, and Audit Quality: Evidence from China. *Auditing, A Journal of Practice and Theory*, 35 (2), 121- 145.
- IFAC.(2010). Client acceptance and continuance.
- Johnson, A., & Snyder, R. C.(2017). Acceptance or Rejection of an Audit Client: Understanding Risk in the Auditing Environment. *Journal of Business Case Studies*, 13 (2), 42-67.
- Johnstone, K. M., & Bedard, J. C.(2003). Risk management in client acceptance decisions. *The Accounting Review*, 78 (5), 1003-1025.
- Keshtkar, R., & Khajavi, S.(2021). Presenting a model to explain the information content of companies' profits using audit quality indicators and internal control weaknesses. *Quarterly Journal of Empirical Accounting Research*, 10 (4), 199-229. (in Persian)
- Khodamipour, A., & Alipour Sarmast, K.(2013). Investigating the Factors Affecting the Acceptance or Rejection of a New Customer from the Perspective of Independent Auditors. *Accounting Research Quarterly*, 3 (9), 1-19. (in Persian)
- Kitiwong, W., & Srijunpetch, S.(2018). Auditor Choices and Audit Fees: Do clients select their audit firms or do audit firms choose their clients?. *Journal of Accounting Professions*, 14 (44), 107-128.
- Mansouri Moayed, F., & Yavari Gohar, F.(2018). The effect of role strategies on the satisfaction of working women considering the role of women self-efficacy. *Management Studies*, 26 (86), 125-144. (in Persian)
- Mohammadrezaei, F., Moh-Saleh, N., & Ahmed, K.(2018). Audit firm ranking, audit quality and audit fees: Examining conflicting price discrimination views. *The International Journal of Accounting*, 53 (4), 295-313.
- Moradi, M., & Yahyaei, M.(2020). Developing a Model for Selecting an Independent Auditor in Iran. *Accounting and Auditing Review*, 27 (2), 258-287. (in Persian)
- Safarzadeh, M. H., & Saghafipour, A.(2015). The role of accounting conservatism in asymmetric market valuation of discontinuous items, *Journal of Financial Accounting Studies*, 12 (48), 123-144. (in Persian)
- Torkani, S., Mohammadrezaei, F., & Yaghoobnejad, A.(2021). Type of integration of auditing firms in Iran: formal or real, *Journal of Auditing Knowledge*. (in Persian) (in Press)
- Vahidi Elizei, E.(2004). Iranian Auditors' Perception of Intrinsic Risk, *PhD Thesis in Accounting*, Department of Management and Accounting, *Allameh Tabataba'i University*. (in Persian)
- Vakilifard, H., & Maran Jori, M.(2014). Investigating the Relationship between Auditor tenure and Accounting Conservatism, *Journal of Experimental Accounting Research*, 4 (13), 209-224. (in Persian)

رابطه تنوع بخشی درآمدی با ساختار سرمایه و سودآوری^۱مجید منتشری^۲، مسلم نیلچی^۳، داریوش فرید^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۰

مقاله پژوهشی

چکیده

ریسک عملیاتی عاملی مهم در ورشکستگی شرکت‌ها محسوب می‌شود. بسیاری از شرکت‌ها علاوه بر صنعت تخصصی خود، برای ورود به سایر صنایع نیز تمایل نشان می‌دهند. این امر تنوع درآمدی شرکت را افزایش داده و در صورت ایجاد مشکل برای یک صنعت خاص درآمد کلی شرکت دچار کاهش شدید نخواهد شد. بنابراین انتظار می‌رود تنوع بخشی به درآمدهای شرکت می‌تواند اثر معناداری بر سودآوری شرکت داشته باشد. بعلاوه چگونگی تامین مالی شرکت‌ها نیز می‌تواند متاثر از میزان اطمینان از درآمدهای باثبات آتی شرکت باشد. بنابراین انتظار می‌رود میزان تنوع درآمدها بر ساختار سرمایه شرکت نیز اثرگذار باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط تنوع بخشی درآمدها با ساختار سرمایه و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. نمونه این پژوهش شامل ۱۴۰ شرکت طی سال‌های (۱۳۹۰-۱۳۹۶) است. فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تکنیک آماری اتورگرسیو برداری داده‌های تابلویی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. توابع عکس‌العمل آنی نشان‌دهنده یک ارتباط پویای قابل توجهی در بخش مالی است. نتایج پژوهش حاکی از آن است هنگامی که تنوع بخشی درآمدها و ساختار سرمایه به طور هم‌زمان افزایش یابد، سودآوری شرکت‌ها در بالاترین حد ممکن قرار خواهد گرفت. همچنین هم‌زمان با افزایش سودآوری، تنوع بخشی درآمدها و ساختار سرمایه افزایش می‌یابد. با افزایش تنوع بخشی درآمدی، سودآوری افزایش و ساختار سرمایه کاهش و در صورت افزایش ساختار سرمایه، میزان سودآوری افزایش و میزان تنوع بخشی درآمدهای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران کاهش خواهد یافت.

واژه‌های کلیدی: سودآوری، تنوع بخشی درآمدها، ساختار سرمایه، اتورگرسیو برداری.

طبقه بندی موضوعی: L25, G32.

DOI: 10.22051/JERA.2020.28192.2542

^۱ دانشجوی دکتری مالی گرایش مهندسی مالی، دانشگاه یزد، ایران، (Montashery@stu.yazd.ac.ir).^۲ دانشجوی دکتری مالی گرایش مهندسی مالی، دانشگاه یزد، ایران (Moslem.nilchi@gmail.com).^۳ دانشیار بخش مالی و حسابداری، دانشگاه یزد، ایران، (نویسنده مسئول) (Fareed@yazd.ac.ir).^۴ <https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

تنوع بخشی درآمدها به عنوان بخشی از استراتژی مدیریتی می‌تواند موجب افزایش یا کاهش ارزش شرکت و همچنین سودآوری شود. روملت (۱۹۸۲) بر مبنای فرضیه هم‌افزایی و بازگشت به مقیاس، معتقد است که تنوع بخشی همگون، موجب عملکرد مطلوب‌تر شرکت می‌شود. او تنوع بخشی ناهمگن را مستلزم صرف هزینه‌های اساسی می‌داند که مدیریت برای کسب شناخت از محیط تجاری ناآشنا باید صرف کند. این هزینه‌ها موجب کاهش ارزش شرکت می‌شود. شرکت‌های دارای کسب و کار متنوع می‌توانند منابع خود را به صورت کارا تر تخصیص دهند که دلیل آن وجود فرصت‌های سرمایه‌گذاری متنوع برای آن‌هاست (نیکانور و همکاران، ۲۰۱۵). لانگ و ستلز (۱۹۹۵) در پژوهش خود نشان دادند که تنوع بخشی ناهمگون باعث کاهش ارزش شرکت می‌شود. آنها اشاره کردند که دلیل کاهش ارزش شرکت، تخصیص منابع ناکارآمد توسط مدیریت می‌باشد. در مقابل عده‌ای دیگر با نقد یافته‌های پژوهش‌های قبلی معتقد بودند که دلیل کاهش ارزش به ماهیت خود شرکت و نبود سیستم اطلاعاتی جامع و یا عملکرد ضعیف قبل از متنوع سازی کسب و کار شرکت‌ها مربوط است و به متنوع سازی درآمدها مرتبط نمی‌باشد (فخاری و طاطاری، ۱۳۹۴). همچنین ویلاونگا (۲۰۰۴) ثابت می‌کند که کاهش عملکرد ناشی از تنوع بخشی ناهمگون می‌تواند مربوط به مشکلات نمایندگی باشد.

امروزه ساختار سرمایه در دنیای کسب و کار نقش محوری غیرقابل انکاری را ایفا می‌کند. از ملزومات مهم هر فعالیت اقتصادی تأمین منابع مالی مورد نیاز است. شناسایی راه‌های مختلف تأمین مالی و استفاده از ابزارهای مناسب مالی، کمک شایانی به مدیریت در جهت تصمیم‌گیری صحیح‌تر و کارا تر خواهد نمود (آب جام، ۱۳۸۸). طی یک تقسیم‌بندی تأمین مالی شامل دو بخش داخلی و خارجی می‌باشد. در قسمت منابع داخلی، سود کسب شده شرکت به عنوان منبع تأمین مالی خواهد بود، بدین صورت که به جای تقسیم سود بین سهامداران، سود مذکور را در جهت فعالیت‌های جدید که اکثر عملیاتی و در جهت کسب بازده است به کار می‌گیرند. نوع دیگر تأمین مالی (خارجی) نیز از طریق بدهی‌ها (استقراض) و انتشار سهام صورت خواهد گرفت (صفری گرایلی، ۱۳۸۷). هر شرکتی در نهایت به دنبال حداکثرسازی ثروت سهامداران است و برای رسیدن به این مهم تلاش می‌شود تا تصمیمات و سیاست‌های مناسبی اتخاذ شود. در طول این مسیر، تصمیمات مرتبط با ساختار سرمایه، از اساسی‌ترین مباحثی است که مورد توجه قرار می‌گیرد. ساختار سرمایه، به نحوه ترکیب منابع مالی گوناگون در یک شرکت اطلاق

می‌گردد. این که یک شرکت چگونه منابع مالی مورد نیاز برای تداوم فعالیت خود را تأمین می‌نماید در نهایت، ساختار سرمایه شرکت را تشکیل می‌دهد. امروزه ساختار سرمایه به عنوان یکی از اصلی‌ترین فاکتورهای مؤثر برای ارزش‌گذاری و جهت‌گیری شرکت‌ها در بازار سرمایه مطرح می‌شود (آقایی و همکاران، ۱۳۹۳).

تأمین مالی از طریق بدهی، یکی از عوامل مهم در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری در سطح خرد و کلان است، که در بازار سرمایه ایران نیز بدلیل محدودیت بازار سرمایه، بسیار از بدهی استفاده می‌شود. سنجش عملکرد در فرآیند تصمیم‌گیری با توجه به اهمیت نقش بازار سرمایه از مهم‌ترین موضوعات حوزه اقتصاد مالی است؛ بنابراین کارکرد معیارهای مالی و سودآوری به منظور ارزیابی عملکرد شرکت‌ها ضروری است (شیرغلامی و صادق زاده، ۱۳۹۵). برگر و دی پتی (۲۰۰۶) و دریفیلد و همکاران (۲۰۰۶) بر علیت معکوس بین عملکرد شرکت، سودآوری و ساختار سرمایه تأکید دارند. نویسندگان این موضوع را تأیید می‌کنند که عدم توجه به وابستگی متقابل بین این عوامل می‌تواند منجر به تورش همزمان شود. با توجه به تئوری نمایندگی، جنسن (۱۹۸۶) نقش انضباطی بدهی را در مورد مدیران تأیید و رابطه منفی بین نسبت بدهی و میزان تنوع بخشی در آمد شرکت را پیش‌بینی می‌کند. با این حال، نتایج رابطه بین استراتژی‌های تنوع بخشی درآمدها و تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه شرکت بحث‌انگیز است. استراتژی تنوع بخشی درآمدها باعث مدیریت ریسک عملیاتی و ایجاد دیگر مزایای احتمالی می‌شود. در هر صورت، پژوهش‌های انجام شده تا کنون در مورد این موضوعات به توافق نرسیده است. یکی از دلایل آن عدم بررسی آماری دقیق است. بنابراین در پژوهش حاضر به بررسی اثرات تنوع بخشی درآمدها بر سودآوری و ساختار سرمایه شرکت‌ها پرداخته خواهد شد.

پیشینه پژوهش

آپیو و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی رابطه متنوع‌سازی کسب و کار و سودآوری شرکت با ۳۹۱ شرکت بین‌المللی پرداختند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد که تنوع همگون در کسب و کار منجر به افزایش سودآوری و تنوع ناهمگون اثر معناداری بر سودآوری شرکت‌ها ندارد.

جویدا (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین تنوع بخشی درآمدها، سودآوری و ساختار سرمایه برای ۴۱۲ موسسه مالی فرانسوی برای ۱۰ سال آماری پرداخت. نتایج حاصل از این

پژوهش نشان داد بین سودآوری و میزان تامین مالی از طریق بدهی رابطه معکوسی وجود دارد. همچنین بین تنوع بخشی درآمدها و سودآوری رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد.

هوانگ و رانگ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تنوع سازی همگون در حوزه مسکن و تأثیر آن بر ساختار سرمایه در کشور چین پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش ها نشان می دهد تنوع بخشیدن به درآمدهای املاک و مستغلات بنگاه های تجاری تأثیر مثبتی بر نسبت سرمایه گذاری بعدی دارد. همچنین نتایج نشان داد شرکت هایی که دارایی های متنوعی دارند، کاهش هزینه های تامین مالی و ارزش بازار را در هنگام افزایش بدهی تجربه خواهند کرد.

بوکر و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تنوع سازی درآمدی از محل سرمایه گذاری در صندوق ها پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد هرچه تنوع سازی در صندوق های با ریسک بالا بیشتر باشد، عملکرد و سودآوری پائین تر خواهد بود.

جایسینگانی و کانجیلال (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی رابطه پویا و غیرخطی اندازه شرکت، ساختار سرمایه و سودآوری در بین سال های ۲۰۰۵-۲۰۱۴ با تعداد ۱۱۹۴ نمونه پرداختند. نتایج نشان می دهد که اهمیت یک آستانه واحد برای اندازه شرکت، نشان دهنده حضور دو رژیم جداگانه است که در آن ساختار سرمایه به طور متفاوتی بر سودآوری تأثیر می گذارد. مشخص شده است که شرکت هایی که بزرگتر از اندازه آستانه هستند، با افزایش بدهی در ساختار سرمایه خود هزینه های کلی کسب و کار خود را افزایش می دهند. این یافته ها برای شرکت های کوچک بسیار مفید است؛ زیرا آن ها می توانند، هزینه های کلی کسب و کار خود را با کاهش بدهی در ساختار سرمایه کاهش دهند.

بریگی و ونتوری (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تنوع بخشی عملکردی و جغرافیایی و تأثیر آن بر سودآوری بانکی در زمان بحرانی برای ۴۹۱ بانک ایتالیایی در بازه زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۲ پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش های با استفاده از تجزیه و تحلیل Z-score نشان داد هر دو سناریو تأثیر منفی و معناداری بر سودآوری بانک دارند.

عبدالحمید و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی ساختار سرمایه و سودآوری در شرکت های خانوادگی و شرکت های غیرخانوادگی با بررسی ۴۶ شرکت خانوادگی و ۴۶ شرکت غیرخانوادگی در بین سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ در مالزی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد نرخ بدهی رابطه معنادار و منفی با سودآوری دارد. یافته های این پژوهش نشان می دهد که شرکت های سودآور به عنوان گزینه اصلی تامین مالی خود به سرمایه گذاری بستگی دارند. همچنین افزایش موقعیت اهرم با کاهش سودآوری همراه است.

با توجه به مبانی مذکور، می‌توان فرضیه‌های زیر را اینگونه مطرح کرد:

- ۱- بین تنوع بخشی درآمدی و ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه پویا معنی‌داری وجود دارد.
- ۲- بین ساختار سرمایه و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه پویا معنی‌داری وجود دارد.
- ۳- بین تنوع بخشی درآمدی و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه پویا معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف از نوع کاربردی، از نظر فرآیند اجرا از نوع کمی، از بعد زمانی از نوع گذشته‌نگر و پس‌رویدادی است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از تحلیل رگرسیون با داده‌های ترکیبی استفاده می‌شود. داده‌های استفاده شده در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین و سایت بورس گردآوری شده و پس از پردازش توسط صفحه برنامه اکسل برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار ایویوز ۱۱ استفاده گردیده است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۷ ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ می‌باشد. در انتخاب نمونه آماری شرایط زیر اعمال شده است:

- ۱- سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند هر سال منتهی باشد.
 - ۲- طی بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 - ۳- اطلاعات صورت‌های مالی از سال ۱۳۹۰ به‌طور کامل و پیوسته در دسترس باشد.
 - ۴- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری نباشند.
 - ۵- سهام شرکت‌ها وقفه معاملاتی با اهمیت (بیش از ۱ ماه) نداشته باشد.
- با اعمال شرایط بالا، حجم نمونه آماری تعداد ۱۴۰ شرکت شد، لازم به ذکر است داده‌های مربوط به شرکت‌های نمونه، از بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین، سایت کدال و آرشیوهای آماری سازمان بورس استخراج شده است.

روش‌های اتورگرسیو برداری (VAR) داده‌های پانلی به منظور غلبه بر مشکلات اقتصادسنجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش‌ها یک روش‌شناسی اقتصادسنجی پیوندی است، یعنی رویکرد سنتی VAR که تمام متغیرهای ساختار را درونزا در نظر می‌گیرد و تکنیک داده‌های

پانلی که امکان دخول صریح اثر ثابت در مدل را فراهم می کند را با هم ترکیب می کند. همانند مدل قراردادی VAR که در ابتدا توسط زیمس معرفی گردید، روش های PVAR و ویژگی سری زمانی هر متغیر را از طریق آزمون ریشه واحد پانل بررسی می کند. همانند مدل آبریگو و لاو (2016)، VAR پانل همگن متغیر k مرتبه p را با اثرات ثابت خاص پانل که در سیستم معادلات خطی زیر ارائه شده در نظر گرفته خواهد شد:

$$Y_{it} = Y_{it-1}A_1 + Y_{it-2}A_2 + \dots + Y_{it-p+1}A_{p-1} + Y_{it-1}A_p + X_{it}B + u_i + e_{it}$$

$$i \in \{1, 2, 3, \dots, 140\}, t \in \{1390, \dots, 1396\}$$

در اینجا Y_{it} بردار سودآوری اندازه گیری شده توسط بازدهی دارایی های به عنوان متغیرهای مستقل است؛ X_{it} بردار فعالیت متغیرهای کمکی برونزا و معیارهای تنوع بخشی درآمدی است؛ u_i و e_{it} به ترتیب بردارهای ساختار سرمایه اندازه گیری شده توسط اهرم به عنوان اثرات ثابت پانل متغیر خاص مستقل و خطاهای منحصر به فرد هستند. ماتریس های $A_1, A_2, \dots, A_{p-1}, A_p$ و ماتریس B پارامترهای مورد برآورد هستند. فرض می کنیم که نوآوری ها دارای ویژگی های زیر هستند:

$$E[e_{it}] = 0, E[e_{it}e_{it}] = \sigma^2 \text{ and } E[e_{it}e_{is}] = 0 \text{ for all } t > s$$

PVAR در معادله (1) با وابستگی های متقابل پویا و ناهمگونی های مقطعی مشکل دارد. بنابراین ناهمگونی بین واحدهای مختلف تنها بوسیله متغیر اثرات ثابت μ_i از بین می رود. از این رو، روش حداقل مربعات معمولی (OLS) را نمی توان بکار برد زیرا ضریب اثر فردی A_i با ضریب خطا در پانل های پویا همبستگی دارد و برآورد از طریق OLS منجر به ضرایب بایاس می شود. برای برطرف کردن این مشکل مدل های PVAR از معادلات برآورد شده با GMM در نظر گرفته می شوند. این مدل ها ابتدا توسط آرانو و بوند (1991) توسعه یافت و توسط آرانو و بوور (1995) و بلوندل و بوند (1998) کامل شد.

معیار ساختار سرمایه

در این پژوهش متغیر ساختار سرمایه توسط معیار اهرم دفتری (LEV) که از طریق ارزش دفتری حقوق سهامداران/ارزش دفتری دارایی ها) محاسبه و اندازه گیری خواهد شد. ارزش دفتری برای شرکت ها استفاده خواهد شد زیرا مقررات سرمایه در مورد ارزش دفتری اعمال

می‌شود و نه در مورد ارزش بازاری. نسبت بدهی نیز به‌عنوان شاخص ریسک در نظر گرفته می‌شود (گروپ و هایدر، ۲۰۱۰).

همچنین از معیار بازده دارایی‌ها (ROA) به‌عنوان شاخص سودآوری عملیاتی استفاده خواهد شد. بازده دارایی‌ها از طریق (بازده/دارائی‌ها) محاسبه خواهد شد. به‌طور کلی، شرکت‌ها باید در ابتدا به سودهای انباشته برای افزایش سرمایه متکی باشند. فوکودا (۲۰۱۴) دریافت که سودآورترین شرکت‌ها تمایل به داشتن سرمایه بیشتر نسبت به دارایی‌ها هستند.

معیار تنوع بخشی درآمدی به‌عنوان متغیر درون‌زا در نظر گرفته می‌شود تا اثر تنوع بخشی را بوسیله میزان تنوع بخشی اندازه‌گیری شده از لحاظ فعالیت‌ها، اندازه و از طریق انواع درآمد به دست آورده شود.

تنوع بخشی درآمدی (Div) معیاری شامل میزان تنوع بخشی شرکت‌ها از لحاظ حوزه فعالیت می‌باشد. این شاخص از طریق زیر محاسبه می‌شود:

$$DIV_i = 1 - \left| \frac{\text{سایر درآمدها} - \text{درآمدهای عملیاتی}}{\text{کل درآمدها}} \right|$$

این شاخص دارای مقادیری بین صفر و یک با امتیازهای بالاتر یعنی تنوع بخشی بالاتر است. مقادیر نزدیک به صفر نشان می‌دهند که فعالیت شرکت متمرکز بر عملیات اصلی خود است. نسبت بالا نشان می‌دهد که شرکت به شدت درگیر فعالیت‌هایی غیر از فعالیت اصلی خود است (گوتز و همکاران، ۲۰۱۳).

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در نگاره زیر برخی از مفاهیم آمار توصیفی ارائه شده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
تنوع بخشی	Div	۰/۱۴	۰/۱	۱/۶۱	۰	۰/۵۷	۲/۱۸	۰/۹۹
ساختار سرمایه	Lev	۰/۶۴	۰/۶۶	۱/۴۴	۰/۰۳	۰/۹۸	-۰/۰۷	۲/۷۸
بازده دارایی	ROA	۰/۱۶	۰/۱۵	۱/۵۳	-۰/۳	۰/۷۴	۳/۴۹	۲/۸۵

در نگاره بالا نشان می‌دهد انحراف معیار مشاهدات در سطح متوسطی قرار دارد. همچنین براساس چولگی و کشیدگی گزارش شده می‌توان بیان کرد توزیع مشاهدات تقریباً نرمال است.

آزمون ریشه واحد در داده‌های پنل

برای ارزیابی ایستایی متغیرهای مدل پژوهش از آزمون ریشه واحد استفاده خواهد شد. آزمون ایستایی برای ضریب Y_{it-1} در مدل زیر صورت می‌گیرد. از مهم‌ترین آزمون‌های ریشه واحد می‌توان به بریتانگ و هدری (۲۰۰۰) و لوین لین چو (۲۰۰۲) اشاره کرد که فرض می‌کند پارامترها در طول مقطع عرضی سازگار و ثابت هستند، به طوری که در رابطه زیر $p_i = p$ برقرار است.

$$y_{it} = p_i y_{it-1} + x_{it} \delta_i + \varepsilon_{it}$$

چون مقدار احتمال همه متغیرها کمتر از ۵٪ بوده است، همه متغیرها در دوره پژوهش در سطح پایا بوده‌اند. پایایی بدین معنی است که میانگین و واریانس متغیرهای پژوهش در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. بنابراین مشکل رگرسیون کاذب در ضرایب برآوردی وجود نخواهد داشت.

نگاره (۲): نتایج آزمون بریتانگ و هدری

متغیر	نماد	آماره	سطح معنی داری	نتایج
تنوع بخشی	Div	۶/۵۴	۰/۰۰۰	مانا
ساختار سرمایه	Lev	۴/۸۹	۰/۰۰۰	مانا
بازده دارایی	ROA	۷/۱۲	۰/۰۰۰	مانا

ضرایب همبستگی

برای بررسی وجود همبستگی خطی بین متغیرهای مورد بررسی، آزمون ضرایب همبستگی اجرا شده و نتایج آزمون مذکور در نگاره زیر ارائه شده است.

تکانه (۳): ضرایب همبستگی

بازده دارایی	ساختار سرمایه	تنوع بخشی	همبستگی (سطح معناداری)
		۱	تنوع بخشی
	۱	-۰/۶۴ (۰/۰۰۰)	ساختار سرمایه
۱	۰/۲۸ (۰/۰۳)	۰/۳۸ (۰/۰۲)	بازده دارایی

نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که بین تنوع بخشی در آمدی و ساختار سرمایه رابطه منفی و معناداری در سطح ۵٪ وجود دارد. بین تنوع بخشی در آمدی و بازده دارایی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین ساختار سرمایه و بازده دارایی‌ها نیز رابطه مثبت و معناداری در سطح ۵٪ وجود دارد.

همسانی واریانس

در صورتی که تعداد واحدهای انفرادی بیشتر از دوره زمانی مورد مطالعه باشد می‌توان انتظار وجود ناهمسانی واریانس را داشت. برای بررسی آزمون ناهمسانی واریانس از آزمون وایت استفاده شده است. این آزمون به منظور آزمودن واریانس ناهمسانی در مدل‌های رگرسیون خطی استفاده می‌شود. در صورتی که P-Value کمتر از سطح معنی داری ۵٪ باشد، فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس پذیرفته نمی‌شود و الگو دارای ناهمسانی واریانس بین مقاطع است. همچنین می‌توان با مقایسه ضریب تعیین حاصل از رگرس کردن خطاهای بدست آمده از رگرسیون با توزیع کای دو استاندارد، پی به این نکته برد. اگر ضریب تعیین کمتر از توزیع کای دو باشد، فرض صفر (همسانی واریانس) پذیرفته می‌شود.

تکانه (۴): نتایج آزمون همسانی واریانس

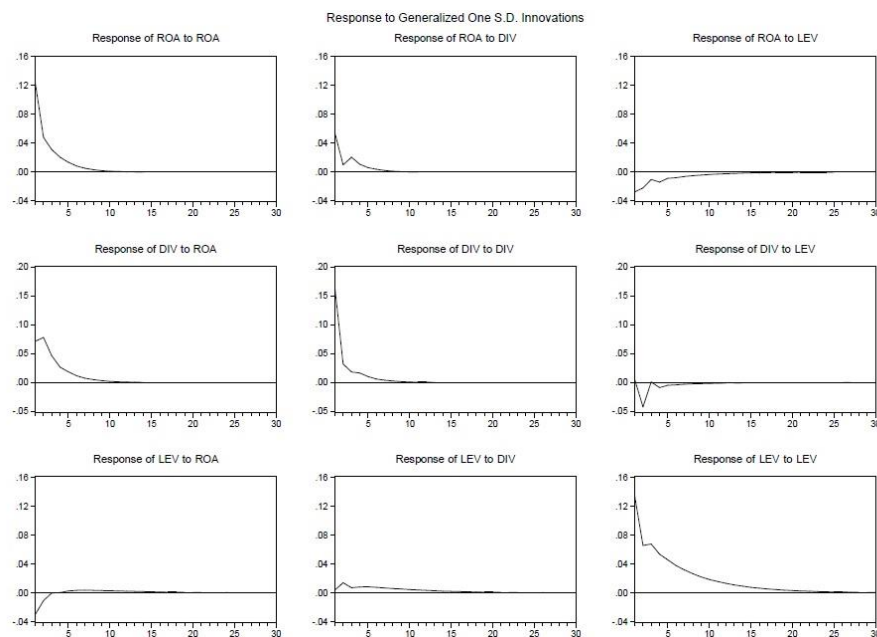
مربع کا	درجه آزادی	سطح معناداری	نتایج
۲۳/۸۵۴	۱۴	۰/۸۲۷۴	وجود همسانی واریانس

از آنجا که آماره آزمون وایت بالاتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرض مبنی بر همسانی واریانس پذیرفته می‌شود.

توابع عکس العمل آنی

عکس العمل آنی (تکانه) اثر یک انحراف معیار، شوک متغیر را روی متغیرهای دیگر بررسی می نماید. تخمین نشان می دهد اگر یک تغییر ناگهانی یا شوک به اندازه یک انحراف معیار توسط متغیر اول وارد شود، اثر (پاسخ) آن بر متغیر دوم در دوران های مختلف به چه صورت است. در نمودار زیر میزان تکانه ها و پاسخ های صادر شده از سوی متغیرهای پژوهش نمایش داده شده است.

شکل (۲): توابع عکس العمل آنی



تجزیه واریانس

تجزیه واریانس ابزار دیگر مدل های VAR جهت بررسی عملکرد کوتاه مدت است. به کمک تجزیه واریانس، سهم بی ثباتی هر متغیر در مقابل شوک وارده به هر یک از متغیرهای دیگر الگو تعیین می شود. با تجزیه واریانس خطای پیش بینی قادر خواهد بود اثر هر متغیر بر متغیرهای دیگر را در طول زمان اندازه گیری کنیم. به عبارت دیگر تجزیه واریانس، خطای پیش بینی بر آورد در اثر شوک وارده به یک متغیر توسط دیگر متغیرها را در چارچوب یک الگوی عکس العمل مشخص می کند. در این روش، واریانس خطای پیش بینی به عناصری که شوک های هر یک از متغیرها را در بر دارند تجزیه می گردد. به عبارت دیگر، می توان به دست آورد چند

درصد واریانس خطای پیش‌بینی به‌وسیله خود متغیر و چند درصد به‌وسیله متغیرهای دیگر توضیح داده می‌شود. تجزیه واریانس خطا در مدل خود رگرسیون برداری بر تخمینی که در قبل صورت گرفته استوار است. در نگاره‌های زیر میزان آماره‌های و شوک‌های وارده به هر متغیر برای ۱۰ دوره ارائه شده است.

نگاره (۵) - نتایج تجزیه واریانس

دوره	S.E.	ROA	Div	LEV	دوره	S.E.	ROA	Div	LEV	دوره	S.E.	ROA	Div	LEV
۱	۰/۱۲۳	۱۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱	۰/۱۶۲	۱۹/۱	۸۰/۸	۰/۰۰۰	۱	۰/۱۶۲	۱۹/۱	۸۰/۸	۰/۰۰۰
۲	۰/۱۳۲	۹۸/۵۷	۰/۸۵۷	۰/۵۶۴	۲	۰/۱۸۱	۳۳/۵	۶۴/۵	۱/۹۳	۲	۰/۱۸۱	۳۳/۵	۶۴/۵	۱/۹۳
۳	۰/۱۳۶	۹۸/۲۲	۱/۱۲۱	۰/۶۵۱	۳	۰/۱۸۸	۳۷/۳۸	۶۰/۴۱	۲/۱۹۹	۳	۰/۱۸۸	۳۷/۳۸	۶۰/۴۱	۲/۱۹۹
۴	۰/۱۳	۹۷/۷۱	۱/۱۰۹	۱/۱۷۳	۴	۰/۱۹۰	۳۸/۵۱	۵۹/۲۷	۲/۱۹۶	۴	۰/۱۹۰	۳۸/۵۱	۵۹/۲۷	۲/۱۹۶
۵	۰/۱۳۹	۹۷/۵۴	۱/۰۹۷	۱/۳۵۳	۵	۰/۱۹۰	۳۹/۰۹	۵۸/۷۲	۲/۱۷۸	۵	۰/۱۹۰	۳۹/۰۹	۵۸/۷۲	۲/۱۷۸
۶	۰/۱۳	۹۷/۳۶	۱/۰۹۱	۱/۵۴۷	۶	۰/۱۹۱	۳۹/۳۲	۵۸/۴۹	۲/۱۷۹	۶	۰/۱۹۱	۳۹/۳۲	۵۸/۴۹	۲/۱۷۹
۷	۰/۱۴۰	۹۷/۲	۱/۰۸۸	۱/۶۸۰	۷	۰/۱۹۱	۳۹/۴۱	۵۸/۴۰	۲/۱۸۱	۷	۰/۱۹۱	۳۹/۴۱	۵۸/۴۰	۲/۱۸۱
۸	۰/۱۴	۹۷/۱۲	۱/۰۸۷	۱/۷۸۲	۸	۰/۱۹۱	۳۹/۴۴	۵۸/۳۶	۲/۱۸۵	۸	۰/۱۹۱	۳۹/۴۴	۵۸/۳۶	۲/۱۸۵
۹	۰/۱۴۰	۹۷/۰۵	۱/۰۸۷	۱/۸۵۶	۹	۰/۱۹۱	۳۹/۴۶	۵۸/۳	۲/۱۸۹	۹	۰/۱۹۱	۳۹/۴۶	۵۸/۳	۲/۱۸۹
۱۰	۰/۱۴۰	۹۷/۰۰	۱/۰۸۷	۱/۹۱۰	۱۰	۰/۱۹۱	۳۹/۴۶	۵۸/۳	۲/۱۹۲	۱۰	۰/۱۹۱	۳۹/۴۶	۵۸/۳	۲/۱۹۲

بررسی تعداد وقفه بهینه

وارد کردن متغیر با تعداد وقفه‌های زیاد باعث ایجاد خطاء در امر پیش‌بینی می‌شود و متغیر با تعداد وقفه کم باعث ایجاد نتایج غیر معمول می‌شود؛ بنابراین باید با انجام آزمون مربوطه تعداد وقفه‌های بهینه مشخص شود. با توجه به نتایج آزمون "تست آماری LR اصلاح شده" و "معیار اطلاعات اکایک" تعداد وقفه بهینه برای این پژوهش ۴ در نظر گرفته خواهد شد.

نگاره (۶) - نتایج آزمون تعداد وقفه بهینه

وقفه	logL	LR	FPE	AIC	SC	HQ
۰	۱۴۷/۳	۵۸/۵	۵/۱۹	-۳/۶۵	-۳/۵۶	-۳/۶۱
۱	۲۰۰/۴	۱۰۰/۸	۱/۷	-۴/۷۷	-۴/۴۱	-۴/۶۲
۲	۲۲۶/۴	۴۷/۳۱	۱/۱۱*	-۵/۲	-۴/۵۷*	-۴/۹۴*
۳	۲۳۰/۱*	۷/۶۲	۱/۲۵	-۵/۰۸	-۴/۱۸	-۴/۷۲
۴	۲۳۵/۱	۷/۲۶*	۱/۴۱	-۴/۹۶*	-۳/۷۹	-۴/۴۹

آزمون فرضیه‌ها

در نگاره زیر نتایج حاصل از برآورد مدل پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Eviews بعد از اعمال روش اتو رگرسیون برداری (VAR) با تعداد ۴ وقفه را نشان می‌دهد.

نگاره (۷): بررسی فرضیه‌های مدل پژوهش

LEV	DIV	ROA	نام متغیر
۰/۱۵ (۰/۱۴) [۱/۰۸]	۰/۱۲ (۰/۱۳) [۰/۹۱]	۰/۱۷ (۰/۱۲) [۱/۳۵]	ROA(-1)
-۰/۲۹ (۰/۲۴) [-۱/۲۲]	۰/۲۳ (۰/۲۲) [۱/۰۸]	۰/۴۹ (۰/۲۱) [۲/۳۳]	ROA (-2)
۰/۳۱ (۰/۲۲) [۱/۹۷]	-۰/۰۵ (۰/۲) [-۰/۲۷]	-۰/۱۴ (۰/۱۹) [-۰/۷۲]	ROA (-3)
-۰/۰۴ (۰/۱۱) [-۰/۴۳]	۰/۱۹ (۰/۰۱) [۱/۹۹]	-۰/۱ (۰/۰۹۹) [-۱/۰۶]	ROA (-4)
۰/۰۲ (۰/۰۱) [-۰/۲۱]	۰/۱۹ (۰/۱۱) [۱/۷۳]	۰/۰۲ (۰/۰۱) [-۰/۲۱]	Div(-1)
-۰/۱۶ (۰/۱) [-۱/۹۶]	۰/۰۰۲ (۰/۰۹) [۰/۰۲]	۰/۱۵ (۰/۰۹) [۲/۷۴]	Div(-2)
۰/۰۰۰۴۳۴ (۰/۱۲) [-۰/۰۰۳۵۶]	۰/۱۵ (۰/۱۱) [۱/۹۶]	۰/۰۷۷ (۰/۱) [۰/۷۲]	Div (-3)
-۰/۰۹ (۰/۱۳) [-۰/۶۹]	-۰/۰۶ (۰/۱۱) [-۰/۵۶]	۰/۰۷ (۰/۱۱) [۰/۶۴]	Div (-4)
۰/۳۳ (۰/۰۹) [۳/۳۲]	۰/۰۱۲ (۰/۰۹) [۰/۱۳]	-۰/۰۹ (۰/۰۸) [-۱/۱]	Lev (-1)
۰/۵ (۰/۱۲) [۴/۱۲]	-۰/۱۷ (۰/۱۱) [-۲/۰۶]	-۰/۰۱ (۰/۱) [-۰/۱۶]	Lev (-2)
۰/۰۷ (۰/۱۶) [-۰/۲۴]	۰/۰۶ (۰/۱۴) [۰/۴۳]	۰/۲۸ (۰/۱۴) [۱/۹۹]	Lev (-3)
۰/۰۰۲ (۰/۱۳) [۰/۰۱۵]	۰/۰۶ (۰/۱۲) [۰/۵۵]	-۰/۰۲ (۰/۱۱) [-۰/۲۳]	Lev (-4)
۰/۶۵	۰/۴۶	۰/۳۶	ضریب تعیین
۰/۵۹	۰/۳۷	۰/۲۵	ضریب تعیین تعدیل شده
۱۰/۴۲	۴/۸۴	۳/۱۷	آماره F

نتایج نشان‌دهنده رابطه بین متغیرهای بازده دارایی‌ها، ساختار سرمایه و تنوع بخشی درآمدی با ۴ وقفه می‌باشد که هر کدام از وقفه‌ها دارای آماره مخصوص به خود می‌باشد. در هر کدام از خانه‌های نگاره ۳ آماره وجود دارد که آماره اول نشان‌دهنده ضریب تأثیر، آماره دوم نشان‌دهنده انحراف معیار و آماره سوم نشان‌دهنده آماره t می‌باشد.

نتایج آزمون فرض روش خودرگرسیون برداری (VAR) نشان می‌دهد که فارغ از انواع وقفه‌ها رابطه معناداری بین ۳ متغیر تنوع بخشی درآمدی، ساختار سرمایه و بازده دارایی‌ها می‌باشد؛ با توجه به سطح آماره t که بزرگ‌تر از $1/96$ می‌باشد بنابراین تمامی فرضیات در سطح 95% معنادار می‌باشد و با افزایش بازده دارایی‌ها، ساختار سرمایه و تنوع بخشی درآمدی افزایش می‌یابد؛ با افزایش تنوع بخشی درآمدی بازده دارائی‌ها و تنوع بخشی درآمدی افزایش و ساختار سرمایه کاهش می‌یابد و همچنین با افزایش ساختار سرمایه، ساختار سرمایه و بازده دارائی‌ها افزایش و تنوع بخشی درآمدی کاهش می‌یابد.

فرضیه اول پژوهش بیان می‌دارد که بین تنوع بخشی درآمدی و ساختار سرمایه شرکت رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای تنوع بخشی درآمدی عدد $(-1/96)$ و برای متغیر ساختار سرمایه عدد $(-2/06)$ می‌باشد که بیان‌کننده این موضوع هست که در سطح خطای 95% و با توجه به اینکه آماره t حاصله بیشتر از سطح خطای مورد نظر می‌باشد، رابطه معناداری بین تنوع بخشی درآمدی و ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سطح اطمینان 95% وجود دارد. این بدین معنی می‌باشد که فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود.

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌دارد که بین ساختار سرمایه و سودآوری شرکت رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای متغیر ساختار سرمایه عدد $(1/99)$ و برای متغیر سودآوری عدد $(1/97)$ می‌باشد که بیان‌کننده این موضوع هست که در سطح خطای 95% و با توجه به اینکه آماره t حاصله بیشتر از سطح خطای مورد نظر می‌باشد، رابطه معناداری بین ساختار سرمایه و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سطح اطمینان 95% وجود دارد. این بدین معنی می‌باشد که فرضیه دوم پژوهش پذیرفته می‌شود.

فرضیه سوم پژوهش بیان می‌دارد که بین تنوع بخشی درآمدی و سودآوری شرکت رابطه معناداری وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری برای متغیر تنوع بخشی عدد (۲/۷۴) و برای متغیر سودآوری عدد (۱/۹۹) می‌باشد که بیان‌کننده این موضوع هست که در سطح خطای ۹۵٪ و با توجه به اینکه آماره t حاصله بیشتر از سطح خطای مورد نظر می‌باشد، رابطه معناداری بین تنوع بخشی درآمدی و سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد. این بدین معنی می‌باشد که فرضیه سوم پژوهش پذیرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی ساختار پویاشناسی سودآوری با توجه به تنوع بخشی درآمدی و ساختار سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و این موضوع که آیا بین تنوع بخشی درآمدی، ساختار سرمایه و سودآوری به صورت پویا رابطه معناداری وجود دارد یا خیر، پرداخته شد. نتایج حاصل از این روش با استفاده از روش اتورگرسیون برداری (VAR) برآورد شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است در زمانی که تنوع بخشی درآمدی و ساختار سرمایه به طور هم‌زمان افزایش یابد، سودآوری شرکت‌ها در بالاترین حد ممکن قرار خواهد گرفت، همچنین ساختار سرمایه، تنوع بخشی درآمدی و سودآوری می‌توانند تأثیرات متقابلی بر یکدیگر بگذارند. با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان به این نتیجه رسید که روابط بین ساختار سرمایه، تنوع بخشی درآمدی و سودآوری در طول زمان تغییر خواهد کرد. بدین معنی که به دنبال انشعاب متعارف به سوی تنوع بخشی درآمدی، سودآوری شرکت‌ها برای یک دوره زمانی افزایش خواهد یافت؛ در حالی که نتایج سودآوری با وقفه‌ای قابل ملاحظه ظهور پیدا خواهد کرد. دوم، شواهدی مبنی بر علیت مستقیم و معکوسی بین تنوع بخشی درآمدی با سودآوری و ساختار سرمایه وجود دارد. مخصوصاً ورود شوک به اهرم مالی، سودمندی بخش مالی را کاهش می‌دهد. سوم، اهرم، تنوع بخشی درآمدی را کاهش می‌دهد، در حالی که اثر معکوس آن قابل توجه نیست. چهارم، یک رابطه علیت دوطرفه مستقیم بین سودآوری و تنوع بخشی درآمدی وجود دارد. پنجم، پاسخ مثبت سودآوری به شوک در تنوع بخشی درآمدی بوده که با نظریه هماهنگ است، دلیل این نتایج را می‌توان درگیری شرکت‌ها در خدمات مالی

وام دانست و وام و صرفه‌جویی‌های ناشی از تنوع بخشی در آمدی، منافع به وجود آمده به وسیله استراتژی‌های تنوع بخشی فعالیت را پوشش نمی‌دهد. نتایج این پژوهش با نتایج جویدا (۲۰۱۸) منطبق و همسو است.

نتایج بینش جدیدی را در مورد رابطه زیرساختی بین تنوع بخشی در آمدی، ساختار سرمایه و سودآوری ارائه می‌دهد که به انتخاب‌های مالی و راهبردی مدیران کمک خواهد کرد.

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، پیشنهادهای زیر را برای انجام پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌شود:

۱- با توجه به اینکه بانک‌ها و سایر شرکت‌های واسطه‌گری مالی از نمونه پژوهش حذف شده بودند، پیشنهاد می‌شود در آینده تأثیر پویایی این عوامل در این گروه از شرکت‌ها بررسی شود.

۲- در این مطالعه، به بررسی ارتباط خطی و پویا بین تنوع بخشی در آمدی، ساختار سرمایه و سودآوری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد که می‌توان در مطالعات آتی، با کنکاش ادبیات نوین و همچنین رویکردهای جدید اقتصاد سنجی، روابط غیرخطی درجه دوم و سوم آنان را نیز مورد بررسی قرار داد.

۳- رابطه اتورگرسیو این پژوهش برای تمام صنایع عضو نمونه آماری به صورت یک‌جا برآورد شده است. از این رو پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، در این رابطه برای صنایع گوناگون به تفکیک برآورد شود.

۴- بررسی مجدد موضوع پژوهش با در نظر گرفتن تعدادی متغیر کنترلی

۵- با توجه به وجود رابطه معنادار پویا بین ساختار سرمایه، تنوع بخشی در آمدی و سودآوری، به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود برای افزایش سودآوری خود تنها به بخش وام‌گیری اکتفا نکرده و برای تنوع بخشی در آمدی به سراغ فعالیت‌های تجاری برای کسب سود حداکثری گرایش داشته باشند، زیرا با توجه به نتایج پژوهش، بیشترین سود زمانی برای یک شرکت ایجاد می‌شود که ساختار سرمایه

خود را افزایش داده و همچنین تنوع بخشی درآمدی نیز در بالاترین سطح خود باشد.

۶- طبق نتایج به دست آمده، کسب سودآوری حداکثری برای شرکت‌ها در صورت تنوع بخشی درآمدی و ایجاد ساختار سرمایه بهینه، با وقفه‌ای چند ساله ظهور پیدا خواهد کرد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها حتی الامکان از گرفتن تسهیلات بانکی کوتاه-مدت خودداری نمایند، زیرا ممکن است به علت عدم سودآوری شرکت در کوتاه مدت، شرکت توانایی پرداخت بدهی‌های خود را نداشته باشد.

منابع

- آب جام، حمید رضا. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر ساختار سرمایه شرکت‌های کوچک و متوسط پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- شیرغلامی، فاطمه؛ صادق‌زاده، افتخار. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین ساختار سرمایه و عملکرد شرکت، فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، صص ۲۳۲-۲۲۴.
- صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر ساختار سرمایه بر سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- فخاری، حسین؛ طاطاری، سراج‌الدین. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه متقابل بین جریان‌های نقدی آزاد، تنوع-بخشی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری تجربی حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۵، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۴۷-۱۲۹.
- Abjam, H., (2009). Investigating the Factors Affecting the Capital Structure of Small and Medium Enterprises Listed in Tehran Stock Exchange. M.Sc. in Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran. (in Persian).
- Abrigo, M. R., & Love, I. (2016). Estimation of panel vector auto regression in Stata. *The Stata Journal*, 16(3), 778-804.
- Appio, F. P., De Luca, L. M., Morgan, R., & Martini, A. (2019). Patent portfolio diversity and firm profitability: A question of specialization or diversification?. *Journal of Business Research*, 101, 255-267.
- Arellano, M., & Bond, S. (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. *The review of economic studies*, 58(2), 277-297.
- Arellano, M., & Bover, O. (1995). Another look at the instrumental variable estimation of error-components models. *Journal of econometrics*, 68(1), 29-51.
- Berger, A. N., & Di Patti, E. B. (2006). Capital structure and firm performance: A new approach to testing agency theory and an application to the banking industry. *Journal of Banking & Finance*, 30(4), 1065-1102.
- Blundell, R., Bond S., (1998). Initial conditions and moment restrictions in dynamic panel data models. *Journal of Econometrics*, Elsevier, vol. 87, no. 1, p. 115-143.
- Brighi, P., & Venturelli, V. (2016). How functional and geographic diversification affect bank profitability during the crisis. *Finance Research Letters*, 16, 1-10.
- Buchner, A., Mohamed, A., & Schwiendbacher, A. (2017). Diversification, risk, and returns in venture capital. *Journal of Business Venturing*, 32(5), 519-535.
- Driffield, N., Mahambare, V., & Pal, S. (2006). How Does Ownership Structure Affect Capital Structure and Firm Performance?. *Recent Evidence from East Asia. Economics and Finance*, 31, 44-55.

- Fakhari, H., Tatari, S.,(2015). Simultaneous Relation among Free Cash Flow, Diversification and Performance of Firms listed in Tehran Stock Exchange (TSE),. *Journal Empirical Research*, 15(3),129-147. (in Persian)
- Fukuda, K.(2014). Causality between corporate diversification and profitability: evidence from Japan. *International Journal of Applied Management Science*, 6(4), 304-322.
- Goetz, M. R., Laeven, L., & Levine, R.(2013). Identifying the Valuation Effects and Agency Costs of Corporate Diversification: Evidence from the Geographic Diversification of U.S. Banks, *Review of Financial Studies*, The Review of Financial Studies, 26(7), 1787-1823.
- Gropp, R., & Heider, F.(2010). The Determinants of Bank Capital Structure, *Review of Finance*, 14(4), 587-622.
- Hamid, M. A., Abdullah, A., & Kamaruzzaman, N. A.(2015). Capital structure and profitability in family and non-family firms: Malaysian evidence. *Procedia Economics and Finance*, 31, 44-55.
- Huang, J., & Rong, Z.(2017). Housing boom, real estate diversification, and capital structure: Evidence from China. *Emerging Markets Review*, 32, 74-95.
- Jaisinghani, D., & Kanjilal, K.(2017). Non-linear dynamics of size, capital structure and profitability: Empirical evidence from Indian manufacturing sector. *Asia Pacific Management Review*, 22(3), 159-165.
- Jensen, M. C.(1986). Agency costs of free cash flow, corporate finance, and takeovers. *The American economic review*, 76(2), 323-329.
- Jouida, S.(2018). Diversification, capital structure and profitability: A panel VAR approach. *Research in International Business and Finance*, 45, 243-256.
- Lang, L. H., & Stulz, R. M.(1994). Tobin's q, corporate diversification, and firm performance. *Journal of political economy*, 102(6), 1248-1280.
- Rumelt, R. P.(1982). Diversification strategy and profitability. *Strategic management journal*, 3(4), 359-369.
- Safari Grayely, Mehdi.(2008). Investigation of the Impact of Capital Structure on Profitability of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. M.Sc. in Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran. (in Persian)
- Shirgolami, F., Sadeghzadeh, E.,(2016). Investigating the Relationship between Capital Structure and Corporate Performance. *Journal of Management and Accounting Studies*, 2(1),222-224. (in Persian)
- Villalonga, B.(2004). Does diversification cause the diversification discount?. *Financial Management*, 5-27.
- Volkov, N. I., & Smith, G. C.(2015). Corporate diversification and firm value during economic downturns. *The quarterly review of economics and finance*, 55, 160-175.

بررسی ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی^۱

یونس عباسی^۲، بابک جمشیدی نوید^۳، مهرداد قنبری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی و تعیین ابعاد و مولفه‌های مورد نیاز در جهت تدوین الگوی حاکمیت شرکتی است که منطبق بر اصول و موازین اسلامی باشد. به این منظور، کلیه منابع موجود و مرتبط به مبحث حاکمیت شرکتی تا سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۱) مورد مطالعه قرار گرفته و برای بررسی منابع از تکنیک فراترکیب به روش هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو با استفاده از کدگذاری ابعاد و مؤلفه‌ها استفاده شده است. بنابراین پس از بررسی نظام‌مند متون و انتخاب منابع مرتبط با استفاده از شاخص کاپا^۵، در نظر قرار دادن الگوهای بین‌المللی حاکمیت شرکتی و مطابقت آن‌ها با اصول و موازین اسلامی، ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی شناسایی و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی از منظر اصول اسلامی معرفی گردیده است. بنابراین نتایج پژوهش نشان‌دهنده اثرگذاری ابعاد اخلاقی، تعهد اجتماعی، پاسخگویی، شفافیت، تصمیم‌گیری و نظارت اسلامی است که در صورت رعایت، اهداف حاکمیت شرکتی بهینه و مطلوب را تضمین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ابعاد حاکمیت شرکتی، پارادایم اسلامی، حاکمیت شرکتی اسلامی، فراترکیب

طبقه بندی موضوعی: G34, G38, C54

10.22051/JERA.2021.35884.2851 :DOI

۲. دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، (younesabasi@pnu.ac.ir).

۳. استادیار گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، (نویسنده مسئول)، (jamshidinavid@gmail.com).

۴. استادیار گروه حسابداری، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، (mehردادghanbary@yahoo.com).

5. Interclass correlation Kappa
<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

حاکمیت شرکتی تقریباً توسط همه جوامع تجاری و شرکت‌ها به عنوان عامل اصلی بهبود عملکرد مالی شرکت تأیید شده است (محمد و همکاران، ۲۰۲۱). و در حال حاضر در کشورهای مختلف همانند ایالات متحده و اروپا و نیز کشورهای آسیایی مورد مطالعه قرار گرفته که عمدتاً بر رابطه بین ساختار مالکیت، ترکیب هیئت‌مدیره و عملکرد شرکت متمرکز هستند (مانونا و میشار^۱، ۲۰۲۱- تامپسون و آداسی مانو^۲، ۲۰۲۱). رسوایی‌های شرکت‌ها در سراسر جهان و بحران آسیای شرقی همراه با عملکرد ضعیف بسیاری از شرکت‌ها در آفریقا منجر به افزایش تمرکز بر حاکمیت شرکتی (اوزیل^۳، ۲۰۲۱) و تأکید بیشتر بر ضرورت ارتقاء

و اصلاح سیستم حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی شده است (حساس یگانه، ۱۳۹۵). رسوایی شرکت‌هایی مانند انرون^۴ و ورلدکام^۵ در اوج شکوفایی اقتصادی، باعث سلب اعتماد سهامداران سراسر جهان نسبت به حاکمیت شرکتی، خصوصاً با مدل آنگلو ساکسونی گردید تا جایی که ادواردز^۶ (۲۰۰۳) با تردید به اصلاحات قوانین حاکمیت شرکتی نگریسته و آنرا ناکارآمد تلقی کرده است.

اهمیت حاکم بر موضوع از آنجاست که می‌توان گفت حاکمیت شرکتی در هر کشوری تابعی از متغیرهای مخصوص آن جامعه است؛ موسسه «استاندارد اند پورز»^۷ در گزارشی به روشنی بیان کرده که هیچ‌الگویی از حاکمیت شرکتی وجود ندارد که بتوان برای همه‌ی کشورها به طور یکسان به کار برد. با این وجود و با توجه به وضعیت اقتصادی و پیشرفت‌های مالی در برخی کشورها در دنیا دو الگو پیاده‌سازی شده، که به نوعی سرطیف نظام‌های حاکمیت شرکتی موجود محسوب می‌شوند (حساس یگانه، ۱۳۸۴). که عبارتند از:

الف: الگوی انگلو ساکسون (که در کشورهایی همچون ایالات متحده آمریکا، انگلستان و استرالیا بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد) و
ب: الگوی اروپایی (یا قاره‌ای که با نام کشورهای هم‌چون آلمان و ژاپن هم‌گن شده و با اکثریت معیارهای آنها شباهت دارد).

1. Manogna R.L. and Aswini Kumar Mishra
2. Thompson and Adasi Manu
3. Ozil
4. Enron
5. WorldCom
6. Edwards
7. Standard and Poor's

نظام راهبری هر کشوری تابعی از متغیرهای درونی و بیرونی است. عناصر درونی مشتمل بر ساختار مالکیت، وضعیت اقتصادی، نظام قانونی (مقرراتی)، سیاست‌های دولت و فرهنگ جامعه است. عناصر بیرونی به تعامل اقتصادی با سایر کشورها مثل جریان ورود و خروج سرمایه و شرایط اقتصاد جهانی مربوط می‌شود. در سطح شرکتی، ساختارهای مالکیت و چهارچوب‌های قانونی از مهمترین عوامل مؤثر بر راهبری شرکتی هستند (بدری، ۱۳۸۷). طبق پژوهش‌های صورت گرفته در بورس اوراق بهادار تهران، ساختار نظام راهبری شرکتی در ایران وابسته به کنترل و نظارت دولت بوده (درویش و همکاران، ۱۳۹۹) و مهمترین دغدغه آن چگونگی حمایت از سهامداران اقلیت در مقابل زیاده خواهی سهامداران اکثریت است (نجفی سیاهرودی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به اینکه ایران کشوری اسلامی با حاکمیت اصول و موازین اسلامی بر قوانین و مقررات است لازم می‌نماید که پیاده‌سازی اصول حاکمیت شرکتی با بهره‌گیری از روح اسلامی باشد که راهنمایی‌های بی‌نظیری را ارائه می‌کند. ابوتپانجه^۱ در خصوص حاکمیت شرکتی و اصول آن از دیدگاه اسلام معتقد است که: مشابه سایر تمدن‌ها و آیین‌های دیگر، تمدن اسلامی نیز از نخستین روزها با یک حاکمیت شرکتی خوب و مناسب حرکت کرده است (ابوتپانجه، ۲۰۰۸). بنابراین اسلام همیشه تجارت و بازرگانی را تا جایی تشویق کرده که در چارچوب قرآن مقدس و گفتارها و وحی خداوند بر پیامبرش محمد (ص) است (لويس^۲، ۲۰۰۵).

منصور و باتی^۳ (۲۰۱۸) دریافتند که شدت رقابت، شکست‌های مشاهده شده در صنعت مالی اسلامی، چالش‌های بی‌سابقه، ملاحظات اخلاقی ضروری، به عنوان یک رویکرد جدید است که موجب افزایش میزان رشد و ترقی صنعت مالی اسلامی پایدار می‌شود و بقای خود را در دنیای مالی جهان استمرار می‌بخشد.

بنابراین با وجود علاقه وافر به عنوان‌های حاکمیت شرکتی که اخیراً توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک توسعه اسلامی صورت پذیرفته است، بیان و روش واحدی در کشورهای اسلامی وجود ندارد تا معنی دقیق حاکمیت شرکتی را تبیین و تفسیر کند. بروز دیدگاه‌های متفاوت و مختلف در این زمینه، تعاریف متعددی را عرضه نموده که با وجود این، به نظر می‌رسد حاکمیت شرکتی در قوانین اسلامی رهنمودهای وسیع‌تری را ارائه می‌دهد و وظایف و شیوه‌های

1. Abu-Tapanjeh
2. Lewis
3. Mansour and Bathi

موجود را در مورد روش‌های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان، بدون هرگونه تعریفی از حاکمیت شرکتی دنیای مدرن، در بر می‌گیرد (مظلوم و مخمل باف، ۱۳۹۶). در ایران و فضای اقتصادی منشعب از اصول تجارت اسلامی، حاکمیت شرکتی یک مفهوم کاملاً برگرفته از اصول و الگوهای غربی تصور می‌شود که علی‌رغم قدرت و پشتوانه علمی قوانین اسلامی در تجارت، "خصوصاً در مباحث مرتبط با اخلاق کسب و کار و رعایت اصل عدالت" مورد بی‌مهری تمام قرار گرفته و علی‌رغم نیاز فراوان، هنوز موضوع حاکمیت شرکتی از جامعه دانشگاهی و فضای پژوهش و پژوهش به درستی خارج نشده و الگویی مطابق با معیارهای اسلامی برای آن تدوین نگردید است. نمازی و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود اظهار داشتند که با توجه به پیشینه پژوهش‌های انجام شده در خصوص راهبری شرکتی در ایران به نظر می‌رسد معیارهای راهبری شرکتی، برخلاف انتظارات نمی‌تواند مشکلات نمایندگی را در ایران کاهش دهند. یکی از علل آن است که این آیین‌نامه بیشتر ترجمه‌ای از متون و برگرفته‌ای از مفاد آیین‌نامه‌های کشورهای دیگر بدون لحاظ نمودن بسترها و شرایط مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران است.

نکته‌ای که باید در زمینه اسلامی نمودن بحث حاکمیت شرکتی مورد توجه قرار گیرد این است که نباید تجربیات و یافته‌های غربی و سایر الگوهای پیاده شده بین‌المللی را نادیده گرفت و خود را در حصار پنهان کرد که برخلاف فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که می‌فرماید: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَكُلُّهُ بِالصَّيْنِ»، بلکه مقصود آن است که با همان مبانی خاص نظریه پردازی کنیم. چه بسا ممکن است در پاره‌ای از مسائل وحدت نظر داشته باشیم در برخی دیگر از هم جدا باشیم همان‌طور که در بحث حاکمیت شرکتی و اصول و قواعد آن در بخش اقتصادی الگوهای بین‌المللی همانند الگوی oecd، الگوی آلمانی، الگوی ژاپنی و حتی الگوی آنگلو ساکسونی به خوبی حرکت کرده و الزامات مناسبی را پیش روی شرکت‌ها قرار داده‌اند اما در مباحث عقیدتی و اخلاقی (معنوی) با دید تردید بسیار ضعیف عمل کرده و از طرفی با اصول اسلامی که امور مالی و اقتصاد و مدیریت وسیله‌ای در جهت قرب الهی است کاملاً تمایز دارند در جایی که می‌فرماید: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (قصص، ۷۳). بطور کلی بر اساس موارد پیش گفته ضرورت نگرشی جامع و

نظام‌مند به موضوع بسیار دارای اهمیت است اما تاکنون پژوهشی جامع که به مقایسه کلی الگوهای بین‌المللی پرداخته و آنرا با اصول و موازین اسلامی مطابقت نموده و ابعاد اسلامی حاکمیت شرکتی را با ابعاد الگوهای بین‌المللی تلفیق کرده و الگوی واحدی را ترسیم نماید انجام نشده و به پژوهش‌های جزیره‌ای و محدود اکتفا شده است. بنابراین این پژوهش وضعیت فعلی حاکمیت شرکتی در ایران و الگوهای بین‌المللی را با استفاده از روش نوین فراترکیب مورد بررسی قرار می‌دهد و با ارائه مدلی تلفیقی و جامع، از الگوهای بین‌المللی موجود و شاخص‌ها و ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی به منظور کاربرد در اقتصاد و شرکت‌های تجاری کشورهای اسلامی از جمله ایران، در جهت کاهش هزینه‌های تئوری نمایندگی و هم راستایی منافع مدیران و ذینفعان می‌پردازد.

مبانی نظری پژوهش

حاکمیت شرکتی

شرکت‌هایی که از راهبری شرکتی نامطلوبی برخوردارند، در مقایسه با شرکت‌های برخوردار از راهبری شرکتی مطلوب، واکنش شدیدتری در برابر شوک‌های بزرگ اقتصادی نشان می‌دهند (سرلک و همکاران، ۱۳۹۹). و به صورت کلی، یکی از اهداف حاکمیت شرکتی کاهش تعارض منافع بین ذینفعان شرکت است (خزایی و همکاران، ۱۴۰۰). در حال حاضر تعاریف متعدد و متنوعی در زمینه حاکمیت شرکتی در دست است که از نظر معیارها و شاخص‌های تنوریک برخی مشابهت‌ها و تضادها دیده می‌شود بعنوان مثال می‌توان اشاره کرد به تعریف^۱ IICSR (۲۰۱۷): رویه‌های حاکمیت شرکتی تلاشی است برای تعادل بین تضاد منافع مدیران و مالکین و ایجاد مکانیزم کنترلی برای افزایش ارزش سهامداران و رضایت ذینفعان. از منظر فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۲ (۲۰۰۴)، اصول حاکمیت شرکتی موجب دستیابی شرکت به اهداف تعیین شده، کنترل ریسک و مصرف بهینه منابع می‌گردد. در جایی که کادبری (۱۹۹۲) حاکمیت شرکتی را به عنوان سیستمی تعریف نموده که موجب هدایت و کنترل شرکت‌ها می‌گردد و بر شفافیت، درستکاری و پاسخگویی مدیران ارشد تمرکز کرده است. تعاریف ارائه شده برای حاکمیت شرکتی متنوع است. عمده‌ترین عامل متمایز کننده این تعاریف را می‌توان

۱. موسسه بین‌المللی مسئولیت و پایداری شرکتی (International Institute of Corporate Sustainability and Responsibility)

2. IFAC

پهنه یا گستره شمول راهبری شرکتی دانست. از یک منظر می‌توان این نظام را رابطه "مدیران" با "سهامداران" دانست که مبنای نظری آن "تئوری نمایندگی" در شکل محدود خود است.

مکانیزم و الگوهای حاکمیت شرکتی

در سراسر جهان افراد زیادی سعی در ارائه مدلی ثابت و استاندارد با مکانیزم‌های مشخص برای حاکمیت شرکتی داشته‌اند و مدل‌های جامعی نیز ارائه شده است اما، سیستم حاکمیت شرکتی مانند سایر مسائل اجتماعی ماهیت پویا و متحرک دارد، اگر شرکتی بخواهد به موفقیت برسد، یکی از ابزارهای ضروری، اصلاح سیستم حاکمیت شرکتی است (مشایخی و جلالی، ۱۳۹۱).

مدل انگلوساکسون

مدل انگلوساکسون^۱، انگلوامریکن^۲، نظام بازارمحور و یا نظام سهامداران ارزشمند، به عنوان مدل اصلی حاکمیت شرکتی نیز شناخته می‌شود، یکی از مدل‌هایی است که در کشورهایمانند انگلستان و ایالات متحده آمریکا استفاده شده و بیشترین توجه به آن معطوف است. در سنت انگلوساکسون، مفهوم شرکت بر مبنای روابط بین سهامداران و مدیران استوار است. در این مدل هیئت‌مدیره، مدیران اجرایی و سهامداران ذینفعان اصلی محسوب می‌شوند که در قالب اقتصاد بازار آزاد توسعه یافته است و اولویت اصلی حاکمیت شرکتی در نظام انگلوساکسون حمایت از حقوق و منافع سهامداران است و بواسطه بکارگیری در کشورهای دیگر از جمله استرالیا، نیوزلند، کانادا، آفریقای جنوبی و اغلب کشورهای آسیای جنوب شرقی مورد حمایت قرار گرفته است (همت فر و همکاران، ۱۳۹۱).

مدل اروپایی

مدل حاکمیت شرکتی اروپایی، یک سیستم نظارت و کنترل متداول بر شرکت‌ها در اروپا و ژاپن است که در متون به مدل آلمانی و مدل ژاپنی تقسیم بندی شده است. اصل اساسی که سیستم حاکمیت شرکتی اروپایی (قاره‌ای^۳) بر آن استوار شده، در نظریه ذینفعان مجسم شده و این الگو به عنوان الگوی ذینفعان نیز شناخته شده است.

1. Anglo-Saxon
2. Anglo-American
3. Continental

مدل آلمانی بر اساس یک اصل دولایه یک هیات مدیره و یک هیئت نظارت فعالیت می‌کند که سهامداران و کارکنان نیز در هیئت نظارت دارای نماینده هستند و مشتمل بر منافع شرکت‌ها، بانک‌ها و سهامداران در نظام حاکمیت شرکتی است (مصطفائیوک، ۲۰۱۷). اما در مدل ژاپنی انجام ادغام‌های مالی و صنعتی رایج است. در مدل ژاپنی حاکمیت شرکتی، شرکت‌ها دارای یک هیئت‌مدیره واحد بوده و هیچ عضو هیئت‌مدیره خارجی ندارند و هیئت‌مدیره متشکل از نمایندگان شرکت و سهامداران اصلی است و دولت نیز نقش مهمی در مدیریت شرکت‌ها دارد. بنابراین برخلاف مدل آنگلو ساکسون هدایت شرکت توسط افرادی بیرون از شرکت چندان مرسوم نیست (مشایخی و شاکری، ۱۳۹۵).

مفهوم حاکمیت شرکتی در اسلام

حاکمیت دین بر همه شئون زندگی، نه فقط بر دل و جان انسان و نه فقط بر اعمال شخصی انسان بلکه در سرتاسر قلمرو زندگی انسان، این از مسلمات همه ادیان الهی است؛ نه فقط دین مقدس اسلام (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰). «پاول پروسر^۱» نیز عقیده دارد که مذهب بر ادراک فرآیندهای عقلی، تفکر، کنش‌های زبانی، هیجان، رفتار حرکتی، روابط بین شخصی و رابطه فرد با اشیاء، عقاید و خود تأثیر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد. شرع اسلام نه تنها آیین‌های مذهبی را در بر می‌گیرد، بلکه جنبه‌های بسیاری از زندگی روزمره، سیاست، اقتصاد، بانکداری، تجارت و بازرگانی، قانون تجارت و قراردادهای و موضوعات اجتماعی را نیز پوشش می‌دهد (ویکی‌پدیا، ۲۰۰۵).

در زمینه اسلامی کردن علوم باید از هرگونه افراط و تفریط دوری جست و نباید تصور کرد علم اسلامی، یعنی فیزیک و شیمی اسلامی، تافته‌ای جدا بافته از علوم طبیعی رایج است. ایده‌ی اسلامی کردن علوم در نتیجه آشتی دادن علم با دین و رفع غفلت از جایگاه عقل در هندسه معرفت دینی و برطرف کردن بیگانگی و فاصله‌ای که به نادرست میان علم و دین برقرار شده، حاصل می‌آید. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، به ناچار اسلامی و دینی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶). هیچ جامعه‌ای از اقتصاد و یا علم اقتصاد بی‌نیاز نیست. اما دیدگاه اسلام در مورد اقتصاد با دیدگاه غربیان تفاوت فاحشی دارد. در آیین اسلام اقتصاد وسیله است نه هدف و به اصطلاح «ما ینظر به» است و نه «ما ینظرفیه».

1. Paul Pruyser

بنابراین گردآوری ثروت در اقتصاد اسلامی باید از طریق مشروع باشد و درآمدهایی که از طریق اعمال نامشروع به دست می‌آیند فاقد ارزش هستند. در حالی که در اقتصاد غربی محدودیت بسیار کمی در ارتباط با نحوه کسب درآمد تعریف شده است. مسلمانان، کسب و کارشان را منطبق با قوانین شریعت انجام می‌دهند که به معنی انصاف، صادقانه بودن و بیطرفی نسبت به دیگران است. انباشتن ثروت، با رعایت محدودیت‌های اخلاقیات اسلامی، مجاز است (حساس یگانه، ۱۳۹۴).

خداوند در قرآن، از آفرینش انسان به عنوان خلیفه خود یاد کرده (بقره: ۳۰) و آدمی را به خاطر بر خورداری از چنین مقامی، به عنوان برترین آفریده معرفی می‌کند (مؤمنون: ۱۴). نامه (۲۶) امام علی علیه السلام در خصوص امانت‌داری انسان و نحوه تعامل با این وظیفه است که می‌فرماید: "کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند خود ودین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت هم خوارتر و رسواتر خواهد بود." مدیریت در اسلام به منزله سپردن امانتی بسیار سنگین به مدیر است که باید آنرا حفظ کند و خیانت در آن، خیانت در امانت تلقی شده است. همچنین نظارت بر فعالیت‌های مالی در جهت حلال نیز در اسلام همواره مورد توجه بوده همانند: ربا، قمار، معاملات حرام و ... که در حاکمیت شرکت مرسوم (انگلساکسونی و اروپایی) به آن بی‌توجهی شده است. در تفکر اسلامی غیر از سود و یا زیان بحث فلاح و خسران نیز مطرح است (نجفی، ۱۳۹۰). بحثی که در الگوهای بین‌المللی حاکمیت شرکتی مورد بی‌مهری قرار گرفته و از منظر اقتصاد اسلامی اهمیتی به مراتب بیشتر از کسب سود و یا حداکثر نمودن ثروت سهامداران دارد.

حاکمیت شرکتی در اسلام و غرب، نقش بسیار حیاتی در راستای تأمین اهداف خاص شرکت‌ها ایفا می‌کند. در حقیقت اسلام ارزش‌های آتی را از طریق تأکید بر عنصر شریعت که در مفاهیم غربی یافت نمی‌شود، افزایش می‌دهد. چنین اهدافی، مقاصد شریعت را به عنوان هدف نهایی حاکمیت شرکتی معرفی می‌کند (خدادی و همکاران، ۱۳۹۲). مفهوم حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلامی با تعریف مرسوم آن تفاوت زیادی نداشته و در نمونه اسلامی، ویژگی‌ها و شاخص‌های متمایزی را در مقایسه با سیستم‌های رایج بین‌المللی ارائه می‌کند به نحوی که به موردی خاص از یک نظریه‌ی وسیع‌تر تصمیم‌گیری اشاره دارد که از مفروضات اجتماعی - علمی آموزه‌های اسلامی که بر مبنای وحدانیت خداوند بنا شده، بهره می‌برد (چیدنورماس و همکاران، ۲۰۱۱).

در خصوص خدمات مالی، هدف غایی حاکمیت شرکتی در اسلام نه تنها کسب اطمینان از بی‌طرفی در برابر سهامداران است، بلکه گستره ذینفعان را نیز برای رسیدن به شفافیت و پاسخگویی بیشتر شامل شده و در دیدگاهی وسیع، غالباً تمامی اشخاصی را دربر می‌گیرد که به نحوی با شرکت در ارتباط هستند (خلیفه، ۲۰۰۸). از این رو آنچه در اسلام بیشتر مدنظر قرار دارد موضوع پاسخ‌گویی وسیع در برابر ذینفعان با یک دیدگاه مکتبی است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵). در خصوص ساختار و اساس نظام و مدل حاکمیت شرکتی در مبانی اسلامی پژوهش‌ها بسیار محدود بوده و حتی دیدگاه واحدی در کشورهای اسلامی وجود ندارد تا معنی دقیق حاکمیت شرکتی اسلامی را تبیین کند. بنابراین مشاهده می‌شود که هدف اصلی در شرکت‌های اسلامی ایجاد حداکثرسازی سود سهامداران است و دلالت بر این واقعیت دارد که شرکت‌های اسلامی الگوی آنگلو ساکسون حاکمیت شرکتی را مورد استفاده قرار می‌دهند (لیم، ۲۰۰۷ و حسن، ۲۰۰۹). در حالیکه قوانین اسلامی برای حاکمیت شرکتی رهنمودهای بیشتر و وسیع‌تری را در اختیار قرار می‌دهد و همچنین وظایف و شیوه‌های موجود را در خصوص شیوه‌های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان دربر می‌گیرد.

پیشینه تجربی پژوهش

علی و خان^۱ (۲۰۲۱)، در پژوهشی با عنوان «حکومت شریعت، راه‌حلی برای مشکل حاکمیت شرکتی»، اظهار می‌کند که حکومت شریعت، مسئولیت‌پذیری را در بین ذینفعان یک سازمان تشویق می‌کند و هیئت شرعی نقش بسیار مهمی در کنترل و نظارت بر معاملات تجاری با هدف انطباق شرعی دارد اگرچه قوانین اسلامی را نمی‌توان در همه کشورها یکسان اجرا کرد. مخلصین و نافیانتي^۲ (۲۰۱۹)، به نقش حسابداری و حاکمیت شرکتی خوب در موسسات مالی اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیدند که موسسات مالی اسلامی یک الگوی متفاوت از موسسات متعارف ارائه می‌دهند. از دیدگاه مدیریت شرکتی، چندین ویژگی جالب توجه را شامل می‌شود زیرا مشارکت سهام عدالت و ترتیب تقسیم سود و زیان، پایه و اساس بودجه اسلامی را تشکیل می‌دهد. بنابراین، باید تلاش‌هایی هماهنگ برای بازنگری در استانداردهای خوب فعلی حسابداری و حسابداری برای موسسات مالی اسلامی انجام شود.

1. Ali and Khan
2. Mukhlisin and Nofianti

منصور و باتی^۱ (۲۰۱۸)، در پژوهش خود با عنوان «الگوی جدید از حاکمیت شرکتی اسلامی» معتقد هستند که حاکمیت شرکتی اسلامی برای بهبود منافع ذینفعان و دستیابی به بهترین شیوه‌های تجاری صنعت مالی اسلامی و نیز در جهت تأمین نیاز سرمایه‌گذاران و رفاه اجتماعی سرگردان، باید دارای یک الگوی جدید و چندجانبه باشد. و در همین راستا، حسن^۲ (۲۰۰۹)، اظهار می‌کند که الگوی حاکمیت شرکتی اسلامی دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است و در مقایسه با مفهوم غربی مدل‌های آنگلو ساکسون و اروپایی ویژگی‌های متمایز را ارائه می‌دهد. و اهداف خاص خود را بدون نادیده گرفتن وظیفه رفاه و سعادت اجتماعی حفظ و برقرار می‌کند. طاهری و امینی (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «نقش حاکمیت شرکتی در مدیریت ذینفعان در بانکداری اسلامی»، به این نتیجه رسیدند که حاکمیت شرکتی همسویی منافع بین مدیران و سهامداران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است. مبتنی بر متون اسلامی هدف حاکمیت شرکتی مبتنی بر رعایت حقوق تمامی ذینفعان و رعایت اصولی توازن بین حقوق برابر سهامداران و سایر ذینفعان مطرح است. صادقی پور و همکاران (۱۳۹۶) عقیده دارند که در اقتصاد شرکت پایه امروزی انجام فرآیند سرمایه‌گذاری و کسب سود با استفاده از سرمایه پاک موجب می‌شود صاحب سرمایه بتواند در سودهای حاصله، تصرف حلال نماید و این به نوبه خود آثار فردی و اجتماعی به همراه خواهد داشت. انجام فرآیند پاک‌سازی سرمایه، با استفاده از ابزارهای نظارتی و هدایتگر راهبری شرکتی و طراحی سازوکار هیئت نظارت شرعی، امکان‌پذیر است. بنابراین برای تدوین یک نظام حاکمیت شرکتی مطلوب توجه به عوامل داخلی و بیرونی و نیز شرایط اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشور ضروری به نظر می‌رسد. از آنجایی که ایران یک کشور اسلامی است، بهتر است که توجه به مؤلفه‌های نظری اسلامی که به وضوح در آیات قرآن قابل مشاهده است؛ در تدوین آیین‌نامه‌ها و قوانین راهبری مدنظر قرار گیرد.

از دیدگاه قرآن کریم، کلیه موجودات جمله انسان، منابع، و ابزارهای تولید، مخلوق خداوند هستند در جایی که می‌فرماید: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ» (صافات، ۹۶). از این رو انسان نمی‌تواند مستقل از خداوند، منشاء اثر باشد چه فعالیت‌های اقتصادی و چه سایر امور دنیوی و اخروی. با توجه به اسلامی بودن و اثرپذیری قوانین مالی و معاملاتی همانند پرهیز از ربا، پرداخت زکات و خمس، پرهیز از انجام معاملات حرام، ثبت عقود بیع اسلامی و ... از اصول بنیادین اسلامی لازم به نظر می‌رسد که مبانی نظری اقتصاد اسلامی در حوزه حاکمیت شرکتی بصورتی کارآمد و تحت عنوان الگویی جامع در اختیار قانون‌گذاران قرار گرفته تا به مثابه چراغ راهی اثرگذار

1. Mansour and Bhatti

2. Hasan

باشد. هرچند اصول حاکمیت شرکتی موجود در بعد اقتصادی تاحدودی مطلوب بوده اما، در ابعاد اخلاقی، عدالت، مسئولیت اجتماعی و نظارت اسلامی بسیار ناکارآمد عمل کرده و توان ذاتی خود را نیز نتوانسته به اثبات برساند در جایی که از وظایف یک نظام اسلامی تلاش در برقراری اصل عدالت در بین امت است از این جهت این پژوهش به دنبال ارائه الگویی جامع از حاکمیت شرکتی منطبق بر اصول حاکمیت اسلامی است.

سوالات پژوهش

در این مرحله پژوهشگر با مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های انجام گرفته سوالات اولیه ای مطرح نموده است:

۱. حاکمیت اسلامی در پارادایم اسلامی کدام است؟
۲. ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی کدام است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از روش کیفی و نوعی از فرامطالعه به نام فراترکیب استفاده کرده است. استفاده از روش فراترکیب در شناسایی ابعاد حاکمیت شرکتی با محوریت اسلامی به این صورت است که با استفاده از روش بررسی ادبیات کتب و مجلات یا مقالاتی با محوریت حاکمیت شرکتی اسلامی و مباحث پژوهش‌های پیرامون آن را به منظور دستیابی به یافته‌های جدید یکپارچه‌سازی نموده است. بنابراین از آنجایی که اغلب مطالعات حوزه حاکمیت شرکتی از نوع کیفی هستند، استفاده از روش نوین فراترکیب، روشی مناسب برای دسترسی به ترکیبی جامع از مطالعات است.

فراترکیب، یکپارچه‌سازی تفسیر یافته‌های اصلی مطالعات منتخب به منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری است که حاکی از فهم عمیق پژوهشگر در این باب است (عرب و همکاران، ۱۳۹۳). یعنی به جای ارائه خلاصه جامعی از یافته‌ها، یک ترکیب تفسیری از یافته‌ها را ایجاد می‌کند و با فراهم کردن نگرشی نظام‌مند برای پژوهشگران از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف، به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید پرداخته و با این روش یک دید جامع و جدید نسبت به مسائل به وجود می‌آورد. از این رو پژوهشگر به منظور تحقق هدف مقاله پژوهش‌های گذشته در حوزه حاکمیت شرکتی و حاکمیت شرکتی اسلامی در ایران و جهان را مورد کنکاش

قرار داده است و برای بهره‌گیری از روش فراترکیب، از روش هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) بهره گرفته شده است که خلاصه مراحل در نمودار (۱) نشان داده شده است.



نمودار (۱): مراحل پژوهش در روش ساندلوسکی و باروسو

گام اول تنظیم سوال پژوهش است. به این منظور از پارامترهای گوناگونی مانند: جامعه مورد پژوهش، چه چیزی، چه موقع و چگونگی روش استفاده می‌گردد. در این پژوهش، سؤالات زیر مورد کنکاش قرار گرفت:

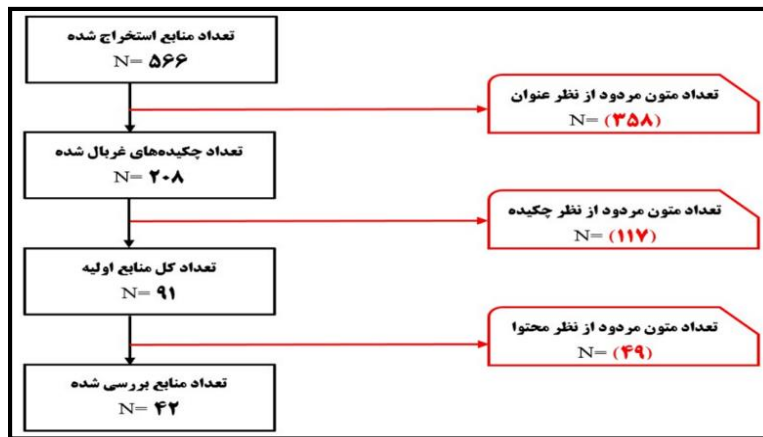
۱. چه چیزی: پاسخ به این سوال بایستی در جواب سوال چه چیزی را می‌خواهید بررسی کنید؟ ارائه شود که در این پژوهش پاسخ؛ شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی است.
۲. چه کسی: این سوال جامعه مورد مطالعه را مورد هدف قرار داده و پایگاه‌های اسنادی معتبر، مجلات علمی-پژوهشی، کنفرانس‌های علمی و موتورهای جستجو را مورد بررسی قرار داده است و در واقع جامعه آماری پژوهش کلیه منابع موجود بوده است.
۳. چگونگی: این سوال اشاره به روشی است که برای حصول نتیجه مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش روش تحلیل اسنادی (فراترکیب) استفاده شده، که در

این روش نوین، پژوهشگر با مطالعه دقیق و نظام‌مند و مرور چند باره منابع مورد نظر به نتیجه لازم و کفایت نظری می‌رسد. بنابراین سوال پژوهش بر اساس موارد مذکور به شرح زیر تدوین شده است. «*ایجاد و مولفه‌های حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی کدام است؟*»

در **گام دوم** پژوهشگر به جستجوی سیستماتیک مقالات منتشر شده در منابع با هدف تعیین اسناد معتبر، موثق و مرتبط می‌پردازد. با توجه به کلمات کلیدی همچون: «حاکمیت شرکتی، راهبری شرکتی، حاکمیت شرکتی اسلامی، رویکرد اسلامی در شرکت‌ها، حاکمیت شرکت‌ها در اسلام و...»، «Shari'ah board, Accountability in the Quran, Islamic Corporate Governance, Principles of Shari'ah, Definitions of corporate governance, corporate governance structure» پژوهشگر اقدام به جستجو در منابع و پایگاه‌های داده زیر نموده است:

- ELSEVIER , EMERALD , IEEE , SCIENCEDIRECT,AAA
- نورمگز، سیویلیکا، ایران داک، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پرتال جامع علوم انسانی

تعداد ۵۶۶ منبع استحصال شد که در مراحل بعد پژوهشگر به بررسی آن‌ها پرداخته است. **گام سوم** به بررسی و جستجو در منابع و نهایتاً گزینش منابع مناسب و رد منابع نامربوط می‌پردازد که در این جا پژوهشگر موظف به بررسی چندین باره متون و غربال‌گری آن‌هاست که به شرح شکل (۱) انجام پذیرفته است.



شکل (۱): فرآیند انتخاب منابع

منابع باقی مانده از نظر محتوا مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت تا کیفیت روش شناختی منابع را مورد ارزیابی قرار دهد. از این رو پس از مطالعه هر کدام از منابع بر اساس معیار^۱ CASP (برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی) امتیازی به منابع مورد نظر تعلق خواهد گرفت. با استفاده از برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی ۱۰ شرط کیفی، هر مقاله به لحاظ کیفی مورد ارزیابی قرار گرفته و به ازای هر سوال امتیازی بین عدد ۱ تا ۵ به سوال مربوطه تعلق می‌گیرد. مقالاتی که مجموع امتیازات مکتسبه آنها از مجموع ۱۰ سوال، ۳۱ و بالاتر شود به لحاظ کیفی تأیید و باقی مقالات حذف خواهند شد در این پژوهش امتیازدهی به شکل پنج طبقه و امتیازی بین «۰» تا «۵۰» را بر مبنای مقیاس «روبریک^۲» به آن متن نسبت می‌دهد بنابراین منابع منتخب جهت امتیازدهی بر اساس مقیاس روبریک در اختیار تعداد ۲۵ نفر از خبرگان قرار داده شده که پاسخگویان شامل ۵ نفر از اساتید دانشگاه، ۳ نفر از اعضای هیات مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۲ نفر از رؤسای بانک‌های خصوصی و ۲ نفر از حسابرسان مستقل بوده که امتیازهای صادره خبرگان به منابع نهایی پژوهش به شرح نگاره (۱) آورده شده است.

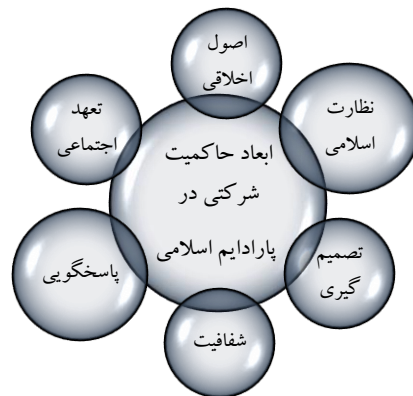
جدول (۱): مقیاس روبریک در انتخاب منابع

(۱۰-۰)	(۲۰-۱۱)	(۳۰-۲۱)	(۴۰-۳۱)	(۵۰-۴۱)
ضعیف	متوسط	خوب	خیلی خوب	عالی
P	F	G	WG	E
۰	۰	۶	۱۴	۲۲
-	-	نتیجه: رد	نتیجه: قبول	نتیجه: قبول

از مجموع ۴۲ منبع انتخاب شده، بنابر نظر خبرگان ۲۲ منبع با درجه عالی و ۱۴ منبع با درجه خیلی خوب جمعاً به تعداد ۳۶ مقاله مورد پذیرش قرار گرفته و تعداد ۶ منبع نیز که حائز امتیازات لازم نشده بود با درجه خوب مورد پذیرش قرار نگرفته است.

گام چهارم به استخراج اطلاعات از منابع تعلق دارد. در گام چهارم فراترکیب، منابع مختلف مورد پذیرش لاتین، ترجمه و به همراه منابع فارسی به منظور دستیابی به محتوای درونی مطالعات چندین مرتبه مرور شده و دسته‌بندی می‌شوند. در این گام پژوهشگر یافته‌های حاصل از مرور منابع را به این صورت دسته‌بندی نموده است: «نام و نام خانوادگی نویسنده منبع، سال انتشار، مؤلفه‌های مستخرج از منابع».

1. Critical Appraisal Skills Program
2. Rubric



شکل (۲). ابعاد اولیه حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی

گام پنجم: تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌ها

هدف روش فراترکیب ایجاد یک تفسیر یکسان و جدید از یافته‌های حاصل از مرور منابع است که برای شفافیت مفاهیم و نتایج در غربالگری حالات موجود و بروز مدل‌های عملیاتی و تئوری‌ها پذیرفته شده است (عرب و همکاران، ۱۳۹۳). در این گام، پژوهشگر موضوعات و مضامین مشخص شده را در طبقه‌بندی مشخصی قرار می‌دهد که آن‌ها را به بهترین نحو ممکن توصیف می‌نماید (ساندلوسکی و باروسو، ۲۰۰۷). در این پژوهش، ابتدا کلیه مؤلفه‌های مستخرج از منابع توسط پژوهشگر کدبندی شده و سپس با توجه به مفاهیم متبادر شده از هر کدام، آن‌ها را در دسته‌بندی مشابهی جاگذاری می‌نماید که نتیجه آن شکل‌گیری مؤلفه‌های اصلی پژوهش است. بنابراین پس از بررسی منابع که به تأیید خبرگان نیز رسیده، ۱۳۹ عامل استخراج گردیده و با استفاده از نرم‌افزار اکسل دسته‌بندی شده و موارد تکراری حذف و برخی از موارد مشابه نیز با نامی مشترک که هر دو مفهوم را پشتیبانی کند نام‌گذاری گردید و در پایان تعداد ۳۳ مولفه جهت ادامه کار تأیید شدند. سپس کدهای مستخرج در قالب مضامین اصلی ۶ گانه همانگونه که در شکل (۲) نمایش داده شده، قرار گرفتند.

گام ششم: کنترل کیفیت و تحکیم آن

سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷)، در پژوهش کیفی به روش فراترکیب رویه‌های متعددی را جهت حفظ کیفیت و تحکیم آن ارائه نموده‌اند که در پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است. در سیر مراحل پژوهش، توضیح روشنی برای گام‌های متخذه ارائه شده و پژوهشگر از روش‌های

دستی و الکترونیکی جهت یافتن منابع مربوط استفاده نموده و همچنین در ارزیابی منابع از ابزار CASP (جدول ۲) و مقیاس روبریک استفاده شده است.

جدول ۲: امتیازات کسب شده منابع از ابزار CASP

ردیف	رتبه	مقاله	ردیف	رتبه	مقاله
قبول	۴۷	Hasan,2009	قبول	۴۸	Mostepaniuk,2017
قبول	۴۲	Lewis,2005	قبول	۴۹	Mansour&Bhatti,2018
قبول	۴۶	Waty&Wardayati,2015	قبول	۴۵	Abu-Tapanjeh,2007
قبول	۴۴	Mansor et al,2020	قبول	۴۴	IQBAL&MIRAKHOR,2004
قبول	۳۹	بت شکن و رهبری خرازی، ۱۳۸۸	قبول	۴۵	Saif Alnasser & Muhammed,2017
قبول	۳۷	اعرابی و دیگران، ۱۳۹۰	قبول	۴۳	قلی پور و ناصری، ۱۳۹۵
قبول	۴۱	حساس یگانه و هاشمی، ۱۳۸۷	قبول	۳۴	کاظمیان، ۲۰۰۶
قبول	۴۰	جمکرانی و دیگران، ۱۳۹۴	قبول	۴۲	مهدوی پارسا، ۱۳۹۷
قبول	۳۶	یحیی پور، ۱۳۹۴	قبول	۳۸	همت فر و دیگران، ۱۳۹۱
قبول	۴۱	تقی پوریان و خلیل پور، ۱۳۸۸	قبول	۴۶	صادقی پور و دیگران، ۱۳۹۶
قبول	۳۴	جمشیدی نوید و ایزدی، ۱۳۹۰	قبول	۴۲	رستمی و دیگران، ۱۳۹۵
قبول	۴۱	تقی پور و دیگران، ۱۳۹۷	قبول	۴۱	صراف و محمدی، ۱۳۹۵
قبول	۳۷	رحمانی و قشقایی، ۱۳۹۵	قبول	۴۶	رحمان سرشت و هرنندی، ۱۳۹۶
قبول	۳۷	لاری دشت بیاض و همکاران، ۱۳۹۶	قبول	۴۱	قاسمی علی آبادی و نصیری اقدم، ۱۳۹۷
قبول	۳۵	نمازی و ابراهیمی، ۱۳۹۵	قبول	۴۵	حساس یگانه و سلیمی، ۱۳۹۰
رد	۲۹	Pirson & Turnbull, 2011	قبول	۳۸	احمدی و عالم زاده، ۱۳۹۷
رد	۲۸	طاهری و امینی، ۱۳۹۹	قبول	۴۱	محرابی، ۱۳۹۸
رد	۲۷	باقری، ۱۳۹۵	قبول	۳۵	کاشانی پور و رسانیان، ۱۳۸۷
رد	۲۸	حمیدیان و دیگران، ۱۳۹۵	قبول	۳۹	بهارمقدم و همکاران، ۱۳۹۲
رد	۲۷	مظلوم و مخمل یاف، ۱۳۹۶	قبول	۳۸	حاجیها و شاکری، ۱۳۹۸
رد	۲۴	G. Sloan,2001	قبول	۳۳	کردلویی و همکاران، ۱۳۹۱

همچنین برای حفظ کیفیت مطالعات از شاخص (kappa) بهره گرفته شده است. به این صورت که پس از گذشت مدت زمانی، پژوهشگر تعدادی از مصاحبه ها را مجدداً کد گذاری نموده است. جدول مورد توافق آماره کاپا به شرح جدول شماره (۳) است.

جدول (۳): آماره مورد توافق در محاسبه ضریب کاپا

جمع	خیر	بله	
M1	b	a	بله
M0	d	c	خیر
N	N1	N0	جمع

پارامترهای a و d نمایش دهنده همسانی کدگذاری و پارامترهای b و c عدم توافق و ناهمسانی دو کدگذاری را نمایش می‌دهد. بنابراین مطابق ضریب کاپا موجود^۱، حداقل ضریب کاپا قابل قبول ۶٪ است و مقادیر بالاتر از ۸٪ در دو کدگذاری و ارزشیابی بسیار مطلوب توصیف می‌شود. مطابق محاسبات ضریب کاپا در پژوهش پیش رو برابر با ۷۴٪ حاصل شده است.

گام هفتم: ارائه یافته‌ها

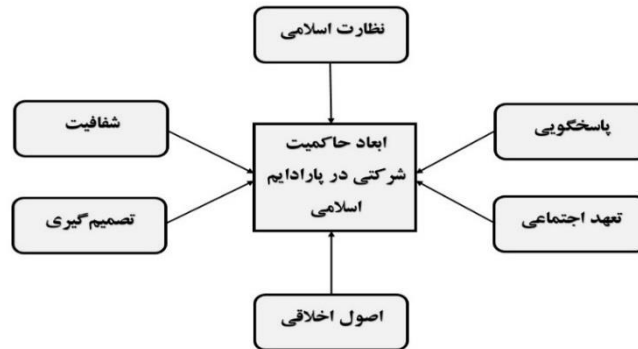
در گام هفتم و نهایی روش فراترکیب، پژوهشگر به ارائه یافته‌های حاصل از مراحل قبل می‌پردازد. ۴۲ منبع منتخب توسط پژوهشگران به دقت و مکرر بررسی شده و اطلاعات مورد نیاز بر مبنای هدف پژوهش شناسایی، تلخیص، همسان‌سازی و دسته‌بندی گردید و در شکل (۳) به صورت مدل مفهومی به نمایش گذاشته شده و اطلاعات حاصله از منابع تشکیل کدها در نگاره (۲) قرار گرفته است.

نگاره (۴). ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی

ابعاد اصلی	ابعاد فرعی
۱- اصول اخلاقی شرکت‌ها در مدل حاکمیت شرکتی اسلامی	G11- امانت‌داری (امانت‌داری در معاملات) G12- صداقت (راستگویی - عدم تبانی - عدم تقلب - وفای به عهد) G13- عدالت (بی‌طرفی - اعتدال - عدالت در تسهیم ریسک و بازده - عدالت در روابط متقابل - رفتار افقی) G14- انصاف (رعایت صرفه‌ذینفعان - اخلاق فراگیر)
۲- تعهد اجتماعی	G21- مسئولیت اجتماعی G22- عدم تضییع حقوق کلیه ذینفعان G23- اعتماد اجتماعی
۳- پاسخگویی اسلامی	G31- پاسخگویی در برابر خداوند G32- پاسخگویی در برابر کلیه ذینفعان G33- دیدگاه مکتبی در پاسخگویی
۴- شفافیت	G41- شفافیت در گزارش‌های مالی G42- شفافیت در گزارش‌های مدیریت G43- شفافیت در گزارش‌های عمومی شرکت G44- شفافیت مالکیت سهام G45- شفافیت سازمانی G46- شفافیت در خدمات مالی به موقع
۵- تصمیم‌گیری در مدل حاکمیت شرکتی اسلامی	G51- مجامع صاحبان سهام G52- هیئت‌مدیره G53- نمایندگان ذینفعان G54- نظارت شبکه‌ای ذینفعان
۶- نظارت اسلامی	G61- هیئت شریعت G62- حسابرسی شرعی G63- نظارت شرعی

1. $Kappa = (P_0 - P_e) / (1 - P_e)$

بنابراین با توجه به نگاره (۲) مدل مفهومی ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی را می‌توان به شکل زیر ترسیم نمود:



شکل (۳): مدل مفهومی ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی یافتن پاسخی به سوال «ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی کدامند؟» است که پژوهشگر با استفاده از روش فراترکیب و بررسی ۴۲ منبع معتبر که براساس مقیاس رویبریک به تأیید خبرگان ۲۵ نفره نیز رسیده، بصورتی دقیق و نظام‌مند عوامل و مؤلفه‌ها (ابعاد) حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی را شناسایی نموده و در ۶ گروه اصلی و ۳۵ گروه فرعی دسته‌بندی کرده است که گروه‌های اصلی عبارتند از: ۱- اصول اخلاقی ۲- تعهد اجتماعی ۳- پاسخگویی ۴- شفافیت ۵- تصمیم‌گیری و ۶- نظارت اسلامی. اولین بعدی که در پژوهش بیشترین مؤلفه را به خود اختصاص داده، بعد رعایت اصول اخلاقی توسط شرکت‌ها است که خود مشتمل بر: ۱- امانت‌داری (امانت‌داری در معاملات) ۲- صداقت (راستگویی، عدم تبانی، عدم تقلب و وفای به عهد) ۳- عدالت (بی‌طرفی، اعتدال، عدالت در تسهیم ریسک و بازده و عدالت در روابط با سهامداران، رفتار افقی) ۴- انصاف (رعایت صرفه‌ذینفعان، اخلاق فراگیر) است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مومنون، آیه ۸). از این رو می‌توان امانت‌داری و صداقت در آنرا از اصول بنیادی حاکمیت شرکتی به حساب آورد و صداقت یکی از بارزترین شاخص‌های اخلاقی در فضای کسب و کار اسلامی است که آنرا می‌توان به اطلاعات متقارن تشبیه کرد (نصراللهی و شفیع، ۱۳۹۵). خداوند می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ ادْخُلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ...». «مَدْخَلَ صِدْقٍ» یعنی در هر کاری که وارد می‌شود ورودش صادقانه باشد (اسراء، ۸۰). صداقت در شرکت‌های اسلامی منجر به عدالت می‌شود. خداوند می‌فرماید: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»

بگو پروردگارم مرا به قسط و عدالت امر نمود» (اعراف/۲۹). برابری و مساوات و بطور کلی داشتن رفتاری برابر با ذینفعان (رفتار افقی) در بهره‌برداری از امکانات موجود از ابعاد عدالت اجتماعی و رعایت حقوق اقتصادی ذینفعان در حوزه رفتارهای اقتصادی از ابعاد عدالت اقتصادی است که شرکت‌های اسلامی موظف به رعایت توأمان آن‌ها هستند.

دومین بعد به تعهد اجتماعی می‌پردازد که به مؤلفه‌های فرعی مسئولیت اجتماعی و عدم تضییع حقوق کلیه ذینفعان و نیز اعتماد اجتماعی تفکیک می‌گردد. از عنوان مسئولیت اجتماعی به سلسله اقداماتی فراتر از منافع شرکت و در جهت افزایش کیفیت رفاه اجتماع و ذینفعان یاد می‌شود. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ» (فهرست غرر، ص ۷۷). بنابراین ضایع نمودن حقوق دیگران و مقدم دانستن آن بر حقوق فردی، موجبات اعتماد اجتماعی را فراهم و پایداری تعهد اجتماعی در شرکت‌های اسلامی را بیشتر می‌نماید.

بعد سوم به پاسخگویی شرکت‌ها و سازمان‌ها در قالب سه بحث پاسخگویی در برابر خداوند، پاسخگویی در برابر کلیه ذینفعان و دیدگاه مکتبی در پاسخگویی می‌پردازد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ - سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد» (تکواثر/ ۸). بنابراین آنچه در اسلام بیشتر مدنظر قرار دارد موضوع پاسخگویی وسیع در برابر ذینفعان با یک دیدگاه مکتبی است و در وهله اول پاسخگویی در برابر خداوند مطرح است (رستمی و دیگران، ۱۳۹۵). حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «کلکم راعٍ، وَ كَلِكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸). با این مفهوم که عنصر اساسی حاکمیت شرکتی در این بخش را می‌توان پاسخگویی در اقسام یاد شده آن دانست.

بعد چهارم به شفافیت می‌پردازد که مشتمل است بر مؤلفه‌های: ۱) شفافیت در گزارش‌های مالی (۲) شفافیت در گزارش‌های مدیریت (۳) شفافیت در گزارش‌های عمومی شرکت (۴) شفافیت مالکیت سهام (۵) شفافیت سازمانی (۶) شفافیت در خدمات مالی به موقع. شفافیت در کنار بسیاری از مفاهیم که در دوران مدرن رواج و توسعه یافتند در ادبیات دینی وجود داشته است. آیه «وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (سوره بقره، آیه ۴۲)، به نوعی به مسئله شفافیت اشاره دارد زیرا نپوشاندن حق همان اشاره به شفافیت دارد. اسلام به اصل شفافیت تأکید و آن‌را به عنوان ابزاری برای توسعه جامعه ضروری می‌داند (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵).

بعد پنجم به تصمیم‌گیری شرکت‌ها با توجه به مؤلفه‌های (۱) مجامع صاحبان سهام (۲) هیئت-مدیره (۳) نمایندگان ذینفعان (۴) نظارت شبکه ای ذینفعان می‌پردازد و به این دلیل مدیران در

روابط با خود و دیگران، خود را تحت نظارت مدیری عالم، قادر، عادل و حکیم می‌بینند، که قرآن می‌فرماید: *ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ*. (یونس / ۱۴). درگیرسازی ذینفعان، با مشارکت اثربخش در مجامع شرکت و حاکمیت شبکه‌ای از افراد با دانش و ذینفع و نیز نظارت مؤثر آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های کلیدی و همچنین پردازش و تصمیم‌گیری اطلاعاتی در سطح هیئت‌مدیره با استفاده از چندین ذینفع باعث نظارتی چندلایه و شبکه‌ای می‌شود.

بعد ششم از ابعاد حاکمیت شرکتی در پارادایم اسلامی، به مبحث نظارت اسلامی بر شرکت‌ها می‌پردازد که خاص کشورهای اسلامی است. سه مؤلفه: (۱) هیئت شریعت (۲) حسابرسی شرعی و (۳) نظارت شرعی.

خداوند در قرآن در مورد امت‌های مختلف می‌فرماید: *لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا*، برای هر یک از شما شرع و راهی قرار دادیم» (مائده / ۴۸). وظیفه هیئت شریعت رسیدن به مقاصد شریعت است بنابراین در سیستم تجارت اسلامی باید با قوانین اخلاقی شریعت پی‌ریزی شود (ابوتپانجه، ۲۰۰۷). بنابراین در زمینه شریعت، هیئت شریعت ورود پیدا می‌کند (حسن، ۲۰۰۹). از این‌رو در سازمان‌های اسلامی حضور هیئت نظارت شرعی به ترسیم تصویر صحیح روابط اسلامی کمک می‌کند (النصر و محمد، ۲۰۱۷).

در زمینه اسلامی کردن علوم باید از هرگونه افراط و تفریط دوری جست ایده‌ی اسلامی کردن علوم در نتیجه آشتی دادن علم با دین و علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد، به ناچار اسلامی و دینی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶). ارزش‌ها در جوامع اسلامی، اهداف و جهان‌بینی متفاوت از جوامع شرقی و غربی است. از این رو آنچه در اسلام بیشتر مدنظر قرار دارد موضوع پاسخ‌گویی وسیع در برابر ذینفعان با یک دیدگاه مکتبی است (رستمی و همکاران، ۱۳۹۵). از دیگر سو نظارت بر فعالیت‌های مالی و اقتصادی در جهت حلال نیز در اسلام همواره مورد توجه بوده همانند: ربا، قمار، معاملات حرام و ... که در حاکمیت شرکت مرسوم (انگلساکسونی و اروپایی) به آن بی‌توجهی شده است. الگوی حاکمیت شرکتی انگلساکسونی و یا قاره‌ای بر اساس فلسفه اقتصادی پایه‌گذاری شده و شامل فردگرایی، انتفاع شخصی بدون توجه به وضعیت دیگران، و حداکثرسازی سود است. اما در جهان‌بینی اسلامی در خصوص خدمات مالی، هدف غایی حاکمیت شرکتی در اسلام نه تنها کسب اطمینان از بی‌طرفی در برابر سهامداران است، بلکه گستره ذینفعان را نیز برای رسیدن

به شفافیت اطلاعاتی و پاسخگویی بیشتر، رعایت اصول اخلاقی همچون انصاف و عدالت و رسیدن به سود منطقی با توجه به وضعیت دیگران شامل می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قوانین و مبانی اسلامی برای حاکمیت شرکتی راهنمایی‌هایی بیشتر و کامل‌تری را معرفی می‌کند و همچنین تکالیف و روش‌های موجود را در مورد شیوه‌های انجام معاملات اقتصادی برای هدایت اخلاقی مسلمانان بصورتی کامل پوشش می‌دهد. از این جهت جهت استقرار نظام حاکمیت شرکتی پیشرفته اسلامی نیازمند تعریف مفاهیم نظری حاکمیت شرکتی با رویکرد اسلام محور است که توانایی جهت‌دهی به شرکت‌ها و تعیین استراتژی و خط‌مشی را داشته باشد. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش موارد زیر برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود:

۱. انجام مطالعات در خصوص استاندارد‌گذاری در زمینه امور مالی و حسابداری و نیز حسابرسی بر اساس مبانی اسلامی
۲. ایجاد هیئت نظارت شرعی در جهت تطابق رفتار شرکت‌ها با اصول و مبانی اسلامی
۳. بررسی چگونگی ایجاد زیرساخت‌های حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها بر مبنای اصول حاکمیت شرکتی اسلامی
۴. بررسی چگونگی جلب اعتماد عمومی جامعه اسلامی نسبت به رعایت الزامات حاکمیت شرکتی با محوریت قوانین اسلامی و نظارت و حسابرسی شرعی.

منابع

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم، نشر اسراء.
- حساس یگانه، یحیی (۱۳۹۵). تأثیر ساز کارهای حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی و مدیریت سود واقعی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶(۲)، صص ۲۳-۴۵. doi: 10.22051/jera.2016.2289
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). مبانی نظری حاکمیت شرکتی. ماهنامه حسابداری، انجمن حسابداران خبره/ایران، شماره ۱۶۸.
- خزایی، مهدی؛ زلفی، حسن؛ افلاطونی، عباس. (۱۴۰۰). نقش تعدیل‌گر ساختار مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۱(۱). doi: 10.22051/JERA.2018.19475.1968
- رستمی، وهاب؛ آراد، حامد؛ عبدالله زاده، سلام؛ برشد، عبدالحسین. (۱۳۹۵). انواع پارادایم‌های راهبری شرکتی. فصلنامه حسابداری رسمی، صص ۸۱-۸۸.
- سرلک، نرگس؛ حیدری، زهره؛ فتحی، سمیه؛ آهنگری، مهناز. (۱۳۹۹). رابطه ویژگی‌های هیئت‌مدیره و ارزش شرکت در شرایط تحریم اقتصادی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۰(۲)، doi: 10.22051/jera.2019.23379.2266
- صادقی‌پور، علی؛ فراهانی‌فرد، سعید؛ غلامی جمکرانی، رضا. (۱۳۹۶). مدل مفهومی سرمایه‌گذاری پاک با تأکید بر راهبری شرکتی با رویکرد اسلامی. تحقیقات مالی اسلامی، ۷(۱)، ۱۹۱-۲۱۸. doi:10.30497/ifr.2017.2131
- صراف، فاطمه؛ محمدی، مهسا. (۱۳۹۶). بررسی حاکمیت شرکتی و پاسخگویی با تأکید بر آیات قرآن. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۶(۲۱)، ۶۶-۸۵.
- طاهری، محسن؛ ارسطا، محمد جواد؛ ملک‌افضلی، محسن. (۱۳۹۸). مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اندیشه سیاسی اسلام. تهران، مجله سیاست متعالیه، سال ۷، شماره ۲۴، ص ۸۱.
- فهرست غرر الحکم، ص ۷۷، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۶، <http://noo.rs/Nf>.RU
- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق/۱۳۷۶ش.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۹۸). بهارالانوار. اصفهان، مرکز نشر تحقیقات رایانه‌ای.
- مشایخی، بیتا؛ جلالی، فرزانه. (۱۳۹۱). ارزش‌های فرهنگی و حاکمیت شرکتی. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۱۴، ص ۵۱-۶۶.
- مشایخی، بیتا؛ شاکری، مهین. (۱۳۹۵). راهبری شرکتی: مفاهیم و موردکاوی. تهران، انتشارات بورس.
- نجفی سیاهرودی، مهدی؛ علوی، سید مسلم؛ مومن زاده، محمد هادی. (۱۳۹۲). مجامع عمومی راهنمای برگزاری و تصمیم‌گیری. - انتشارات گندمان.

- نصراللهی، زهرا؛ شفیعی، علی. (۱۳۹۵). اثر صداقت در بارازهای مالی بر متغیرهای اقتصادی. تهران، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ۱۶، شماره ۶۱، صص ۳۳-۶۴.
- همت فر، محمود؛ اصلانی، محمد؛ لطفعلیان، فاطمه/ (۱۳۹۱). الگوی حاکمیت شرکتی اسلامی. فصلنامه حسابرس، شماره ۵۹، صص ۱۶۶-۱۲۴.
- Abu-Tapanjeh.A.M. (2009). Corporate governance from the Islamic perspective: A comparative analysis with OECD principles. *Critical Perspectives on Accounting* 20 (2009) 556-567.
- Ali Y., Khan A.(2021). Shari'ah Governance: A Solution to Corporate Governance Problem. In: Kaur H. (eds) *Facets of Corporate Governance and Corporate Social Responsibility in India*.
- Cadbury Code, the.(December 1992) Report of the committee on Financial Aspects of Corporate Governance. the Code of best Practice, Gee Professional Publishing, London . DOI: 10.1016/j.cpa.2007.12.004.
- Hasan, Z.(2009). Corporate Governance : Western and Islamic Perspectives, *International Review of Business Research Papers* Vol.5 No. 1 January 2009 Pp. 277-293.
- Hasas Yeganeh, Y.(2005). Theoretical foundations of corporate governance. *Accounting Journal, Iranian Association of Certified Public Accountants*. N 168.(in persian)
- Hasas Yeganeh, Y.(2016). The Impact of Corporate Governance Mechanisms on Audit Quality and Real Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*, 6(2), 23-45. doi: 10.22051/jera.2016.2289. (in persian).
- Hemmatfar, M. Aslani, M. Lotfalian, F.,(2012). Islamic corporate governance model. *Journal Auditor Quarterly*.V59. pp124-166. (in persian). https://doi.org/10.1007/978-981-33-4076-3_8
- Javadi Amoli, A.,(2007). The status of reason in the geometry of religious knowledge. *Qom. publish Isra*.(in persian)
- Jeremy Rose, Leif Skiftenes Flak, Oystein Sabo.(2018). Stakeholder theory for the E-government context' *Government Information Quarterly*'35' pp362-374.
- Khazaei, M., Zalaghi, H., Aflatooni, A.(2021). Moderating Effect of Ownership Structure on the Relation between Financial Statement Comparability and Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*, 11(1), 1-22. doi: 10.22051/jera.2018.19475.1968.
- Mansour. Walid, and M. Ishaq Bhatti.(2018). The new paradigm of Islamic corporate governance., <https://doi.org/10.1108/MF-01-2018-0043>.
- Mashayekhi, B., Jalali, F.(2012). Cultural Values and Corporate Governance. *Journal of Financial Accounting Research*, 4(4), 51-66. (in persian)
- Mashayekhi, B and Shakeri, M.,(2016). Corporate governance. *Concepts and case study, Stock Publications*.(in persian)
- Mishra, A.K., Jain, S. & Manogna, R.L.(2021). Does corporate governance characteristics influence firm performance in India?. *Empirical evidence using dynamic panel data analysis. Int J Discl Gov* 18, 71-82. <https://doi.org/10.1057/s41310-020-00098-7>.

- Mostepaniuk, A. (2017). Corporate Governance, Girne American University, Turkish Republic of Northern Cyprus, Kyrenia, Cyprus. <http://dx.doi.org/10.5772/intechopen.69704>.
- Muhammad T. Khan and Qadri M and Al-Jabri .(2021). Dynamic relationship between corporate board structure and firm performance: Evidence from Malaysia. *International Journal Of Financial Economic*, Volume 26 , Issue 1 January 2021, Pages 644-661.
- Mukhlisin, M. and Nofianti, L. (2019). .The Role of Good Corporate Governance and Accounting in Islamic Financial Institutions. Azid, T., Alnodel, A. and Qureshi, M. (Ed.) *Research in Corporate and Shari'ah Governance in the Muslim World: Theory and Practice*, Emerald Publishing Limited, pp. 115-126.
- OECD PUBLICATIONS, 2, rue André-Pascal, 75775 PARIS CEDEX 16 PRINTED IN FRANCE (2004) ISBN 92-64-01597-3 – No. 53533 2004.
- Ozili, P.K. (2021). Corporate governance research in Nigeria: a review. *SN Bus Econ* 1, 17 (2021).
- Rostami, V., Arad, H., Abdallahzadeh, S., Barshed, A.A. (2016). Types of corporate governance paradigms. *Journal of Iranian Association of Certified Public Accountants*. pp 81-88. (in persian)
- Sadeghipour, A., Farahani Farhad, S., Golami Jamkarani, R. (2017). The Conceptual Model of Clean (Pak) Investment, with Emphasis on the Corporate Governance in an Islamic Approach. *Islamic Finance Research Bi-quarterly Journal*, 7(13), 191-218. doi: 10.30497/ifr.2017.2131.
- Sandelowski, M. And Barros, J. (2007). Handbook for Synthesizing Qualitative Research. *Springer publishing company Inc*
- Saraf, F., Mohammadi, M. (2017). Investigating Corporate Governance And Accountability Based On Quranic Verses. *Accounting and Auditing Studies*, 6(21), 66-85. (in persian)
- Sarlak, N., heydari, Z., fathi, S., ahangary, M. (2020). The Board Characteristics and Firm Value under Economic Sanctions. *Empirical Research in Accounting*, 10(2), 1-22. doi: 10.22051/jera.2019.23379.2266 (In Persian).
- Sulaiman Abdullah Saif Alnasser, Jorah Muhammed. (2012). Introduction to corporate governance from Islamic perspective. *Humanomics*, Vol. 28 Issue: 3, pp. 220-231, <https://doi.org/10.1108/08288661211258110>.
- Thompson, E.K. and Adasi Manu, S. (2021). The impact of board composition on the dividend policy of US firms. *Corporate Governance*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/CG-05-2020-0182>.

ارائه مدلی برای سنجش خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران^۱

بهمن عبدی گلزار^۲، یونس بادآورنهندي^۳، مهدی زینالی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف پژوهش حاضر ارائه مدل برای سنجش خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی می‌باشد. برای این منظور بر اساس ادبیات، تئوری‌ها و نظرسنجی از خبرگان سراسر کشور، ۲۲ متغیر مشتاء خطر اخلاقی مدیران استخراج و مجدداً در معرض اظهار نظر خبرگان قرار گرفت تا از نظر اهمیت نیز به متغیرها امتیازدهی نمایند. ۹ متغیر بر اساس ترجیح خبرگان انتخاب گردید و با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی گروهی (GAHP) به هریک از متغیرهای انتخاب شده ضرایب متناسبی تخصیص یافت و مدل اولیه حاصل گردید. داده‌های پژوهش از طریق صورتهای مالی ۱۸۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳ ساله از ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸ گردآوری شده است. در نهایت مدل بدست آمده از طریق پیامدهای شناسایی شده، مورد اعتبارسنجی قرار گرفت. اطلاعات مدل نهایی که شامل متغیرهای ساختار (تمرکز) مالکیت، عدم اطمینان محیطی، انحصار در بازار محصول، محدودیت مالی، نسبت اهرمی، جریان‌های نقد آزاد، مخارج سرمایه‌ای، ریسک درونی شرکت و چرخه عمر شرکت می‌باشد، از بورس اوراق بهادار تهران جمع‌آوری گردید. نتایج آزمون اعتبارسنجی مدل نشان می‌دهد که خطر اخلاقی مدیران موجب افزایش ریسک سقوط قیمت سهام و کاهش کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود. در نتیجه، مدل ارائه شده می‌تواند جهت تصمیم‌گیری‌ها، خصوصاً در بازار سرمایه کارآمد باشد. با فراهم شدن امکان اندازه‌گیری خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی می‌توان تدابیر لازم برای کاهش آن را از طریق برقراری مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی قوی برای کنترل و نظارت، اتخاذ نمود.

واژه‌های کلیدی: تئوری نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی، کارایی سرمایه‌گذاری، خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی، ریسک سقوط قیمت سهام.

طبقه بندی موضوعی: G32, D8, G14, D82, G19

DOI: 10.22051/JERA.2021.35722.2844

۱. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، (abdigozar@iauosku.ac.ir).
 ۲. دانشیار، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)، (badavarnahandi@iaut.ac.ir).
 ۳. استادیار، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران، (zeynali@iaut.ac.ir).
- https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

با توجه به اینکه تاکنون در زمینه خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی معیار سنجشی ارائه نگردیده است، هدف پژوهش حاضر ارائه مدل برای سنجش خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی می‌باشد. همه مدل‌هایی که در آن کارگزار دارای اطلاعات پیش قراردادی است تحت عنوان انتخاب نامطلوب طبقه‌بندی می‌گردد و مواردی که کارگزار دارای عملکرد نامشهود است، مشکل خطر اخلاقی ایجاد می‌شود (میرلس، ۱۹۹۹، هولمسترون، ۱۹۷۹). در مواردی که مدیران اختیارات گسترده‌ای دارند، مخاطرات اخلاقی افزایش پیدا می‌کند زیرا ممکن است از این اختیارات در جهت منافع شخصی و سپری برای کم کاری خود استفاده نمایند (میسانقی، ۲۰۰۱). مشکل خطر اخلاقی در مورد تصمیم‌گیری‌های استراتژیک شاید در خصوص مدیران اجرایی شرکت‌ها آشکارتر است و هرگونه شکست مدیر اجرایی برای انجام این تصمیمات در راستای منافع سهامداران، می‌تواند هزینه‌های قابل توجهی را برای صاحبان این شرکت‌ها ایجاد کند (هولمسترون، ۱۹۷۹). با توجه به اهمیت خطر اخلاقی مدیران از جمله اثرات مخربی که بر ارزش شرکت دارد، سهامداران برای حفظ منافعشان به انحراف مختلف سعی در کاهش و در نهایت کنترل آن دارند. در حوزه خطر اخلاقی مدیران مبتنی بر داده‌های مالی به غیر از مطالعات صورت گرفته توسط هیملبرگ، هوبارد و پالیا (۱۹۹۹) و همچنین لی (۲۰۰۹)، مطالعاتی که ارتباط مستقیمی با خطر اخلاقی مدیران داشته باشند، انجام نشده است. در این مطالعات نیز بصورت مستقیم جهت ارائه مدل برای سنجش خطر اخلاقی مدیران اقدام نگردیده و صرفاً از تبیین‌کننده‌هایی برای سنجش تمرکز مالکیت استفاده شده است. مدل‌های سنجش خطر اخلاقی ارائه شده در صنعت بیمه و بانکداری نیز مبتنی بر داده‌های مالی و حسابداری نیستند. در نهایت این سوال قابل طرح می‌باشد که مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران چگونه است؟.

در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد تا ابعاد خطر اخلاقی مدیران و عواملی که باعث ایجاد یا تقویت آن می‌شوند، از طریق بررسی پژوهش‌های پیشین، ادبیات و تئوری‌های مربوطه و نظرسنجی از خبرگان علمی کشور جمع‌آوری گردیده، سپس از طریق فرایند تحلیل سلسه مراتبی گروهی، ضرایب هر یک از متغیرهای انتخاب شده تعیین و مدل خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی استخراج می‌گردد که از جنبه‌های نوآوری پژوهش می‌باشد. در نهایت برای ارزیابی اعتبار مدل از پیامدهای خطر اخلاقی مدیران به منظور اعتبار سنجی مدل استفاده می‌شود.

مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران از یک سو می‌تواند ابزاری برای استفاده‌کنندگان، جهت شناسایی شرکت‌های پر مخاطره بوده و از سوی دیگر به عنوان محرکی جهت ایجاد و تقویت کنترل‌های لازم به منظور کاهش سوء استفاده‌های مدیران، عمل نماید. در ادامه پس از تشریح مبانی نظری و پیشینه پژوهش، روش‌شناسی پژوهش مطرح می‌گردد و پس از تشریح مراحل ارائه مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران، در نهایت یافته‌های پژوهش که در درجه اول ارائه مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران و سپس اعتبار سنجی مدل ارائه شده می‌باشد، تشریح می‌گردد. در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهادات پژوهش ارائه می‌گردد.

مبانی نظری پژوهش

خطر اخلاقی ریشه در تئوری نمایندگی دارد. در تئوری نمایندگی بحث جدایی مالکیت از کنترل مطرح است و چنین فرض می‌شود که خروجی یک پروژه در نتیجه تضاد منافع و تفویض اختیار دارای ریسک است (هولمسترون، ۱۹۸۲، ۱۹۷۹؛ لازیر و روزن، ۱۹۸۱؛ اسمیت، ۱۹۳۷). هارت و هولمسترون (۱۹۸۶) معتقد هستند، هنگامی که سهامداران می‌توانند اقدامات مدیر را مشاهده کنند، می‌توانند قراردادی را تنظیم کنند که اقدامات مدیریت را تحت هر شرایط مشخص و کنترل نمایند، در غیر این صورت زمینه برای خطر اخلاقی مدیران ایجاد می‌شود. در ایجاد خطر اخلاقی مدیران، بحث اختیار مدیریتی تأثیر غیرقابل انکاری دارد، بدین معنا که مدیران اجرایی در امر تصمیم‌گیری و اجرا دارای قدرت هستند (استلی و وان ده ون، ۱۹۸۳ بارل و مینز، ۱۹۳۲؛ ماریس، ۱۹۹۸؛ ویلیامسون، ۱۹۶۴). با توجه به ادبیات، تئوری‌ها، در نظر گرفتن نتایج پژوهش‌های پیشین و در نهایت نظر سنجی از خبرگان علمی سراسر کشور، ۲۲ متغیر ایجادکننده خطر اخلاقی مدیران به دو دسته کلی به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌گردد:

عوامل مربوط به اختیارات مدیریتی در خطر اخلاقی مدیران

خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات دارایی‌های ملموس‌تری هستند و با عنایت به تغییرات اندک در طول سال مالی، قابلیت کنترل و نظارت بالایی دارند (لی، ۲۰۰۹). با کاهش اختیار مدیریت برای دست‌کاری در این گونه از دارایی‌ها، خطر اخلاقی در شرکت‌هایی با نسبت بیشتری از خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات کاهش می‌یابد و بر عکس. مدیران شرکت‌هایی با جریان‌های نقدی آزاد بالا که فرصت‌های رشد کمتری پیش رو دارند به احتمال زیاد جریان‌های نقدی آزاد مازاد را در پروژه‌های متفرقه با خالص بازدهی منفی سرمایه‌گذاری

می‌کنند (فواد رحمان و همکاران، ۲۰۰۸)، چانگ، فیرث و کیم (۲۰۰۵) بر این عقیده هستند که چنین پروژه‌ها و فعالیت‌هایی ممکن است خودخواهانه بوده و برای مدیران منافع و پاداش‌های مادی در پی داشته باشد، بنابراین هرچه جریان‌های نقدی آزاد بیشتر باشد، خطر اخلاقی مدیران افزایش خواهد یافت (کردستانی، قربانی، خوانساری، ۱۳۹۵). نسبت بالای حاشیه سود عملیاتی نیز به همین ترتیب باعث افزایش خطر اخلاقی می‌گردد چرا که این نسبت نشان‌دهنده توفیق مدیریت در کنترل هزینه‌های شرکت یا پیشی گرفتن رشد فروش شرکت به رشد هزینه‌های آن است (مکل نیل و همکاران، ۲۰۰۵). با توجه به اینکه تصمیم‌گیری در خصوص میزان هزینه تبلیغات به صورت گسترده در اختیار مدیریت می‌باشد، بنابراین در شرایطی که مدیریت نیاز به گزارش سود بیشتر دارد، این گونه هزینه‌ها را کاهش و در شرایطی مثل سیاست‌های کاهش پرداخت مالیات، این گونه هزینه‌ها را افزایش می‌دهد (لی، ۲۰۰۹). بنابراین خطر اخلاقی با افزایش در این نوع هزینه‌ها، افزایش خواهد یافت. با توجه به اینکه تأمین مالی برای انجام مخارج سرمایه‌ای در صحنه رشد شرکت، نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند و از طرفی توانایی در مشخص ساختن منابع مالی بالقوه اعم از داخلی یا خارجی برای تهیه وجوه به منظور سرمایه‌گذاری‌ها و تهیه برنامه‌های مالی مناسب، از عوامل اصلی رشد و پیشرفت شرکت‌ها به حساب می‌آید، بنابراین مدیریت شرکت در راستای تأمین منابع مالی مناسب باید هزینه‌های تأمین منابع متعدد را مشخص و آثاری را که این منابع مالی بر بازده و ریسک عملیاتی شرکت دارند، تعیین کند (شاپیرو، ۱۹۸۶). بنابراین به دلیل افزایش اختیار و میزان اعمال نظر مدیران در خصوص مخارج سرمایه‌ای شرکت، خطر اخلاقی نیز افزایش می‌یابد (هیملبرگ، ۱۹۹۹؛ لی، ۲۰۰۹). با افزایش طول دوره چرخه عملیاتی، وضعیت اقتصادی شرکت‌ها در اثر شوک‌های اقتصادی آسیب‌پذیرتر می‌گردد و حساسیت و نوسان‌پذیری سود افزایش می‌یابد (دیچو و تانگ، ۲۰۰۹). بنابراین مدیر جهت حفظ جایگاه خود در شرکت و دوری از ابهامات و ریسک شرکت، لاجرم مرتکب دستکاری در ارقام تعهدی جهت تغییر سود می‌گردد (هائو، ۲۰۰۹) و در این شرایط خطر اخلاقی افزایش می‌یابد. اسکینر و سالتز (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که کیفیت سودها برای شرکت‌هایی که سود سهام پرداخت می‌کنند، بیشتر است. بنابراین، سود سهام می‌تواند نظارت خارجی بر مدیران را تسهیل کند و منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی و خطر اخلاقی گردد و در مقابل پایین بودن نرخ سود تقسیمی موجب انباشته شدن منابع داخلی و افزایش جریان‌های نقد آزاد می‌شود که این مهم به نوبه خود افزایش دهنده خطر اخلاقی می‌باشد. دارایی‌های نامشهود دارای مجموعه‌ای از

ویژگی‌ها مانند عدم اطمینان بالا، ماهیت بلندمدت و میزان بالای سرمایه انسانی می‌باشد که آن‌ها را از سایر دارایی‌ها متمایز می‌کند (هولمستروم، ۱۹۸۹؛ لیو، ۲۰۰۱؛ ایریک و کول، ۱۹۸۹). نظارت و اندازه‌گیری عملکرد دارایی‌های نامشهود بویژه در مراحل اولیه سرمایه‌گذاری در این دارایی‌ها دشوار است (الودی و لو، ۲۰۰۰). در نتیجه می‌تواند به خطر اخلاقی منجر گردد. طبق تئوری چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر (ظهور، رشد، بلوغ، افول) دارای رفتارهای خاص می‌باشند و به نظر ورنفلت (۱۹۸۵) در مرحله ظهور و رشد داشتن سهم بیشتری از بازار و ظرفیت زیاد سرمایه‌گذاری میزان جریان نقد آزاد شرکت کمتر می‌باشد. بنا به فرضیه رشد و بلوغ گرالون (۲۰۰۲)، زمانی که یک شرکت در حال رشد به مرحله بلوغ می‌رسد فرصت‌های سرمایه‌گذاری آن کاهش می‌یابد که این امر به افزایش جریان‌های نقدی آزاد شرکت منتهی می‌شود. بنابراین در مراحل ظهور و رشد، جریان‌های نقدی آزاد کاهش یافته و در نتیجه خطر اخلاقی کاهش و در مراحل بلوغ و افول به دلیل افزایش جریان‌های نقدی آزاد و تمایل مدیر به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های دارای خالص ارزش فعلی منفی، خطر اخلاقی افزایش می‌یابد.

عوامل مربوط به شرایط عدم اطمینان در خطر اخلاقی مدیران

برل و مینز (۱۹۳۲) استنتاج می‌کنند که سهامداران جزء به دلیل اینکه انگیزه کمتری برای نظارت بر عملکرد مدیریت دارند بنابراین با افزایش نسبت این سهامداران (کاهش تمرکز مالکیت)، خطر اخلاقی افزایش خواهد یافت و از دیدگاه ویلیامسون (۱۹۶۴) با افزایش اندازه شرکت به دلیل افزایش مکانیزم‌های نظارتی شرکت، خطر اخلاقی کاهش خواهد یافت و برعکس. ریسک یک دارایی احتمال تغییر بازده آتی ناشی از دارایی می‌باشد و نوسان بالای بازده، نشان‌دهنده گستره وسیعی برای اختیار مدیریتی است بنابراین افزایش ریسک، افزایش خطر اخلاقی را به دنبال دارد (وستون و بریگام ۱۹۸۱؛ لن و دمستز، ۱۹۸۵). با افزایش میزان بدهی شرکت، انگیزه ائتلاف سهامدار و مدیر در کنترل شرکت برای سرمایه‌گذاری در فرصت‌هایی با خالص ارزش فعلی مثبت کاهش می‌یابد همچنین شرکت‌هایی که نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار بالایی دارند، دارای ریسک بالا بوده و به دلیل فعالیت با دامنه فعالیت بزرگتر و در شرایط عدم اطمینان، میزان خطر اخلاقی در این گونه شرکت‌ها که اهرم مالی و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار بالایی دارند، افزایش می‌یابد (مایرز، ۱۹۹۷؛ چن و ژنگ، ۱۹۹۸). بارث و

همکاران (۲۰۰۶) دریافته‌اند که مخارج پژوهش و توسعه شرکت‌ها به میزان بیشتری توسط تحلیل‌گران بررسی و پوشش داده می‌شوند، بنابراین به دلیل بالا بودن نظارت، دامنه خطر اخلاقی در این گونه شرکت‌ها کاهش می‌یابد و برعکس. هوپ و توماس (۲۰۰۸) دریافته‌اند که از جنبه تنوع‌سازی جغرافیایی، مدیران شرکت‌هایی که دارای نسبت رشد فروش خارجی بالا و حاشیه سود خارجی پایین‌تر می‌باشند به منظور پنهان‌سازی فعالیت‌های توسعه امپراتوری خود تمایل اندکی به افشای داوطلبانه اطلاعات مربوط به درآمد جغرافیایی شرکت دارند همچنین از جنبه تنوع‌سازی تجاری نیز نظارت بر شرکت‌هایی که در صنایع مختلف و یا مکان‌های جغرافیایی متنوع کار می‌کنند نیز دشوار است، بنابراین در هر دو حالت تنوع‌سازی جغرافیایی و تجاری خطر اخلاقی مدیران افزایش خواهد یافت (بوشمن، چن، انگل و اسمیت، ۲۰۰۴؛ لی، ۲۰۰۹). زمانی که شرکت با محدودیت مالی مواجه می‌شود، شوک جریان‌های نقدی منفی منجر به ریسک‌گریزی و سرمایه‌گذاری کمتر توسط مدیر خواهد شد، بنابراین به دلیل عدم پی‌گیری حداکثر منافع سهامداران توسط مدیر، خطر اخلاقی افزایش می‌یابد (گاریلا و یانگ، ۲۰۱۶). گزارشگری مالی و سنجش عملکرد در شرکت‌هایی که عملیات تجاری متغیر و پرنوسانی دارند، پیچیده‌تر است و شرایط عدم اطمینان محیطی بدلیل ایجاد پیچیدگی می‌تواند با کاهش نظارت، خطر اخلاقی را افزایش دهد (لیم و همکاران، ۲۰۰۸). هارت (۱۹۸۳) استدلال می‌کند که رقابت در بازار محصول باعث کاهش اختیار مدیریت می‌شود و بدنبال آن با کاهش هزینه‌های نمایندگی، عملکرد شرکت را بهبود داده و خطر اخلاقی را کاهش می‌دهد و برعکس. مدیران ممکن است ناکارآمدی و نتایج ضعیف را با جمع کردن عملکرد در بخش‌ها و مناطق جغرافیایی و یا انتقال منابع بین بخش‌ها و مناطق جغرافیایی مختلف، پنهان کنند و نظارت بر آنها به دلیل پیچیدگی و گستره عملیات آنها دشوار است. بنابراین پراکندگی و تنوع زیاد فروش جغرافیایی و پراکندگی فروش در صنعت می‌تواند منجر به افزایش خطر اخلاقی گردد (لی، ۲۰۰۹).

از نظر مفهومی کارایی سرمایه‌گذاری زمانی حاصل می‌شود که شرکت تنها در پژوهش‌هایی با خالص ارزش فعلی مثبت سرمایه‌گذاری کند و این امر زمانی صادق است که هیچ‌یک از مسائل بازار ناقص از جمله انتخاب نامطلوب و خطر اخلاقی وجود نداشته باشند. ولی وجود مسائل و مشکلات بازار ناقص از جمله خطر اخلاقی، ناکارایی سرمایه‌گذاری را بدنبال خواهد داشت (بیدل و همکاران، ۲۰۰۴؛ وردی، ۲۰۰۶). همچنین اگر در نتیجه خطر اخلاقی، مدیران بتوانند برای مدت زمان طولانی از افشای اخبار منفی جلوگیری نمایند، این اخبار در داخل

شرکت انباشته می‌شود و وقتی این پنهان کاری به آستانه معینی برسد، توده اخبار نامطلوب ناگهان وارد بازار می‌شود و به افت شدید بازده سهام یا به سقوط قیمت سهام می‌انجامد، بنابراین پیامد دیگر خطر اخلاقی سقوط قیمت سهام می‌باشد (هاوتون، مارکوس و تهرانیان، ۲۰۰۹).

پیشینه پژوهش

هیملبرگ و هوبارد (۱۹۹۹) با این توجیه که مدیران باید دارای سهم مالکیت بیشتری باشند تا انگیزه‌های خطر اخلاقی در آنها هموار شود، رابطه مالکیت مدیریت را با عملکرد شرکت بررسی نمودند ولی به رابطه معنی‌داری دست نیافتند. این یافته چنین قابل توجیه است که شرکت‌ها تحت مجموعه‌ای از روابط قراردادی شامل قراردادهایی برای تأمین مالی، ساختار سرمایه، مالکیت مدیریتی و جریان خسارت اداره می‌شوند. برای هر یک از این روابط قراردادی، بررسی رابطه بین معیار قراردادی و عملکرد شرکت (به عنوان مثال، با معیارهای حسابداری بازده یا Q تویین اندازه‌گیری می‌شود) دشوار است. زیرا روابط قراردادی مانند مالکیت مدیریت تا حدود کمی بوسیله معیارهای قابل مشاهده محیط قراردادی شرکت قابل تعیین می‌باشد. جیمی لی (۲۰۰۹) تأثیر پیش‌بینی سود توسط مدیریت در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران را از جنبه خطر اخلاقی بررسی نمود، نتیجه پژوهش نشان داد در شرکت‌هایی که بیشتر مستعد خطر اخلاقی می‌باشند، مدیران گرایش بیشتری به پیش‌بینی سود سالانه دارند و این امر به احتمال زیاد به منظور تسهیل نظارت توسط بازارهای سرمایه و تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی در جهت کاهش مخاطره اخلاقی در این گونه شرکت‌ها صورت می‌گیرد. ژو (۲۰۱۲) در بخشی از پژوهش خود رابطه مخاطرات اخلاقی و محافظه‌کاری را مورد بررسی قرار داد. یافته‌های مطالعه وی نشان داد با افزایش (کاهش) مشکل مخاطرات اخلاقی در شرکت‌ها، اتخاذ رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری افزایش (کاهش) می‌یابد. این یافته چنین قابل توجیه می‌باشد که با کاهش مالکیت مدیریتی، شدت مخاطرات اخلاقی افزایش می‌یابد و در سایه تأثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، تقاضا برای محافظه‌کاری افزایش می‌یابد. کومیر (۲۰۱۴) به بررسی رابطه مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های کانادایی پرداخت. یافته‌های وی نشان داد، مدیریت سود و عدم تقارن اطلاعاتی رابطه مثبت و معنی‌داری داشته و محیط پیچیده و متغیر، رابطه اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی را تضعیف می‌کند. این یافته بر این موضوع تأکید دارد که یکی از پیامدهای نامطلوب عدم تقارن اطلاعاتی، مدیریت سود می‌باشد.

مارتین (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان خطر اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک به این نتیجه می‌رسد که سطح خطر اخلاقی را می‌توان با یک قرارداد مشوق بهبود بخشید و بهترین نوع پرداخت دستمزد به مدیر شامل گزینه‌های دارای ارزش پولی است. یافته پژوهش، کارایی مشوق‌های پولی به منظور همراه ساختن مدیران با منافع سهامداران و کاهش خطر اخلاقی مدیران را تأیید می‌نماید. سلطانی و خواجه‌وی (۱۳۹۵) طی پژوهشی به بررسی تأثیر خطر اخلاقی بر ساختار سرمایه پرداخته و برای اندازه‌گیری خطر اخلاقی از تبیین‌کننده‌های مقاله لی (۲۰۰۹) استفاده نموده و به این نتیجه رسیدند که خطر اخلاقی بر ساختار سرمایه تأثیر منفی و معنی‌دار دارد. در این پژوهش برای سنجش ساختار سرمایه از نسبت‌های اهرمی استفاده شده است و وجود رابطه منفی بین خطر اخلاقی و ساختار سرمایه به دلیل ناآگاهی سرمایه‌گذاران در لحاظ کردن مخاطرات اخلاقی در تصمیمات سرمایه‌گذاری و عدم درخواست بازده بالاتر توصیف شده است. سلطانی و برزگر (۱۳۹۵) در بررسی رابطه خطر اخلاقی و مدیریت سود، برای اندازه‌گیری خطر اخلاقی از تبیین‌کننده‌های مقاله لی (۲۰۰۹) استفاده نموده و در نهایت به این نتیجه رسیدند که بین خطر اخلاقی و مدیریت سود، رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد بنابراین مدیریت سود می‌تواند به عنوان یکی از پیامدهای نامطلوب خطر اخلاقی مدیران طبقه‌بندی شود. خداحمی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد بین عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام رابطه مستقیم وجود دارد، بدین معنا که افزایش ریسک سقوط قیمت سهام از پیامدهای نامطلوب عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. ابریشمی‌نیا، توحیدی و خزایی (۱۳۹۶) در پژوهشی درصدد بررسی و تبیین خطر اخلاقی و انتخاب نامناسب در بازار سرمایه و نقش اخلاق در کاهش آن بوده‌اند. نتیجه پژوهش حاکی از این است که پیروی از اصول اخلاقی اسلامی تا حد زیادی در کاهش حيله و فریب و ایجاد شفافیت مؤثر باشد و هزینه نظارت را کاهش دهد. منصور فر و همکاران (۱۳۹۹) نقش تعدیلگری ابعاد درونی و بیرونی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و کارایی سرمایه‌گذاری را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد، متغیر عدم تقارن اطلاعاتی با کارایی سرمایه‌گذاری رابطه منفی و معنادار دارد. این یافته هم کاهش کارایی سرمایه‌گذاری را به عنوان یکی از دیگر از پیامدهای نامطلوب عدم تقارن اطلاعاتی، تأیید می‌نماید.

مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش‌های مطرح شده حاکی از آن است که در بازار سرمایه باید تلاش و افری در جهت شفاف‌سازی و ارائه مکانیزم‌های شناسایی خطر اخلاقی مدیران به منظور حفظ منافع سهامداران صورت گیرد. در پژوهش‌های صورت گرفته پیشین درخصوص عدم تقارن اطلاعات که متشکل از دو جزء گزینش نامطلوب و خطر اخلاقی است، بیشتر به جنبه گزینش نامطلوب پرداخته شده است (باراث سریده‌هار، پاسقواریلو و وو، ۲۰۰۸). در خصوص ارائه مدل برای سنجش خطر اخلاقی مدیران به غیر از مطالعات صورت گرفته توسط هیملبرگ و همکاران (۱۹۹۹) و همچنین لی (۲۰۰۹) که صرفاً به معرفی تبیین‌کننده‌هایی برای سنجش تمرکز مالکیت استفاده کرده‌اند، مطالعه‌ای انجام نشده است، از طرفی دیگر مدل‌های مخاطرات اخلاقی ارائه شده در صنعت بیمه و بانک نیز بر مبنای متغیرهای غیر مالی می‌باشد. بنابراین انجام مطالعه برای شناسایی عوامل عمده ایجادکننده خطر اخلاقی در جهت ارائه شاخص تعیین و سنجش خطر اخلاقی مدیران به شدت احساس می‌شود.

مدل پژوهش

با توجه به ادبیات، تئوری‌ها، در نظر گرفتن نتایج پژوهش‌های پیشین و در نهایت نظرسنجی از خبرگان علمی سراسر کشور تعداد ۲۲ متغیر ایجادکننده خطر اخلاقی مدیران در قالب مدل مفهومی به صورت نمودار (۱) قابل ارائه می‌باشد.



نمودار (۱): مدل مفهومی مرحله ارائه مدل

در مرحله ارائه مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران، سوال پژوهش به بدین شرح می‌باشد:

مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران چگونه است؟

در مرحله نهایی پژوهش جهت اعتبار سنجی الگوی ارائه شده، به بررسی میزان همبستگی خطر اخلاقی مدیران با پیامدهای خطر اخلاقی شامل؛ کارایی سرمایه‌گذاری و ریسک سقوط قیمت سهام اقدام می‌گردد. این پیامدها مستخرج از ادبیات، مبانی نظری پژوهش و نظر سنجی از خبرگان علمی به صورت پرسش‌های باز می‌باشد. در این مرحله می‌توان فرضیه‌های ذیل را ارائه داد.

۱. خطر اخلاقی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر دارد.
۲. خطر اخلاقی مدیران بر خطر سقوط قیمت سهام تأثیر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر رویکرد، کاربردی است. در پژوهش حاضر ابتدا بر اساس ادبیات، تئوری‌ها و پژوهش‌های پیشین متغیرهای منشاء خطر اخلاقی مدیران که قابل اندازه‌گیری با داده‌های مالی باشند، گردآوری شد و سپس با استفاده از طرح پرسشنامه، از خبرگان علمی سراسر کشور از طریق حضور در همایش‌های مختلف کشوری و ارسال پرسشنامه تحت وب به ایمیل اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور، در خصوص تعیین میزان اهمیت و مربوط بودن متغیرهای گردآوری شده و همچنین معرفی متغیرهای دیگر فراهم‌کننده زمینه‌های خطر اخلاقی علاوه بر موارد گردآوری شده، نظر سنجی گردید و همچنین در خصوص معرفی پیامدهای خطر اخلاقی مدیران به صورت پرسش‌های باز نظرخواهی گردید. با توجه به خروجی نظر سنجی انجام شده، از بین ۲۲ متغیر که بر اساس ادبیات، تئوری‌ها و پژوهش‌های پیشین و بویژه نظر سنجی از خبرگان علمی؛ شامل اساتید دانشگاه‌های سراسر کشور گردآوری گردید و ۹ متغیر اثرگذارتر و با اهمیت بیشتر بر اساس ترجیح خبرگان، انتخاب شد. در گام بعد با استفاده از فرآیند تحلیل سلسه مراتبی گروهی و انجام مقایسه‌های زوجی ضرایب متغیرهای مدل تعیین گردید. در مرحله دوم پژوهش، مدل حاصل از طریق پیامدهای خطر اخلاقی مدیران که از ادبیات، مبانی نظری و همچنین نظر سنجی از خبرگان علمی کشور گردآوری شده بود، در بورس اوراق بهادار تهران و با مطابقت یافته‌ها با نظریه‌های علمی، مورد اعتبار سنجی قرار گرفت. در پژوهش حاضر به منظور سنجش پایایی پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. برای آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون جارک برا و به منظور آزمون ناهمسانی واریانس از

آزمون براش پاگان استفاده شد. برای بررسی همسان بودن واریانس خطاها و استقلال خطاها، آماره دوربین-واتسون، برای بررسی هم خطی از آماره VIF و برای بررسی داده‌های پانلی از آزمون هاسمن و F لیمر استفاده شده است.

روش نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه

در مرحله اول پژوهش تعداد ۲۲ متغیر شناسایی شده برای ارائه مدل در معرض قضاوت ۷۵ نفر از خبرگان علمی کشور با توزیع فراوانی طبق نگاره (۱) قرار گرفت.

نگاره (۱): توزیع فراوانی خبرگان علمی مورد مطالعه

٪۷	۵	کمتر از ۱۰ سال	سابقه
٪۸۰	۶۰	بین ۱۰ تا ۲۰ سال	
٪۱۳	۱۰	بیشتر از ۲۰ سال	
٪۸۸	۶۶	حسابداری	رشته تحصیلی
٪۱۲	۹	مدیریت	
٪۷	۵	استاد تمام	مرتبه علمی
٪۲۴	۱۸	دانشیار	
٪۵۹	۴۴	استادیار	
٪۱۰	۸	مربی	

در مرحله دوم پژوهش به منظور اعتبارسنجی مدل ارائه شده، نمونه‌های پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸ می‌باشد که با توجه به محدودیت‌هایی به شرح نگاره (۲) انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت.

نگاره (۲): نحوه انتخاب نمونه پژوهش در مرحله اعتبارسنجی

۶۵۲	کل شرکت‌های بورسی و فرابورسی تا پایان سال ۹۸	۱
(۳۱۳)	تعداد شرکت‌های فرابورسی تا پایان سال ۹۸	۲
۳۳۹	تعداد شرکت‌های بورسی	۳
(۴۱)	شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک‌ها، واسطه‌گری‌های مالی و موسسات تأمین مالی	۴
(۲۷)	شرکت‌های که در طی دوره مورد بررسی (۹۸-۸۶) تغییر سال مالی داشته‌اند یا سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند (به منظور داشتن قابلیت مقایسه بیشتر) نمی‌باشد.	۵
(۹۱)	شرکت‌هایی که بین سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸ در لیست بورس نباشند (یعنی بین سال‌ها حذف شده‌اند یا در سال‌هایی بعد از سال ۱۳۸۶ عضو بورس شده‌اند) و شرکت‌هایی که بیش از سه ماه توقف معاملاتی داشته‌اند.	۶
(۱۵۹)	جمع ردیف‌های ۴، ۵ و ۶	۷
۱۸۰	نمونه مورد مطالعه:	۸

مراحل ارائه مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران

تعداد ۲۲ متغیرشناسایی شده برای ارائه مدل از طریق طرح پرسشنامه‌ای محقق ساخته که در آن از طیف لیکرت با هفت طیف اهمیت استفاده شده است، در معرض قضاوت ۷۵ نفر از خبرگان علمی کشور قرار گرفت. برای اندازه‌گیری پایایی پرسشنامه غالباً از شاخصی به نام ضریب پایایی استفاده می‌شود. دامنه ضریب پایایی از صفر تا ۱+ است. برای محاسبه پایایی در پژوهش حاضر از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید و طبق نگاره (۲) عدد بدست آمده برای پایایی ۰/۸۳۱ است که نشان‌دهنده این است که پایایی پرسشنامه قابل قبول است.

نگاره (۳): شاخص آماری قابلیت اطمینان

N of Items	Cronbach's Alpha
۲۲	۰/۸۳۱

پرسشنامه‌های دریافتی جهت انتخاب متغیرهای مربوط تر و با اثر گذاری بیشتر به شرح نگاره (۴) تحلیل گردید.

نگاره (۴): نتایج پرسشنامه در مرحله اول

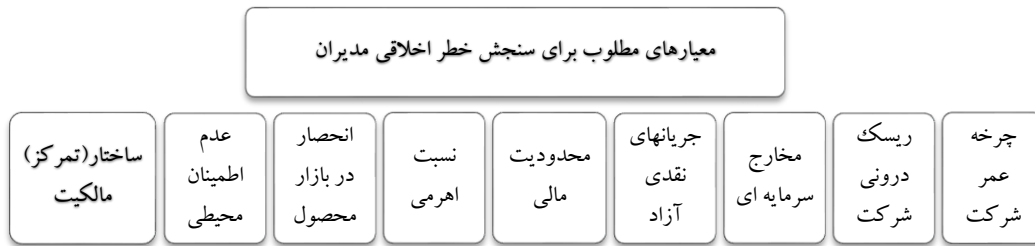
ردیف	معیار	میزان اهمیت								
		فوق العاده مهم	خیلی مهم	مهم	اهمیت متوسط	کم اهمیت	خیلی کم اهمیت	فوق العاده کم اهمیت		
		۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱		
۱	ساختار (تمرکز) مالکیت	۲۶	۲۶	۱۹	۲	۲	۰	۰	۴۴۷	۵/۹۶۰
۲	اندازه شرکت	۷	۲۸	۲۳	۱۱	۳	۱	۲	۳۸۹	۵/۱۸۷
۳	خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات	۵	۱۲	۲۸	۲۳	۶	۰	۱	۳۵۸	۴/۸۷۳
۴	ریسک درونی شرکت	۱۱	۳۱	۲۷	۳	۲	۰	۱	۴۱۷	۵/۵۶۰
۵	حاشیه سود عملیاتی	۶	۲۴	۲۹	۱۴	۲	۰	۰	۳۹۳	۵/۲۴۰
۶	هزینه های تحقیق و توسعه	۷	۱۱	۲۲	۲۰	۱۱	۳	۱	۳۴۵	۴/۶۰۰
۷	هزینه های تبلیغات	۳	۱۵	۲۸	۱۹	۸	۲	۰	۳۵۵	۴/۸۳۳
۸	مخارج سرمایه ای شرکت	۱۰	۳۵	۲۳	۵	۲	۰	۰	۴۲۱	۵/۶۱۳

۵/۸۲۷	۴۳۷	۰	۰	۲	۷	۱۴	۳۱	۲۱	نسبت اهرمی	۹
۴/۶۹۳	۳۴۹	۱	۲	۸	۲۱	۲۵	۱۵	۳	نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	۱۰
۴/۶۹۳	۳۵۲	۲	۱	۱۰	۱۵	۲۹	۱۳	۵	توع‌سازی جغرافیایی	۱۱
۴/۹۶۰	۳۷۲	۱	۰	۵	۱۷	۲۹	۱۸	۵	توع‌سازی تجاری	۱۲
۵/۰۲۶	۳۷۷	۰	۰	۳	۲۰	۲۸	۲۰	۴	پراکندگی فروش جغرافیایی	۱۳
۵/۱۳۳	۳۸۵	۰	۰	۵	۱۳	۳۲	۱۷	۸	پراکندگی فروش در صنعت	۱۴
۵/۷۰۶	۴۲۸	۰	۰	۲	۸	۲۱	۲۳	۲۱	جریان‌های نقد آزاد	۱۵
۴/۹۶۰	۳۷۲	۱	۲	۳	۲۲	۲۱	۱۷	۹	طول چرخه عملیاتی	۱۶
۴/۷۷۳	۳۵۸	۰	۴	۴	۲۲	۲۶	۱۳	۶	پایین بودن نرخ سود تقسیمی	۱۷
۴/۷۰۶	۳۵۳	۱	۲	۹	۱۸	۲۳	۲۰	۲	دارایی‌های نامشهود	۱۸
۵/۷۸۶	۴۳۴	۱	۰	۲	۶	۱۳	۳۳	۲۰	محدودیت مالی	۱۹
۵/۸۶۶	۴۴۰	۰	۰	۲	۴	۱۹	۲۷	۲۳	عدم اطمینان محیطی	۲۰
۵/۲۸۰	۳۹۶	۰	۰	۱	۱۱	۳۶	۲۰	۷	چرخه عمر شرکت	۲۱
۵/۸۵۳	۴۳۹	۰	۱	۰	۴	۱۸	۳۳	۱۹	انحصار در بازار محصول	۲۲

امتیاز هر یک از ۲۲ متغیر بر اساس میانگین موزون محاسبه شده است. به این صورت که ابتدا تعداد پاسخ دهندگان به هر طیف (از نظر اهمیت) در عدد مرتبط به آن طیف (یک تا هفت) ضرب و سپس بر تعداد پاسخ‌دهندگان (۷۵) تقسیم گردید و بدین ترتیب امتیازهای هر یک از متغیرها کمی سازی شد (تقی زاده و همکاران، ۱۳۹۴). با توجه به اینکه متغیرهای ردیف ۱، ۴، ۸، ۹، ۱۵، ۱۹، ۲۱، ۲۰، ۲۲ به ترتیب شامل ساختار (تمرکز) مالکیت، ریسک درونی شرکت، مخارج سرمایه‌ای شرکت، نسبت اهرمی، جریان‌های نقد آزاد، محدودیت مالی، عدم اطمینان محیطی، چرخه عمر شرکت و انحصار در بازار محصول دارای بالاترین میانگین می‌باشند، به عنوان متغیرهای مدل انتخاب می‌شوند.

به منظور تعیین اوزان متغیرهای مدل از روش تحلیل سلسله مراتبی گروهی (GAHP) استفاده می‌شود و حداکثر تعداد معیار مناسب برای اولویت‌بندی در روش سلسله مراتبی ۷ تا ۹ معیار است (لنگ و کائو، ۲۰۰۰)، بنابراین در مرحله اول، ۹ متغیر با اهمیت‌تر مبتنی بر نظر خبرگان سراسر کشور انتخاب می‌شود. در مرحله دوم، اولین گام به منظور رتبه‌بندی معیارهای انتخاب شده توسط فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، تشکیل ساختار سلسله مراتبی معیارها می‌باشد (نمودار ۲).

نمودار (۲): ساختار سلسله مراتبی



پس از تشکیل ساختار سلسله مراتبی پژوهش، تلاش می‌شود تا ابتدا عناصر هر سطح نسبت به عنصر مربوط خود در سطح بالاتر بصورت زوجی مقایسه شده و وزن آنها محاسبه شود. در پژوهش حاضر از روش تصمیم‌گیری گروهی با فرآیند تحلیل سلسله مراتبی برای وزن‌دهی معیارها استفاده می‌شود. فرآیند تحلیل سلسله مراتبی اجازه می‌دهد که هر یک از خبرگان مقادیر دلخواه خود را برای مقایسه‌های زوجی در ماتریس مربوط وارد نمایند و سپس قضاوت‌های فردی با استفاده از میانگین هندسی به قضاوت گروهی برای مقایسه هر زوجی تبدیل می‌گردد. ماتریس مقایسات زوجی، بردار وزن‌ها و نرخ ناسازگاری آن بطور کامل در نگاره (۵) ارائه شده است.

نگاره (۵): ماتریس مقایسه‌های زوجی و وزن معیارها

معیارها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	وزن معیارها
۱	۱									۰.۲۸۳
۲	۰.۳۷۹	۱								۰.۰۹۹
۳	۰.۳۱۸	۱.۱۴۷	۱							۰.۱۳۷
۴	۰.۳۷۶	۰.۸۵۸	۰.۴۵۸	۱						۰.۰۷۰
۵	۰.۳۰۰	۰.۸۶۳	۰.۶۶۶	۱.۷۲۱	۱					۰.۰۹۸
۶	۰.۳۸۹	۰.۸۰۴	۰.۷۸۵	۱.۴۹۴	۱.۰۳۵	۱				۰.۱۱۱
۷	۰.۳۳۳	۰.۶۹۶	۰.۴۳۸	۰.۸۱۹	۰.۶۰۵	۰.۴۳۱	۱			۰.۰۶۷
۸	۰.۳۷۸	۱.۱۲۶	۰.۶۹۵	۱.۴۲۸	۰.۹۶۰	۰.۷۱۵	۱.۲۶۴	۱		۰.۰۹۳
۹	۰.۲۹۳	۰.۵۲۵	۰.۴۷۵	۰.۶۷۶	۰.۴۶۴	۰.۴۱۷	۰.۶۰۶	۰.۴۱۸	۱	۰.۵۱۰

نرخ ناسازگاری: ۰/۱۲۴۰۷۱۹۶

اگر نرخ ناسازگاری (IR) کوچک‌تر یا مساوی ۰/۱ باشد، در مقایسه‌های زوجی سازگاری وجود دارد و می‌توان نتایج حاصله از روش مقایسه‌های زوجی را ملاک قرار داد. نرخ ناسازگاری بدست آمده ۰/۱۲۴۰۷۱۹۶ می‌باشد، بنابراین برای محاسبه اوزان متغیرهای مدل،

استفاده از روش مقایسه‌های زوجی می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد. با توجه به متغیرهای انتخاب شده در مرحله اول پرسشنامه (نگاره ۴) و اوزان بدست آمده برای متغیرهای منتخب با استفاده از روش مقایسه‌های زوجی گروهی (GAHP) در مرحله دوم پرسشنامه (نگاره ۵)، خطر اخلاقی مدیران به شرح مدل (۱) قابل ارائه می‌باشد.

مدل (۱):

$$\begin{aligned} \text{MoralHazard} = & 0.283 \text{ IOCONCENT} + 0.099 \text{ EU} + 0.127 \text{ HHI} \\ & + 0.070 \text{ LEVERAGE} + 0.099 \text{ FC} + 0.111 \text{ FCF} \\ & + 0.067 \text{ CAPEX} + 0.093 \text{ IRISK} + 0.051 \text{ CLC} \end{aligned}$$

که در این مدل، خطر اخلاقی (MoralHazard) تابعی از ساختار (تمرکز) مالکیت (IOCONCENT) با ضریب تأثیر ۰/۲۸۳، عدم اطمینان محیطی (EU) با ضریب تأثیر ۰/۰۹۹، انحصار در بازار محصول (HHI) با ضریب تأثیر ۰/۱۲۷، نسبت اهرمی (LEVERAGE) با ضریب تأثیر ۰/۰۷۰، محدودیت مالی (FC) با ضریب تأثیر ۰/۰۹۹، جریان‌های نقد آزاد (FCF) با ضریب تأثیر ۰/۱۱۱، مخارج سرمایه‌ای (CAPEX) با ضریب تأثیر ۰/۰۶۷، ریسک درونی شرکت (IRISK) با ضریب تأثیر ۰/۰۹۳ و چرخه عمر شرکت (CLC) با ضریب تأثیر ۰/۰۵۱ می‌باشد.

تعریف عملیاتی متغیرهای مربوط به مدل خطر اخلاقی مدیران

ساختار (تمرکز) مالکیت (IOCONCENT): برای محاسبه تمرکز مالکیت از شاخص هرفیندال-هیرشمن استفاده می‌گردد. در این شاخص درصد مالکیت‌های بزرگتر و مساوی پنج درصد به توان دو رسیده و با هم جمع می‌شوند. هر چقدر این شاخص بیشتر باشد، بیانگر تمرکز مالکیت بیشتر بوده و برعکس (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۰).

عدم اطمینان محیطی (EU): برای اندازه‌گیری عدم اطمینان محیطی از ضریب تغییرات فروش استفاده می‌شود (برگ و لاولس، ۱۹۸۸).

انحصار در بازار محصول (HHI): از شاخص هرفیندال هیرشمن یعنی حاصل جمع توان دوم درصد سهم از بازار هر یک از شرکت‌های صنعت به دست می‌آید (هو و رایینسون، ۲۰۰۶).

نسبت اهرم مالی (LEV): از نسبت بدهی‌های پایان دوره به کل دارایی‌های پایان دوره بدست می‌آید (لی، ۲۰۰۹).

محدودیت مالی (FC): برای اندازه‌گیری محدودیت‌های مالی از شاخص کاپلان وزینگالس (۱۹۷۷) استفاده شده است. این شاخص را تهرانی و حصارزاده (۱۳۸۸) بومی‌سازی کرده‌اند که محاسبه آن مطابق مدل (۲) است:

(مدل ۲)

$$KZ_{it} = 17.33 - 37.486 C_{it} - 15.216 DIV_{it} + 3.39 Lev_{it} - 1.402 MTB_{it}$$

C_{it} : نسبت موجودی نقد به دارایی‌های شرکت i در پایان سال t ; Lev_{it} : نسبت بدهی‌ها به دارایی‌های شرکت i در پایان سال t ; MTB_{it} : نسبت حاصل جمع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در پایان سال t می‌باشد. پس از محاسبه مقادیر KZ_{it} برای هر شرکت - سال، مقادیر از کوچک‌ترین به بزرگ‌ترین مرتب و سپس به پنج قسمت تقسیم می‌شود که شرکت - سال‌های حاضر در پنجک چهار و پنج را می‌توان به عنوان شرکت - سال‌های دچار محدودیت مالی شناسایی کرد.

جریان‌های نقد آزاد (FCF): در این پژوهش از مدل لن و پولسن (۱۹۸۹) برای تعیین جریان‌های نقد آزاد واحد تجاری استفاده شده است که به صورت مدل (۳) می‌باشد:

$$FCF_{it} = (INC_{it} - TAX_{it} - INTEXP_{it} - PSDIV_{it} - CSDIV_{it}) / TA_{it-1} \quad (\text{مدل ۳})$$

FCF_{it} : جریان‌های نقد آزاد شرکت i در پایان سال t ; INC_{it} : سود عملیاتی قبل از استهلاک شرکت i در پایان سال t ; TAX_{it} : کل مالیات پرداختی شرکت i در پایان سال t ; $INTEXP_{it}$: هزینه بهره پرداختی شرکت i در پایان سال t ; $PSDIV_{it}$: سود پرداختی برای سهامداران ممتاز شرکت i در پایان سال t ; $CSDIV_{it}$: سود پرداختی برای سهامداران عادی شرکت i در پایان سال t و در نهایت TA_{it-1} : کل ارزش دفتری دارایی‌های شرکت i در ابتدای سال t .

مخارج سرمایه‌ای شرکت (CAPEX): از تقسیم مخارج مربوط به تحصیل دارایی‌های ثابت مشهود و نامشهود بر کل دارایی‌ها در پایان سال بدست می‌آید (لی، ۲۰۰۹).

ریسک درونی شرکت (IRISK): از طریق انحراف معیار باقیمانده‌های حاصل از برآورد رگرسیون مدل بازار (CAPM) با استفاده از داده‌های بازدهی ماهانه در طول یک سال مالی محاسبه می‌شود (لی، ۲۰۰۹).

چرخه عمر شرکت (CLC): چرخه عمر شرکت یک متغیر مجازی صفر یا یک است بدین معنا، شرکت‌هایی که در مراحل ظهور و رشد قرار دارند عدد صفر و شرکت‌های حاضر در مراحل بلوغ و افول عدد ۱ می‌گیرند. در پژوهش حاضر برای تعیین مراحل چرخه عمر شرکت از مدل آنتونی و رامش (۱۹۹۲) و پارک و چن (۲۰۰۶) استفاده می‌شود و به منظور تقسیم شرکت‌ها به مراحل چرخه عمر از چهار متغیر رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، نسبت سود تقسیمی و سن شرکت بهره گرفته می‌شود.

متغیرهای کنترلی: فرصت‌های رشد (MBV): برای محاسبه آن مطابق پژوهش‌های بای، چوی، دالیوال و لاموریکس (۲۰۱۷) از شاخص کیوتوین استفاده می‌شود؛ بازده دارایی (ROA): از تقسیم سود قبل از کسر مالیات بر کل دارایی‌ها در پایان سال بدست می‌آید (اکسو و اکستین، ۱۹۹۵)؛ سن شرکت (AGE): برابر با لگاریتم طبیعی فاصله زمانی از سال تاسیس شرکت تا سال جاری محاسبه گردید (هال و همکاران، ۲۰۰۴)؛ سود تقسیمی (DIV): از طریق تقسیم سود پرداختی هر سهم به سود هر سهم محاسبه می‌گردد (ابر و گودفرد، ۲۰۱۰)؛ اندازه شرکت (SIZE): از طریق لگاریتم طبیعی فروش کل شرکت حاصل شده و دارایی‌های مشهود (TANG) نیز از تقسیم خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات بر کل دارایی‌ها در پایان سال بدست می‌آید (لی، ۲۰۰۹).

تعریف عملیاتی متغیرهای مربوط به پیامدهای خطر اخلاقی مدیران

کارایی سرمایه‌گذاری (INEFF): در این پژوهش از مدل ارائه شده توسط بادآورنهندی و تقی زاده (۱۳۹۸) برای سنجش کارایی سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود که به شرح مدل (۴) می‌باشد:

مدل (۴)

$$INV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 INV_{i,t-1} + \beta_2 RET_{i,t-1} + \beta_3 SG_{i,t} + \beta_4 MBV_{i,t} + \beta_5 DIV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$INV_{i,t}$ (کل سرمایه‌گذاری): نسبت خالص افزایش در دارایی‌های مشهود و نامشهود به کل دارایی‌ها در ابتدای سال جاری؛ $SG_{i,t}$ (رشد فروش): نسبت تغییرات فروش سال جاری به سال قبل بر فروش سال قبل؛ $RET_{i,t-1}$ (بازده سالانه سهام): سود نقدی و سود و زیان سرمایه‌ای و آثار انواع شکل‌های افزایش سرمایه در نظر گرفته شده است؛ $MBV_{i,t}$ (فرصت‌های رشد): از نسبت مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام و کل دارایی‌ها منهای ارزش دفتری

حقوق صاحبان سهام بر کل دارایی‌ها بدست می‌آید؛ $DIV_{i,t}$ (سود تقسیمی): نسبت سود پرداختی هر سهم به سود هر سهم؛ $INV_{i,t-1}$ (کل سرمایه‌گذاری سال قبل): کل سرمایه‌گذاری انجام شده در یک دوره قبل؛ $\varepsilon_{i,t}$ (خطای باقیمانده): پسماند مدل است که بیان‌کننده ناکارایی سرمایه‌گذاری است. از ضرب پسماندهای مدل در منفی یک، کارایی سرمایه‌گذاری بدست می‌آید.

ریسک سقوط قیمت سهام (NCSKEW): برای اندازه‌گیری ریسک سقوط قیمت سهام مشابه مطالعات چن، هوب، لی و وانگی (۲۰۰۱)، اندرور، آنتونی و هورتون (۲۰۱۳) از معیار ضریب منفی چولگی استفاده شده است. معیار ضریب منفی چولگی بر مبنای بازده ماهانه خاص شرکت با استفاده از رابطه (۱) محاسبه می‌شود:

$$W_{j,t} = \text{Ln}(1 + \varepsilon_{jt}) \quad \text{رابطه (۱)}$$

که در این رابطه: $W_{j,t}$ = بازده ماهانه خاص شرکت t طی سال مالی و برابر است با لگاریتم طبیعی عدد یک به علاوه بازده باقیمانده (ε_{jt})؛ ε_{jt} = بازده باقیمانده سهام شرکت j در ماه t و از باقیمانده یا پسماند مدل در رابطه (۲) بدست می‌آید:

$$r_{j,t} = \beta_0 + \beta_{1j} r_{m,t-2} + \beta_{2j} r_{m,t-1} + \beta_{3j} r_{m,t} + \beta_{4j} r_{m,t+1} + \beta_{5j} r_{m,t+2} + \varepsilon_{jt} \quad \text{رابطه (۲)}$$

که در این رابطه: $r_{j,t}$ = بازده سهام شرکت j در ماه t طی سال مالی؛ $r_{m,t}$ = بازده بازار در ماه t است. برای محاسبه بازده ماهانه بازار، شاخص ابتدای ماه از شاخص پایان ماه کسر شده و حاصل بر شاخص ابتدای ماه تقسیم می‌شود. رابطه (۲) با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و شیوه داده‌های ترکیبی برآورد شده و باقیمانده آن به شرح رابطه (۱) برای محاسبه بازده ماهانه خاص شرکت استفاده می‌شود و در آخر برای محاسبه خطر سقوط قیمت سهام از معیار چولگی منفی بازده سهام طبق رابطه (۳) استفاده می‌گردد:

رابطه (۳)

$$NCSKEW_{j,t} = -[n(n-1)^{3/2} \sum W_{j,t}^3] / [(n-1)(n-2) (\sum W_{j,t}^2)^{3/2}]$$

$NCSKEW_{j,t}$ = چولگی منفی بازده ماهانه سهام j طی سال مالی t ؛ $W_{j,t}$ = بازده ماهانه خاص شرکت j در ماه t ؛ N = تعداد ماه‌هایی که بازده آن‌ها محاسبه شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

یافته پژوهش حاضر در مرحله اول، ارائه مدل برای سنجش خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی می‌باشد که در قسمت مراحل ارائه مدل به تفصیل مطرح گردید. در این مدل، خطر اخلاقی مدیران تابعی از ساختار مالکیت با ضریب تأثیر ۰/۲۸۳، عدم اطمینان محیطی با ضریب تأثیر ۰/۰۹۹، انحصار در بازار محصول با ضریب تأثیر ۰/۱۲۷، نسبت اهرمی با ضریب تأثیر ۰/۰۷۰، محدودیت مالی با ضریب تأثیر ۰/۰۹۹، جریان‌های نقد آزاد با ضریب تأثیر ۰/۱۱۱، مخارج سرمایه‌ای با ضریب تأثیر ۰/۰۶۷، ریسک درونی شرکت با ضریب تأثیر ۰/۰۹۳ و چرخه عمر شرکت با ضریب تأثیر ۰/۰۵۱ می‌باشد. نگاره (۶) آمار توصیفی متغیرهای مدل سنجش مخاطره اخلاقی مدیران را نشان می‌دهد. طبق آمار توصیفی، میانگین تمرکز مالکیت برابر ۰/۵۱۵ می‌باشد که نشان می‌دهد تمرکز مالکیت در شرکت‌های نمونه بیشتر است و اکثر سهامداران درصد مالکیت بالایی دارند.

نگاره (۶): آمار توصیفی متغیرهای مدل سنجش مخاطره اخلاقی مدیران

نام متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
تمرکز مالکیت	۰/۵۱۵	۰/۵۳۱	۰/۲۴۴	۰/۰۷۰	۰/۸۱۲
عدم اطمینان محیطی	۰/۱۹۰	۰/۰۶۸	۱/۷۲۳	۰/۰۰۰۱	۵/۰۵۲
انحصار در بازار محصول	۰/۰۴۱	۰/۰۰۶	۰/۰۸۳	۰/۰۰۸	۰/۶۴۰
اهرم مالی	۰/۶۷۳	۰/۶۳۶	۰/۳۹۲	۰/۰۷۸	۰/۹۱۰
محدودیت مالی	۰/۴۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۹۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰
جریان‌های نقد آزاد	۰/۰۸۵	۰/۰۷۳	۰/۱۴۴	-۰/۸۲۰	۰/۸۳۱
مخارج سرمایه‌ای	۰/۰۶۴	۰/۰۲۸	۰/۴۵۰	۰/۰۰۴	۰/۷۵۰
ریسک درونی شرکت	۰/۳۳۰	۰/۰۷۱	۰/۲۹۳	۰/۰۵۴	۰/۹۷۵
چرخه عمر	۰/۵۵۳	۱/۰۰۰	۰/۴۹۷	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰

میانگین عدم اطمینان محیطی برابر ۰/۱۹۰ که حاکی از این است که ۱۹ درصد از شرکت‌های نمونه در نتیجه تغییرات فروش در معرض عدم اطمینان محیطی قرار دارند. انحصار در بازار محصول (شاخص هرفیندال-هیرشمن) برابر ۰/۰۴۱ می‌باشد که حاکی از پایین بودن میزان انحصار در بین شرکت‌های نمونه می‌باشد. شاخص اهرم مالی و محدودیت مالی که نشان‌دهنده میزان ریسک در شرکت است به ترتیب برابر ۰/۶۷۳ و ۰/۴ می‌باشد. جریان‌های نقد آزاد به عنوان یکی از متغیرهای صورت جریان وجود نقد برابر با ۰/۰۸۵ است. میزان سرمایه‌گذاری در شرکت ۰/۰۶۴ است که نشان از سرمایه‌گذاری پایین در دارایی‌های ثابت است.

همچنین میانگین ریسک درونی شرکت که حاکی از پراکندگی بازده شرکت می‌باشد $0/330$ است و میانگین چرخه عمر شرکت $0/553$ است که نشان می‌دهد تعداد شرکت‌های که در مرحله ظهور ورشد قرار دارند با تعداد شرکت‌هایی که در مرحله بلوغ و افول قرار دارند، تاحدودی برابر است. در بین متغیرهای پژوهش متغیر انحصار در بازار محصول و عدم اطمینان محیطی به ترتیب با انحراف معیار $0/083$ و $1/723$ دارای کمترین و بیشترین میزان پراکندگی هستند. نگاره (۷) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در مرحله اعتبار سنجی مدل را نشان می‌دهد.

نگاره (۷): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در مرحله اعتبار سنجی مدل

نام متغیرها	میانگین	میان	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
خطر اخلاقی مدیران	0/182	0/140	0/252	-0/017	3/972
ریسک سقوط قیمت سهام	0/197	0/095	0/686	-0/471	0/750
کارایی سرمایه‌گذاری	-0/073	-0/046	0/101	-0/0001	-0/768
فرصت‌های رشد	1/700	1/401	0/893	0/360	8/180
بازده دارایی	0/104	0/091	0/130	-0/709	0/831
لگاریتم سن شرکت	1/188	1/146	0/430	0/301	3/845
سود تقسیمی	0/379	0/374	0/341	0/000	0/995
اندازه شرکت	12/023	11/890	0/867	10/007	16/912
رشد فروش شرکت	0/175	0/146	0/400	-0/987	0/753
دارایی‌های مشهود	0/260	0/209	0/191	0/124	0/892

طبق آمار توصیفی حداقل مقدار خطر اخلاقی مدیران $0/017$ - و حداکثر $3/972$ می‌باشد. در این بازه، هرچه میزان خطر اخلاقی مدیران بیشتر باشد، به منظور حفظ منافع سهامداران بایستی از مکانیزم‌های نظارتی بیشتر و مشوق‌های کارآمدتر برای همراهی مدیریت با منافع سهامداران در شرکت استفاده شود. میانگین خطر اخلاقی مدیران برابر $0/182$ است و نشان می‌دهد که شرکت‌های مورد بررسی به طور میانگین $0/182$ خطر اخلاقی مدیران را تجربه کرده اند. در خصوص پیامدهای خطر اخلاقی مدیران لازم به توضیح است که میانگین ریسک سقوط قیمت سهام برابر $0/197$ است و نشان می‌دهد که نوسان شدید در بازده سهام منجر به افزایش سقوط قیمت سهام می‌شود. میانگین کارایی سرمایه‌گذاری برابر $0/073$ - است. کارایی سرمایه‌گذاری در پژوهش‌های چن، هوپ، لی و وانگ (۲۰۱۱) و چن، یانگ و ژانگ (۲۰۱۳) و گوماریز و بالستا (۲۰۱۴) به ترتیب برابر $0/002$ ، $0/021$ - و $0/086$ - است. در بین متغیرهای پژوهش متغیر کارایی سرمایه‌گذاری و فرصت‌های رشد به ترتیب با انحراف معیار $0/101$ و $0/893$ دارای کمترین و بیشترین میزان پراکندگی هستند.

یافته‌های استنباطی

ابتدا با استفاده از آزمون لوین، لین و چو مانایی متغیرهای پژوهش مورد آزمون قرار گرفت. مانا بودن متغیرها، چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه داده‌های ترکیبی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود. برای تعیین الگوی مناسب برای تخمین مدل پژوهش از آزمون F لیمر و هاسمن استفاده شده است. همچنین برای بررسی هم خطی از آماره VIF، جهت بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان گادفری و برای بررسی نرمال بودن جملات اختلال از آزمون جارک-برا استفاده گردید. بعد از ارائه مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران، جهت آزمون اعتبار سنجی مدل ارائه شده، تأثیر خطر اخلاقی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری و خطر سقوط قیمت سهام به عنوان پیامدهای خطر اخلاقی مدیران آزمون می‌شوند. با توجه به این که پیامدهای انتخاب شده مبتنی بر تئوری‌های پذیرفته شده همچون تئوری نمایندگی، تئوری عدم تقارن اطلاعاتی، پیشینه پژوهش و همچنین نظر سنجی از خبرگان علمی سراسر کشور به صورت پرسش‌های باز می‌باشند، بنابراین انتظار می‌رود که بین ارقام حاصل از مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران و پیامدهای شناسایی شده ارتباط وجود داشته باشد زیرا مدلی مناسب است که آزمون اعتبار سنجی آن از طریق تئوری‌های مختلف مالی و حسابداری پذیرفته شود. نتایج نگاره (۸) آزمون تأثیر خطر اخلاقی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهد.

نگاره (۸): تأثیر خطر اخلاقی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری

$INVEFF_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MoralHazard_{i,t} + \beta_2 MBV_{i,t} + \beta_3 ROA_{i,t} + \beta_4 AGE_{i,t} + \beta_5 DIV_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 TANG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
علائم اختصاری	بنا	خطا	t آماره	معناداری	هم خطی
عدد ثابت	-۰/۰۵۹	۰/۰۲۹	-۲/۰۰۹	۰/۰۴۴	-
خطر اخلاقی مدیران	-۰/۰۲۸	۰/۰۰۴	-۶/۵۰۳	۰/۰۰۰	۱/۰۲۱
بازده دارایی	۰/۰۱۲	۰/۰۱۸	۰/۶۸۳	۰/۴۹۴	۱/۳۶۸
رشد فروش شرکت	-۰/۰۶۷	۰/۰۰۵	-۱۳/۱۴۳	۰/۰۰۰	۱/۰۸۳
اندازه شرکت	۰/۰۰۶	۰/۰۰۲	۲/۶۳۷	۰/۰۰۸	۱/۰۲۷
دارایی‌های نامشهود	-۰/۰۱۱	۰/۰۱۰	-۱/۰۶۳	۰/۲۸۷	۱/۰۰۹
فرصت‌های رشد	-۰/۰۲۲	۰/۰۰۲	-۸/۶۹۰	۰/۰۰۰	۱/۲۸۰
سود تقسیمی	۰/۰۲۶	۰/۰۰۶	۴/۲۶۷	۰/۰۰۰	۱/۱۹۲
سن شرکت	-۰/۰۳۶	۰/۰۰۴	-۷/۸۱۶	۰/۰۰۰	۱/۰۵۰
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۸۳	لیمر F سطح معنی داری		۰/۰۰۱	
دوربین واتسون	۱/۷۵۸	سطح معنی داری هاسمن		۰/۵۷۲	
آماره F	۶۱/۶۳۰	سطح معنی داری ناهمسانی واریانس		۰/۱۰۴	
F احتمال آماره	۰/۰۰۰	سطح معنی داری جارک-برا		۰/۰۸۸	

نتایج حاکی از آن است که خطر اخلاقی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر منفی (۰/۰۲۸-) و معنی‌داری (۰/۰۰۰) در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارد، بدین معنا که افزایش مخاطرات اخلاقی منجر به انحراف از سرمایه‌گذاری‌های مطلوب می‌شود و شرکت را از اهداف سرمایه‌گذاری کارا منحرف می‌کند. ضریب تعیین تعدیل شده مدل آزمون نشان می‌دهد که ۲۸/۳ درصد تغییرات کارایی سرمایه‌گذاری توسط متغیرهای مستقل و کنترلی قابل توضیح است. سطح معنی‌داری آماره لیمر و هاسمن نشان از استفاده از رویکرد داده‌های پانلی است. آماره دوربین واتسون نشان می‌دهد که بین متغیرهای پژوهش خود همبستگی وجود ندارد. آماره VIF بین ۱ تا ۱۰ بوده و نشان می‌دهد که هم‌خطی بین متغیرهای پژوهش وجود ندارد. سطح معنی‌داری آماره فیشر نیز حاکی از معنی‌داری کل مدل است. همچنین سطح معنی‌داری آزمون جارک-برا نشان دهنده نرمال بودن اجزاء اخلاقی است. سطح معنی‌داری آماره براش پاگان نیز نشان از همسان بودن واریانس‌ها دارد. نتایج نگاره (۹) آزمون تأثیر خطر اخلاقی مدیران بر ریسک سقوط قیمت سهام را نشان می‌دهد.

نگاره (۹): تأثیر خطر اخلاقی مدیران بر ریسک سقوط قیمت سهام

$NCSKEW_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MoralHazard_{i,t} + \beta_2 MBV_{i,t} + \beta_3 ROA_{i,t} + \beta_4 AGE_{i,t} + \beta_5 DIV_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 TANG_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
هم‌خطی	معناداری	t آماره	خطا	بتا	علائم اختصاری
-	۰/۶۹۵	-۰/۳۹۱	۰/۴۹۶	-۰/۱۹۴	عدد ثابت
۱/۰۱۹	۰/۰۰۰	۴/۸۶۴	۰/۰۶۴	۰/۳۱۴	خطر اخلاقی مدیران
۱/۳۷۹	۰/۰۷۹	۱/۷۵۷	۰/۲۹۲	۰/۵۱۳	بازده دارایی
۱/۰۸۷	۰/۰۳۵	۲/۱۰۴	۰/۰۷۴	۰/۱۵۶	رشد فروش شرکت
۱/۰۲۴	۰/۴۲۹	۰/۷۹۰	۰/۰۳۹	۰/۰۳۱	اندازه شرکت
۱/۰۱۵	۰/۰۲۴	۲/۲۴۸	۰/۱۶۱	۰/۳۶۳	دارایی‌های نامشهود
۱/۲۸۰	۰/۰۰۳	۲/۹۲۸	۰/۰۳۹	۰/۱۱۶	فرصت‌های رشد
۱/۱۹۱	۰/۹۱۳	-۰/۱۰۹	۰/۰۹۵	-۰/۰۱۰	سود تقسیمی
۱/۰۴۹	۰/۰۰۱	۳/۱۶۳	۰/۰۷۰	۰/۲۲۱	سن شرکت
۰/۰۰۰				۰/۱۸۶	ضریب تعیین تعدیل شده
۰/۰۲۰				۲/۱۳۳	دوربین واتسون
۰/۰۸۸				۳/۶۵۰	آماره F
۰/۰۶۷				۰/۰۰۰	F احتمال آماره

یافته‌ها حاکی از تأثیر مثبت (۰/۳۱۴) و معنی‌دار (۰/۰۰۰) خطر اخلاقی مدیران بر ریسک سقوط قیمت سهام است. در حقیقت افزایش خطر اخلاقی مدیران، احتمال ریزش شدید قیمت سهام شرکت را افزایش می‌دهد. ضریب تعیین تعدیل شده مدل آزمون نشان می‌دهد که ۱۸/۶ درصد تغییرات ریسک سقوط قیمت سهام توسط متغیرهای مستقل و کنترلی قابل توضیح است. سطح معنی‌داری آماره لیمر و هاسمن نشان از استفاده از رویکرد داده‌های پانلی است. آماره دورین و اتسون نشان می‌دهد که بین متغیرهای پژوهش خود همبستگی وجود ندارد. آماره VIF بین ۱ تا ۱۰ بوده و نشان می‌دهد که هم‌خطی بین متغیرهای پژوهش وجود ندارد. سطح معنی‌داری آماره فیشر نیز حاکی از معنی‌داری کل مدل است. همچنین سطح معنی‌داری آزمون جارک-برا نشان دهنده نرمال بودن اجزاء اخلاقی است. سطح معنی‌داری آماره براش پاگان نیز نشان از همسان بودن واریانس‌ها دارد.

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر ارائه مدل برای سنجش خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی می‌باشد. برای این منظور براساس ادبیات، تئوری‌ها، پژوهش‌های پیشین و در نهایت نظر سنجی از خبرگان علمی سراسر کشور تعداد ۲۲ متغیر ایجاد کننده خطر اخلاقی مدیران گردآوری و میزان اهمیت هر یک از متغیرها بر اساس نظر خبرگان تعیین گردید. جهت تعیین ضریب متغیرهای مدل از روش مقایسه‌های زوجی گروهی (GAHP) استفاده گردید، با توجه به اینکه حداکثر تعداد معیار مناسب برای اولویت بندی در روش مقایسه‌های زوجی بین ۷ تا ۹ معیار است، از بین ۲۲ متغیر گردآوری شده ۹ متغیر به ترتیب اهمیت شامل ساختار (تمرکز) مالکیت با ضریب اهمیت ۰/۲۸۳، انحصار در بازار محصول با ضریب اهمیت ۰/۱۲۷، جریان‌های نقد آزاد با ضریب اهمیت ۰/۱۱۱، عدم اطمینان محیطی با ضریب اهمیت ۰/۰۹۹، محدودیت مالی با ضریب اهمیت ۰/۰۹۸، ریسک درونی شرکت با ضریب اهمیت ۰/۰۹۳، نسبت اهرمی با ضریب اهمیت ۰/۰۷۰، مخارج سرمایه‌ای شرکت با ضریب اهمیت ۰/۰۶۷ و چرخه عمر شرکت با ضریب اهمیت ۰/۰۵۱ به عنوان پارامترهای سنجش خطر اخلاقی برای مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی انتخاب گردیدند و در نهایت مدل نهایی خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده‌های مالی حاصل گردید. در مرحله بعد، مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران با استفاده از پیامدهایی مانند ریسک سقوط قیمت سهام و کارایی سرمایه‌گذاری که از ادبیات، تئوری‌ها

و پژوهش‌های پیشین و نظر سنجی از خبرگان علمی کشور جمع‌آوری شده بود، در بورس اوراق بهادار تهران اعتبار سنجی گردید. نتایج آزمون فرضیه اول حاکی از آن است که خطر اخلاقی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر منفی و معنی‌دار دارد، بدین معنا که افزایش خطر اخلاقی منجر به انحراف از سرمایه‌گذاری‌های مطلوب شده و کارایی سرمایه‌گذاری شرکت را کاهش می‌دهد. این نتایج با نتیجه پژوهش‌های ژو (۲۰۱۲) و مارتین (۲۰۱۷) هماهنگی داشته و با نتیجه پژوهش منصور فر و همکاران (۱۳۹۹) مبنی بر اینکه متغیر عدم تقارن اطلاعاتی با کارایی سرمایه‌گذاری رابطه منفی و معناداری دارد، مطابقت دارد. در مورد نتایج آزمون فرضیه دوم، یافته‌ها حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌دار خطر اخلاقی مدیران بر خطر سقوط قیمت سهام است. در حقیقت افزایش خطر اخلاقی، احتمال ریزش شدید سهام شرکت را افزایش داده و این امر منجر به زیان سهامداران و سایر ذینفعان می‌گردد. این نتایج با نتیجه پژوهش خدارحمی و همکاران (۱۳۹۵) مبنی بر اینکه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام، رابطه مستقیم وجود دارد، مطابقت دارد و با نتیجه پژوهش سلطانی و برزگر (۱۳۹۵) مبنی بر اینکه خطر اخلاقی منجر به افزایش مدیریت سود می‌گردد هم‌خوانی دارد و همچنین با نتیجه پژوهش ابریشمی‌نیا، توحیدی و خزایی (۱۳۹۶) هم‌راستا می‌باشد.

نتایج حاصل حاکی از کارایی مدل ارائه شده برای سنجش خطر اخلاقی مدیران می‌باشد. بنابراین بر اساس نتایج بدست آمده پیشنهادهایی به این شرح ارائه می‌گردد: (۱) در صورتی که سرمایه‌گذاران با آگاهی از میزان مخاطره اخلاقی در شرکتها و کسب شناخت بیشتر اقدام به سرمایه‌گذاری نمایند، از هدر رفت و سوخت سرمایه خود در نتیجه پیامدهایی مانند سقوط ارزش سهام و عدم کارایی سرمایه‌گذاری جلوگیری می‌نمایند. بنابراین پیشنهاد می‌شود به هنگام تحلیل وضعیت ریسک و بازده شرکتها و به منظور جلوگیری از تضييع حقوق سرمایه‌گذاران، از خروجی مدل سنجش خطر اخلاقی مدیران برای تعیین شرکتهای پر مخاطره و به منظور تصمیم‌گیری‌های بهینه استفاده گردد. (۲) با توجه به اینکه نتایج پژوهش حاضر نشان داد، مخاطرات اخلاقی مدیران می‌تواند پیامدهای مخربی مانند ریسک سقوط قیمت سهام و کاهش کارایی سرمایه‌گذاری را بدنبال داشته باشد، بنابراین پیشنهاد می‌گردد تا به منظور رتبه‌بندی شرکتها از نظر ریسک سرمایه‌گذاری و جهت اعمال مکانیزمهای حاکمیت شرکتی مناسب بر شرکتها در جهت صیانت از حقوق سرمایه‌گذاران، از مدل ارائه شده برای سنجش مخاطرات اخلاقی بین مدیران و سهامداران استفاده گردد.

منابع

- ابریشمی، حمید؛ توحیدی نیا، ابوالقاسم؛ خزایی، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی و تبیین مخاطرات اخلاقی و انتخاب نامناسب در بازار سرمایه و نقش اخلاق در کاهش آن، مدیریت مخاطرات محیطی (دانش مخاطرات سابق)، ۴(۴)، ۴۱۸-۴۰۳.
- بادآورنهندي، یونس؛ تقی زاده، وحید. (۱۳۹۸). ارائه مدل سنجش کارایی سرمایه‌گذاری شرکت در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات مالی، ۲۱(۲)، ۲۶۴-۲۳۷.
- خلیفه سلطانی، سید احمد؛ خواجوی، سیمین. (۱۳۹۵). تأثیر مخاطرات اخلاقی بر ساختار سرمایه، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۳(۴۹)، ۱۸۹-۱۷۱.
- خدارحی، بهروز؛ فروغ نژاد، حیدر؛ شریفی، محمدجواد؛ طالبی، علیرضا. (۱۳۹۵). تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۴(۳)، ۵۸-۳۹.
- ستایش، محمد حسین؛ غفاری، محمد جواد؛ رستم زاده، ناصر. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعاتی بر هزینه سرمایه، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۲(۴)، ۱۴۶-۱۲۵.
- کردستانی، غلامرضا؛ قربانی، رامین؛ خوانساری، نیکو. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر ارتباط بین جریان نقد آزاد و بازده سهام شرکت، فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۷(۲۶)، ۲۳۳-۲۱۳.
- منصورفر، غلامرضا؛ جودی، سمیرا؛ پورسلیمان، احسان. (۱۳۹۹). نقش تعدیل‌گری ابعاد درونی و بیرونی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و کارایی سرمایه‌گذاری، تحقیقات مالی، ۲(۲۲)، ۲۴۸-۲۲۷.
- Abrishami, Hamid. Tohidinia, Abolghasem, Khazaei, Fatima. (2018). Investigating and explaining moral hazards and adverse selection in the capital market and the role of ethics in reducing it. *Environmental Risk Management*, 4 (4), 403-418. (in Persian)
- Aksu, c., Eckstein, W.H. Greene and j. Ronen. (1995). Time-Series properties, Adjustment processes and Forecasting of Financial Ratio's. *Journal of Accounting Auditing and Finance*, Mar, P. 1-44.
- Abor, J. and Godfred, A. (2010). Investment Opportunities, Corporate Finance, and Dividend Payout Policy", *Economics and Finance*, 27 (3): 180- 194.
- BadavarNahandi, Younes. Taghizadeh Khanqah. (2019). Presentation of Firm's Investment Efficiency Measurement Model in Tehran Stock Exchange, *Financial Research Journal*, 21 (2), 264-237. (in Persian)
- Berle, A. A., and Means, G. C. (1932). The Modern Corporation and Private Property Revised Edition. *New York, NY: Harcourt, Brace & World*.
- Bharath, Sreedhar T. and Pasquariello, Paolo and Wu, Guojun (2006). Does Asymmetric Information Drive Capital Structure Decisions? *EFA 2006 Zurich Meetings*; AFA 2008 New Orleans Meetings Paper.
- Chung, Richard, Firth, Michael and Kim, Jeong-Bon. (2005). Earnings management, surplus free cash flow, and external monitoring. *Journal of Business Research*, 58, issue 6, p. 766-776.

- Guariglia, A, J. Yang.(2016). a balancing act: Managing financial constraints and agency costs to minimize investment inefficiency in the Chinese market. *Journal of Corporate Finance* 36 (February):111-130.
- Himmelberg, C.P., Hubbard, R.G., Palia, D.(1999). Understanding the determinants of managerial ownership and the link between ownership and performance. *Journal of Financial Economics*, 3(53), 353-384
- Hart,O. D.(1983). The market mechanism as an incentive scheme. *Bell Journal of Economics*, 14: 366-382.
- Jensen, M.C. and Murphy, K.J.(1990). Performance pay and top-management incentives, *Journal of Political Economy*, 98: 225-264
- Jensen, M.C. and Meckling, W.H.(1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure, *Journal of Financial Economics*, 3: 305-360.
- Khalifa Soltani, Seyyed Ahmad. Barzegar, Ghazaleh.(2016). the Relationship of Ethical Risk with Profit Management. *Journal of Accounting Knowledge*, 7 (24), 90-67
- Lee, Jimmy.(2009).Moral Hazard, Firms' Internal Governance and Management. Polar views of organizational outcomes. *Research in Organizational Behavior*, 9, 369-406.
- Leledakis, George, and Ian R. Davidson.(2001). Are Two Factors Enough? The UK Evidence. *Financial Analysts Journal*, vol. 57, no. 6 (November/December): 96105.
- Lim, C. Y, Ding, D. K. and Thong, T. Y.(2008). Firm Diversification and Earnings Management: Evidence from Seasoned Equity Offerings. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, No 30, PP. 69-92.
- Marris,R.(1998). Managerial Capitalism in Retrospect. New York, NY: *St. Martin's Press, Inc.*
- Mirrlees, J.(1999). The Theory of Moral Hazard and Unobservable Behavior: Part I, *Review of Economic Studies*, 66, 3-21.
- Martin C. Byford.(2017), Moral Hazard in Strategic Decision Making, *International Journal of Industrial Organization*, 3, 58-79
- Matthias Kiefer Edward A.E. Jones Andrew T. Adams.(2017). Shareholders and managers as principal-agent hierarchies and cooperative teams, *Qualitative Research in Financial Markets*, 9, Iss 1pp.
- Martin C. Byford.(2017). Moral Hazard in Strategic Decision Making, *International Journal of Industrial Organization*, 3, 58-79.
- Setayesh, Mohammad Hossein. Ghaffari Mohammad Javad. Rostam Zade, Naser.(2013). Investigating the Impact of Information Asymmetry on Cost of Capital, *the Journal of Empirical Researches in Accounting*, 2 (4), 146-125. (in Persian)
- Saghafi, Ali. Moradi joz, Mohsen. Sohrabi, HosseinAli.(2014). Relationship between Earnings Management and Information Asymmetry in the Condition of Environmental Uncertainty, *Journal of Accounting Knowledge*, 5 (17), 27-7. (in Persian)
- S. A. Khalifeh Soltani, S. Khajavi.(2016). the Impact of Moral Hazard on Capital Structure, *Empirical Studies in Financial Accounting*, 13 (49), 189-171. (in Persian).
- Vilmos F. Misangyi.(2001). A test of alternative theories of managerial discretion, University of florida.
- Wernerfelt, B.(1985). Brand Loyalty and User Skills. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 6, 381-385.

A Model for Measuring Moral Hazard of Managers Based on Financial Data¹

Bahman Abdigolzar², Younes BadavarNahandi³, Mahdi Zeynali⁴

Received : 2020/09/03

Approved: 2021/01/04

Research Paper

Abstract

The purpose of this study is to provide a model for measuring the moral hazard of managers based on financial data in firms listed in Tehran Stock Exchange. For this purpose, based on the literature, theories and surveys, 22 variables are extracted as sources of management moral hazards and they are and re-exposed to the comments of experts in order to rate the variables in terms of importance. 9 variables are selected based on expert preferences. Then appropriate coefficients are assigned to each variable using the group Analytical Hierarchy process (GAHP) to obtain the initial model. Finally, the obtained model is validated through the identified consequences. The information of the final model, which includes the variables of ownership structure, environmental uncertainty, monopoly in the product market, financial constraints, leverage ratio, free cash flows, capital expenditures, internal risk of the company and life cycle of the company, is collected from Tehran Stock Exchange. Results from the model validation test show that management moral hazards has a positive and significant relationship to information asymmetry and stock prices crash risk and a negative and significant relationship to investment efficiency. As a result, the proposed model can be effective for decision making especially in the capital market. Possibility of measuring management moral hazards, the necessary actions can be taken to reduce it through the establishment of strong corporate governance mechanisms for control and supervision.

Keyword: Agency Theory, Information Asymmetry, Investment Efficiency, Moral Hazard of Managers Based on Financial Data, Stock Prices Crash Risk.

JEL Classification: G32, D82, G14, D82, G19

1. DOI :10.22051/JERA.2021.35722.2844

2. Ph.D.Candidate, Department of Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, (abdigolzar@iauosku.ac.ir)

3. Associate Professor, Department of Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, corresponding author, (badavarnahandi@iaut.ac.ir)

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran, (zeynali@iaut.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Dimensions of Corporate Governance In The Islamic Paradigm¹

Younes abbasi², Babak jamshidi navid³, Mehrdad Ghanbari⁴

Received : 2021/04/26
Approved: 2021/08/11

Research Paper

Abstract

The purpose of this study is to investigate and determine the dimensions and components required to develop a corporate governance model consistent with Islamic principles and standards. To do this, all available and related sources related to corporate governance up to 1399 (2021) have been studied. To analyze the sources, the Meta-Synthesis and the seven-step method of Sandlowski and Barroso using dimensions and components coding have been applied. After systematic review of texts and selection of sources using CAPA index, in consideration of international models of corporate governance and their compliance with Islamic principles and norms, dimensions of corporate governance have been identified in the Islamic paradigm and the components of corporate governance have been introduced from the perspective of Islamic principles. Therefore, the research results show the effectiveness of moral principles, social commitment, responsiveness, transparency, decision-making and Islamic supervision dimensions which guarantee optimal and desirable corporate governance goals.

Keyword: Dimensions of corporate governance - Islamic paradigm - Islamic corporate governance - Meta-Synthesis

JEL Classification: G34, G38, C54

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.35884.2851

2. Department of Accounting, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University of Kermanshah, Iran

3. Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

4. Department of Accounting, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Dynamics of Diversification, Capital Structure and Profitability¹

Majid Montashery², Moslem Nilchi³, Daryosh Fareed⁴

Received : 2020/11/09
Approved: 2021/02/13

Research Paper

Abstract

This study investigates the dynamic relationship among diversification, capital structure and profitability of firms listed in Tehran Stock Exchange. The research sample selected using systematic elimination method, consists of 140 firms listed in TSE from 2011 to 2017. The hypotheses are analyzed using the panel VAR approach. Impulse response functions illustrate significant dynamic interrelationships in the financial sector. The results indicate that any coincident increase in finance diversification and capital structure of a firm optimizes its profitability, and any increase in profitability results in increase of diversification and capital structure. With increasing diversification, profitability will increase and capital structure will decrease. Further, if capital structure increases, the profitability will increase and diversification will decrease in firms listed in Tehran Stock Exchange.

Keyword: Diversification, Capital Structure, Profitability, Panel VAR approach.

JEL Classification: L25, G32.

1. DOI: 10.22051/JERA.2020.28192.2542

2. PhD candidate of financial engineering, Department of Accounting and Finance, Faculty of Management, Yazd University. (Montashery@stu.yazd.ac.ir).

3. Ph.D. candidate in Finance- Financial Engineering, Yazd University. (Moslem.nilchi@gmail.com)

4. Associate prof. Department of Finance, Yazd University. (Corresponding author). (Fareed@yazd.ac.ir)

Effective Factors on Client Non-acceptance Decision by Auditing Firms¹

Fakhroddin Mohammad Rezaei², Omid Faraji³,
Mohammad Alavi Nasab⁴, Shiva Mosallanejad⁵

Received : 2020/06/04

Approved: 2020/08/25

Research Paper

Abstract

High competition in the auditing profession can encourage auditing firms to find new clients. However, the reputation of the auditing firm is important in terms of reliability, and they are generally reluctant to accept clients with management misconduct or misleading reporting. Therefore, this research uses scientific sources to extract the most important general categories and components affecting client non-acceptance decision. Accordingly, a semi-structured interview with 16 partners and technical managers of auditing firms is designed and conducted. The categories and components affecting the non-acceptance decision are identified through coding and content analysis of the interviews. Then a questionnaire is designed and data (234 completed questionnaires) is collected based on it. The results show that the five general categories including company financial information, notoriety and discredit of the client, inability to comply with the ethical requirements of the institution, inability to perform audit work and the nature of the client's operations are the most important factors influencing the non-acceptance decision. The results also show that in some cases, the categories affecting client non-acceptance decision in Iran may be different from the categories highlighted in international texts.

Keyword: Non-acceptance decision, notoriety and discredit of the client, inability to comply with the ethical requirements, lack of auditors' competence and time

JEL Classification: M42.

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.35687.2841

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Financial Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran, (f.mrezaei@khu.ac.ir)

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran, corresponding author, (omid_faraji@ut.ac.ir)

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran, (alavinsb@ut.ac.ir)

5. PhD student, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran, (shivamosallanejad@ut.ac.ir)

Audit Tenure and Rotation with the Report of Weaknesses of Internal Control on Financial Reporting¹

Azam valizadeh Larijani² Azadeh Maddahi³, Nasrin Sheybani⁴

Received : 2021/02/28

Approved: 2021/06/10

Research Paper

Abstract

In accordance with existing rules and regulations, a firm's external auditors can play a significant role in identifying and disclosing material weaknesses of internal controls. Accordingly, the purpose of this study is to examine the tenure and rotation of external auditors (at the level of the institution and the partner) and the material weaknesses of internal controls over financial reporting. The statistical population of this research is firms listed in Tehran Stock Exchange during the years 2012 to 2019 and the method of data analysis is logistic regression. Results show that there is a positive and significant relationship between the tenure of the external auditor (at the level of the institution and the partner) and the disclosure of material weaknesses of internal controls over financial reporting in the external auditor's report. There is also a positive and significant relationship between the audit firm's rotation and the disclosure of material new weaknesses in the internal controls over financial reporting in the external auditor's report. However, no significant relationship is observed between the audit firm's partner rotation and the disclosure of material new weaknesses in the internal controls on financial reporting in the external auditor's report.

Keyword: Audit firm tenure, Audit partner tenure, Audit firm rotation, Audit partner rotation, Weaknesses of internal controls over financial reporting

JEL Classification: G30; M42

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.36429.2881

2. Assistant Professor of Accounting, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding author), (a.valizadeh@alzahra.ac.ir)

3. Assistant Professor of Accounting, Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran, (a.maddahi@alzahra.ac.ir)

4. MSc. of Accounting, Faculty of Social and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran (nasrinsheybani.n69@gmail.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Comparison of Traditional and Blended Learning Methods in terms of Academic Satisfaction of Accounting Students¹

Maryam Sadat Tabatabaeian², Shahnaz mashayekh³

Received: 2021/04/24
Approved: 2021/08/06

Research Paper

Abstract

The rapid advancement of technology and student needs for flexibility and convenience in education, have required universities to make changes to traditional teaching methods. The blended learning method, which uses the technological facilities of E-learning and the social benefits of the traditional learning, is a solution to meet this need. This study, with the aim of comparing students' satisfaction of blended and traditional education of Intermediate accounting 1, tries to introduce a new method for accounting education. In this quasi-experimental study, 142 students from different universities are divided into experimental and control groups. The electronic content used in the blended method is prepared and implemented by the researcher before the first semester of the 99-98. After teaching in blended and traditional methods, at the end of the semester, students' satisfaction of the manner and characteristics of meetings, course communication, educational videos and lesson content is measured by a reliable and valid questionnaire. Data is analyzed through T-test. According to the research findings, the satisfaction of students in the two groups is not significantly different. This research is conducted before the coronavirus epidemic and the requirement of universities for E-learning. Using the results of this study, universities can have better planning for accounting education in the post-corona era.

Keyword: Traditional learning method, Electronic learning method, Information and communication technology, blended learning method, Academic satisfaction.

JEL Classification: A22

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.35867.2847

2. Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran.(
maryamsadattabatabaeian@gmail.com)

3. Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran,
Iran. (sh.mashayekh@alzahra.ac.ir)

Management's Behavior towards Fraudulent Financial Reporting: Using a Modified Theory of Planned Behavior¹

Mons Sadat Kaboli², Hashem Nikomaram³, Fereydon Rahnamay Roodposhti⁴

Received: 2019/02/10
Approved: 2019/02/21

Research Paper

Abstract

This research applies the modified theory of planned behavior (MTPB) to corporate manager's decision-making and behavior related to detection of fraudulent financial reporting. The sample consists of 319 people selected from the statistical population consisting the board members, chief executive managers and financial managers. Hypotheses are tested using standard questionnaire and structural equations modeling. The results suggest that the modified theory of planned behavior can be an appropriate mechanism to predict manager decisions related to fraudulent financial reporting.

This study is useful for regulators, standard developers, and the corporate stakeholders who seek a fraudulent behavior therapy for management financial reporting.

Keyword: modified theory of planned behavior (MTPB), fraudulent financial reporting, professional ethics, decision making

JEL Classification: A13, D01, D03, D70, M42.

1. DOI: 10.22051/JERA.2019.24557.2351

2. PhD student Accounting, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (nikoomaram.hashem@gmail.com)

4. Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Social Responsibility, Corporate Governance and Lack of Financial Reporting Transparency In Tehran Stock Exchange¹

Parisa Sadat Behbahaninia², Narges Asgari³

Received: 2021/04/02
Approved: 2021/10/02

Research Paper

Abstract

Transparency helps create market confidence and supports economic sustainability. The concept of social responsibility is quite close to the concept of sustainable development. The consequence of the sustainable development approach is special attention to the concept of disclosure and reporting of corporate social responsibility. The growing interest in disclosing corporate accountability reflects an increasing demand for transparency. Therefore, social responsibility and corporate governance are expected to play an effective role in reducing opacity in Financial Reporting. This study examines the moderating effect of corporate governance quality on the relation between corporate social responsibility and opacity in financial reporting. The sample consists of 114 firms listed in Tehran Stock Exchange during the years 2014 to 2019. Results show that social responsibility reduces the opacity in financial reporting and corporate governance reduces the severity of this negative relation.

Keyword: Opacity in Financial Reporting, Corporate Social Responsibility, Corporate Governance Quality.

JEL Classification: M40, M14

1. DOI: 10.22051/JERA.2021.35376.2823

2. Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. . (Corresponding Author). (P.behbahaninia@alzahra.ac.ir).

3. Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. (narges.asgari.71@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

The Comparison of Fraud Models in Audit Plan Adjustment¹

Masoud Taheri², Naser Izadi Nia³, Rozita Moayedfar⁴

Received: 2018/10/02
Approved: 2018/12/28

Research Paper

Abstract

Designing an audit plan that can respond adequately to fraud risks is one of the most important verifying activities of auditors. In this regard, this study compares triangle, Diamond and Pentagon models of fraud in audit plan adjustment. Fraud triangle model introduces pressure/ motivation, opportunity and justification as fraud dimensions. However, the fraud diamond model considers the capability dimension in addition to the three above-mentioned dimensions to assess fraud risk. The fraud pentagon model also considers the arrogance dimension, in addition to the four above-mentioned dimensions. In order to compare these models, an experimental case has been used. The statistical population of the study is certified public accountants in year 2018. The results show that using the fraud diamond model, as compared to the fraud triangle model, and using the fraud pentagon model, as compared to the triangle and diamond models of fraud, lead to more audit plan adjustment.

Keyword: Audit Plan Adjustment, Fraud Diamond Model, Fraud Pentagon Model, Fraud Triangle Model.

JEL Classification: M41 +M42

1. DOI: 10.22051/JERA.2019.22343.2197

2. Ph.D in Accounting, University of Isfahan, Isfahan, Iran, Corresponding Author, (masoudtaheri99@yahoo.com)

3. Associate Prof. , Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran, (n.izadnia@ase.ui.ac.ir)

4. Assistant Prof. , Department of Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran, (r.moayedfar@ase.ui.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Effects of the Stock Exchange Competitive Level on Information Asymmetry and Cost of Capital¹

Bashir Shekari², Rezvan Hejazi³, Ghodratolah Taleb Nia⁴,
Hamidreza Vakilifard⁵

Received : 2018/04/29

Approved: 2018/07/28

Research Paper

Abstract

Information is distributed asymmetrically among investors in financial markets. In such a situation, investors increase their expected returns to cover risks. Therefore, the risk of reported information and asymmetric distribution of information will be an effective factor on the expected returns of shareholders or the cost of capital. Accordingly, the purpose of this study is to investigate the effect of asymmetry information on the cost of capital in two different competition levels in Tehran Stock Exchange. The sample consists of 145 firms listed in Tehran Stock Exchange during the period from 2011 to 2016. In order to test the research hypotheses, the data panel regression analysis is performed using a compilation method. Findings of the research show that information asymmetry has a positive effect on cost of capital, based on all three criteria for measuring information asymmetry. In other words, with increasing information asymmetry, the cost of equity is also rising. The results also show that market competition level has a significant effect on the relationship between information asymmetry and equity costs. In other words, at the level of incomplete market competition, the positive effect of information asymmetry on the cost of capital is strengthened, while at the full competition level, the positive effect of information asymmetry on the cost of capital is weakened.

Keyword: Competitive market level, cost of capital, information asymmetry, accruals quality, bid-ask price difference.

JEL Classification: D41, D42, D82, E31.

1. DOI: 10.22051/JERA.2018.20118.2018

2. PhD Student Department of Accounting, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran. (bashirshekari57@gmail.com).

3. Professor Department of Accounting, Khatam University, Tehran, Iran. Corresponding Author. (r.hejazi@khatam.ac.ir).

4. Associate Professor Department of Accounting, Oloom Tahghighat Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (gh_talebnya@gmail.com).

5. Associate Professor Department of Accounting, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran. (vakilifard_phd@yahoo.com).

Table of Content

Effects of the Stock Exchange Competitive Level on Information Asymmetry and Cost of Capital	1
Bashir Shekari, Rezvan Hejazi, Ghodratolah Taleb Nia, Hamidreza Vakilifard	
The Comparison of Fraud Models in Audit Plan Adjustment	33
Masoud Taheri, Naser Izadi Nia, Rozita Moayedfar	
Social Responsibility, Corporate Governance and Lack of Financial Reporting Transparency In Tehran Stock Exchange	55
Parisa Sadat Behbahaninia, Narges Asgari	
Management's Behavior towards Fraudulent Financial Reporting: Using a Modified Theory of Planned Behavior	77
Mons Sadat Kaboli, Hashem Nikomaram, Fereydon Rahnamay Roodposhti	
Comparison of Traditional and Blended Learning Methods in terms of Academic Satisfaction of Accounting Students	105
Maryam Sadat Tabatabaeian, Shahnaz mashayekh	
Audit Tenure and Rotation with the Report of Weaknesses of Internal Control on Financial Rporting	125
Azam valizadeh Larijani, Azadeh Maddahi, Nasrin Sheybani	
Effective Factors on Client Non-acceptance Decision by Auditing Firms	151
Fakhroddin Mohammad Rezaei, Omid Faraji, Mohammad Alavi Nasab, Shiva Mosallanejad	
Dynamics of Diversification, Capital Structure and Profitability	169
Majid Montashery, Moslem Nilchi, Daryosh Fareed	
Dimensions of Corporate Governance In The Islamic Paradigm	187
Younes abbasi, Babak jamshidi navid, Mehrdad Ghanbari	
A Model for Measuring Moral Hazard of Managers Based on Financial Data	237
Bahman Abdigolzar, Younes BadavarNahandi, Mahdi Zeynali	

Licence Holder: Alzahra University

Director: Hoseini, Seyed Ali (Associate Prof. Alzahra University)

Editor in chief: Rahmani, Ali (Prof. Alzahra University)

Executive Manager: Pakkhesal, Azam

Scientific and Literally Editor: Bashirimanesh, Nazanin

English Editor: Ebrahimi, Elaheh

Lay out editor: Hasanzadeh Aliabadi, Marzieh

Print and Binding: Ramtin Publishing

Editorial Board

Pourheidari, Omid, Proffessor of Baahonar University

Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University, The USA

Hejazi, Rezvan, Proffessor of Alzahra University

Rahmani, Ali, Professor of Alzahra University

Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University, The USA

Sajadi, Hosein, Proffessor of Shahid Beheshti University

Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Proffessor of Alzahra University

Mashayekhi, Bita, Associate Proffessor Tehran University

Mehrani, Sasan, Associate Proffessor of Tehran University

Homayoun Saeid, Associate Professor of Gavle University, Swed

Yazdifar Hassan, Professor of Salford University Business School, The UK

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran-Iran. P. O Box 1993891176

Tel & Fax: (+9821) 88212578

Website: <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>

Email: jera@alzahra.ac.ir

This journal is published in collaboration with the Iran Management Accounting Association.

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

Empirical Research in Accounting
“Scientific Journal”

Winter 2021, Vol 11, Number 42